



نبرد خرمشهر و آبادان در آغاز جنگ تحمیلی

(از تجاوز تا تثبیت)

نویسنده: سر تیپ ۲ ستاد علی نیکفرد

۱۳۹۴

شناسنامه کتاب

نویسنده: سرتیپ ۲ ستاد علی نیکفرد

نوبت/ سال چاپ:

شماره شایک :

شمارگان:

ناشر :

مرکز پخش:

قیمت:

«حق چاپ محفوظ است»

تقدیم به:

خانواده‌های صبور رزمندگان مظلومی که با نثار خون
پاکشان در سرزمین اهورایی ایران، در روزهای آغازین
جنگ در خرمشهر و آبادان شجاعانه دفاع کردند.

و

تقدیم به همسرم که در دوران جنگ تحمیلی به مدت
هشت سال صبورانه رنج دوری را تحمل کرد.

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۷	بخش یکم: کلیات
۱۷	سوابق اختلافات تاریخی
۲۳	قراداد الجزایر
۲۴	موقعیت جغرافیائی منطقه
۳۳	بحران سیاسی در خرمشهر و آبادان
۴۰	تحولات عراق
۴۵	بخش دوم: عوامل مؤثر قدرت نظامی
۴۶	عوامل مؤثر در قدرت نظامی عراق
۶۸	عوامل مؤثر در قدرت نظامی ایران
۱۰۳	بخش سوم: آخرین وضعیت در خرمشهر و آبادان قبل از جنگ
۱۰۷	شرح حوادث شش ماه اول سال ۱۳۵۹
۱۱۷	بحران در لشکر ۹۲ زرهی
۱۲۰	گزارشات و پیام‌های مبادله شده نیروهای نظامی
۱۴۳	بخش چهارم: منطقه عملیاتی خوزستان
۱۴۳	وضعیت عمومی
۱۴۵	استحکامات ایران در مرز شلمچه
۱۴۶	گردان ۱۵۱ دژ
۱۴۹	وضعیت عراق در مرز شلمچه (شرق بصره)
۱۵۲	لشکر ۳ زرهی در تهاجم به خرمشهر
۱۵۷	طرح پدافندی ایران در غرب خرمشهر
۱۶۰	درگیری‌های مرزی قبل از تهاجم سراسری

۱۶۵	بخش پنجم: آغاز تهاجم
۱۶۵	آغاز تهاجم
۱۶۵	وضعیت شهر در آغاز تهاجم
۱۶۸	تهاجم زمینی
۱۶۸	مرحله بندی عملیات
۱۶۹	مرحله یکم: از شلمچه تا نهر عرایض
۱۶۹	شرح عملیات
۱۷۳	ورود نیروهای تقویتی
۱۸۵	اقدامات سیاسی عراق برای توقف جنگ
۱۸۶	آخرین وضعیت خودی و دشمن
۱۸۷	اهم تحولات مرحله یکم
۱۸۸	مرحله دوم: از نهر عرایض تا محاصره خرمشهر
۱۸۸	شرح عملیات
۱۹۱	هماهنگ کننده عملیات در خرمشهر
۱۹۲	نقش هوانیروز
۱۹۳	عملکرد نیروهای ایرانی از دیدگاه‌های مختلف
۱۹۶	گزارش نیروهای خودی از آخرین وضعیت
۱۹۷	گزارش نیروهای عراقی از آخرین وضعیت
۲۰۳	مرحله سوم: تلاش دشمن برای ورود به شهر
۲۰۳	سابقه جنگ‌های شهری در تاریخ
۲۰۴	آخرین وضعیت
۲۰۵	تشکیل قرارگاه محمّره
۲۰۶	گسترش نیروهای خودی
۲۰۹	مرحله چهارم: نبرد در مناطق مسکونی
۲۰۹	محورهای تهاجم در جریان نبرد
۲۱۴	روایت رزمندگان از صحنه های ایثار
۲۱۸	نقش مسجد جامع در هدایت رزمندگان

۲۲۰	اظهارات فرماندهان اسیر عراقی
۲۲۷	مرحله پنجم: ادامه نبرد در مناطق مسکونی شهر
۲۲۷	شرح عملیات
۲۳۰	استعداد نیروهای خودی در مرحله پنجم
۲۳۱	گزارش نهادهای مسئول
۲۳۶	آخرین وضعیت در روز ۵۹/۷/۳۰
۲۳۹	مرحله ششم: تبدیل خرمشهر به خونین شهر
۲۳۹	وضعیت عمومی
۲۴۰	آخرین اقدامات ستاد عملیاتی آبادان
۲۴۵	بازتاب نبرد خرمشهر در مطبوعات جهان
۲۴۶	گزارش فرماندهان اسیر عراقی
۲۴۷	گزارش فرمانده سپاه پاسداران خوزستان
۲۴۷	سخن آخر
۲۵۱	بخش ۶: عملیات آبادان (منطقه شرق کارون)
۲۵۱	مرحله یکم: عبور از کارون
۲۵۱	علل ورود دشمن به شرق کارون
۲۵۵	فرایند آگاهی عبور دشمن از رودخانه کارون
۲۵۷	وضعیت جغرافیایی شرق کارون
۲۵۸	استعداد دشمن و خودی در شرق کارون
۲۵۹	اقدامات خودی و دشمن در شرق کارون
۲۶۵	مرحله دوم: تشکیل قرارگاه فرماندهی اروند
۲۶۵	علل تشکیل قرارگاه
۲۶۶	اقدامات قرارگاه اروند
۲۷۰	استعداد اولیه قرارگاه اروند
۲۷۲	مرحله سوم: عملیات آفندی قرارگاه اروند
۲۷۲	اهداف و طرح آفندی قرارگاه
۲۷۳	طرح ستاد عملیات آبادان
۲۷۵	طرح عملیاتی گردان ۱۴۴ پیاده (جبهه ماهشهر)

۲۷۶	شرح عملیات آفندی قرارگاه اروند
۲۷۸	نتیجه عملیات
۲۸۰	دیدگاه سرلشکر شهید فلاحی
۲۸۳	مرحله چهارم: پیشروی دشمن به سمت آبادان
۲۸۳	طرح عبور دشمن از بهمنشیر در نبرد آبادان
۲۸۳	وضعیت نیروهای خودی در نبرد آبادان
۲۸۳	وضعیت نیروهای خودی در نبرد آبادان
۲۸۵	نفوذ دشمن به داخل آبادان
۲۸۹	عملیات کوی ذوالفقاری
۲۹۲	سخن آخر
۲۹۵	بخش هفتم: پیوست خاطرات رزمندگان
۲۹۶	خاطرات رزمندگان سپاه پاسداران
۳۰۲	خاطرات رزمندگان نیروهای نظامی و انتظامی
۳۴۳	منابع
۳۴۵	راهنمای نقشه

پیشگفتار

خداوند متعال منابع طبیعی بیشماری را برای استفاده مخلوقات آفریده است. تاکنون بسیاری از این منابع توسط بشر کشف و مورد استفاده قرار گرفته و بنا به نیاز فطری از آن استفاده شده است. بسیاری از این منابع در ماوراءآسمان‌ها و یا اعماق زمین و دریاها ذخیره‌ای برای استفاده نسل‌های آینده بشری باشند.

در قرون گذشته از منابع سطحی و کم عمق زمین و دریا استفاده شده است. امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی و افزایش نیازها، علاوه بر منابع بهره‌برداری شده، سایر منابع دیگری که در اعماق زمین و دریاها و یا احتمالاً در سایر کرات وجود دارند باید کشف و مورد بهره‌برداری قرار گیرند. بنابراین تمامی اینگونه منابع، ثروت عظیمی است که در اختیار بشر قرار گرفته است.

حکومت‌ها همواره در تلاشند که با توسعه سرزمین‌ها، ثروت بیشتری را نصیب جامعه خود کنند. با توسعه صنایع و افزایش نیاز به مواد خام، حس توسعه طلبی حکومت‌ها نیز فزونی یافته است. کشورهای سلطه‌گر سعی دارند کشورهای صاحب ثروت طبیعی را تحت سلطه قرار دهند تا ضمن تسلط بر منابع طبیعی آنان، با فروش کالاهای تجاری و صنعتی خود، سود مضاعفی به دست آورند.

دستیابی به این هدف استعماری اولاً مستلزم تحت سلطه قرار دادن حکومت‌های کوچک و در ثانی تسلط بر خطوط مواصلاتی اعم از خاکی و آبی بین کشورها می‌باشد.

از طرفی قطب‌های قدرت در رقابت با یکدیگر، تلاش دارند سرزمین بیشتری را تحت سلطه قرار داده و با داشتن چشم طمع به مناطق تحت تسلط دیگران مبادرت به جنگ با آنان کرده و همچنین با کشور خواهان استقلال وارد جنگ می‌شدند؛ لذا در طول تاریخ، جهان در سرزمین‌های مختلف شاهد جنگ‌های خانمان‌سوزی بوده که نتیجه آن همواره نادیده انگاشتن حقوق ملت‌های صاحب ثروت و تقسیم ثروت آنان بین کشورهای سلطه‌گر بوده است.

برای آغاز جنگ همواره بایستی بهانه‌ای وجود داشته باشد، یکی از بهانه‌های رایج، اختلافات ایدئولوژی است. لذا، با این بهانه و تحت تأثیر قرار دادن توده‌های جامعه آنان را برای جنگ آماده می‌کنند.

پدیده‌های مختلفی تاریخ را تشکیل داده که با عبرت گرفتن از آن‌ها می‌توان از نتایج آن بهره‌مند شد. هر پدیده‌ای به تنهایی معلولی است که لازم است با استفاده از رابطه علت و معلول به علل وقوع آن پی برد و از آن درس گرفت.

جنگ، بیشترین پدیده تاریخ را تشکیل می‌دهد. قدرت‌مداری، توسعه‌طلبی و دست‌اندازی به ثروت‌های طبیعی در نقاط مختلف جهان عامل اصلی بر افروختن آتش جنگ‌ها می‌باشد.

قدرت‌های سلطه‌گر جهانی با ندای عدالت و آزادی به ملت‌ها نزدیک شده و با تحت سلطه قرار دادن حکومت‌ها مبادرت به استثمار آنان می‌کنند و در صورتی که ملتی خواهان استقلال باشدو مقاومت کند، اقدام به لشکرکشی کرده و با استیلا بر آنان هدف خود را تعقیب و آنرا حقی برای تأمین منافع نامشروع خود عنوان می‌کنند. بنابراین می‌توان برای علل وقوع جنگ‌ها فرضیه زیر را بیان کرد:

«جنگ یک معلول است و علت آن نیاز استثمارگران به ثروت سایر ملل می‌باشد»

برای تأیید فرضیه فوق به روند شکل‌گیری جنگ‌ها در طول تاریخ اشاره می‌شود.

۱- تا قبل از قرن بیستم هر یک از امپراطوری‌ها، به نوعی به مناطق هم‌جوار و دوردست هجوم آورده و پس از سلطه بر آنان، اقدام به جمع‌آوری غنایم و با تعیین غرامت سالیانه، حکومت آنان را به رسمیت شناخته و یا حاکمی را برای اداره آن مناطق تعیین می‌کردند. مانند لشکرکشی‌های دوران باستان تا اواخر قرن نوزدهم.

۲- در نیمه اول قرن بیستم با تغییر نظام‌های حکومتی، حکومت‌های قدرتمند و سلطه طلب برای مشروع جلوه دادن اعمال جنگ‌طلبانه خود، ابتدا با سایر کشورها ائتلاف کرده و سپس مشترکاً جنگ را در منطقه‌ای علیه کشورها یا کشور مورد نظر آغاز می‌کردند. این شیوه همکاری موجب می‌شد که اولاً ضمن کاهش آسیب‌پذیری، هزینه‌های جنگ مشترکاً پرداخت شود؛ در ثانی پس از موفقیت در جنگ‌های ائتلافی، غنایم و امتیازات حاصله را به نسبت سهمی

که در جنگ داشته‌اند تقسیم کنند. بدین ترتیب با چنین اجماعی به اعمال سلطه‌طلبانه خود مشروعیت می‌دادند. نمونه اینگونه جنگ‌ها، ائتلاف کشورهای شرق و غرب در جنگ جهانی اول و دوم است.

۳- در نیمه دوم قرن بیستم ترفند دیگری در مقابل ملت‌هایی که حاضر به تبعیت و واگذاری حقوق خود نبوده و خواهان استقلال کشورشان بودند به کار گرفته شد. کشورهای استثمارگر در مقابل مقاومت اینگونه ملت‌ها مبادرت به لشکرکشی نموده تا آنان را مجبور به اطاعت کنند، مانند جنگ‌های کره، ویتنام، آرژانتین، عراق، افغانستان و ...

۴- از ترفندهای اخیر کشورهای استعمارگر برای به زانو درآوردن ملت‌های بپا خاسته و خواهان استقلال به کارگیری حکومت‌های دست‌نشانده و هم‌جوار برای جنگ با آنان می‌باشد. آنان با استفاده از اختلافات تاریخی، مرزی، عقیدتی و همچنین دشمنی ناشی از بغض و کینه حاصل از آن، آنان را وادار به جنگ با کشور مورد نظرشان می‌کنند. تا از این طریق ضمن کاهش آسیب‌پذیری به اهداف خود نایل آیند. مانند جنگ اعراب و اسرائیل و جنگ عراق با ایران. اینگونه جنگ‌ها «جنگ نیابتی» نامیده شده است.

ملت ایران، پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به علت آن که حاضر نبود هم‌چنان تحت سلطه دیگران باقی بماند. لذا با اعلام استقلال خواهی هدف تجاوز کشورهای استثمارگر که منافع خود را در ایران و منطقه در خطر احساس می‌کردند، قرار گرفت.

در طول تاریخ مشکلات فراوانی بین کشور ایران و عراق از جمله اختلافات مرزی وجود داشت. آخرین اختلاف مرزی، تعیین خط مرز آبی در اروندرود (شط‌العرب) بود که در نهایت در قرارداد الجزایر به این اختلاف پایان داده شد.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اختلافات عقیدتی نظام‌های حاکم دو کشور، سوءظن حکومت بعثی عراق را برانگیخت و حکومت انقلابی (شیعه) ایران را تهدیدی برای حکومت بعثی (سنی) خود تلقی کرد.

به خطر افتادن منافع دولت‌های استثمارگر در منطقه فرصتی بود که آنان از حکومت بعثی عراق برای ترفند جدیدشان در جهت حفظ منافع خود استفاده کنند. از طرفی وضعیت

داخلی حکومت نوپای جمهوری اسلامی به گونه‌ای بود که عراق تصور کرد با استفاده از فرصت و حمایت دولت‌های استثمارگر قادر خواهد بود ضمن رفع تهدید از ناحیه حکومت شیعی ایران نسبت به رفع تحقیری که بر اثر معاهده الجزایر احساس می‌کرد، اقدام کند، لذا، با بهانه قرارداد پیمان ۱۹۷۵ الجزایر تصمیم به جنگ با ایران گرفت.

جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس (جنگ) را تا بیرون راندن ارتش متجاوز عراق از سرزمین‌های اشغالی ادامه داد و همچنین حامیان او را در رسیدن به اهداف سلطه‌طلبانه ناامید کرد. ایران ضمن نشان دادن اقتدار ملی از حقوق ملت در برابر تمامی کشورهای استکباری شرق و غرب ایستادگی کرد و هم‌چنان در جهت حفظ استقلال کشور از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

سرتیپ ۲ پیاده ستاد علی نیکفرد

مقدمه

پس از انقراض حکومت شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران، حکومت بعثی با استفاده از فرصت در صدد برآمد اهداف توسعه‌طلبانه خود را تحقق بخشد. آن کشور با بهانه ملغی کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، جنگ را علیه ایران آغاز کرد. علل تصمیم‌گیری عراق برای ورود به چنین جنگی را می‌توان در عوامل زیر جستجو کرد.

- ۱- ترس از صدور انقلاب اسلامی توسط حکومت شیعی ایران.
- ۲- رفع عقده حقارتی که از عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر احساس می‌کرد.
- ۳- نیاز به توسعه نفوذ در خلیج فارس
- ۴- ادعای عربی بودن سرزمین خوزستان
- ۵- ادعای تعلق جزایر ۳ گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به اعراب
- ۶- به دست گرفتن رهبری کشورهای عربی
- ۷- برخورداری از پشتیبانی کشورهای استعماری که عراق را برای جنگ با ایران برگزیده بودند.

عراق در تهاجم به استان خوزستان ۲ هدف راهبردی ذیل را به صراحت اعلام کرده بود.

- ۱- جداسازی خوزستان (هدف حداکثری)
 - ۲- تسلط بر اروندرود (هدف حداقلی)
- برای تحقق هدف حداکثری مسدود کردن راه‌های ارتباطی استان با مرکز کشور و استان‌های هم‌جوار را به عنوان هدف تاکتیکی و برای تحقق هدف حداقلی (تسلط بر اروندرود) تصرف شهرهای خرمشهر و آبادان را به عنوان هدف تاکتیکی تعیین کرده بود.

خرمشهر در طول تاریخ چندین بار به تصرف امپراطوری عثمانی که در سرزمین بین‌النهرین (عراق) حکومت می‌کردند درآمد. هر بار حاکمان ایران توانستند با واگذاری بخش‌هایی از سرزمین تحت تسلط خود در بین‌النهرین و سایر مناطق، خرمشهر را بازپس گیرند: یک بار با واگذاری شهر هرات به افغانستان و یک بار در مقابل واگذاری منطقه سلیمانیه

و ذهاب به دولت عثمانی. اما حکومت بعثی در جنگ تحمیلی پس از تصرف خرمشهر، با مقاومت نسلی از رزمندگان و مدافعان در خرمشهر روبرو شد که از پشتوانه توکل بر خداوند متعال و رهبری پیامبرگونه‌ای برخوردار بودند. آنها توانستند طعم پیروزی عراق را از همان آغاز تجاوز به کام آنها تلخ کنند و سرانجام بدون واگذاری هیچ‌گونه معوض و یا امتیازی، خرمشهر را با دو حماسه بزرگ ملی، یکی حماسه «مقاومت» و دیگری حماسه «آزادسازی» از چنگ دیوسیرتان بعثی خارج سازند.

حماسه مقاومت در خرمشهر را بایستی عظیم‌تر از آزادی آن دانست، زیرا حماسه خرمشهر به نسل‌های آتی نوید می‌دهد که نبایستی در مقابل ناکامی‌ها تسلیم شد و دست از تلاش و کوشش برداشت. این حماسه پیام‌های زیر را برای نسل‌های آینده کشور با خود دارد:

۱- اگر خرمشهر بدون مقاومت تسلیم می‌شد، ادامه جنگ برای آزادی آن معنی نداشت.

۲- مقاومت خرمشهر و آبادان از همان آغاز تهاجم به نیروهای متجاوز فهماند که رسیدن به اهداف حاکمان عراق مقدور نیست، لذا تزلزل روحی آنان را به همراه داشت.

۳- مقاومت خرمشهر نشان داد با امکانات کم، اما توکل بر خدای متعال و اراده قوی، می‌توان در مقابل ارتش‌های تا دندان مسلح، ایستادگی کرد و تا رسیدن به پیروزی هراسی به خود راه نداد.

حماسه مقاومت و پایداری شهرهای خرمشهر و سپس آبادان به صورت مختلف از قبیل شرح روایت، رمان، داستان و خاطرات به رشته تحریر درآمده است، ولی کتابی که از نظر تحقیقی بتواند مورد استفاده محققین قرار گیرد کمتر منتشر شده است.

نبرد خرمشهر درس‌های فراوانی از دیدگاه نظامی با خود دارد و واکاوی آن، می‌تواند در تاکتیک و تکنیک جنگ‌های ناهمپراز (نامتقارن) مورد استفاده قرار گیرد.

از آنجایی که موضوع کتاب مربوطه به نبرد در خرمشهر و آبادان می‌باشد، لذا در این کتاب سعی شده در مباحث کتاب به موارد زیر اشاره شود.

۱- موقعیت جغرافیایی، سوابق اختلافات تاریخی خرمشهر و اهمیت آن از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی.

۲- انگیزه‌های آغاز جنگ

۳- مقایسه وضعیت ارتش عراق و جمهوری اسلامی ایران قبل از آغاز جنگ

۴- طرح‌های طرفین، شرح چگونگی تجاوز در خرمشهر و آبادان و چگونگی مقاومت نیروهای رزمنده ایران در خرمشهر و آبادان به مدت ۴۰ روز

۵- شرح برخی از خاطرات رزمندگان به عنوان تاریخ شفاهی

نگارنده کتاب با درجه سرگردی، از آغاز تجاوز تا نجات آبادان از محاصره کامل در صحنه نبرد به عنوان یک رزمنده و افسر عملیات حضور داشته، لذا حوادث را با دید تخصصی به رشته تحریر در آورده است. در این نوشتار تلاش شده آنچه از نظر تاکتیک و تخصص نظامی می‌تواند برای آیندگان مفید باشد به نگارش درآید.

ضمن تشکر از کلیه دوستان و همکاران که مرا در این نوشتار راهنمایی و اطلاعات خود را در اختیار گذاشته‌اند، از کلیه خوانندگان محترم خواهشمندم هرگونه انتقاد و یا پیشنهادی در مورد مطالب کتاب دارند، اعلام و اینجانب را قرین تشکر فرمایند.

سرتیپ ۲ پیاده ستاد علی نیکفرد

بخش اول

کلیات

سوابق اختلافات تاریخی

سوابق تاریخی شناسنامه‌ایست که نسل‌های آینده می‌توانند با استفاده از آن به ماهیت تحولات پی ببرند. آنان با عبرت گرفتن از تاریخ، قادرند برای آینده برنامه‌سازی کنند. اختلافات ایران و سرزمین‌های غربی کشور از جمله بین‌النهرین سابقه‌ای به قدمت تاریخ دارد. در این نوشتار به اختلافات تاریخی مربوط به منطقه خرمشهر و آبادان از آغاز امپراطوری عثمانی تا حکومت بعث عراق می‌پردازیم. برای پی بردن به اختلافات در دوران‌های قبل از اسلام لازم است به منابع دیگری مراجعه شود.

۱- دوران امپراطوری عثمانی^۱

با ظهور امپراطوری اسلامی در قرن هفتم میلادی، تمامی سرزمین‌های ترکیه فعلی، ایران، عربستان، سوریه، فلسطین، مصر، کشورهای جنوبی مدیترانه و بعضی از کشورهای ساحل شمال مدیترانه، به تناوب به قلمرو این امپراطوری ضمیمه شد. امپراطوری اسلامی پس از قرن‌ها تضعیف و امپراطوری عثمانی جایگزین آن شد. امپراطوری عثمانی در سال ۱۴۷۳ میلادی با براندازی حکومت آق قویونلو در بین‌النهرین (عراق کنونی)، آن سرزمین را رسماً به قلمرو خود اضافه کرد.

با تشکیل حکومت صفویه در آغاز قرن ۱۶ میلادی، کشور ایران پس از ۹ قرن حکومت ملوک‌الطوایفی از یک حکومت مرکزی برخوردار و نام کشور ایران مجدداً احیاء شد. حکومت صفویه در صدد بازگرداندن سرزمین‌های دوران ساسانیان از جمله بین‌النهرین برآمد. از آن به

۱. منبع ردیف ۱، ص ۱۰ تا ۱۵

بعد سرزمین بین‌النهرین و مناطق مرزی به تناوب در تصرف یکی از دو حکومت ایران و عثمانی قرار گرفت.

پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ م. امپراطوری عثمانی منقرض و در بخشی از سرزمین‌های آن، کشور جدیدی به نام عراق با حمایت انگلیس تشکیل گردید. از بدو پیدایش امپراطوری عثمانی بین دو کشور ایران و عراق برای تصرف سرزمین‌های مرزی و منطقه بین‌النهرین تعداد ۲۵ جنگ در گرفت. ۲۴ جنگ در دوران حکومت صفویه، افشاریه و قاجاریه با امپراطوری عثمانی و تنها یک جنگ در دوران حکومت جمهوری اسلامی ایران با کشور عراق بود. در پایان ۲۴ جنگ دو حکومت برای حل اختلافات مجموعاً ۲۲ قرارداد مبادله کردند.

قراردادها به گونه‌ای ابهام‌آمیز تنظیم می‌شد که بروز جنگ بعدی را امکان‌پذیر می‌کرد. در طول این جنگ‌ها، چندین بار دولت ایران سرزمین‌های بین‌النهرین حتی بغداد و همچنین بخش‌های وسیعی از کرکوک و موصل و سلیمانیه (کردستان فعلی عراق) و نواحی شرقی ترکیه امروزی تا دریاچه وان را به تصرف درآورد. متقابلاً در جنگ بعدی حکومت عثمانی سرزمین‌های از دست رفته را متصرف می‌شد. به طور مثال در این جنگ‌ها حکومت عثمانی موفق شد ۳ بار خرمشهر را به تصرف درآورد.

از آنجایی که موضوع این نوشتار به منطقه خرمشهر، آبادان و آبراه اروندرود اختصاص دارد، لذا به قراردادهایی که صراحتاً به آنان اشاره شده می‌پردازیم.^۱

الف- قرارداد ذهاب یا قصر شیرین: در زمان صفویه در سال ۱۶۳۹ م. (۱۰۱۸ ش.) در این قرارداد خط مرزی دو کشور از دهانه خلیج فارس در امتداد اروندرود به طرف شمال تا غرب خرمشهر مورد موافقت قرار گرفت.

ب- عهدنامه گردان: در زمان افشاریه در سال ۱۷۴۶ م. (۱۱۲۵ ش.)، در این قرارداد ضمن مطرح کردن مسائل مورد اختلاف، مفاد قرارداد ذهاب مجدداً مورد پذیرش قرار گرفت.

پ- قرارداد ارزروم اول: در زمان قاجاریه در سال ۱۸۲۳م. (۱۲۰۲ش.)، در این قرارداد نیز مفاد قراردادهای قبلی مورد پذیرش قرار گرفت.

ت- قرارداد ارزروم دوم: در زمان قاجاریه در سال ۱۸۴۷م. (۱۲۲۶ش.)، خلاصه موارد اشاره شده در این قرارداد که به همت میرزا تقی خان امیرکبیر نماینده ایران در ۱۳ بند منعقد شد، عبارتند از:

- (۱) صرف نظر نمودن از کلیه دعاوی مابین طرفین از یکدیگر.
- (۲) واگذاری منطقه غرب ولایت ذهاب به دولت عثمانی و قسمت شرقی آن به دولت ایران مشروط به تسویه عادلانه کلیه خساراتی که متحمل شده‌اند.
- (۳) صرف نظر کردن دولت ایران از کلیه دعاوی خود در مورد شهر و ولایت سلیمانیه.
- (۴) واگذاری بندر خرمشهر و آبادان و لنگرگاه و اراضی واقع در ساحل شرقی اروندرود به ایران.
- (۵) آزادی کشتیرانی ایران در اروندرود.
- (۶) متعهد شدن اعزام مهندسان جهت تعیین حدود مرزی.
- (۷) تسویه عادلانه کلیه خسارت‌ها و مسائل مربوط به بدهی مراتع.
- (۸) سکونت شاهزادگان پناهنده ایرانی در شهر بُرسا (شهری بین اسلامبول و آنکارا) و عدم اجازه به آنان مبنی بر ترک آن شهر و یا برقراری ارتباط با ایران، اما سایر پناهندگان دو کشور تحویل داده شوند.
- (۹) پرداخت حقوق گمرکی برابر مقررات دولت عثمانی از طرف بازرگانان ایرانی.
- (۱۰) اجازه زیارت به زوار ایرانی در اماکن مقدسه و برقراری کنسولگری در شهرهای قلمرو عثمانی و شهرهای ایران.
- (۱۱) جلوگیری از اعمال راهزنی و ممانعت از ورود دزدان.

(۱۲) واگذاری اختیار انتخاب محل سکونت عشایر که تابعیت آنان مورد اختلاف دو کشور است برای یک بار، ضمناً مراجعت عشایری که تابعیت آنان مشخص است به محل‌های سکونت خود.

(۱۳) کلیه موارد قرارداد ارزروم اول که در قرارداد ارزروم دوم تغییر ننموده و یا اصلاح نشده به قوت خود باقی ماند.

۲- دوران حکومتی سلطنتی در عراق:

در آغاز قرن بیستم و پس از جنگ جهانی اول، امپراطوری عثمانی منقرض گردید. تا آن زمان ۲ کشور ایران و عراق برابر توافقنامه ارزروم دوم به حقوق یکدیگر در آبراه اروندرود احترام می‌گذاشتند. پس از انقراض دولت عثمانی، سرزمین‌های این امپراطوری به کشورهای کوچکی تقسیم شد که یکی از آن‌ها کشور عراق تحت‌الحایه دولت انگلیس بود. این کشور پس از تشکیل، دارای رژیم سلطنتی شد. دولت جدید عراق که خود را وارث امپراطوری عثمانی می‌دانست، برای رفع اختلافات مرزی مذاکرات با دولت ایران را آغاز کرد.

با تغییر نقشه سیاسی و جغرافیایی منطقه و اعمال نظر کشورهای استعماری، تعیین دقیق خطوط مرزی در اروندرود مجدداً مورد مناقشه قرار گرفت. دولت جدید عراق با پشتیبانی انگلیس ضمن قبول حق کشتیرانی ایران در اروندرود مدعی شد که خط مرز ساحل شرقی اروندرود می‌باشد، یعنی تمامی عرض رودخانه متعلق به عراق می‌باشد. استناد آن کشور به ماده ۴ قرارداد ارزروم بود که طبق آن اراضی واقع در ساحل شرقی اروندرود را متعلق به ایران منظور کرده بود. همچنین عراق مدعی بود که اروندرود تنها راه ارتباطی آن کشور با خلیج فارس است. متقابلاً حکومت ایران به استناد ماده ۵ قرارداد و میزان استفاده از این آبراه (۷۵ درصد از کشتی‌های وارده به اروندرود متعلق به ایران بود) و همچنین بر اساس حقوق بین‌الملل دائر بر چگونگی تعیین خط مرزی در آبراه‌های بین دو کشور همجوار، خط تالوگ (خط عمیق‌ترین بستر رودخانه) را خط مرزی در اروندرود اعلام کرد.

سرانجام در سال ۱۹۳۷م. (۱۳۱۶ش.) حکومت عراق پیش‌نویس قراردادی را به ایران ارائه کرد که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروندرود به استثنای ۴ مایل، مقابل خرمشهر و آبادان به دولت عراق واگذار می‌شد. بدین ترتیب عراق فقط خط تالوگ را در مقابل خرمشهر و آبادان می‌پذیرفت.

در این پیش‌نویس سایر حقوق ایران برابر مفاد قرارداد ارزروم دوم و پروتکل‌های الحاقی به رسمیت شناخته شد. این قرارداد سرانجام با نفوذ و فشار دولت انگلیس در سال ۱۹۳۷م. (۱۳۱۶ش.) بر خلاف اصول و مقررات بین‌المللی در سعدآباد تهران به امضاء رسید، ولی همواره مورد اعتراض دولت ایران قرار داشت.

۳- دوران حکومت‌های کودتا در عراق^۱

قبل از به نتیجه رسیدن مذاکرات و پیدایش راه حل نهایی حکومت جدیدی در سال ۱۹۶۸م. (۱۳۴۸ش.) در عراق با پشتیبانی حزب بعث با زیربنای ناسیونالیستی عرب روی کار آمد. حکومت بعث جدید از همان آغاز ادعای حکومت‌های کودتایی را در مورد حاکمیت براروندروید مطرح نمود و اضافه کرد: «حکومت عراق شطالعرب (اروندروید) را جزئی از قلمرو خود می‌داند» و به دنبال آن به دولت ایران چنین اخطار کرد:

الف- کشتی‌های ایران برای ورود به شطالعرب بایستی پرچم ایران را پایین آورند و پرچم عراق را برافرازند.

ب- چنانچه افراد نیروی دریایی ایران داخل کشتی‌ها حضور داشته باشند، با قوه قهریه آنان را خارج خواهند نمود.

پ- در آینده کشتی‌هایی که عازم بنادر ایران می‌باشند، حق ورود به شطالعرب (اروندروید) را ندارند.

دولت ایران شدیداً به حکومت بعث عراق اعتراض کرد و آن را عملاً نقض قرارداد ۱۹۳۷ دانست و متعاقباً اعلام کرد: «دولت ایران بنابر اصول مسلم حقوق بین‌المللی عهدنامه ۱۹۳۷ م. را بدون ارزش و کان لم یکن می‌سازد»

دولت ایران در اعلامیه مزبور آمادگی خود را برای ادامه مذاکرات و حل و فصل اختلافات بر اساس خط تالوگ اعلام داشت و اضافه کرد: «در این فاصله چنانچه نسبت به پرچم ایران هتک حرمت بشود و در امر کشتیرانی آزاد در اروندرود ممانعتی به عمل آید، هر یک از اعمال با عکس العمل شدیدی مواجه خواهد گردید و دولت ایران به حکم وظیفه مقدس خود هرگونه مانع و رادعی را از میان خواهد برداشت و دولت عراق مسئول سوء پیشامدهایی است که در نتیجه رویه تجاوزکارانه اروندرود روی خواهد داد»

بلافاصله نیروهای نظامی ایران در مرزهای غربی به حال آماده‌باش درآمدند و کشتی‌ها و ناوچه‌های نظامی ایران بدون هیچ‌گونه اقدامی از طرف عراق از اروندرود عبور کردند. دولت عراق ۲ روز بعد از اولتیماتوم نظامی ایران، تحت عنوان لغو قرارداد ۱۹۳۷ م. و اعمال زور و تهدید توسط ایران به سازمان ملل شکایت کرد.

حکومت بعثی عراق علاوه بر مسئله اروندرود ضمن ادعای عربی بودن منطقه خوزستان، آن را جزئی از خاک عراق اعلام و پس از بی نتیجه ماندن شکایاتش به سازمان ملل متحد جنگ تبلیغاتی و سیاسی را علیه ایران آغاز کرد و با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش.) ادعای جدیدی دائر بر مالکیت ۳ جزیره ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را به خواسته‌های قبلی افزود و خواستار خروج نیروهای ایرانی از ۳ جزیره مزبور شد.

از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴ م (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ ش.) وضعیت در مرزهای ایران و عراق ناآرام و نیروهای طرفین در مرز مستقر شدند. دولت ایران در مقابل اقدامات عراق در خوزستان از کردهای شمال عراق برای فشار آوردن بر آن حکومت استفاده می‌کرد.

با شکایت دو کشور به شورای امنیت سازمان ملل متحد، این شورا قطعنامه ۳۴۸ را در ۳ اسفند ۱۳۵۳ ش. در ۴ بند به شرح زیر تصویب و صادر کرد:^۱

۱- رعایت کلیه قرارداد آتش‌بس ۷ مارس ۱۹۷۴ م.

۲- عقب‌نشینی سریع و همزمان نیروهای ۲ کشور از نواحی مرزی.

۳- اجتناب از به کار بستن هر نوع اعمال خصمانه علیه یکدیگر.

۴- از سرگیری مذاکرات دو کشور بدون هیچ‌گونه قید و شرط.

با صدور قطعنامه فوق، طرفین نیروهای نظامی خود را از مرز عقب کشیده و تصمیم گرفتند نسبت به رفع اختلافات از طریق مذاکره اقدام کنند.

دولت عراق با توجه به فشار روزافزون کردهای شمال عراق که توسط دولت ایران پشتیبانی همه جانبه می‌شدند، مذاکره با ایران را برای کاستن عملیات نظامی کردها علیه عراق آغاز کرد. عراق اعلام کرد چنانچه ایران از پشتیبانی کردها خودداری کند. عراق نیز خط مرزی در اروندرود را برابر خواست ایران به رسمیت خواهد شناخت.

قرارداد الجزایر

در سال ۱۹۷۵ م (۱۳۵۴ش). کنفرانس کشورهای سران عضو اوپک در چهارم تا ششم مارس در الجزایر تشکیل شد. در این کنفرانس رئیس‌جمهور عراق، ژنرال حسن البکر و معاون وی صدام حسین از فرصت ایجاد شده استفاده و از هواری بومدین رئیس‌جمهور وقت الجزایر خواستار میانجی‌گری برای حل اختلافات بین ایران و عراق شدند. رئیس‌جمهور الجزایر توانست در ملاقاتی که بین شاه ایران و صدام حسین در حاشیه نشست به وجود آمد، آنان را به یک توافق کلی متقاعد کند. نتیجه این نشست بین شاه ایران و معاون رئیس‌جمهور عراق، انعقاد قرارداد معروف به توافقنامه ۱۹۷۵ م. الجزایر بود. مفاد این قرارداد عبارت است از:^۱

«با رعایت اصول احترام به تمامیت ارضی و تجاوز ناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر تصمیم گرفتند:

۱- مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل قسطنطنیه (استانبول) در سال ۱۹۱۳ م. و صورت جلسات کمیسیون تعیین مرز (تحدید حدود) در سال ۱۹۱۴ تعیین کنند.

۲- مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین نمایند.

۳- با این کار دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت. طرفین به این ترتیب متعهد می‌شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه داشته باشد اعمال کنند.

۴- طرفین توافق کردند که مقررات فوق عوامل تجزیه ناپذیر جهت یک راه کلی بوده و بدیهی است نقض هریک از مفاد فوق مغایر روح الجزایر است»

پس از امضاء قرارداد، دو کشور سه پروتکل و چهار توافق‌نامه در مورد جزئیات اجرایی تنظیم و به تصویب قوای مقننه دو کشور رساندند و در دبیرخانه سازمان ملل متحد به شماره‌های ۱۴۹۰۳ و ۱۴۹۰۷ تحت عنوان قراردادهای ایران و عراق ثبت شد.

موقعیت جغرافیایی منطقه (نقشه ۱ و ۱/۱)

منطقه خرمشهر و آبادان در جنوب استان خوزستان از اهواز تا سواحل خلیج فارس به طول حدود ۲۰۰ کیلومتر و از رودخانه دجله واقع در خاک عراق تا بندر ماهشهر به طول حدود ۱۳۰ کیلومتر واقع شده است. این منطقه فلاتی است فاقد پستی و بلندی و برجستگی طبیعی. این فلات از شمال با شیب ملایم به طرف جنوب تا خلیج فارس ادامه دارد، به طوری که در سواحل خلیج فارس ارتفاع آن از سطح دریا به ۲ متر می‌رسد. به همین دلیل در مواقع بارندگی و بالا آمدن آب رودخانه‌ها، منطقه به صورت باتلاقی درآمد و عبور و مرور به جاده‌های مستحکم محدود می‌شود.

برای پی بردن به اهمیت مناطق جغرافیایی در جنگ، شناخت موقعیت آن منطقه در اولویت قرار دارد. یکی از صحنه‌های نبرد در جنگ عراق و ایران، منطقه خرمشهر و آبادان بود، لذا موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های خاص این دو شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- خرمشهر

این شهر در سال ۱۸۱۲م. قریه کوچکی بود که توسط عشیره کعب در ساحل شمالی محل تلاقی رود کارون و شطالعرب (اروندرو) بنیان‌گذاری و به تدریج به شهر و بندری معتبر به نام خرمشهر تبدیل شد.

این شهر در منتهی‌الیه جنوب‌غربی خوزستان قرار دارد و محدود است:

الف - از شمال به امتداد خط پاسگاه زید عراق (۲۵ کیلومتری شمال شلمچه)، جاده اهواز - خرمشهر - دارخوین (شرق رودخانه کارون)، جاده اهواز - آبادان.

ب - از غرب به کشور عراق.

پ - از شرق به جاده اهواز - آبادان

ت - از جنوب به جزیره آبادان.

شهر خرمشهر توسط رودخانه کارون به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده و یکی از بنادر بزرگ تجاری صادرات و واردات ایران در منتهی‌الیه شمالی اروندرود می‌باشد. کشاورزی، ماهیگیری، تجارت، پرورش باغات خرما از فعالیت‌های مهم اقتصادی این شهر است. فاصله خرمشهر تا اهواز ۱۲۰ کیلومتر، تا بصره ۲۴ کیلومتر، تا خط مرز در شلمچه ۱۷ کیلومتر، تا آبادان ۱۰ کیلومتر و تا خلیج فارس ۱۰۰ کیلومتر است.

۲- جزیره آبادان

آبادان با محصور بودن بین ۳ رودخانه کارون (شمال)، اروندرود (غرب)، بهمنشیر (شرق و شمال) و خلیج فارس (جنوب) تشکیل جزیره‌ای را در جنوب استان خوزستان می‌دهد.

فاصله این شهر تا خرمشهر ۱۰ کیلومتر، تا ماهشهر ۹۰ کیلومتر، تا خلیج فارس ۹۰ کیلومتر و تا اهواز ۱۳۰ کیلومتر است.

آبادان یکی از بنادر عمده صادرات نفت ایران می‌باشد. این بندر پس از کشف نفت در ایران توسط دولت استعماری انگلیس به عنوان بندر صادرات نفت انتخاب و بزرگترین پالایشگاه نفت خاورمیانه در این بندر احداث شده است.

۳- خطوط مواصلاتی^۱

خرمشهر و آبادان از طریق راههای زمینی (شوسه و ریلی) به شهرهای استان خوزستان، شهر بصره و سایر شهرهای عراق و از راه آبی به خلیج فارس وصل می‌شوند. این خطوط عبارتند از:

الف- خرمشهر و آبادان از طریق ۲ جاده ارتباطی آسفالت به مرکز استان (اهواز) وصل می‌شوند. جاده خرمشهر - اهواز به طول ۱۲۰ کیلومتر و جاده آبادان به اهواز به طول ۱۳۰ کیلومتر.

ب- خرمشهر از طریق خط ریلی (راه آهن) به مرکز استان (اهواز) و از آن طریق به خط سراسری راه آهن ایران متصل است.

ج- آبادان از طریق جاده‌ای به طول ۱۰۰ کیلومتر به بندر ماهشهر و به وسیله جاده آبادان - خسروآباد به خلیج فارس متصل است.

د- خرمشهر با یک جاده ارتباطی از طریق مرز شلمچه به شهر بصره در عراق متصل می‌شود.

ه- ارتباط بخش غربی و شرقی خرمشهر تا قبل از انقلاب اسلامی از طریق یک پل ارتباطی ثابت بر روی کارون برقرار می‌شد.

و- یک رشته جاده مرزی در ۳ کیلومتری در شرق خط مرز از نهر ختین واقع در اروندرود تا پاسگاه مرزی طلائیه واقع در جنوب شهر هویزه به موازات خط پدافندی موسوم به دژ ارتباط مواضع پدافند دژ را برقرار می‌کند. (برای آگاهی بیشتر به بخش ۴ مراجعه شود)

ز- خرمشهر و آبادان از طریق اروندرود و رودخانه بهمنشیر به خلیج فارس متصل می‌شوند.

۱. خطوط مواصلاتی ذکر شده مربوط به سال‌های قبل از انقلاب بوده و از ذکر جاده‌های فرعی خودداری شده است. در حال حاضر به تعداد جاده‌ها افزوده شده است.

۴- آبراه‌ها

آبراه‌های عمده منطقه که از نظر تجاری و دفاعی دارای اهمیت می‌باشند عبارتند از:

الف- رودخانه کارون

رودخانه کارون از به هم پیوستن آب‌های ارتفاعات زاگرس مرکزی تشکیل و پس از عبور از اهواز به موازات خط مرزی ایران و عراق با فاصله تقریبی ۴۰ کیلومتر به سمت جنوب جریان دارد. این رودخانه در شرق خرمشهر به دو شاخه زیر تقسیم می‌گردد:

(۱) - شاخه اول به سمت غرب ادامه یافته و پس از تقسیم خرمشهر به دو قسمت شمالی و جنوبی به شط‌العرب (اروند رود) متصل می‌شود. این رودخانه قابل کشتیرانی می‌باشد.

(۲) - شاخه دوم تشکیل رودخانه بهمنشیر را داده و به سمت جنوب در شمال و شرق جزیره آبادان و به موازات اروندرود تا خلیج فارس ادامه دارد.

ب- رودخانه دجله

رودخانه دجله در خاک عراق در فاصله ۲۵ کیلومتری خط مرزی ایران و عراق از شمال به طرف جنوب ادامه دارد و پس از پیوستن با رودخانه فرات در محلی به نام «القرنه» با نام شط‌العرب به سمت جنوب ادامه دارد و پس از عبور از شرق بصره در فعلیه (غرب خرمشهر) به رودخانه کارون ملحق می‌شود.

ج- اروندرود^۱

از پیوستن دو رودخانه شط‌العرب و کارون در غرب خرمشهر، رودخانه مرزی اروندرود تشکیل و به سمت خلیج فارس در غرب جزیره آبادان به طول تقریبی ۸۱ کیلومتر تا خلیج فارس ادامه دارد. عرض آن بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ متر، عمق آن در منطقه

۱. اروندرود نام باستانی رودخانه می‌باشد که در شاهنامه فردوسی نیز از آن نام برده شده است. ایرانیان آن رودخانه را به همین نام می‌شناسند، ولی اعراب آن را شط‌العرب (رودخانه بزرگی که به دریا وصل می‌شود) می‌نامند.

خرمشهر ۶/۷ متر و در منطقه فاو ۹ متر است. این عمق با جزر و مد آب متغیر است. در امتداد این رودخانه چندین جزیره بزرگ و کوچک از جمله بوارین، ام‌الرصاص و مینو قرار دارد. با توجه به عرض و عمق رودخانه، این آبراه قابلیت کشتیرانی از خلیج فارس تا بنادر خرمشهر و بصره را دارد.

د- سایر آبراه‌ها

در منطقه خرمشهر چند آبراه کوچک که از نظر دفاعی قابل اهمیت می‌باشند عبارتند از:

(۱) نهر عرایض

نهر عرایض در غرب خرمشهر از اروندرود منشعب شده و به سمت شمال ادامه می‌یابد. این نهر در مواقع مد اروندرود، پر از آب شده و دارای سواحل باتلاقی است.

نهر عرایض در ۵ کیلومتری غرب خرمشهر، جاده خرمشهر - شلمچه را قطع و حدود ۶ کیلومتر به سمت شمال شرقی ادامه می‌یابد. جاده شلمچه از پلی به نام پل نو به طول ۵۸ متر و عرض ۷ متر از نهر عرایض می‌گذرد.

(۲) نهر خَین

این نهر، یکی از انشعابات شط‌العرب است که از امتداد پاسگاه مرزی «حدود» ایران در ۱۷ کیلومتری غرب خرمشهر به سمت شرق تا پاسگاه مرزی «خَین» به طول ۸ کیلومتر ادامه دارد و خط مرز آبی ایران و عراق را تشکیل می‌دهد.

(۳) نهر کتیبان

این نهر در داخل خاک عراق از رودخانه دجله منشعب و به کانال پرورش ماهی وصل می‌شود.

(۴) کانال پرورش ماهی

در سال ۱۳۴۸ دولت عراق، کانالی به طول ۳ کیلومتر و عرض ۳۰۰ متر در غرب مرز ایران به نام کانال پرورش ماهی احداث کرد، این کانال توسط نهر کتیبان آبگیری و به اروندرود وصل شد.

هدف اصلی عراق از احداث این کانال، استفاده به عنوان مانع عبور نیرو و کانالیزه کردن نیروی مهاجم به طرف بصره بود. عراق در جنگ تحمیل توانست از این کانال به عنوان یک مانع استفاده کند.

۵- نقاط مهم و استراتژیک

مهم‌ترین نقاط استراتژیک و حساس منطقه که در اختیار داشتن هر یک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است عبارتند از:

الف- خرمشهر به عنوان مهم‌ترین بندر تجاری ایران.

ب- جزیره آبادان به عنوان بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت خاورمیانه.

ج- بندر بصره به عنوان مهم‌ترین بندر تجاری عراق.

د- شبه جزیره فاو به عنوان مرکز اتصال عراق به خلیج فارس و کشورهای جنوبی عراق.

اهمیت این نقاط به گونه‌ای است که همواره کشورهای استکباری خواهان نفوذ سیاسی در آنها بوده تا بتوانند به اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد نظرشان دست یابند.

باید اضافه کرد پل‌های روی رودخانه‌های کارون، بهمنشیر، شط‌العرب (اروندرود) و نهر عریض نیز از نقاط مهم و حساس بوده و دارای کاربرد نظامی می‌باشند.

۶- معابروصولی

پیشروی نیروهای نظامی از طریق زمین با استعداد متفاوت نیازمند معابر مناسب می‌باشد.

این معابر بایستی حرکت به سوی اهداف تاکتیکی را در کم‌ترین زمان تسهیل کنند.

منطقه جنوب از اهواز تا خرمشهر به طور کلی یک معبر بسیار مناسب برای پیشروی یگان‌های بزرگ زمینی می‌باشد. در این منطقه محورهای زیر دارای اهمیت می‌باشند:

الف- بصره - شلمچه - خرمشهر- آبادان و بالعکس

ب- بصره - تنومه - ایستگاه حسینیّه-جاده اهواز خرمشهر - رودخانه کارون و بالعکس

ج- بصره - پاسگاه زید - رودخانه کارون (سلمانیّه) - جاده اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان و بالعکس

در جنگ تحمیلی، عراق از محور ردیف ۱ و ۲ برای تصرف خرمشهر و از محور ردیف ۳ برای تصرف آبادان استفاده کرد.

۷- موانع عمده

در منطقه عملیاتی جنوب اهواز، عوارضی که بتوانند پیشروی نیروی مهاجم را با تأخیر مواجه سازد و یا آن را تجزیه و متوقف نماید، عبارتند از:

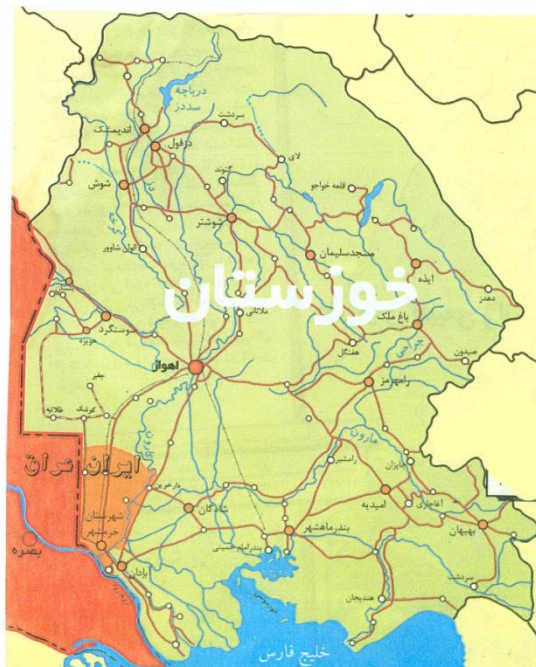
الف- رودخانه‌های شط‌العرب، اروندرود، کارون، بهمنشیر و نهرهای خین، عرایض، کانال ماهی و کتیبان، از موانع بزرگ طبیعی در منطقه می‌باشند و عبور از آنها مستلزم برقراری تأمین پل‌های روی آن و یا احداث پل جدید می‌باشد.

ب- سواحل رودخانه‌ها در اثر جزر و مدّ مداوم آب و دارا بودن آبگیرهای متعدد همواره باتلاقی بوده و عملیات احداث پل برای عبور را با تأخیر مواجه می‌سازد.

ج- وضعیت اقلیمی منطقه به گونه‌ای است که در مواقع بارندگی و طغیان رودخانه‌ها تمامی منطقه غیر قابل عبور برای خودروها و ادوات زرهی، حتی پیاده نظام می‌باشد.

د- جنس زمین به علت زمین‌های سست و باتلاق‌های موضعی، موجب کندی حرکت می‌شود.

ه- علاوه بر موانع فوق، چنانچه منطقه به گونه‌ای مناسب با انواع کانال‌ها و موانع مصنوعی (مین، سیم خاردار و ...) مسلح گردد. عبور از منطقه را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد.



نقشه ۱: خرمشهر در استان خوزستان



نقشه ۱/۱: بخش مرکزی خرمشهر



بحران سیاسی در خرمشهر و آبادان^۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظم و امنیت شهرها بر اثر بلا تکلیفی نیروهای امنیتی و انتظامی (ساواک، نظامی، انتظامی، شهربانی) مختل شده بود. گروه‌های متعدد با استفاده از فرصت، با ایجاد رعب و وحشت، حکومت جدید را با مشکلاتی مواجه کردند. برخی از گروه‌های سیاسی با بحران آفرینی، جو سازی و ایجاد تنش در جامعه، درخواست‌های متفاوتی را عنوان می‌کردند.

به منظور برقراری امنیت و حفظ جان، مال و ناموس مردم کمیته‌های انقلاب در حال سازماندهی بودند، ولی هنوز کاملاً فعال نشده تا بتوانند با تقویت سایر نیروها نسبت به برقراری نظم در جامعه اقدام کنند.

استان خوزستان با دارا بودن جمعیت عرب زبان و سابقه مبارزات سیاسی برای خودمختاری همواره دارای وضعیت خاص امنیتی بود. شهرهای خرمشهر و آبادان به علت نزدیکی با مرز و علاقه کشور عراق به داشتن نفوذ در این دو شهر از کانون‌های اصلی فعالیت عناصر ضد انقلاب و قومیت گرا در منطقه خوزستان محسوب می‌شدند. گروه‌های ضد انقلاب تحت عنوان پشتیبانی از خواسته‌های خلق عرب به عناوین مختلف در منطقه بحران آفرینی کرده و همواره در مختل کردن امنیت و ایجاد بحران در منطقه تلاش داشتند.

در این قسمت، سوابق فعالیت گروه‌های مختلف و چگونگی مقابله نیروهای امنیتی و مدافع انقلاب که در حال تشکیل کمیته انقلاب اسلامی بودند، بررسی شده است.

۱- گروه‌های سیاسی فعال قبل از انقلاب

الف- جبهه التحرير

در سال ۱۹۶۱م. جمال عبدالناصر رهبر مصر، نهضتی را به نام «ناصریسم» پایه‌گذاری کرد و خواستار متحد شدن تمامی سرزمین‌های عرب زبان شد. در خوزستان نیز «جبهه التحرير» با

۱. مطالب این قسمت از کتاب «خرمشهر در جنگ تحمیلی»، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بخش یکم از صفحه ۳۳ الی ۱۲۴ استفاده شده است.

اتکاء بر قومیت عربی تشکیل شد. این جبهه با اتخاذ مشی مبارزه با رژیم شاهنشاهی توانست طرفدارانی را در بین عشایر عرب زبان جذب کند، ولی در همان اولین سال‌های فعالیت توسط نیروهای امنیتی (ساواک) شناسایی و متلاشی شد و اکثر سران آن حقوق بگیر ساواک شده و گروهی از آنان به عراق گریخته و آلت دست دولت آن کشور شدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، عراق تصمیم به استفاده از نیروهای فوق گرفت و برای تقویت آنان «دفتر جبهه آزادی‌بخش خوزستان» در بصره و العماره را تاسیس و اقدام به عضوگیری از جوانان عرب خوزستان کرد تا بتواند از آنان برای اهداف آتی استفاده کند.

ب- گروه‌های سیاسی - مذهبی قبل از انقلاب

(۱) جریان مذهبی سنتی

این جریان توسط روحانیت و بازاریان متدین تشکیل شده بود. فعالیت عمده آنان عبارت بود از فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین دعوت از شخصیت‌های برجسته مذهبی برای ایراد سخنرانی برای اقشار مختلف.

(۲) جریان مذهبی - انقلابی

این جریان پس از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بنیانگذاری شد. آنان با پرهیز از قومیت‌گرایی فعالیت‌های خود را حول محور اسلام قرار داده و تلاش داشتند مبارزه بر علیه رژیم شاه را در قالب حرکت انقلاب اسلامی دنبال کنند.

جریان مذهبی - سیاسی ضمن داشتن حمایت روحانیون شیعه فارسی زبان با آیت‌ا... شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی، روحانی شیعه مذهب عرب زبان که سوابق مبارزه با شاه را داشت، مرتبط بودند. این جریان در سال ۱۳۵۰ توسط ساواک مورد شناسایی قرار گرفت و متلاشی شد و اعضاء آن پراکنده شدند.

به طور کلی خرمشهر و آبادان با توجه به موقعیت اقتصادی، نزدیکی به مرز عراق و سوابق فعالیت‌های جبهه التحریر، رژیم گذشته را نسبت به کوچک‌ترین فعالیت‌ها در این منطقه حساس کرده و توانایی هرگونه فعالیت مخالفین رژیم را از آنان سلب کرده بود. لذا منطقه محل مناسبی برای مبارزه نبود.

۲- گروه‌های سیاسی فعال بعد از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیلات کمیته انقلاب اسلامی خرمشهر همانند سایر شهرها در اوایل سال ۱۳۵۸ سازماندهی و همزمان شروع به کار کرد. در این کمیته طرفداران آیت‌ا... خاقانی نیز با بینش متفاوتی نسبت به نیروهای مذهبی و انقلاب شرکت داشتند. برخی از فعالیت‌های کمیته از جمله جمع‌آوری پرونده‌های امنیتی مقامات و سران عشایر در ساواک و دستگیری افرادی که دارای سوابق وابستگی به رژیم گذشته بودند، موجب گردید طرفداران آیت‌ا... خاقانی در فعالیت کمیته اخلاک کنند. تلاش اعضای انقلابی کمیته برای حل اختلافات به دلیل اعمال نفوذ آیت‌ا... بی نتیجه ماند و نهایتاً کمیته رسماً منحل شد. پس از انحلال کمیته هر یک از گروه‌های مذهبی و قومی به تشکیل کانون‌های متفاوتی به شرح زیر اقدام کردند.

الف - کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان خرمشهر:

این کانون توسط نیروهای مذهبی تأسیس شد. اعضاء شورای مرکزی کانون از افرادی که در مبارزات تلاش کرده و به زندان رفته بودند تشکیل شده بود.

فعالیت کانون عبارت بود از: اقدامات فرهنگی در مدارس، جذب جوانان، دستگیری ساواکی‌ها و عناصر رژیم گذشته، انتظامات شهر و مناطق مرزی و صدور بیانیه‌های سیاسی و اجتماعی. به این ترتیب کانون عملاً جایگزین کمیته شده بود و عناصر مذهبی آن به تدریج از ارتباط با آیت‌ا... خاقانی اجتناب کردند.

ب - سازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب

چند روز پس از تشکیل کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان، گروه‌های قومی که از پشتیبانی آیت‌ا... خاقانی برخوردار بودند «ستاد رزمندگان خلق عرب» را تأسیس کردند.

فعالیت آنان در ترویج تعصب قومی و روحیه ناسیونالیستی بود. این ستاد بعداً به «سازمان سیاسی خلق عرب» تبدیل شد و برای جذب افراد تحصیل کرده و روشنفکران عرب زبان به تشکیل «کانون فرهنگی خلق عرب» اقدام کرد. اعضاء اصلی این کانون را عناصر سابقه‌دار جبهه التحریر و نیز افرادی با تمایلات مارکسیستی تشکیل می‌دادند.

۳- آغاز بحران

با تشکیل گروه‌ها و کانون‌های فوق، خرمشهر و آبادان محل برخورد و درگیری‌های انقلابی و قومی شد و روز به روز بر بحران و ایجاد تنش در شهر افزوده شد و پس از پیروزی انقلاب به تدریج تبدیل به درگیری فیزیکی، تیراندازی‌های پراکنده، صدور بیانیه‌های سیاسی، اشغال ساختمان‌های محل استقرار یکدیگر و غیره شد به طوری که شهر به حالت تعطیل درآمد و مردم در مسجد جامع متحصن شدند.

فرماندار خرمشهر طی اعلامیه‌ای خواستار پایان تحصن، تخلیه ساختمان‌ها، انحلال کانون‌ها و سازمان‌های غیر رسمی در خرمشهر، تخلیه کلیه اماکنی که در دوران انقلاب و بعد از آن توسط نیروهای مختلف اشغال شده است و خلع سلاح عمومی شد.

تحصن کنندگان پس از توافقاتی به تحصن پایان دادند و قرار شد در تاریخ ۵۸/۲/۳۱ ساختمان‌های اشغالی توسط سازمان خلق عرب و کانون فرهنگی تخلیه و تمامی ارگان‌های سیاسی نظامی غیر قانونی سلاح‌های خود را به فرمانداری تحویل دهند.

پس از چند روز مذاکره با سازمان‌های خلق عرب نتیجه‌ای حاصل نشد و متقابلاً آنان اعلام کردند ساختمان‌ها را تخلیه نخواهند کرد. و تحویل اسلحه را موکول به خلع سلاح عمومی در سراسر ایران کردند.

استاندار وقت تیمسار دریادار مدنی به ضد انقلابیون شدیداً اخطار داد و با اعزام تکاوران نیروی دریایی قاطعیت خود را در زمینه سامان بخشیدن به بحران نشان داد.

با عدم تبعیت گروه‌های قومی ضد انقلاب، مردم مجدداً در ۵۸/۳/۵ در مسجد جامع متحصن شدند. استاندار خوزستان در تاریخ ۵۸/۳/۸ وارد خرمشهر شد و برای حل بحران

جلسه‌ای با حضور مقامات اداری شهر، روحانیون و نمایندگان آیت‌ا... خاقانی تشکیل داد و با تعویق تاریخ خلع سلاح عمومی تا ۵۸/۳/۱۰ توافق کرد. علیرغم توافق انجام شده با نمایندگان آیت‌ا... خاقانی، سازمان سیاسی خلق عرب از قبول توافقات سرپیچی کرد و به ایجاد آشوب، بلوا و درگیری ادامه داد.

ادامه درگیری بین گروه‌های انقلابی و ضد انقلاب همچنان تا پایان خرداد ماه ۱۳۵۸ ادامه یافت. تلاش مقامات مسئول شهر و استاندار خوزستان برای پایان دادن بحران و خلع سلاح گروه‌های مختلف نه تنها نتیجه‌بخش نبود، بلکه اختلافات را شدیدتر و شهر را به یک شهر جنگ‌زده تبدیل کرد.

در تیرماه ۱۳۵۸ سازمان سیاسی خلق عرب با پشتیبانی آیت‌ا... خاقانی در کنار فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی با وارد کردن عشایر از مناطق اطراف، وحشت در توده‌های مردم را در دستور کار قرار داد. برخی از فعالیت‌های مهم خرابکارانه آنان در خرداد و تیرماه ۱۳۵۸ به شرح زیر است:

- ۱- برهم زدن آرامش شهرها با اجرای تیراندازی در خیابان‌های شهر (۵۸/۳/۹)
- ۲- حمله به مسجد جامع با تیراندازی و پرتاب کوکتل مولوتف.
- ۳- سنگربندی خیابان‌ها و به آتش کشیدن پمپ بنزین خیابان فردوسی و چندین جایگاه.
- ۴- حمله ناموفق به پایگاه دریایی خرمشهر.
- ۵- آتش زدن چندین کشتی و یدک‌کش تجاری در رودخانه کارون.
- ۶- قطع برق خرمشهر.
- ۷- تیراندازی در مناطق مختلف شهر و منطقه کوت شیخ (نزدیک به پایگاه دریایی)
- ۸- ایجاد پایگاه‌های آموزشی و تشدید سازماندهی ضد انقلاب.
- ۹- اعزام تعدادی از افراد ضد انقلاب به کویت و عراق برای آموزش که تعداد ۱۰۰ نفر آنان دستگیر شدند.
- ۱۰- تیراندازی به پاسگاه‌های مرزی از خودروهای گشتی در مرز عراق.

۱۱- افزایش تبلیغات نژادپرستانه به منظور افزایش کینه‌توزی اعراب از رادیو بغداد و توزیع شب‌نامه.

۱۲- انتقال سلاح و مهمات به داخل کشور.

۱۳- حمله شبانه به فرودگاه اهواز.

۱۴- گلوله‌باران فرودگاه آبادان در چند نوبت.

۱۵- انفجار و آتش‌سوزی در چندین نقطه لوله‌های انتقال نفت.

۱۶- حمله با موشک، خمپاره، مسلسل و نارنجک به پاسگاه‌های مرزی.

۱۷- انفجار لوله نفت در دارخوین.

۱۸- اجرای راهپیمایی مسلحانه با شعار «خودمختاری برای عربستان (خوزستان) دموکراسی برای ایران».

۱۹- فعال نمودن گروهی به نام «چهارشنبه سیاه» برای اجرای عملیات مسلحانه.

۲۰- افزایش تحرک کنسول‌گری عراق، مدرسه عراقی‌ها و همچنین مراکز اقتصادی وابسته عراق در خرمشهر و افزایش تبلیغات به نفع گروه‌های ضد انقلاب.

با شدت گرفتن رفت و آمدهای مشکوک در جاده‌های مرزی، دادستان انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر مقررات منع رفت و آمد را در تاریخ ۵۸/۳/۲۵ در جاده‌های مرزی اعلام کرد.

فعالیت ضد انقلاب جوّ وحشت را روز به روز در شهر افزایش می‌داد. فشار بر عناصر مذهبی و روحانیون شهر ادامه می‌یافت. در چنین وضعیتی بسیاری از خانواده‌ها مجبور به ترک شهر شدند. برای کمک به آرامش شهر نیروهای انقلابی از سایر شهرهای استان از جمله اهواز وارد خرمشهر شدند.

آیت‌الله خاقانی همچنان از عناصر ضد انقلاب و گروه‌های وابسته به آنان پشتیبانی می‌کرد و به اظهارات دادستان انقلاب که اقدامات ضد انقلاب را هدایت کشورهای خارجی اعلام کرده بود،

واکنش شدیدی نشان داده و آن را نشانه تعصب دادستان نسبت داد و متعاقباً اعلام کرد: «در صورتی که آزادی مردمی رعایت نشود، در منطقه خوزستان انفجار شدیدی رخ خواهد داد».

۴- تشدید بحران

در تاریخ ۵۸/۰۴/۲۴ در مراسم سوگواری یکی از شهدای حوادث اخیر در مسجد جامع، ضد انقلاب با پرتاب نارنجک موجب شهادت ۲ نفر و شهادت ۷ نفر شد. جمعیت خشمگین با خروج از مسجد به سوی منزل آیت ا... خاقلانی حرکت کرده و آن را محاصره کردند. درگیری بین محافظین شیخ و نیروهای امنیتی موجب کشته شدن دو نفر از ضد انقلابیون و دستگیری تعدادی از آنان شد.

استاندار خوزستان که فرمانده نیروی دریایی نیز بود با استفاده از تکاوران دریایی شخصاً وارد عمل شد و ضمن پراکنده کردن مردم از اطراف منزل آیت ا... خاقلانی ایشان را به همراه خانواده سریعاً به اهواز و از آنجا به دستور حضرت امام خمینی (ره) به قم منتقل کرد.

با انتقال شیخ به قم و دستگیری تعدادی از سرشاخه‌های ضد انقلاب و فرار تعدادی از آنان به عراق، فعالیت ضد انقلاب به سرعت رو به کاهش نهاد و خرمشهر آرام شد ولی گروه «چهارشنبه سیاه» به صورت پراکنده همچنان به عملیات خرابکارانه ادامه می‌داد.

قاطعیت نیروهای نهادهای انقلابی و نظامی استان به ویژه استاندار که با همکاری مردم وفادار به انقلاب اسلامی انجام شده بود نشان از وحدت بین مردم و مسئولین حکومت جمهوری اسلامی در پایان بخشیدن به آشوب‌ها بود. چنین وحدتی امید دولت عراق را از پی‌گیری استفاده از قومیت عربی برای جداسازی خوزستان از ایران به یأس مبدل ساخت و مطمئن شد که نه تنها از این طریق قادر به رسیدن اهداف توسعه طلبانه خود نمی‌باشد، بلکه با این اعمال نفرت مردم را نسبت به حکومت عراق افزایش می‌دهد. اما قرائن نشان می‌داد منطقه آبستن حوادثی است که در حال شکل‌گیری بر علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

تحولات عراق

۱- تغییر رئیس جمهور عراق

همزمان با پایان یافتن بحران در خرمشهر و تلاش مسئولین حکومت جمهوری اسلامی در آن شهر، در تاریخ ۵۸/۰۴/۲۵ رئیس جمهور عراق در یک جابجایی قدرت تغییر کرد و مسئولیت ریاست جمهوری از ژنرال حسن البکر به صدام حسین که در آن زمان معاون رئیس جمهور بود محول شد. این تغییر مسئولیت با توجه به روحیه قدرت طلبی صدام حسین نشان می داد که در آینده روابط ایران و عراق دستخوش تحولات عمده ای خواهد شد. تحلیل گران سیاسی-نظامی جهان بر این عقیده بودند که جنگ ایران و عراق حتمی است و در این جنگ صدام پیروز خواهد شد. لذا اولین اقدام عراق جلب پشتیبانی کشورهای استکباری و عربی منطقه بود.

۲- انگیزه های عراق برای جنگ

باشدت گرفتن بحران در خوزستان و اوضاع بی ثبات داخلی حکومت ایران عوامل زیر را می توان انگیزه های رئیس جمهور جدید عراق برای آغاز جنگ دانست.

الف- ترس از فروپاشی حکومت عراق ناشی از صدور انقلاب اسلامی.

ب- قطع رابطه ایران و آمریکا.

ج- دادن چراغ سبز آمریکا به علت عدم حل و فصل مسئله گروگان های آمریکایی در ایران و شکست تجاوز نظامی آمریکا در ۱۳۵۹/۲/۵ برای آزادسازی گروگان ها.^۱

د- تضعیف ارتش ایران پس از انقلاب اسلامی.

ه- کشف و خنثی سازی کودتای نقاب موسوم به نوژه در خرداد ۱۳۵۹ و دستگیری تعدادی از فرماندهان ارتش به اتهام دخالت در کودتا.

و- رفع تحقیر ناشی از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.

۱. پس از انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۰۸/۱۳ گروهی از جوانان ایرانی موسوم به دانشجویان پیرو خط امام اقدام به اشغال سفارت آمریکا در تهران کرده و کلیه اعضا سفارت را به مدت ۴۴۴ روز گروگان گرفتند.

۳- مَشی جدید عراق

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد پس از متلاشی شدن گروه‌های قومیت‌گرا و ناامید شدن عراق از مبارزات داخلی برای جداسازی خوزستان، عراق راه کار دیگری را برای رسیدن به اهداف راهبردی خود (جداسازی خوزستان و تسلط بر اروندرود) انتخاب کرد.

پس از انتخاب صدام به عنوان رئیس‌جمهوری عراق و نزدیک شدن وی به غرب، تحرکات نظامی در طول مرز از جمله افزایش شناسایی، ساختن استحکامات و نقل و انتقال نظامی، انجام حرکات ایذائی و تخریبی، تصرف مناطقی در غرب کشور^۱ و ادامه انفجار و خرابکاری‌ها در داخل خوزستان تشدید شد و عراق عملاً زمینه‌های جنگ را علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم کرد.

پس از تیرماه ۵۸ و سرکوبی گروه‌های قومیت‌گرا و ضد انقلاب، عراق با سازماندهی عناصر فراری عرب ایرانی و آموزش آنان و استفاده از کینه‌ای که آنان از جمهوری اسلامی داشتند و خواهان انتقام جویی بودند آنان را در مقابل دریافت پول برای خرابکاری و عملیات بمب‌گذاری آماده و هدایت می‌کرد.

از مهرماه سال ۱۳۵۸ مجدداً موجی از انفجارات منطقه را دچار ناامنی کرد. به طوری که در روز چندین انفجار در نقاط مختلف به وجود می‌آمد و این عملیات تا پایان سال ۵۸ با شدت بیشتر ادامه یافت ولی در آغاز سال ۵۹ تا شروع جنگ تعداد آنان محدودتر شد.

در استان خوزستان تعداد ۷۴ انفجار طی یک سال (از مهر ماه ۱۳۵۸ الی مهر ماه ۱۳۵۹) ثبت شده است که بیش از نیمی از آن (۳۹ انفجار) به شرح جدول شماره ۱ در منطقه آبادان و خرمشهر بوده است.

۱. منطقه زین‌الکش در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۶ و منطقه میمک در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۹ (قبل از جنگ) در غرب کشور که از موارد اختلافات مرزی دو کشور بود، توسط ارتش عراق به تصرف درآمد.

جدول شماره ۱- انفجارات در منطقه خرمشهر و آبادان از مهر ۵۸ تا آغاز جنگ تحمیلی

ردیف	تاریخ	مکان	توضیحات
۱	۱۳۵۸/۷/۷	خرمشهر	انفجار بمب در بازار خرمشهر
۲	۱۳۵۸/۷/۸	خوزستان	انفجار مرکز مخابرات سقوط دکل و قطع ارتباط تلفنی با شهرهای آبادان و خرمشهر
۳	۱۳۵۸/۷/۸	جاده اهواز	انفجار شدید مواد منفجره و سقوط دکل ماکروویو کیلومتر ۴۰ جاده اهواز-خرمشهر و آسیب دیدن دستگاه رله (۳۰ دقیقه بامداد)
۴	۱۳۵۸/۷/۸	خرمشهر	انفجار بمب در پشت ساختمان فرمانداری و شکستن شیشه‌های ساختمان
۵	۱۳۵۸/۷/۱۳	خرمشهر	انفجار در بازار سیف خرمشهر، کشته شدن ۲ نفر و جراحت ۲۵ نفر
۶	۱۳۵۸/۷/۱۳	آبادان	انفجار بمب در بازار پارچه‌فروشان (قیصریه)
۷	۱۳۵۸/۷/۱۸	خرمشهر	کشف بمب در مقابل اداره دارایی خرمشهر
۸	۱۳۵۸/۷/۲۶	خوزستان	خشی شدن مواد منفجره در زیر دکل برق
۹	۱۳۵۸/۷/۳۰	خرمشهر	منفجر شدن یک واگن باری متوقف در ۱/۵ کیلومتری شرق پاسگاه دوربند خرمشهر
۱۰	۱۳۵۸/۸/۲	خرمشهر	انفجار دو بمب صوتی در دو نقطه خرمشهر (بدون خسارت)
۱۱	۱۳۵۸/۸/۹	خرمشهر	کشف ۸ قالب یک پوندی مواد منفجره در اطراف فلکه آتش‌نشانی خرمشهر
۱۲	۱۳۵۸/۸/۲۵	خرمشهر	انفجار دو بمب در نزدیکی شبکه برق خیابان بایندر ایستگاه ماشین‌های کرایه آبادان- خرمشهر
۱۳	۱۳۵۸/۸/۲۵	خرمشهر، آبادان،	انفجار بمب در کوت شیخ خرمشهر، انفجار بمب دیگری در رستوران فلکه فرودگاه آبادان و جراحت ۱۵ نفر
۱۴	۱۳۵۸/۸/۲۷	خرمشهر	انفجار بمب در حوالی یک هتل در خرمشهر
۱۵	۱۳۵۸/۹/۱۰	خرمشهر	انفجار ۲ بمب صوتی در خیابان‌های خرمشهر

ردیف	تاریخ	مکان	توضیحات
۱۶	۱۳۵۸/۹/۱۹	آبادان	کشف ۱۱ قالب مواد منفجره در زیر لوله‌های نفتی روبه‌روی سینما تاج توسط یک کارگر شرکت نفت
۱۷	۱۳۵۸/۹/۲۵	آبادان	کشف و خنثی‌سازی بمبی شامل ۶ قالب تی‌ان‌تی در بازار کویتی‌های آبادان
۱۸	۱۳۵۸/۹/۲۸	آبادان	انفجار اتومبیل حامل بمب در نزدیکی سپاه آبادان، کشف بمب در زیر لوله‌های نفتی
۱۹	۱۳۵۸/۱۰/۱۱	آبادان	انفجار بمب در ساندویچ فروشی فلکه فرودگاه و تخریب آن
۲۰	۱۳۵۸/۱۰/۱۱	جزیره مینو	انفجار تی‌ان‌تی زیر پل جزیره مینو (بدون خسارت)
۲۱	۱۳۵۸/۱۰/۱۹	آبادان	انفجار در یکی از حوزه‌های نفتی در نزدیکی آبادان و کشته شدن ۴ نفر و جراحت عده‌ای دیگر
۲۲	۱۳۵۸/۱۰/۲۰	آبادان	انفجار شدید در ساختمان پست آبادان
۲۳	۱۳۵۸/۱۱/۱۲	خرمشهر	انفجار بمب در کنار دیواره غربی کوی کارمندان بندر (تخریب دیوار و شکستن شیشه‌ها)
۲۴	۱۳۵۸/۱۱/۱۲	خرمشهر	انفجار بمب ساعتی در نزدیکی کشتارگاه خرمشهر کشته شدن یک نفر، انفجار دیگر در محل ورودی اداره بندر و کشترازی
۲۵	۱۳۵۸/۱۲/۲	خرمشهر	انفجار بمب دیوار تالار خانه جوانان (محل تجمع مردم برای سخنرانی خانم اعظم طالقانی) که بر اثر آن ۷ نفر کشته و ۳۹ نفر دیگر مجروح شدند. انفجار بمب دیگری در همین روز منجر به یک کشته و جراحت عده‌ای شد.
۲۶	۱۳۵۹/۱/۸	خرمشهر	انفجار بمب در بازار سیف خرمشهر و مجروح شدن عده‌ای از مردم
۲۷	۱۳۵۹/۱/۱۱	خرمشهر	انفجار بمب در کوی طالقانی خرمشهر
۲۸	۱۳۵۹/۱/۱۵	خرمشهر	انفجار بمب در یک پیکان حامل ۳ سرنشین آموزش دیده در عراق در نزدیکی پل خرمشهر

ردیف	تاریخ	مکان	توضیحات
۲۹	۱۳۵۹/۱/۱۵	خرمشهر	انفجار بمب ۶ پوندی تی.ان.تی در یک پیکان و کشته شدن ۵ نفر و مجروح شدن ۴ نفر دیگر
۳۰	۱۳۵۹/۱/۲۱	آبادان	انفجار دو بمب کار گذاشته شده در ضبط صوت، در خیابان امام خمینی و مجروح شدن ۱۶ نفر
۳۱	۱۳۵۹/۱/۲۷	آبادان	انفجار بمب در خیابان امیری که ۶ کشته و ۳۱ مجروح بر جای گذاشت.
۳۲	۱۳۵۹/۲/۱	آبادان	انفجار بمب در بازار دستفروشان که ۳۰ تن مجروح و یک نفر کشته.
۳۳	۱۳۵۹/۲/۶	خرمشهر	انفجار بمب زیر تریلی در فلکه راه آهن خرمشهر
۳۴	۱۳۵۹/۲/۶	خرمشهر	انفجار بمب در کتابفروشی نسیم، واقع در خیابان نقدی خرمشهر
۳۵	۱۳۵۹/۲/۸	خرمشهر	انفجار بمب در کتاب فروشی اتحاد واقع در خیابان ابن سینا و تخریب آن
۳۶	۱۳۵۹/۲/۱۸	خرمشهر	انفجار بمب در نزدیک کیوسک نوشابه فروشی در حوالی کشتارگاه
۳۷	۱۳۵۹/۴/۵	خرمشهر	انفجار بمب در اسکله شماره ۸ و کشته شدن فرد بمب‌گذار
۳۸	۱۳۵۹/۴/۲۷	خرمشهر	انفجار دیواره حصاری بندر بر اثر بمب

بدین ترتیب مردم هوشیار خرمشهر و آبادان به عنوان خط مقدم توانسته بودند تا آغاز جنگ تحمیلی (۵۹/۶/۳۱) با توکل به خداوند و تلاش نیروهای مردمی، نظامی و انتظامی دو جنگ اعلام نشده عراق، یکی غائله گروه‌های ضد انقلاب و قومیت‌گرا و دیگری جنگ انفجارات را با پیروزی پشت‌سر گذاشته و خود را برای جنگ اعلام شده عراق که در شرف وقوع بود، آماده کنند.

بخش دوم

عوامل مؤثر قدرت نظامی

مطالعه جنگ‌های گذشته به ویژه جنگ‌های قرن بیستم نشان می‌دهد، کشورهایی که وارد جنگ با یکی از کشورهای همجوار شده‌اند، ابتدا کلیه کشورهای پیرامونی را از نظر تهدید احتمالی ارزیابی، سپس جنگ را آغاز کردند. همچنین رایزنی‌های لازم را با کشورهای دوست و هم‌پیمان برای پشتیبانی‌های سیاسی و اقتصادی به عمل می‌آوردند. مسلماً عراق نیز قبل از تصمیم‌گیری برای آغاز جنگ با ایران به این‌گونه مسائل توجه داشته که خارج از بحث این کتاب می‌باشد.

توان رزمی نیروهای نظامی تنها به جنگ‌افزار پیشرفته بستگی ندارد، بلکه عوامل دیگری بایستی در کشورهای متخاصم ارزیابی و مقایسه شود و سپس تصمیم‌گیری برای آغاز جنگ به عمل آید.

در این بخش چند عامل مهم توان نظامی در ارتش عراق و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی، تجزیه و تحلیل و مقایسه قرار گرفته است.

عوامل مؤثر در قدرت نظامی عراق

۱- موقعیت نظامی

الف- قدمت تاریخ نظامی

قدمت تاریخ سرزمینی که امروزه به نام عراق شناخته می‌شود به دوران امپراطوری عثمانی باز می‌گردد، ولی قدمت تاریخی حکومتی به نام عراق به بعد از جنگ جهانی اول و انقراض امپراطوری عثمانی می‌رسد.

پس از جنگ جهانی اول دولت انگلستان در سرزمین بین‌النهرین (عراق) حکومت سلطنتی عراق را پایه‌گذاری و ارتش آن کشور را با الگوهای انگلیسی سازماندهی کرد. با سقوط رژیم سلطنتی عراق در سال ۱۹۵۸ م. چندین حکومت کودتایی با گرایش سوسیالیستی قدرت را در دست گرفتند. در سال ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱ شمسی) آخرین کودتا با ایدئولوژی حزب بعث در عراق تشکیل شد. رژیم جدید عراق ارتش را از نظر سازماندهی به سبک ارتش شوروی و تجهیزات آن را از کشورهای بلوک شرق اکثراً از شوروی سوسیالیستی تأمین کرد، ولی در امور تاکتیکی و آموزشی همچنان از روش انگلیسی‌ها پیروی می‌کرد.

ارتش جدید در سال ۱۹۵۸ م (۱۳۳۷ شمسی) سازماندهی و تجهیز آن آغاز شد و در آغاز جنگ تحمیلی حدود ۲۱ سال سابقه تشکیلاتی داشت.

ب- تجربه جنگی

عراق با شرکت در جنگ ۱۹۷۳ م (۱۳۵۳ شمسی) اعراب و رژیم صهیونیستی، اولین تجربه جنگی کلاسیک خود را پشت سر گذاشت. در این جنگ به علت ضعف ساختاری و نداشتن دانش فنی، قبل از ورود به صحنه نبرد، توسط نیروی هوایی ارتش صهیونیستی متوقف شد. ژنرال حمدانی فرماندهی گارد ریاست جمهوری عراق یکی از نقاط ضعف

ارتش عراق و همچنین سایر کشورهای عربی در جنگ را محروم بودن از دانش و فناوری می‌داند.^۱

ارتش عراق در درگیری‌های داخلی و مقابله با شورشیان شمال عراق از تجربه لازم برخوردار است.

ج- موقعیت دفاعی سرزمین

کشور عراق در غرب ایران واقع و دارای مرز مشترک حدود ۱۳۰۰ کیلومتر با ایران است. شهرهای بزرگ، منابع حیاتی و اقتصادی عراق در نوار شرقی آن کشور و نزدیک به خط مرز با ایران قرار دارند. تنها معدودی از شهرها از جمله بغداد، پایتخت عراق با بیش از ۱۰۰ کیلومتر با مرز ایران فاصله دارد. این وضعیت از نظر دفاعی عراق را با تهدیدات فراوانی از سمت ایران روبه‌رو می‌کند، زیرا با استقرار نیروهای ایران در نوار مرزی، اکثر این مناطق در برد توپخانه ارتش ایران قرار می‌گیرند.

مهم‌ترین منطقه نفت‌خیز و بندر صادراتی عراق واقع در بصره در فاصله‌ای نزدیک از مرز ایران قرار دارد (۲۴ کیلومتر) و از وضعیت دفاعی نامناسبی برخوردار است. مناطق نفت‌خیز شمال عراق مانند کرکوک و موصل به علت واقع شدن در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور بودن از نظر دفاع زمینی وضعیت مناسب‌تری داشته، ولی به علت کردنشین بودن منطقه و اختلافاتی که اقوام کرد با حکومت مرکزی عراق دارند دارای وضعیت دفاعی متزلزلی است.

در چنین وضعیتی می‌توان گفت عراق فاقد عمق دفاع راهبردی است. هرچند وجود رودخانه‌های دجله، فرات، شط‌العرب و اروندرود تا حدودی مانع حرکت نیروهای مهاجم برای دسترسی به عمق عراق محسوب می‌شوند، ولی با پیشرفت تکنولوژی عبور سریع از این موانع امکان‌پذیر می‌باشد.

کمبود عمق راهبردی نه تنها برای حرکت نیروی مهاجم از طرف ایران موقعیت مناسبی ایجاد می‌کند، بلکه به نیروی هوایی ایران نیز اجازه نفوذ سریع به عمق سرزمین عراق را می‌دهد. از این نظر در مواقع مخاصمات، عراق ناچار است با پیش‌دستی در عملیات تهاجمی نیروی خود را در عمق مناسبی در داخل خاک ایران مستقر سازد تا بتواند از حراست شهرهای خود در نوار مرزی اطمینان حاصل کند.

۲- وضعیت نیروی انسانی

الف- میزان جمعیت^۱

جمعیت کشور عراق در آغاز جنگ تحمیلی ۱۳/۶ میلیون نفر با ترکیب جمعیتی ۷۰ درصد عرب، ۱۸/۳ درصد کرد، ۲/۴ درصد ترکمن و ۸/۴ درصد سایر نژادها، از نظر ترکیب مذهبی جمعیت عراق ۹۰ درصد مسلمان شیعه و سنی به نسبت مساوی، تعداد باسوادان ۲۰ تا ۴۰ درصد، چنین جمعیتی عملاً برای یک جنگ گسترده به مدت طولانی نمی‌تواند پاسخگو باشد. زیرا آغازگر جنگ می‌تواند زمان شروع جنگ را تعیین ولی پایان آن را نمی‌تواند مشخص کند. به همین دلیل عراق پس از آنکه مجبور به اتخاذ وضعیت پدافندی شد، به علت نداشتن نیروی انسانی کافی، نتوانست نیروهای خود را در سراسر جبهه در خطوط پدافندی مطمئن سازماندهی و احتیاط مناسبی نیز تشکیل دهد.

ب- توان بسیج نیرو

حکومت دیکتاتوری عراق قبل از آغاز جنگ با فراخوانی نیرو توانست نسبت به تکمیل استعداد نیروهای نظامی اقدام کند. اما پس از آغاز جنگ و طولانی شدن آن، علی‌رغم بسیج نیروهای داخلی کشور و عدم ترخیص مشمولان تا آخر جنگ باز هم نتوانست استعداد نیروها را در سطح مورد نیاز بالا نگهدارد.

در ادامه جنگ برای تقویت نیروها و جایگزین کردن تلفات اقدام به بسیج نیرو از طریق احضار نیروهای کارگری، کشاورزی و بخش خدمات کرد و برای جایگزین کردن آنان بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز را با استخدام از سایر کشورهای عربی تأمین کرد. بخشی از آنان را به جای کارگران در مراکز تولیدی و صنعتی به کار گرفت و بخشی دیگر را در جبهه‌های جنگ جایگزین تلفات کرد.

ج- روحیه

یکی از اساسی‌ترین عوامل در میدان رزم، داشتن روحیه بالا و میل به جنگجویی در تمامی سطوح می‌باشد. چنانچه روحیه جنگی در نیروها وجود نداشته باشد، یکی از اصول مهم جنگ بنام «اصل آفند» تحقق پیدا نخواهد کرد. لذا نیرویی که با قصد آفند به میدان نبرد پا می‌گذارد، بایستی از روحیه و انگیزه بسیار بالایی برخوردار باشد تا بتواند به طور سریع، قاطع و در مدتی کوتاه با تلفات کمتر به اهداف خود دست یابد. نیروهای عراقی از چنین کیفیتی برخوردار نبودند. قرائنی که بیانگر ضعف روحیه نیروهای عراقی در جنگ بود عبارتند از:

(۱) برابر اظهارات اسرای عراقی، نیروهای عراق پس از آگاهی از تجاوز به کشوری دیگر دچار وحشت شده و حاضر به اجرای دستورات رده‌های بالا نبودند. آنها انگیزه‌ای برای این تجاوز در خود احساس نمی‌کردند.

(۲) سرعت کند نیروهای مهاجم از آغاز جنگ و عدم رسیدن به اهداف تعیین شده ضعف روحیه جنگی نیروهای عراقی را نشان می‌داد، به‌طوری‌که مسافتی که بایستی در مدتی کمتر از یک روز طی شود، بیش از ۱۵ روز طول کشید.

(۳) بی توجهی نیروهای در مراقبت از مناطق واگذاری به طوری که امکان نفوذ سریع نیروهای ایرانی را فراهم می‌کرد.

(۴) افزایش اسرای عراقی که به جای انجام وظیفه سربازی (جنگیدن) در برخورد با نیروهای ایرانی، بلافاصله با بالا بردن دست، تسلیم می‌شدند.

(۵) اسارت تعداد بی شماری از سربازان عراقی در عملیات، بیانگر عدم جنگندگی آنان به علت عدم روحیه و ناراضی بودن از تجاوز به خاک کشور هم کیش خود بود که سربازان آن دارای مذهب مشترک با آنان یعنی مذهب شیعه بودند.

البته به نظر می‌رسد که از سال دوم به بعد و عقب رانده شدن نیروهای عراق از خاک کشور ایران، وضعیت معکوس شد، در این زمان نیروهای عراقی علی‌رغم ناراضی‌تبی از جنگ، برای دفاع از کشورشان از روحیه و انگیزه بهتری برخوردار شدند و مقاومت سرسختانه‌ای را آغاز کردند.

د- کارایی و آموزش

یکی از عوامل اصلی حکومت بعث عراق برای انتخاب فرماندهان، وابستگی فکری آنان به حزب بعث بود. لذا از افرادی که دارای اندیشه نظامی و خلاق و پیشرفته بودند، ولی با تفکر حزب بعث مخالف بودند به عنوان فرماندهان عالی رتبه انتخاب نمی‌شدند.

این موضوع در عملکرد عملیاتی یگان‌های عراق در آغاز جنگ به خوبی مشهود بود. طرح مانورهای نامناسب، عدم استفاده صحیح از زمین، عدم تلاش در جمع‌آوری اطلاعات، گسترش غلط، کندی حرکت و ضعف‌های بسیاری که در طول جنگ مشاهده شد، به خوبی عدم مهارت و کارایی فرماندهان عراق را تأیید می‌کند.

به طور کلی عراق با داشتن دکترین شرقی نتوانسته بود سیستم آموزشی خود را با آن دکترین تطبیق دهد، لذا یگان‌ها در عمل فاقد کارایی لازم بودند.

ژنرال ابوغزاله (وزیر دفاع سابق مصر) در کتاب جنگ عراق و ایران، دلایل ضعف مهارت و کارایی نیروهای عراقی را به شرح زیر عنوان کرده است:^۱

(۱) فقدان سیستم فرماندهی و کنترل

(۲) عدم توانمندی در آموزش و مانور

(۳) عدم مهارت در به کارگیری سیستم‌های جدید مکانیزه

(۴) تنوع تسلیحات شرق و غرب

(۵) ضعف آموزش عملیات مشترک بین نیروها

(۶) عدم ارتباط آموزشی و علمی با سایر کشورها که موجب ضعف علمی در

ارتش بود.

هـ- فرماندهی و کنترل^۱

سیستم حکومت فردی تمامی اختیارات سیاسی، نظامی و غیره را در اختیار یک فرد قرار می‌دهد از جمله فرماندهی بر نیروهای مسلح. طبیعت این گونه فرماندهی ایجاب می‌کند کسانی در رأس نیروهای دفاعی و سلسله مراتب فرماندهی بگمارده شوند که تبعیت محض از رأس هرم داشته باشند.

رئیس جمهور عراق که در رأس هرم فرماندهی قرار داشت، حتی‌المقدور از به کارگیری افسرانی که صاحب نظر، مستقل، کارآمد و با کفایت بودند اجتناب می‌کرد و سعی داشت کسانی را در رأس یگان‌های نظامی بگمارد که از بُعد سیاسی وابسته به حزب بعث و وفادار به صدام حسین باشند.

ژنرال حمدانی فرماندهی گارد ریاست جمهوری عراق می‌گوید: «صدام در انتخاب اکثر فرماندهان نظامی، وفاداری آنان به حزب بعث و شخص خود را بر توانایی و شایستگی آنان ترجیح می‌داد. اعطای درجات عالی به فرماندهان رده‌های مختلف نظامی نیز اصولاً بر همین منوال صورت می‌گرفت»^۲. این گونه گزینه‌های موجب دلسردی افسران و از بین رفتن انگیزه برای فعالیت می‌شد و در نهایت موجب تضعیف فرماندهی و کنترل شده بود.

۱. همان، صفحه ۵۹

۲. منبع ردیف ۱۴، صفحه ۱۸

علاوه بر ضعف‌های برشمرده شده و علی‌رغم آنکه نیروهای عراقی دارای سلاح‌های پیشرفته و مدرن بودند، ولی سیستم فرماندهی و کنترل سیاسی کاملاً عقب افتاده قادر به استفاده از آنها نبود.

ژنرال حمدانی، در سال‌های پایانی جنگ و در آغاز تهاجم به ایران فرمانده گردان شناسایی بود، در مورد عملکرد فرماندهان لشکریایی که با اهداف سیاسی منصوب می‌شدند می‌گوید:^۱

«مشکل این بود که بیشتر فرماندهان لشکر در آن زمان فرماندهان لایقی نبودند. ما مسائل را جور دیگری نگاه می‌کردیم، چون این فرماندهان به دلیل وفاداری به حزب بعث به این مناصب گمارده شده بودند. ... فرمانده لشکر ما بدترین و نالایق‌ترین بود، ولی طرفدار حزب بعث بود. او اصلاً نمی‌دانست چگونه از واحد حفاظت نماید. ... ما می‌بایست از قبل میدان نبرد را می‌شناختیم، اگر اخبار بد بود می‌دانستیم که بد است، اما فرماندهان سیاسی بر خلاف نظامیان واقعی به شما می‌گویند عالی است».

علل چنین عملکردی را می‌توان در حقایق زیر دانست:

(۱) به کارگیری فرماندهانی که از نظر کفایت و دانش نظامی شایستگی لازم را نداشتند و فقط از نظر سیاسی تابع محض فرماندهی کل عراق بودند، در حالی که فرماندهان و عناصر شایسته کنار گذاشته شده بودند و این موضوع در روحیه فرماندهان تأثیر فراوانی داشت.

ادگار اوبالاس نویسنده کتاب «خلیج» در مورد توانایی‌های فرماندهان ارتش عراق می‌گوید: «افسران عراقی بالاتر از درجه سرهنگی، فاقد بینش، استعداد و ابتکار

لازم برای اجرای مسئولیت‌های خویش بوده آنها با زیرکی و پس از بررسی و ارزیابی‌های عقیدتی سیاسی فراوانی انتخاب می‌شوند.^۱

(۲) به کارگیری روش‌های امنیتی برای کنترل سلسله مراتب موجب شده بود که توان ابتکار عمل در رده‌های پایین به شدت کاهش یابد.^۲

(۳) عدم همخوانی ایدئولوژیکی (اعتقادی) بین فرماندهان و سربازان، عناصر فرماندهی در تمامی رده‌ها کثرت اهل تسنن و اکثریت سربازان پیرو مذهب تشیع بودند.^۳

(۴) نداشتن اعتماد به نفس در نیروهای رزمی به علت نداشتن کفایت و مهارت در به کارگیری جنگ‌افزارها و روش‌های همکاری بین رسته‌ای و آموزش‌های لازم.

به طور کلی طرح تهاجم عراق از یک تفکر منطقی نشأت گرفته بود، ولی به علت عدم کارایی فرماندهان رده‌های بالا و نداشتن روحیه و آموزش رده‌های پائین نتوانست به اجرا درآید، به نظر می‌رسد تهیه چنین طرحی از عهده ستاد فرماندهی ارتش عراق خارج بوده و احتمالاً طرح کلی توسط کشورهای غربی تهیه شده باشد.

۳- وضعیت اقتصادی

کشور عراق پس از استقلال از نظر اقتصادی روش‌های متفاوتی را تجربه کرد. پس از سقوط نظام پادشاهی، حکومت‌های کودتایی با الهام از ایدئولوژی کمونیستی، اقتصاد نظام اشتراکی را تجربه کردند. با روی کار آمدن حکومت بعثی در سال ۱۹۶۸، آن کشور اقتصادی مبتنی بر پایه همان ایدئولوژی البته با گرایش سوسیالیستی را با پاره‌ای اصلاحات برگزید.

۱. منبع ردیف ۱۱، ص ۱۱

۲. منبع ردیف ۱۴، ص ۵۹

۳. همان، صفحه ۵۹

سیاست جدید با افزایش قیمت نفت منجر به بهبود وضع اقتصادی عراق شد، به گونه‌ای که عراق در آغاز جنگ تحمیلی از وضعیت اقتصادی مناسب برخوردار شد. چنین وضعیتی به حکومت بعثی اجازه داد برای تقویت ارتش خود سرمایه‌گذاری کند.

عراق هزینه‌های نظامی خود را از یک میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰م. (۱۳۴۹ش.) به ۱۹/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰م. (۱۳۵۹ش.) افزایش داد. عراق در این سال علاوه بر داشتن ارتشی قوی دارای ذخایر ارزی معادل ۳۵ میلیارد دلار بود و هیچ‌گونه بدهی خارجی نداشت.^۱

عراق با داشتن وضعیت اقتصادی خوب و ارتش آماده بر آن شد تا با تهاجم سریع به کشور جمهوری اسلامی ایران بتواند در مدت کمتر از ۱۵ روز خوزستان را تصرف کند و با تجزیه آن، ایران را از منابع عظیم نفتی و موقعیت استراتژیکی خلیج فارس محروم سازد.

عراق با این فرض که ارتش ایران در بحران‌های انقلاب تضعیف شده است، موفقیت خود را حتمی تصور کرده بود، ولی مقاومت ملت و ارتش جمهوری اسلامی ایران که با نیروهای مردمی تقویت شده بود، جنگ برق‌آسای عراق را به جنگ فرسایشی تبدیل کرد. در چنین وضعیتی ارتش و ذخایر ارزی آن کشور نمی‌توانست تحمل جنگ فرسایشی را داشته باشد.

در آغاز جنگ با از کار افتادن پایانه‌های نفتی البکروالعمیه عراق و بسته شدن خط انتقال نفت آن کشور از طریق سوریه، صادرات نفت عراق به حداقل ممکن رسید. عراق برای افزایش صدور نفت اقداماتی از قبیل احداث ۲ خط لوله نفتی از خاک کشور ترکیه و یک خط لوله از عربستان سعودی و جایگزین کردن گاز طبیعی در مصارف داخلی را به کار گرفت، ولی نتوانست هزینه‌های مالی جنگ را تأمین کند. از طرفی علی‌رغم رساندن تولید نفت خود برابر سهمیه‌ای که اوپک برای آن تعیین کرده بود، به علت شوک کاهش قیمت نفت، درآمد حاصل از فروش آن به تدریج کاهش یافت، به طوری که قیمت هر بشکه نفت از قیمت ۳۵/۴ دلار در سال ۱۹۸۰م. (۱۴۵۷ش.) سال آغاز جنگ به ۸/۳۳ دلار در سال ۱۹۸۸م. (۱۳۶۷ش.) در سال پایان جنگ تنزل پیدا کرد. پایین آمدن قیمت نفت در بازارهای جهانی بر اوضاع اقتصادی عراق

از جمله تجارت خارجی به ویژه خرید سلاح و تجهیزات نظامی از کشورهای شرق و غرب، تولیدات صنایع داخلی و همچنین واردات سایر کالاهای مورد نیاز داخل کشور تأثیر گذاشت، به طوری که تراز ارزی عراق از سال دوم جنگ منفی شد.

۴- راهبرد ملی و نظامی

راهبرد مفهومی است که از زمان‌های دور در حیطه امور دفاعی و نظامی کاربرد داشته است. «استراتژی» به هدایت ارتش و «استراتژ» به فرمانده‌ای که مسئولیت هدایت ارتش را در صحنه نبرد به عهده دارد اطلاق می‌شد.

ژنرال آلمانی «کلاوزویتز» از تئورسین‌های بزرگ نظامی جهان، استراتژی را این گونه تعریف می‌کند:^۱

«استراتژی عبارت است از: به کارگیری نیروها به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف جنگ»

منظور کلاوزویتز از به کارگیری نیروها در صحنه نبرد نوع تاکتیک است و منظور او از اهداف جنگ، اهداف تاکتیکی در صحنه عملیات نیست، بلکه به هدف‌هایی اشاره دارد که مدّ نظر سیاستمداران است. به همین دلیل می‌گوید: «جنگ ادامه سیاست است، ولی با ابزاری دیگر»

در پی تحولات عظیم نظامی در جهان، ستاد مشترک آمریکا تعریف واضح‌تری از استراتژی که همان مفهوم قبلی را دارد ارائه می‌دهد:

«راهبرد (استراتژی) عبارت است از فن به کارگیری توان نظامی یک ملت برای تأمین اهداف سیاست ملی به وسیله اعمال قوای نظامی و تهدید به زور»^۲

این اصطلاح علاوه بر کاربرد در امور دفاعی در سایر امور نیز به کار رفته و راهبرد همه امور را تشکیل می‌دهد. راهبرد نظامی یکی از زیر مجموعه‌های راهبرد ملی در امور دفاعی است.

۱. منبع ردیف ۲۳، صفحه ۹ و ۱۰.

۲. منبع ردیف ۲۴، صفحه ۴

این راهبرد رسماً اعلام نمی‌شود، ولی تحلیل‌گران نظامی با استفاده از عوامل و قرائن زیر می‌توانند راهبرد نظامی ارتش‌ها را تشخیص دهند:

- اهداف تاکتیکی (عوارض حساس و حیاتی)

- نوع سازماندهی، استعداد و ترکیب نیروهای نظامی

- نوع تمرکز، گسترش و تاکتیک

با توجه به تعاریف فوق، به تجزیه و تحلیل راهبردهای ملی و نظامی دو کشور ایران و عراق در جنگ می‌پردازیم.

الف - راهبرد ملی عراق «امور دفاعی»

همان‌طوری که قبلاً نیز اشاره شد، عراق به علت ترس از صدور انقلاب و لغو قرارداد ۱۹۷۵ که موجب تحقیر آن کشور شده بود، با استفاده از فرصتی که وقوع انقلاب اسلامی در ایران به وجود آورده بود، تصمیم به دفع خطر از ناحیه ایران گرفت. به این ترتیب در نظر داشت:

(۱) نظام جمهوری اسلامی ایران را در آغاز راه تضعیف کند.

(۲) مرزهای آبی خود را در ارون‌درو به قبل از قرارداد ۱۹۷۵ بازگرداند.

(۳) در صورت موفقیت با استفاده از مردم عرب زبان، استان خوزستان را به عراق ضمیمه کند.

(۴) موقعیت راهبردی عراق را در خلیج فارس بهبود بخشد.

بدیهی است تصمیم‌گیری برای آغاز جنگ می‌بایستی با توجه به شرایط محیطی (داخلی و خارجی) گرفته شود. موفقیت در کسب پشتیبانی و موافقت محیط خارجی (همسایگان و کشورهای استکباری) می‌توانست به آغاز جنگ شتاب دهد.

تحلیل‌گران بر اساس گزارشات و اعلامیه‌های غیر رسمی جراید و رسانه‌ها گفته‌اند که آمریکا به منظور ادامه همکاری جمهوری اسلامی با سیاست‌های آن کشور در منطقه مبادرت به توطئه‌چینی علیه حکومت تازه تأسیس ایران به شرح زیر کرده است:

۱- با پشتیبانی و موافقت آنان، مخالفان داخلی اقدام به شورش و آشوب در مناطق مختلف کشور از جمله در ۳ استان مرزی شمال غرب کردند.

۲- با انتقال قدرت از ژنرال حسن‌البکر به صدام حسین در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۵ شمسی زمینه‌های لازم را برای آغاز جنگ تحمیلی فراهم کردند.

۳- در صورت عدم همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای استکباری، با جدا کردن خوزستان از ایران، حکومت را سرنگون و یک حکومت دست‌نشانده طرفدار آمریکا را در کشور مستقر سازند.

برای ادعاهای فوق، دلایلی ذکر شده که منبع تمامی آن‌ها، گزارش جراید و رسانه‌ها بوده و فاقد هرگونه رسمیت می‌باشد. چنانچه گزارشات داده شده صحت نیز داشته باشد، بایستی آن را در راهبرد ابرقدرت‌ها در رابطه با کل منطقه خاورمیانه مورد تحلیل قرار داد که با بحث این نوشتار ارتباطی ندارد.

ب - راهبرد نظامی عراق

استراتژی ملی و استراتژی نظامی عراق را نمی‌توان صرفاً جزئی از راهبرد ابرقدرت‌ها دانست، هرچند که در صورت موفقیت می‌توانست به آن کمک کند

صدام حسین پس از انتصاب در مقام ریاست جمهوری شرایط زیر را رسماً اعلام کرد:

۱- خروج بدون قید و شرط ایران از ۳ جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی در خلیج فارس

۲- شناسایی خوزستان به عنوان عربستان از طرف ایران

۳- بازگرداندن وضع شط‌العرب به حالت قبل از مارس ۱۹۷۵

پس از اعلام شرایط فوق، صدام حسین اعلام کرد: «عراق آماده است با زور اختلافات خود را با ایران حل کند»

صدام حسین ابتدا اهداف سیاسی خود را با ۳ شرط اعلام کرد و سپس اضافه کرد در صورتی که شرایط محقق نشود، آن را با اعمال زور حل خواهد کرد. این گفته به مفهوم راهبرد ملی (در امور دفاعی) می‌باشد. با توجه به ۳ شرط فوق که در حقیقت راهبرد ملی عراق است ملاحظه می‌شود که:

۱- شرط اول جهت جلب نظر و پشتیبانی کشورهای عرب منطقه که چنین ادعای واهی را همواره در سر می‌پروراند بوده است.

۲- شرط دوم برای حمایت و پشتیبانی مردم عرب‌زبان خوزستان برای رسیدن به خودمختاری

۳- شرط سوم تنها شرطی است که منحصراً با حکومت عراق و شخص صدام حسین ارتباط دارد تا اولاً مالکیت تمامی شط‌العرب (اروند رود) را به عراق بازگرداند، و در ثانی از زیر بار تحقیقی که با امضاء قرارداد مارس ۱۹۷۵م. الجزایر رفته بود خارج شود. بنابراین راهبرد ملی عراق در جنگ تحمیلی را صرفاً می‌توان الغاء قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر با هدف به دست آوردن مالکیت شط‌العرب (اروند رود) دانست.

حکومت عراق به خوبی می‌دانست با توجه به شرایط داخلی کشور عراق که مشروحاً بیان شد، نمی‌تواند هر ۳ شرط اعلام شده را محقق سازد. لذا می‌توان ۲ هدف زیر را برای راهبرد عراق قابل قبول دانست.

۱- هدف حدّ اقلی: مالکیت شط‌العرب با الغاء قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر.

۲- هدف حدّ اکثری: تبدیل خوزستان به عربستان.

در صورتی که عراق موفق به تحقق هدف حدّ اکثری (هدف دوم) می‌شد، به اهداف تلویحی دیگری تحقق می‌بخشید که می‌توان آنها را در جهت اهداف راهبردی آمریکا که توسط تحلیل‌گران ادعا شده دانست. این اهداف عبارتند از:

۱- محروم کردن ایران از یک منبع اقتصادی مهم (نفت)

۲- ارتقاء موقعیت استراتژیک عراق در کرانه شمالی خلیج فارس.

۳- تضعیف هرچه بیشتر نظام جمهوری اسلامی از نظر نظامی و اقتصادی و حرکت در جهت سقوط آن.

۴- معرفی صدام به عنوان قهرمان ملی عرب و بهره‌برداری از پیامدهای آن.

عراق در مدت ۷ سال بعد از قرارداد ۱۹۷۵ با توسعه نیروهای مسلح، خرید تجهیزات مدرن و عقد قراردادهای نظامی، منتظر فرصتی بود که از آنها در جهت اهداف عراق استفاده کند. لذا با این پشتوانه اعلام کرد هر گونه اختلافی را با زور (قدرت) حل خواهد کرد.

قرائن و شواهد نشان می‌داد که جنگ با ایران قریب‌الوقوع است. لذا راهبرد نظامی و اهداف تاکتیکی عراق را با توجه به اهداف راهبردی و چگونگی گسترش نیرو و نوع مانور نیروها و محورهای پیشروی می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

۱- به کارگیری حداکثر نیرو در منطقه خوزستان برای رسیدن به هدف حداقلی (تصرف آبادان و خرمشهر) و هدف حداکثری (تصرف خوزستان)

۲- به کارگیری نیروی مناسب در غرب برای تأمین مناطق مرکزی عراق (بغداد) با اشغال ارتفاعات زاگرس

۳- کمک به شورشیان مناطق کردنشین ایران در نواحی شمالی

با توجه به راهبرد فوق و نوع گسترش. محورهای پیشروی و مانور نیروها، اهداف تاکتیکی عراق را در راستای راهبرد نظامی می‌توان به شرح زیر تبیین کرد.

۱- منطقه جنوب: محاصره خوزستان با تصرف خرمشهر، آبادان، اهواز و ارتفاعات شمال دزفول و اندیمشک.

۲- منطقه غرب: تصرف شهرهای مهران، صالح‌آباد، سومار، نفت‌شهر، قصر شیرین، گیلانغرب، سرپل ذهاب و اسلام‌آباد به منظور درگیر کردن نیروهای ایران در داخل خاک ایران و مسدود کردن دهلیزهای غربی ارتفاعات زاگرس مرکزی.

۳- منطقه شمالغرب: تصرف معابر نفوذی مناطق کردنشین آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاهان به منظور درگیر کردن بخشی از نیروهای ایران.

۵- استعداد و گسترش نیروهای عراقی در مرز قبل از شروع جنگ تحمیلی^۱

نیروی زمینی ارتش عراق در قالب سه سپاه شامل پنج لشکر پیاده با شماره‌های ۲، ۴، ۷، ۸، ۱۱ و دو لشکر مکانیزه با شماره‌های ۱ و ۵ و پنج لشکر رزهی با شماره‌های ۳، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲ و دو تیپ رزهی و مکانیزه مستقل به نام‌های تیپ ۱۰ رزهی و تیپ ۱ مکانیزه گارد جمهوری و سه تیپ مستقل نیروی مخصوص در تابعیت ستاد کل با شماره‌های ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ده تیپ پیاده احتیاط (هر تیپ شامل ۶ گردان) در تابعیت ستاد کل از سری ۹۰ تا ۹۹ و ده تیپ گارد مرزی از سری ۱۰۰ سازماندهی شده بود.

الف- استعداد نیروهای ارتش عراق در آستانه ورود به جنگ

(۱) نیروی زمینی

نیروی انسانی	۱۹۵۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰۰ نفر
تانک از انواع مختلف	۲۵۰۰ دستگاه (تی - ۶۲، تی - ۵۵، تی - ۵۴)
تانک سبک شناسایی	۲۰۰ دستگاه تی - ۷۲
نفربر از انواع مختلف	۲۹۵۰ دستگاه
توپ صحرایی مختلف	۱۵۰۰ عراده (۱۵۲م، ۱۳۰م م) (۵/۵ اینچ (خمسه خمسه)، ۱۲۲ م، ۱۰۰ م و ...)
توپ ضدهوایی	۷۵۰ قبضه (۲۳ م و ۵۷م و ...)
پرتاب کننده اسکاد و فراگ	۴۸ دستگاه
موشک سام ۷	۲۰۰۰ قبضه
تانک بر از انواع مختلف	۸۵۰ دستگاه

۱. مدارک موجود در معاونت اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

(۲) نیروی هوایی و پدافند هوایی

استعداد نیروی انسانی ۲۵۰۰۰ نفر

هواپیما از انواع مختلف ۳۶۶ فروند (میگ ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳، سوخو، آنتونوف، توپولف، ایلوشین)

توپ پدافند هوایی ۵۳۰ قبضه (۲۳ م، ۵۷ م و ...)

بالگرد از انواع مختلف ۱۶۶ فروند (می ۶ و ۸، غزال)

تیپ موشکی ۱۴۵ سام ۶

تیپ موشکی ۱۹۵ سام ۲

گردان موشکی ۱۲۵ سام ۲

گردان موشکی ۳۴ سام ۲

رادار ثابت و متحرک حدود ۱۱۶ دستگاه از انواع مختلف

(۳) نیروی دریایی

استعداد نیروی انسانی ۷۰۰۰ نفر

شناور از انواع مختلف ۸۷ فروند شامل (ناوچه اوزا، اژدرافکن، مین جمع‌کن،

نیروبر، یدک کش، ضد زیردریایی و)

بالگرد ۱۲ فروند

ب - گسترش نیروی زمینی عراق در آستانه جنگ

سپاه یکم

محل استقرار: منطقه شمالی از نقطه مرزی مشترک ایران، ترکیه و عراق (دالامپرداغ) تا جنوب حلبچه (آقالر).

یگان‌های در اختیار:

(۱) لشکر ۷ پیاده

«الف» یگان‌ها: تیپ پیاده ۱۹، ۳۸، ۳۹، یک گردان تانک، قرارگاه کماندویی با استعداد ۱۷ گروهان کماندو، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، یک گروهان شیمیایی، ۶ گردان توپخانه صحرایی، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان مهندسی و یک گردان مخابرات.

«ب» محل استقرار: شرق سلیمانیه تا غرب سید صادق.

(۲) لشکر ۱۱ پیاده (-)

«الف» یگان‌ها: دو تیپ پیاده به شماره‌های ۴۷ و ۴۸ پیاده، تیپ ۱۱۳ گارد مرزی، یک گردان تانک، یک گردان شناسایی، قرارگاه کماندویی لشکر با استعداد ۶ گروهان کماندو، یک گروهان شیمیایی، ۵ گردان توپخانه صحرایی، یک گردان مهندسی و یک گردان مخابرات، یک گردان پدافند هوایی.

«ب» محل استقرار: اربیل.

(۳) چهار تیپ گارد مرزی مستقر در منطقه عمومی سید صادق.

(۴) دو تیپ پیاده احتیاط به استعداد ۱۲ گردان مستقر در سه راه سید صادق تا دوآب نوسود.

(۵) شش گردان دفاع الواجبات از اهالی منطقه کردستان عراق به منظور تأمین

تأسیسات نفتی و لوله‌های نفتی

سپاه دوم

محل استقرار: از منطقه میانی از جنوب حلبچه (آقالر) تا رودخانه چنگوله در جنوب شرق بدره.

یگان‌های در اختیار:

(۱) لشکر ۸ پیاده کوهستان

«الف» یگان‌ها: سه تیپ پیاده به شماره‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۸، یک گردان تانک، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان کماندو، پنج گردان توپخانه صحرایی، یک گردان مهندسی، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی

«ب» محل استقرار: مقابل قصر شیرین، شمال و جنوب شهر خانقین در

نوار مرز

(۲) لشکر ۲ پیاده کوهستان

«الف» یگان‌ها: سه تیپ پیاده به شماره‌های ۲، ۴، ۳۶، دو گردان پیاده مستقل، یک گردان تانک، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، قرارگاه کماندویی لشکر به استعداد ۱۲ گروهان، پنج گردان توپخانه صحرایی، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی.

«ب» محل استقرار: مقابل مهران، منطقه شمال و جنوب شرق بدره

(۳) لشکر ۴ پیاده

«الف» یگان‌ها: سه تیپ پیاده به شماره‌های ۵، ۱۸ و ۲۹، یک گردان تانک، یک گردان شناسایی، قرارگاه کماندویی لشکر با استعداد ۱۴ گروهان کماندو، یک گروهان شیمیایی، پنج گردان توپخانه صحرایی، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات.

«ب» محل استقرار: مقابل نفت‌شهر (نفت‌خانه، مندلی)

(۴) لشکر ۶ زرهی

«الف» یگان‌ها: سه تیپ به شماره‌های ۱۶ و ۳۰ زرهی و ۲۵ مکانیزه، یک گردان شناسایی، یک گردان کماندو، پنج گردان توپخانه صحرائی، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی.

«ب» محل استقرار: مقابل خسروی و قصر شیرین (منطقه عمومی خانقین)

(۵) لشکر ۱۲ زرهی

«الف» یگان‌ها: دو تیپ (۳۷ زرهی و ۴۶ مکانیزه)، یک گردان شناسایی، یک گردان کماندو، ۴ گردان توپخانه صحرائی، یک گردان ضد تانک، یک گردان توپخانه پدافند هوایی، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی

«ب» محل استقرار: مقابل مهران (بدره) و مقابل میمک (ترساق) و

چقاحمام

(۶) تیپ ۳۲ نیرو مخصوص ستاد کل

«الف» یگان‌ها: سه گردان نیرو مخصوص به شماره‌های ۴، ۵ و ۶

«ب» محل استقرار: در حوالی قرارگاه تاکتیکی سپاه ۲ (حمرین)

(۷) تیپ ۱۰ زرهی مستقل

«الف» یگان‌ها: سه گردان تانک، یک گردان مکانیزه و یک گردان توپخانه

صحرائی

«ب» محل استقرار: احتیاط سپاه ۲ منطقه عمومی بعقوبه

سپاه سوم

محل استقرار: منطقه مسئولیت سرزمینی سپاه سوم از رودخانه چنگوله تا فاو به سه قسمت تقسیم می‌شود:

- از چنگوله تا رودخانه میمه (طیب) در اختیار یگان‌های گارد مرزی
 - از بصره تا فاو در اختیار یگان‌های غرب اروند.
 - منطقه میانی از میمه (طیب) تا نهر خَین در اختیار یگان‌های مشروحه زیر
- یگان‌های در اختیار:

(۱) لشکر ۱۰ زرهی

«الف» یگان‌ها: سه تیپ (۱۷ و ۴۲ زرهی و ۲۴ مکانیزه)، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان کماندو، پنج گردان توپخانه صحرائی، یک گردان موشکی کاتیوشا، یک گردان مخابرات، یک گردان توپخانه پدافند هوایی، یک گروهان شیمیایی

«ب» محل استقرار: منطقه شرق رمیله تا ارتفاعات حمربین مقابل عین خوش

(۲) لشکر ۱ مکانیزه

«الف» یگان‌ها: سه تیپ (۳۴ زرهی، ۱ و ۲۷ مکانیزه)، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان کماندو، چهار گردان توپخانه صحرائی، یک گردان توپخانه پدافند هوایی، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی

«ب» محل استقرار: منطقه شیخ فارس مقابل فکه ایران

(۳) لشکر ۹ زرهی

«الف» یگان‌ها: سه تیپ (۳۵ و ۴۳ زرهی، ۱۴ مکانیزه)، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان تکاور، چهار گردان توپخانه

صحرائی، یک گردان توپخانه پدافند هوایی، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی، یک گردان موشکی کاتیوشا
«ب» محل استقرار: از منطقه شرق حلفائیه (شیب) تا سوبله

(۴) لشکر ۵ مکانیزه

«الف» یگان‌ها: سه تیپ (۲۶ و ۱۵ زرهی، ۲۰ مکانیزه)، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان کماندو، پنج گردان توپخانه صحرائی، یک گردان توپخانه پدافند هوایی، یک گردان موشکی کاتیوشا، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی
«ب» محل استقرار: منطقه جنوب کوشک تا جنوب طلائیه قدیم

(۵) لشکر ۳ زرهی

«الف» یگان‌ها: سه تیپ (۶ و ۱۲ زرهی، ۸ مکانیزه)، یک گردان شناسایی، یک گردان ضد تانک، یک گردان کماندو، پنج گردان توپخانه صحرائی، یک گردان توپخانه پدافند هوایی، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات، یک گروهان شیمیایی

«ب» محل استقرار: جنوب پاسگاه زید عراق واقع در شمال غرب خرمشهر
مقابل پاسگاه کیلومتر ۲۵ جاده خرمشهر - اهواز

(۶) تیپ ۳۳ نیروی مخصوص (زیر امر لشکر ۳ زرهی)

«الف» تیپ ۳۳ نیروی مخصوص با سه گردان نیروی مخصوص به شماره‌های ۷، ۸ و ۹ در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۵ با تیپ ۴۹ پیاده لشکر ۱۱ پیاده شامل سه گردان پیاده و تیپ ۲۳ کماندو گارد جمهوری با سه گردان نیروی مخصوص به شماره‌های ۱، ۲ و ۳ و تیپ ۱ مکانیزه گارد جمهوری شامل یک گردان تانک و ۳ گردان مکانیزه قرارگاه محمره را تشکیل داد.

«ب» محل استقرار

«۱» تیپ ۳۳ نیروی مخصوص: غرب شلمچه برای استفاده در جنگ

شهری

«۲» تیپ ۴۹ پیاده لشکر ۱۱ پیاده: غرب شلمچه

«۳» تیپ ۲۳ کماندو گارد جمهوری: شرق تنومه

«۴» تیپ ۱ مکانیزه گارد جمهوری: منطقه عمومی نشوه به عنوان

احتیاط سپاه ۳

عوامل مؤثر در قدرت نظامی ایران

۱- موقعیت نظامی

الف - قدمت تاریخی ایران

سابقه ارتش ایران به ۲۵۰۰ سال می‌رسد. ایران در طول این مدت به استثنای هشت قرن، از نیمه اول قرن هفتم تا نیمه اول قرن نهم میلادی به علت سلطه امپراطوری اسلامی نتوانست حکومت مرکزی مستقلی را تشکیل و متناسب با آن نیروی نظامی لازم را سازماندهی کند. بعد از این دوران حکومت‌های منطقه ای ایران با توجه به میزان استقلال و اقتدارشان، نیروهای مسلح مورد نیاز را سازماندهی می‌کردند. با پیدایش کشورهای استعماری در اواخر قرن شانزدهم، آنان تلاش کردند با نفوذ در حکومت‌های منطقه‌ای، ارتش ایران را سازماندهی و مطابق فرهنگ، سلیقه و سیاست خود آماده سازند.

پیشرفت‌های علمی و توسعه تکنولوژی موجب پدید آمدن تجهیزات جدید در زمین، هوا و دریا شد. به طور کلی ارتش‌ها برای به کارگیری تکنولوژی نوین در جنگ، نیاز به تغییر ساختار و متناسب با آن تغییر کاربرد (تاکتیک) دارند. لذا هریک از قطب‌های قدرت تغییرات ساختاری لازم را با توجه به نیازهای عملیاتی در جهت سیاست‌های خود اعمال می‌کنند.

ارتش ایران نیز که در راستای کشورهای غربی قرار داشت، با توجه به ملاحظات سیاسی - جغرافیایی، ظرفیت‌های اقتصادی و سطح دانش فنی، ساختارهای متفاوتی را تجربه کرد. در اوایل قرن بیستم ارتش ایران تحت عنوان ارتش نوین بنیانگذاری شد. ارتش نوین تا آغاز جنگ تحمیلی، ۵۷ سال سابقه فعالیت را پشت سر گذاشت.

ب - تجربه جنگی ایران

ارتش باستانی ایران علاوه بر دارا بودن تجربیات ۲۵۰۰ ساله با شرکت در جنگ‌های متعدد در اقصی نقاط عالم و سرزمین‌های مجاور در غرب تا یونان و مصر، در شرق تا

هندوستان، در جنوب در سواحل خلیج فارس و در شمال در مناطق قفقاز و ارمنستان یکی از پر تجربه‌ترین ارتش‌های منطقه خاورمیانه می‌باشد.

ارتش نوین ایران از تجربیات زیادی در برقراری ثبات و امنیت در داخل کشور و شرکت در جنگ علیه شورشیان ظفار کشور عمان برخوردار است.

ج - موقعیت دفاعی سرزمین ایران

کشور ایران واقع در شرق عراق و دارای مرز مشترکی حدود ۱۶۰۰ کیلومتر با عراق است. بر خلاف عراق پراکندگی شهرهای بزرگ، منابع حیاتی و اقتصادی، به استثنای شهر خرمشهر و آبادان در فاصله نسبتاً دوری از مرز با آن کشور قرار دارند. شهرهای بزرگ ایران در فاصله ای بیش از ۲۰۰ کیلومتر از مرز قرار دارند. عمق پایتخت از مرز ایران و عراق بالغ بر ۸۰۰ کیلومتر است. این وضعیت به ایران فرصت می‌دهد در شرایط عادی بتواند نیروهای خود را در مرز مستقر و هرگونه حرکت زمینی از غرب را کنترل کند. نیروی هوایی عراق نیز به علت مسافت زیاد تا پایتخت، شهرهای بزرگ و مراکز اقتصادی ایران قادر به نفوذ سریع، عمیق و مؤثر نبوده، لذا این گونه مناطق با تهدید جدی مواجه نیستند.

در چنین وضعیتی می‌توان گفت ایران دارای عمق دفاع راهبردی از ناحیه غرب می‌باشد. وجود رودخانه‌های کارون، کرخه و اروندرود در سرزمین باز خوزستان و ارتفاعات مرزی در غرب و نیز ارتفاعات صعب‌العبور شمال غرب محدودیت‌های فراوانی را برای تهاجم هماهنگ شده برای هر نیرویی از غرب فراهم می‌کند.

منطقه خرمشهر و آبادان دارای اهمیت اقتصادی و صنعتی می‌باشند، ولی به علت فاصله کم از مرز از عمق دفاعی محدود برخوردار بوده و همین موضوع در تمامی جنگ‌های گذشته مورد توجه حکومت‌های وقت بین‌النهرین قرار داشته است. به طوری که در دوران حکومت عثمانی، خرمشهر چندین بار به تصرف آن حکومت درآمده است.

مناطق نفتی خوزستان به استثنای منطقه محدودی در شمال غرب استان خوزستان و سایر بنادر مهم تجاری ایران واقع در حاشیه شمالی خلیج فارس در عمق مناسبی قرار دارند و مورد تهدید جدی از طرف عراق نمی‌باشند.

چنانچه راهبرد دفاعی ایران به خوبی تدوین شده و ساز و کارهای لازم برای جلوگیری از تجاوز فراهم شود، عراق هیچ‌گاه قادر به تجاوز به ایران نیست، مگر با استفاده از فرصت‌ها در شرایط غیر عادی مانند اوایل انقلاب اسلامی.

۲- وضعیت نیروی انسانی

الف - میزان جمعیت

جمعیت کشور ایران در آغاز جنگ ۳۴/۴۵۵/۰۰۰ نفر با ترکیب ۶۴ درصد فارس، ۱۸ درصد ترک، ۳ درصد کرد، ۳ درصد عرب و ۱۲ درصد سایر اقوام، از نظر ترکیب مذهبی ۹۳ درصد مسلمان شیعه، ۵ درصد مسلمان سنی، ۲ درصد سایر مذاهب، تعداد افراد با سواد ۳۷ درصد.

این میزان جمعیت چنانچه در جنگ به خوبی مدیریت شوند، توان مقابله با نیروهای مهاجم عراق را دارند. با آغاز نا آرامی‌ها در مناطق شمال غرب و سپس جنگ تحمیلی، ارتش از استعداد لازم برخوردار نبود. اختلافات سیاسی در سطح عالی مدیریت کشور موجب بی توجهی به نیروهای دفاعی شده بود. سرانجام با دستور رهبر کبیر انقلاب اکثر سربازانی که در انقلاب پادگان‌ها را ترک کرده، مراجعت کردند و خدمت سربازی مجدداً از ۱۲ ماه به ۲۴ ماه افزایش یافت. ولی این افزایش پاسخگوی نیاز صحنه‌های نبرد نبود و به بسیج همگانی نیرو نیاز داشت.

ب - بسیج نیرو در ایران

ارتش ایران در طول تاریخ با بسیج توده‌های مردم در جنگ‌ها شرکت می‌کرد. حکومت‌های مختلف پادشاهی ایران، در جنگ با سایر حکومت‌ها، ناچار به بسیج مردم سراسر کشور می‌شدند.

در بسیج توده‌های مردم هر یک از والیان و فرمانداران مناطق موظف بودند برابر سهمیه‌ای که تعیین می‌شد، نیروهای محلی را تجهیز و با وسایل مورد نیاز سازماندهی و به میدان‌های جنگ اعزام دارند و در اختیار حکومت مرکزی (پادشاه) قرار دهند. نیروهای اعزامی پس از خاتمه جنگ به موطن خود مراجعت و البته برابر قوای از مقرری مناسب برخوردار می‌شدند.

ضمناً حکومت‌ها علاوه بر بسیج مردم در زمان جنگ، به منظور حراست و نگهبانی از پادشاهان، نیرویی ثابت (دائمی) را سازماندهی می‌کردند. این نیروها در ادوار مختلف عناوین مختلفی مانند گارد جاویدان، قزل‌باش، پارکابی و ... داشتند. نیروهای دائمی تماماً متشکل از کارکنان پایور (کادر ثابت) و به صورت قراردادی استخدام می‌شدند.

پس از جنگ جهانی اول و پیدایش ساختار جدید در ارتش‌های دنیا، ارتش ایران نیز در سال ۱۳۰۰ ش. با اجرای قانون نظام وظیفه عمومی از سازمان و ساختار جدیدی برخوردار شد.

ارتش با احداث پادگان در سراسر کشور و تشکیل یگان‌های مختلف نظامی، برابر قانون اساسی وظیفه حراست و دفاع از قلمرو کشور را به عهده گرفت. کارکنان ارتش را نیروهای پایور شامل افسران، درجه‌داران و کارمندان و نیروی وظیفه که طبق قانون نظام وظیفه عمومی، موظف بودند مدت ۲ سال در ارتش خدمت کنند تشکیل می‌دادند.

کارکنان وظیفه پس از خاتمه دو سال خدمت، همچنان تا سن ۴۵ سالگی تحت عنوان نیروی احتیاط موظف بودند به محض احضار خود را به پادگان‌ها معرفی کنند. احضار نیروهای احتیاط به میزان نیاز و سطح مخاصمات (جنگ) بستگی داشت که به آن طرح بسیج همگانی گفته می‌شد. این طرح تا قبل از انقلاب اسلامی نیازی به احضار پیدا نکرد و مورد آزمایش قرار نگرفت.

البته پس از تشکیل ارتش با ساختار جدید، حکومت وقت یگانی را تحت عنوان گارد شاهنشاهی متشکل از کارکنان کادر ثابت و پیمانی تشکیل داد. این سازمان دارای سلسله مراتبی مستقل از ارتش بوده و تحت امر فرماندهی کل قوا قرار داشت.

پس از انقلاب اسلامی با وضعیتی که برای ارتش به وجود آمد، ضمن مشکلات ساختاری استعداد آن به کمتر از ۵۰ درصد رسید. لذا، ارتش به بازسازی و تقویت به ویژه از نظر نیروی انسانی احتیاج پیدا کرد.

با بروز نا آرامی در مناطق مختلف کشور و پس از جنگ تحمیلی، حکومت جمهوری اسلامی به دلایل مختلفی نتوانست از طرح بسیج همگانی برای تقویت نیروهای مسلح استفاده کند. لذا برای تقویت ارتش و بالا بردن استعداد نیروی انسانی نیروهای مسلح به شیوه سنتی گذشته یعنی بسیج توده‌های مردم روی آورد که چگونگی آن متعاقباً تشریح خواهد شد.

(۱) تعریف بسیج

(الف) در فرهنگ واژه‌های نظامی تعریف بسیج (Mobilisation) عبارت است از^۱:

«۱» آماده شدن برای جنگ یا سایر موارد اضطراری از طریق جمع‌آوری و

سازماندهی منابع ملی

«۲» مرحله‌ای که در آن نیروهای مسلح یک کشور یا بخشی از آن برای

جنگ یا سایر موارد اضطراری به حالت آماده‌باش در می‌آیند. این مرحله شامل

جمع‌آوری و سازماندهی افراد، آماد و وسایل و خدمات برای نیروها می‌باشد.

(ب) تعریف بسیج در عرف جمهوری اسلامی ایران:

بسیج نیروهای رزمنده در جمهوری اسلامی ایران عبارت است از نیروهای

داوطلب مردمی که به آنان لشکر مخلص خدا اطلاق شده و آماده دفاع از

ارزش‌های اعتقادی و ملی جامعه هستند.

در تعریف فوق، کلیه فعالیت‌های بسیج اعم از احضار، پذیرش، شرکت در عملیات بر اساس «تکلیف شرعی» بوده، هیچ‌گونه اجبار یا الزام قانونی برای فرد داوطلب بسیجی وجود نداشت. بسیجیان در هر سن، شغل و موقعیت اجتماعی که بودند می‌توانستند داوطلب عزیمت به جبهه‌های جنگ شده و حتی مجبور به طی آموزش‌های رزمی سیستماتیک قبل از اعزام نیز نبودند. آنان فقط بر حسب فتوای مرجع تقلید خود شرکت در عملیات را واجب دانسته و با معرفی خود به پایگاه‌های بسیج محل اقامت و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی به جبهه‌ها اعزام می‌شدند.

امروزه کلیه فعالیت‌های اجتماعی که نیاز به همکاری همه اقشار و تسریع در عمل می‌باشد، از این عنوان استفاده می‌شود. مانند بسیج اقتصادی، بسیج فرهنگی، بسیج کشاورزی و ...

تفاوت دو تعریف فوق در مفهوم آن است که در اولی فعالیت‌ها بر اساس «وظیفه قانونی» و در دومی بر اساس «تکلیف شرعی» می‌باشد.

(۲) سابقه تشکیل نیروی مقاومت بسیج پس از انقلاب

در نیمه اول سال ۱۳۵۸ با توجه به تهدیدات کشورهای استعماری برای تضعیف انقلاب، طرحی از طرف یکی از افسران دانشکده افسری ارتش (سرگرد علی نیکفرد) جهت سازماندهی گروه‌های مقاومت در تمامی سازمان‌ها، ادارات، کارخانجات، شهرها و روستاهای سراسر کشور تحت عنوان بسیج مقاومت تهیه شد و این طرح توسط سرهنگ موسی نامجوی (سرلشکر شهید) که در آن زمان فرمانده دانشکده افسری ارتش بود به مقامات حکومت ارائه گردید. مشابه این طرح از طرف گروه‌های دیگر انقلابی نیز مطرح شده بود. با توجه به طرح‌های ارائه شده به دستور حضرت امام (ره) ستاد بسیج ملی در ستاد مشترک ارتش تحت نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مقام معظم رهبری) که در آن زمان نماینده حضرت امام در ارتش بودند، تشکیل شد. اعضاء اولیه ستاد عبارت بودند از:

۱- حجت‌الاسلام و المسلمین محمد مجد

۲- سرگرد پیاده ستاد علی نیکفرد از دانشکده افسری ارتش (نگارنده کتاب)

۳- سرگرد پیاده ستاد محمد نژد جوادی پور از عقیدتی سیاسی ارتش

۴- سرگرد پیاده محمد علی شریف‌النسب از ستاد مشترک ارتش

۵- سرگرد ژاندارم هاشم قرقی از ژاندارمری کل کشور

ستاد بسیج ملی پس از دو ماه کلیات طرح، روش‌های اجرایی، سازمان گروه‌های مقاومت، چگونگی تجهیز و آموزش را تهیه کرد. با گسترش کار، محل ستاد به خیابان فلسطین منتقل و عناصر دیگری از نهادها به ویژه کمیته و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آن اضافه شدند. ستاد پس از تغییر نام ابتدا به نام ارتش ۲۰ میلیونی و در نهایت به عنوان نیروی بسیج مقاومت نامیده شد. بعداً با توجه به مأموریت اصلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قانون اساسی یعنی حفظ دستاوردهای انقلاب در اختیار آن نهاد قرار گرفت و از ارتش منتزع شد.

کلیه اقدامات انجام شده در شرایطی بود که هیچ‌گونه تهدیدی متصور نبود و فقط درگیری‌های داخلی و تهدیدهای بالقوه خارجی دغدغه اصلی برای تقویت نیروهای دفاعی جهت برقراری امنیت بود.

با آغاز فعالیت جدید نیروی مقاومت بسیج، سپاه پاسداران ضمن شروع به تشکیل گروه‌های مقاومت در اقصی نقاط کشور، نیروی مورد نیاز را برای اعزام به مناطق آشوب‌زده تأمین تا با همکاری ارتش جمهوری اسلامی نسبت به برقراری آرامش و امنیت اقدام کند.

(۳) تقویت ارتش

(الف) تشکیل سپاه پاسداران

حضرت امام خمینی (ره) به خوبی می‌دانستند که هیچ ارتشی با سازمان و استعداد زمان صلح قادر به دفاع از کشور آن هم در منطقه‌ای وسیع نمی‌باشد. ارتش ایران بعد از انقلاب اسلامی در وضعیتی نبود که بتواند در آغاز جنگ

تحمیلی ضمن مقابله با ضد انقلاب داخلی، در طول مرزبا عراق (۱۳۰۰ کیلومتر) مقابله کند. لذا بایستی به گونه‌ای معقول و منطقی تقویت می‌شد. این تقویت از طریق احضار نیروهای احتیاط ارتش به علل گوناگون مقدور نبود.

طرح‌های بسیج (احتیاط) که در رژیم گذشته تهیه شده بود به علت فراگیر نبودن در آن شرایط عملاً پاسخگو نبود. لذا نیروهای داوطلب انقلابی بایستی بسیج و به جبهه‌ها اعزام شوند. از طرفی در آن دوران نیروهای انقلابی و مکتبی حاضر به ورود در ارتش نبودند، آنان هنوز تبلیغات دوران انقلاب را که ارتش را «ارتش شاهنشاهی» می‌دانستند از یاد نبرده بودند و احتمالاً با ورود به آن ارتش که دارای نظم و ترتیب و روش‌های خاص نظامی بود اکراه داشتند. این-گونه افراد، ارتشی را می‌خواستند که از جنس انقلاب باشد.

رهبر کبیر انقلاب هوشمندانه این موضوع را تشخیص داده و با استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی از سپاه پاسداران که در قانون اساسی برای مأموریت دیگری در نظر گرفته شده بود و در حقیقت بازوی مسلح انقلاب شناخته می‌شد استفاده و دستور پیوستن نیروهای داوطلب مردمی را که از طریق نیروی مقاومت بسیج جذب می‌شدند، به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صادر فرمودند. در بسیج نیروهای داوطلب روحانیون مساجد در اقصی نقاط کشور مسئولیت تبلیغ، فراخوانی، آماده نمودن نیروهای داوطلب و اعزام آنان به جبهه‌ها را به عهده گرفتند.

با اجرای تدبیر حضرت امام (ره) علاوه بر نیروهای داوطلب مردمی که خدمت سربازی را انجام نداده بودند و افرادی که برابر قانون، خدمت سربازی را انجام داده و احتیاط ارتش را بایستی تشکیل دهند، بر اساس تکلیف شرعی، خود را به پایگاه‌های بسیج معرفی کردند و جذب سپاه پاسداران شدند. فی‌الواقع احتیاط ارتش در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد و سپاه عملاً نقش احتیاط ارتش را عهده دار شد

سپاه پاسداران که تا آن زمان در راستای مأموریت قانونی خود مشغول حفظ دستاوردهای انقلاب در اقصی نقاط کشور از جمله کردستان بود، بخشی از عناصر خود را برای سازماندهی مأموریت جدید اختصاص داد. در کمتر از یک سال سپاه پاسداران با کمک ارتش جمهوری اسلامی به صورت یگان‌های رزمی سازماندهی، تجهیز و آموزش یافته و در سال دوم جنگ در کنار ارتش آماده عملیات شد.

حضرت امام (ره) پس از آماده شدن سپاه پاسداران، نیروهای سپاه را در تقویت ارتش قرار داد و با گماردن دو جوان یکی نظامی انقلابی سپهبد شهید صیاد شیرازی فرماندهی نیروهای ارتشی و دیگری سپاهی انقلابی برادر محسن رضایی (سرلشکر فعلی) به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اختیار عملیات برای بیرون کردن دشمن را به آنان واگذار کرد تا آنان با به کارگیری نیروهای تحت امر، دوشادوش یکدیگر سرزمین‌های اشغال شده را آزاد کنند.

دولت جمهوری اسلامی نیز با استفاده از کلیه امکانات کشور مسئولیت پشتیبانی از نیروهای مسلح را در جنگ به عهده گرفت.

سپاه پاسداران در سال دوم جنگ در عملیات دوش به دوش ارتش مراتب رشد خود را طی کرد به گونه‌ای که در پایان سال دوم موفق به تشکیل چندین لشکر شد.

بسیج نیروهای داوطلب همچنان تا سال‌های چهارم و پنجم جنگ ادامه داشت، ولی در سال‌های آخر جنگ به علت طولانی شدن جنگ، افزایش تلفات و مشکلات اقتصادی به طور نسبی تعداد داوطلبین کاهش یافت.

(ب) یگان‌های جدید ارتش

ارتش با آگاهی از کارآمد نبودن دستورالعمل‌های تشکیل احتیاط اقدامات زیر را در طول جنگ برای بالا بردن استعداد یگان‌های نظامی به عمل آورد:

«۱» افزایش خدمت از ۲۴ ماه به ۳۰ ماه (شش ماه پایانی به عنوان احتیاط منظور شده بود)

«۲» احضار سربازان ترخیصی سال ۱۳۵۶ که با استقبال روبه‌رو نشد.

«۳» تشکیل یگان‌های احتیاط به عنوان احتیاط قدس از سربازان خدمت منقضی

«۴» تبدیل یگان‌های احتیاط قدس به یگان‌های سازمانی با استفاده از سربازان جدید

«۵» تشکیل یگان‌های جدید در سطح گردان، تیپ و لشکر با استفاده از منابع داخلی

اقدامات ارتش و تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موجب بالا رفتن استعداد نیروهای مسلح ایران در جنگ تحمیلی شد.

ج - روحیه و اعتقادات

برای پی بردن به ماهیت روحیه ارتش لازم است ابتدا توضیحی درباره شیوه تربیتی (پرورش) ارتش داده شود، سپس روحیه نیروهای ارتش در ۲ مقطع قبل و بعد از جنگ تحمیلی تشریح خواهد شد.

(۱) شیوه‌های تربیتی (پرورشی) ارتش

افراد نظامی پس از ورود به ارتش به گونه‌ای پرورش می‌یافتند که حفظ میهن و ایجاد انضباط نظامی و نهادینه کردن آنان، اولویت یکم در شکل‌دهی باور آنان بود. آنان در جهتی پرورش می‌یافتند که برای تحقق آن باورها آماده شوند.

ارتشیان از بدو تولد، در خانواده با اعتقاد به خداوند متعال و ارزش‌های دینی پرورش یافته و هرکاری را با نام خداوند متعال آغاز می‌کردند. در دوران پرورش نظامی گرچه توجه به ارزش‌های دینی از اولویت کمتری برخوردار بود، ولی از اعتقادشان نمی‌کاست. شعارهایی که در روش پرورشی آنان، عامداً اعمال می‌شد، در حقیقت جنبه فرعی و دستوری داشت و برای آنان فاقد اعتبار بود و هیچگاه نهادینه نمی‌شد.

برای ارتشیان، میهن تنها واژه‌ای بود که عینیت داشت و به عنوان مام وطن برای همگان قابل احترام بود. وظیفه نگهداری و دفاع از مرز و بوم به عهده نیروهای نظامی متعهد و منضبط بود. ملت هزینه‌های لازم را برای چنین نیرویی متقبل می‌شد تا در روز مبدا از خانه و کاشانه آنان با توکل به خداوند حفاظت شود.

شیوه‌های پرورشی در ارتش به قدری بر میهن‌دوستی تأکید داشت که هر فرد نظامی در راستای آن از روحیه بالایی برخوردار شده و با نصب‌العین قرار دادن فرمایش حضرت علی (ع) که فرمودند: «نظامیان، حصار محکم و فولادین و زینت سرزمین‌ها می‌باشند» تلاش می‌کردند که مصداق چنین صفاتی باشند.

آماده شدن برای اجرای مأموریت، روحیه تلاش در زمان صلح و ایضاً در زمان جنگ در بدنه ارتش یعنی از سرباز تا رده‌های بالا به علت دوری از سیاست و رقابت‌های ناسالم قابل مشاهده بود.

(۲) روحیه ارتش قبل از جنگ تحمیلی

پس از به ثمر رسیدن انقلاب شکوهمند اسلامی بد اخلاقی‌ها و نامهربانی‌های برخی از نیروهای انقلابی و دستگیری نیروهای نظامی و محاکمه و اعدام عجلولانه برخی از مسئولان در درجات مختلف، موجب کاهش روحیه فرماندهان، مدیران و بدنه ارتش شد. بدنه‌ای که با پیوستن به صفوف انقلابیون خود را در پیروزی انقلاب سهیم می‌دانستند.

از طرفی گروه‌های معاند و ضد انقلاب با یورش به برخی پادگان‌های نظامی و غارت وسایل و تجهیزات ارتش در حقیقت به خانه نظامیان تجاوز کرده و آنان نیز که خود را فاقد پشتیبان می‌دیدند دچار افت روحی شده بودند.

یکی از دلایلی که حضرت امام خمینی (ره) در همان اوان انقلاب روزی را به نام ارتش اعلام کردند، آشتی دادن ملت با ارتش و پرهیز از بد اخلاقی‌ها بود. حضرت امام (ره) با تشخیص روحیه میهن‌دوستی نظامیان توانست ضمن اعاده روحیه آنان، انگیزه‌های لازم را برای کاربردی کردن این روحیه در جبهه‌های جنگ به وجود

آوردند. مشارالیه در آغاز جنگ تحمیلی علاوه بر تقویت استعداد ارتش با نیروهای بسیج سپاه پاسداران، پیش‌بینی افزایش جنبه‌های اعتقادی ارتشیان را نیز با تشکیل سازمان عقیدتی سیاسی به عمل آوردند.

در اوایل انقلاب کارکنان ارتش به علت دور بودن و پرهیز از سیاست با دیدی متفاوت به تحولات انقلاب نگاه می‌کردند، ولی در ضمیر ناخودآگاه خود به اعتقادات مذهبی پایبند بودند. لذا توانستند تخصص و تعهد را در هم آمیزند و برای انجام وظایفی که سا لها برای آن تربیت شده بودند آماده شوند.

با پشتیبانی حضرت امام (ره)، خشونت‌های انقلابی و بد اخلاقی‌ها نیز کاهش یافت و ارتشیان به ویژه فرماندهان جوان مجدداً از روحیه کار و تلاش برخوردار شدند. حضور فعال نیروهای نظامی در مناطق آشوب‌زده و مبارزه با ضد انقلاب فرصتی بود که آنان ضمن جلب اعتماد حکومت به ارتش، اعتماد به نفس خود را بازیافته و برای روزهای سخت‌تر آماده شوند.

ارتشیان با آرام‌سازی مناطق آشوب‌زده مانند کردستان، گران و ... بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و عزیمت به جبهه‌های جنگ تحمیلی با هر امکانی که برایشان باقیمانده بود، توانستند کشور را از خطر تجزیه نجات دهند و به تثبیت انقلاب یاری رسانند.

(۳) روحیه ارتش در جنگ تحمیلی

روش‌های تربیتی نیروهای نظامی که با ارزش‌های دینی و گرایش وطن‌دوستی در تک آنان آمیخته شده بود، در جنگ تحمیلی کارآمدی خود را نشان داد. نظامیان علیرغم تمام کمبودها، با هر آنچه که داشتند به میدان‌های جنگ شتافتند و نبرد را با دشمن سراپا مسلح آغاز کردند و توانستند دشمن را در رسیدن به اهدافش ناکام کنند.

موفقیت نیروهای ارتش در روزهای آغازین انقلاب و جنگ، نتیجه روحیه و اعتماد به نفس تک آنان بود. اکثر آنان با تجربه نظامی در سطح پایین (حداکثر گردان) علیرغم همه نابسامانی‌ها از جمله نبود سیستم فرماندهی، وجود کانون‌های

قدرت مستقل، کمبود تجهیزات و ارتباط و مخابرات مشکلات را پشت سر گذاشته و تا رسیدن نیروهای تقویتی و نظم بخشیدن به جبهه‌ها با متوقف کردن دشمن اجازه پیشروی بیشتر را به او ندادند.

ژنرال حمدانی فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق، در مورد روحیه و شجاعت نیروهای رزمنده ایرانی در جبهه خرمشهر می‌گوید:^۱

«صادقانه بگویم، ایرانی‌ها در این نبرد جانانه مقاومت کردند تا حدی که تصرف و اشغال این شهر (خرمشهر) برای ما پر هزینه و بسیار مشکل شد. آنها تلاش زیادی می‌کردند که دوباره آن را پس بگیرند و پایگاه‌های (منظور پاسگاه‌های مرزی است) خود را آزاد کنند. این مسئله حتی پس از آنکه به پشت پل خرمشهر عقب رانده شده بودند ادامه یافت. آنها از هر محل تا سر حد مرگ دفاع کردند و توانستند تلفات سنگینی به بدنه ما وارد کنند.»

با تأسیس نهاد عقیدتی سیاسی در ارتش و ورود روحانیون به سازمان‌های نظامی، آموزش‌های عقیدتی و اجرای مناسک مذهبی در جبهه‌ها جنبه عملی و فراگیر به خود گرفت. با اجرای برنامه‌های ارشادی ارتشیان به سرعت در فعالیت‌های تخصصی از ارزش‌های اعتقادی یاری جسته و توانستند با ارتقای معنویت تعهد و تخصص را در هم آمیزند و بدین وسیله ضریب موفقیت را افزایش دهند.

در سال دوم جنگ با کاهش بحران در سطوح بالای حکومت، سامان‌دهی مدیریت کشور در جنگ و گذاری مشاغل به افراد شایسته متخصص و متعهد و به ویژه تقویت ارتش با نیروی سپاه پاسداران روحیه و انگیزه مضاعفی در ارتش ایجاد شد که نتایج آن آزادسازی مناطق اشغالی و پدافند از مرزهای کشور برای مدت هشت سال بود.

(۴) رابطه متقابل روحیه و انضباط

قدرت معنوی و نفوذ قدسی رهبر کبیر انقلاب به قدری قوی بود که همه نیروهای عاشق را به جبهه‌ها سرازیر می‌کرد. این نیروها آماده هرگونه فداکاری مانند

رفتن به داخل میادین مین و تحمل تلفات بالا را داشتند. آنها شهادت را ادامه راه سرور شهیدان حضرت امام حسین (ع) می‌دانستند. رسیدن به کربلا هدف غائی آنان بود و برای رسیدن به این هدف هرگونه خطری را پذیرا بودند. آنان عاشق جنگیدن و شهادت بودند. بسیجیان با شعار «کشتن یا کشته شدن (شهادت)» و نظامیان با شعار «کشتن و کشته نشدن» پا به میدان نبرد می‌گذاشتند

نیروهای بسیجی در بالا بردن شور جنگندگی در میدان رزم نقش اساسی را داشتند ولی باید توجه داشت که روحیه جنگیدن همراه با انضباط موجب کشته شدن دشمن و کاهش تلفات خودی شده ولی روحیه جنگیدن بدون انضباط موجب کشته شدن دشمن و افزایش تلفات خودی می‌شود.

نیروهای بسیج تکلیف شرعی را اساس فعالیت می‌دانستند و متأسفانه به انضباط مورد نیاز در میدان جنگ توجهی نداشتند. بالنتیجه افزایش تلفات به آنان تحمیل می‌شد.

(۵) نقش روحانیون در انضباط روحیه

دخاله روحانیون در ارتش به طور کلی از جنبه‌های گوناگون به مصلحت انقلاب بود. در اوایل انقلاب که می‌توان آن را دوره گذار نام نهاد، یکی از عوامل تضعیف انضباط و سست شدن سلسله مراتب فرماندهی را به غلط دخالت روحانیون در امر مدیریت یگان‌ها می‌دانستند، زیرا روحانیون خواستار انضباطی با رویکرد اسلامی بودند و چنین دیدگاهی موجب بی‌انضباطی به ویژه در رده‌های پایین شده بود. ولی فرماندهان نظامی همچنان در فکر برقراری انضباط بی‌چون و چرای نظامی بودند. لذا دو روش اشاره شده موجب تناقض در مدیریت یگان‌ها شده بود.

به تدریج هر دو طرف روحانیون و فرماندهان به سمت اعتدال گرایش پیدا کرده و در صدد برقراری انضباط معنوی آن‌گونه که لازمه میدان جنگ است، برآمدند. روحانیون به لزوم انضباط محکم برای مقاومت در مقابل دشمن پی بردند و به تقویت فرماندهان برای بالا بردن انضباط و روحیه سربازی با بهره‌گیری از ارزش‌های اعتقادی

پرداختند. روحانیون پس از آن در آماده‌سازی روحی و معنوی سربازان و سایر رده‌ها در اجرای طرح‌های عملیاتی بدون دخالت در جنبه‌های تخصصی، با فرماندهان همگام شدند.

د - آموزش و کارایی نیروهای مسلح ایران

دو بخش عمده نیروهای مسلح ایران یعنی ارتش و سپاه از نظر آموزش و کارایی رزمی از یک نظام آموزشی یکسان برخوردار نبودند.

در آغاز جنگ تحمیلی نمی‌توان از نظر سطح آموزش، ارتش ایران را با سابقه تشکیلاتی ۵۰ ساله و برخورداری از پیشرفته‌ترین امکانات آموزشی با سپاه پاسداران که دارای سابقه رزمندگی حداکثر یک ساله بود هم‌سنگ دانست. ولی چگونه شد که این دو نیرو در مدت کوتاهی در کنار یکدیگر توانستند دشمن را از خاک کشور بیرون کنند؟

برای پاسخ دادن به سؤال فوق لازم است وضعیت آموزشی ارتش و سپاه به طور جداگانه بررسی شود.

(۱) آموزش در ارتش

پس از جنگ جهانی اول، ارتش ایران با روش غربی سازماندهی و به نام ارتش نوین شناخته شد. در تشکیلات گذشته، آموزش ارتش از روش آموزش کشورهای شرق و غرب مانند انگلیس، فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی سابق پیروی می‌کرد. با توجه به وضعیت فرهنگی، در آموزش‌ها به برقراری انضباط شدید و تبعیت از روش‌های سنتی تأکید می‌شد. تا قبل از جنگ جهانی دوم کارایی چنین روش‌هایی را می‌توان در سرکوب متجاسرین و برقراری امنیت در اقصی نقاط کشور مشاهده کرد. ولی در مقابله با دشمن خارجی کارایی آن تجربه نشده بود.

پس از جنگ جهانی دوم ارتش ایران با پشتیبانی ارتش آمریکا و برخورداری از روش‌ها و امکانات آموزشی آن کشور تحولی فراگیر در آموزش‌ها به وجود آورد. در این دوره آموزش علمی و تخصصی افسران و درجه‌داران در مراکز آموزشی و تخصصی

جداگانه، با استفاده از مدارک پیشرفته اجرا می‌شد. ارتباط آموزشی و علمی ارتش با اعزام دانشجو به خارج از کشور برای فراگیری آموزش‌های نوین و انتقال آن در مراکز آموزش داخلی از اقداماتی بود که در کلیه سطوح انجام می‌گرفت. بدین ترتیب آموزش ارتش همپای سایر کشورهای دنیا پیشرفت کرد. این آموزش‌ها در دوره‌های آموزشی مختلف و در سطوح مقدماتی تا عالی توانایی افسران و درجه‌داران را در رده‌های صف و ستاد افزایش داد.

همزمان با توسعه آموزش، امکانات کمک آموزشی مدرن نیز در کشور آماده بهره‌برداری شد و آن بخش از امکانات که قابل انتقال به داخل کشور نبود با اعزام دانشجو به خارج از کشور آموزش داده می‌شد و مهارت‌های لازم به وجود می‌آمد. این آموزش‌ها عبارت بودند از: خلبانی، ناوبری دریایی، الکترونیک و جنگ‌افزارهای پیشرفته مانند تانک، نفربر، توپخانه، موشک‌ها، تجهیزات مخابراتی پیشرفته و ...

افسران ارتش پس از طی آموزشی علمی در سطح کارشناسی در طول خدمت دوره‌های تخصصی مقدماتی، عالی، فرماندهی و ستاد، پدافند ملی و سایر دوره‌های تخصصی مرتبط با رسته خود را طی کرده و برای فرماندهی در رده‌های دسته، گروهان، گردان، تیپ، لشکر و رده‌های بالاتر و مدیریت رسته‌های مختلف آماده می‌شدند.

درجه‌داران با طی آموزش‌های مقدماتی و تخصصی در تمامی رسته‌های ارتش برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی در کلیه امور تخصصی آماده و مهارت لازم را کسب می‌کردند.

آموزش سربازان با برنامه‌ای مشخص در یگان‌های آموزشی و رزمی دنبال می‌شد، به گونه‌ای که هر سرباز پس از ترخیص یک مدیر توانا در زندگی خصوصی و اجتماعی بود.

آموزش‌های یگانی که لازمه آمادگی رزمی می‌باشد در رده‌های مختلف برای حفظ و ارتقاء توان رزمی ارتش در نقاط مختلف کشور همه ساله اجرا می‌شد.

رزمایش‌های یگانی در سطوح مختلف برای هماهنگی و همکاری رسته‌های مختلف اجرا و بدین وسیله توان رزمی ارتقاء می‌یافت. رزمایش‌های مشترک برای حصول اطمینان از همکاری نیروهای سه‌گانه ارتش و همچنین رزمایش‌های مرکب برای همکاری با کشورهای هم‌پیمان در زمین، هوا و دریا انجام می‌شد.

کلیه اقدامات آموزشی فوق، همراه با سازماندهی و تجهیزات مدرن بود و به همین جهت ارتش ایران را از نظر کمی و کیفی در سطح قوی‌ترین ارتش‌ها در منطقه خاورمیانه ارزیابی می‌کردند.

از سال ۱۳۵۶ با آغاز بحران سیاسی در داخل که در نهایت به انقلاب اسلامی منجر شد، آموزش‌های انفرادی در مراکز آموزشی و تخصصی به تدریج تا مرحله توقف پیش رفت و آموزش‌های یگانی به طور کلی مختل شد.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و کنار گذاشتن افسران از سرهنگ به بالا، کمبود افسران صف و ستاد در رده‌های بالا و راهبردی موجب ضعف در مدیریت و حفظ آمادگی رزمی یگان‌ها شد.

برکناری این افسران که اکثراً برای فرماندهی یگان‌های بزرگ و تهیه طرح‌های راهبردی آماده شده و سال‌ها تجربه اندوخته بودند، موجب شد که ارتش از فرماندهانی با دانش نظامی و تجربه کاری در رده‌های راهبردی محروم شود.

با برکناری آنان، کسانی که در ارتش باقیمانده بودند در شروع جنگ تحمیلی مسئولیت یگان‌های مختلف را به عهده گرفتند. این گروه از افسران اکثراً در سطح گردان و حداکثر در سطح تیپ، از دانش نظامی (دوره عالی رسته‌ای) و تجربه رزمی تا سطح تیپ برخوردار بودند. تعداد معدودی از افسران نیز که از دانش نظامی در سطح راهبردی و در سطوح مختلف فرماندهی و ستاد برخوردار بودند، به تدریج کنار گذاشته شدند.

به طور کلی با انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی سطح آموزش در اثر ریزش نیروهای انسانی، تعطیلی برنامه‌های آموزشی، پراکنده شدن عناصر با کارایی راهبردی

و تخصصی، خروج مستشاران خارجی و بی توجهی مسئولان سیاسی در پشتیبانی از ارتش موجب کاهش توان رزمی ارتش شد و کارشناسان آن را یکی از عوامل مهم تجاوز کشور عراق به ایران ذکر کرده‌اند.

علی‌رغم ضعف‌ها و کاستی‌های اشاره شده، افسران جوان و درجه‌داران پس از تجاوز به استقبال دشمن شتافتند، آنان در زیر آتش دشمن یگان‌ها را تجدید سازمان، تجهیز مجدد و آموزش داده و با او به مقابله پرداختند.

در اکثر یگان‌ها افسرانی مسئولیت یگان‌ها را به عهده گرفتند که آموزش نظامی آنان در سطوح دوره عالی و تجزیه آنان نیز تا زمان جنگ در سطح گروهان و گردان بود. اما آنان با روحیه ایثارگرانه مسئولیت تیپ‌ها و لشکرها را به عهده گرفتند. این‌گونه قبول مسئولیت‌ها نشان از ایمان، تعهد به کشور، انضباط و اعتماد به نفس برخاسته از آموزش و تربیت قبلی آنان بود.

آنان با آنکه کلمه روحیه جهادی را کمتر شنیده بودند، مبتکر روحیه جهادی در جبهه‌ها شدند و با توکل به خداوند متعال از عهده مسئولیت‌های خود به خوبی برآمدند.

(۲) آموزش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سپاه پاسداران نیروی جوانی بود که پس از انقلاب اسلامی از جوانان با ایمان دوران انقلاب بعضاً با دانش غیر نظامی در سطح دانشگاه تشکیل شده بود. نیروهای سپاه به استثنای تعداد خیلی کمی که خدمت سربازی را قبل از انقلاب در ارتش گذارده بودند، فاقد هرگونه آموزش نظامی انفرادی و سیستماتیک بودند. آنان تا حدودی توان رزمندگی در سطح یگان‌های تک‌ور را داشتند، ولی فاقد آموزش و تجربه طراحی، هدایت عملیات و فرماندهی یگان‌ها بودند. تجربیات آنان مربوط به منازعات محلی، جنبش‌های انقلابی، خیزش و جنگ و گریز خیابانی دوران انقلاب و شرکت در سرکوبی منافقین و ضد انقلاب در سراسر کشور و مناطق نا امن بود.

تعدادی از عناصر سپاهی نیز که در طول جنگ عهده‌دار مسئولیت‌های فرماندهی شدند، برای مدت محدودی آموزش‌های چریکی را در کشورهایی نظیر

لبنان، سوریه و فلسطین طی کرده، ولی هرگز در میادین جنگ کلاسیک شرکت نکرده و تجربه آن را نداشتند. نیروهای سپاه به تدریج با پیوستن به ارتش و ذکاوتی که افراد تحصیل کرده آنان داشتند و همچنین نیازی که در جهت حفظ آرمان‌های انقلاب احساس می‌کردند به سرعت در میادین جنگ از ارتشیان آموختند و کارایی خود را به روش استاد شاگردی توسعه دادند.

نیروهای سپاه با در اختیار گرفتن بسیج با ایمان و داشتن روحیه ایثارگری از شجاعت بالایی برخوردار بودند، ولی نمی‌توان ملاک کارایی رزمی را فقط در آن دو عامل جستجو کرد، بلکه چنانچه نیرویی دارای آموزش لازم، سازماندهی مناسب و انضباط قوی نباشد، نمی‌تواند توان رزمی پایدار و مستمری داشته باشد.

(۳) نتیجه

با آشنایی کلی از کیفیت آموزش ارتش و سپاه می‌توان به سؤالی که در ابتدای بحث مطرح شد پاسخ داد:

ارتش با آموزش نظامی مناسب و تقویت توسط نیروهای جوان و با ایمان و ایثارگر که هر دو یک هدف مشترک یعنی بیرون کردن دشمن از خاک وطن را داشتند، با رهبری داهیانه رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) در کنار یکدیگر قرار گرفتند و از ظرفیت‌های خود برای ارتقاء کارایی نیروهای مسلح بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی و یا هرگونه منیتی استفاده کردند.

ارتش با سازماندهی، تجهیز، آموزش و عملیاتی کردن نیروهای سپاه و سپاه با تقویت ارتش و القاء روحیه ایمان و معنویت بیشتر در جبهه‌ها توانستند از عهده مسئولیت‌ها برآیند و خاک مقدس وطن را از لوث وجود دشمن پاک کنند.

چنانچه دوران هشت ساله دفاع مقدس را به دو دوره شامل دو ساله اول و شش ساله دوم تقسیم کنیم، کارایی نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) در انواع عملیات را می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد:

(الف) از ابتدای جنگ تا پایان سال دوم، بیشترین کارایی در اجرای طرح‌های عملیاتی و به کارگیری تاکتیکی در رده تیپ به پایین بوده و بیشترین عملکرد را گردان‌ها اعم از رزمی و غیر رزمی داشتند. چنین عملکردی نتیجه توانایی افسرانی بوده که از دانش و تجربه آن سطح برخوردار بوده و هدایت تاکتیکی یگان‌های کوچک را به عهده داشته و روز به روز بر تجربیات خود می‌افزودند.

(ب) از سال سوم جنگ، عملیات‌هایی طراحی می‌شد که فرماندهان ارتش به علت عدم رعایت اصول جنگ و کمبود امکانات و تجهیزات با آن مخالف بودند، ولی فرماندهان سپاه پاسداران بر اجرای آن حتی به صورت مستقل اصرار داشتند. این طرح‌ها علاوه بر کمبود امکانات به علت نبود تفکر راهبردی در طراحی و عدم وجود فرماندهانی که بتوانند چنین عملیاتی را فرماندهی و هدایت کنند، با ناکامی مواجه شد و در پایان جنگ، حلاوت موفقیت‌های دو سال اول جنگ با وضعیتی که منجر به قبول قطعنامه ۵۹۸ شد، به تلخی گرائید.

هـ- فرماندهی و کنترل در ارتش و سپاه

در ایران همواره فرماندهی نیروهای مسلح با شخص اول کشور بوده است. پس از انقلاب اسلامی رهبری انقلاب این مسئولیت را به عهده داشتند، اما شیوه‌های فرماندهی متفاوتی را نسبت به گذشته می‌توان ملاحظه کرد.

قبل از انقلاب، فرماندهی کل، تمامی امور را در اختیار خود داشت و هیچ‌گونه اختیاری به سلسله مراتب فرماندهی که با تصویب خود در مشاغل فرماندهی گمارده بود نمی‌داد. لذا فرماندهان در اداره امور فاقد پویایی و نوآوری بودند.

گرچه باید اذعان کرد نیروهای ارتش به ویژه فرماندهان از سطح دانش و تخصص لازم برخوردار بودند، ولی فاقد استقلال رأی بودند و کسانی که خواهان استقلال رأی و یا اظهار نظر مستقل بودند، یا کنار گذاشته می‌شدند و یا در مشاغل کلیدی قرار نمی‌گرفتند، اما توسعه و پیشرفت ارتش مدیون فرماندهانی بود که از صلاحیت علمی،

فکری و تخصصی برخوردار و ارتش را برای انجام وظایف ذاتی که همانا حفظ سرزمین ایران بود آماده کرده بودند.

بعد از انقلاب اسلامی، شرایط اجتماعی و بحران‌های ناشی از انقلاب نیروهای مسلح را با تضعیف انضباط، تزلزل سلسله مراتب فرماندهی و از هم پاشیده شدن سوق داد. رهبر کبیر انقلاب حضرت امام راحل و یاران دلسوز ایشان خیلی زود از فروپاشی ارتش جلوگیری و با اعلام روز ۲۹ فروردین (۶۷ روز پس از پیروزی انقلاب) را روز ارتش نامیدند و به این ترتیب نیروهای مسلح را از فروپاشی نجات دادند. اعلام این روز اولاً به معنی آشتی ملت با ارتش و در ثانی جلوگیری از دخالت عناصر غیرنظامی در امور ارتش بود.

به تدریج با شکل‌گیری یگان‌ها و انتصاب فرماندهان جدید، ارتش نظم خود را پیدا کرد. تفاوت انتصاب فرماندهان نسبت به قبل از انقلاب، توجه به شایستگی، تعهد و تخصص آنان و واگذاری اختیارات به سلسله مراتب در حد وظایف ذاتی آنان بود. این امر موجب شد که فرماندهان جدید با انگیزه‌ای مضاعف از تمامی توان خود برای احیاء سازمان و پیشرفت ارتش بهره‌گیری کنند.

واگذاری اختیار فرماندهی کل قوا به رئیس جمهور مجدداً موجب تنش در نیروهای مسلح گردید. البته این بار علاوه بر عوامل سیاسی در سطح بالای حکومت، اختلاف دیدگاه نیروهای انقلابی سپاه پاسداران در شیوه همکاری ارتش و سپاه بود که در نهایت با عزل رئیس جمهور، اختلافات از بین رفت و همکاری دو نیرو (ارتش و سپاه) در سر فرماندهی نیروهای مسلح به طور نسبی هماهنگ شد.

مشکل فرماندهی و کنترل نیروها در صحنه‌های عمل عبارت بود از: دیدگاه، فرهنگ، دانش، تجربه نظامی و وجود مراکز مستقل قدرت، که با دخالت فرماندهان عالی تا حد بسیار زیادی مرتفع می‌شد، نتیجه آن، پیروزی‌های غرور آفرینی بود که دو نیرو به صورت همکاری و هم‌افزایی امکانات توانستند عراق را از سرزمین‌های اشغالی بیرون کنند.

پس از پیروزی در دو سال اول جنگ، سپاه پاسداران طرح‌های ادامه عملیات در سرزمین دشمن را در پیش گرفت که از نظر طراحی عملیاتی با مخالفت نیروهای ارتشی مواجه شد. این اختلاف از نظر عدم تطابق طرح‌ها با دانش و تجربه نظامی از یک سو و از نظر نیازمندی‌های لازم از سوی دیگر مطرح بود. سر فرماندهی نیروهای مسلح ضمن پذیرش نظریات ارتش خواهان میدان دادن به نیروهای انقلابی جوان سپاه پاسداران برای پیگیری اهداف انقلاب در خارج از مرزهای کشور بود، البته امکانات و تجهیزات ارتش مانند نیروی هوایی، دریایی، پدافند هوایی، توپخانه، بالگرد، تانک و گاه‌آنها نیروهای مانوری پیاده در پشتیبانی از سپاه پاسداران به کار گرفته می‌شد.

کادر فرماندهی ارتش در طول هشت سال جنگ از عناصری انتخاب می‌شدند که صرفاً دارای تعهد، تخصص و دانش و تجربه لازم و بدون هیچ‌گونه وابستگی خاص بودند. فرماندهان در طول جنگ با آزادی عمل روز به روز به تجربیات خود افزوده و از کفایت لازم برای اداره یگان‌ها در امر کنترل فرماندهی برخوردار شده بودند. این وضعیت تا پایان جنگ همچنان ادامه یافت، ولی بعد از جنگ شیوه‌های انتصاب و معیارهای گزینش مسئولان و فرماندهان دچار تغییرات عمده‌ای شد که شرح آن مربوط به این نوشتار نمی‌باشد.

کادر فرماندهی سپاه از جوانان انقلابی و نیروهای مردمی انتخاب می‌شدند که بعضاً دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و اکثراً خدمت سربازی را قبل از انقلاب در ارتش گذرانده بودند. آنان علاوه بر تعهد نظامی، هستی خود را مدیون انقلاب دانسته و وظایف خود را یک تکلیف شرعی تلقی می‌کردند. به همین جهت با هدایت و راهنمایی مسئولان انقلابی کشور تلاش داشتند آنچه را لازمه کنترل و فرماندهی عده‌ها می‌باشد، از نیروهای ارتشی فرا گیرند و همپای آنان به صورت ادغامی در عملیات‌ها شرکت کنند. فرماندهان سپاه پاسداران با استفاده از ظرفیت‌های جوانی، هوش و علاقه‌مندی توانستند در کنار فرماندهان ارتش، بخش اعظم خاک کشور را از اشغال دشمن با هزینه‌ای متناسب آزاد کنند.

در ادامه جنگ آنان راهبرد جدیدی را در پیش گرفتند که برای اجرای آن فاقد توانایی‌های علمی و امکانات لازم بودند. فرماندهی و کنترل یگان‌ها برای عملیات راهبردی نیاز به دانش و مدیریتی می‌باشد که با تجربیات دو سال اول جنگ قابل قیاس نیست. لذا آنان در ادامه جنگ علی‌رغم هزینه فراوان موفق به تحقق اهداف آن راهبرد نشدند.

به هر حال در طول جنگ، فرماندهی و کنترل در سطوح مختلف با استفاده از ظرفیت جوانان ارتش و سپاه که هر کدام به نوعی دارای انگیزه، تعهد، دانش و تجربه و تخصص بودند به گونه‌ای بود که اقتدار جمهوری نوپای اسلامی به دنیا نشان داده شد و اکنون به عنوان پشتوانه‌ای برای اهداف انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- وضعیت اقتصادی ایران

پایه‌گذاری صنایع نوین ایران به سال‌های قبل از ۱۳۰۰ در دوران عباس میرزا و امیرکبیر می‌رسد. شکست عباس میرزا در جنگ با روسیه و شهادت میرزا تقی‌خان امیرکبیر به دست عمال استعمار، افکار و تلاش‌های آنان را متوقف کرد.

در آغاز سال ۱۳۰۰ شمسی و بعد از جنگ جهانی اول، برنامه‌ریزی عمرانی و توسعه کشور آغاز و اجرایی شدن آن برابر برنامه توسعه عمرانی، برای سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۴ مدون شد. اما تحولات اساسی در اقتصاد ایران از اوایل دهه ۱۳۴۰ با ترویج برنامه سوم با محوریت صنعتی شدن کشور آغاز شد. پشتوانه این برنامه از افزایش درآمد حاصل از فروش نفت تأمین می‌شد.^۱

با افزایش ناگهانی درآمد نفت در سال ۱۹۵۹م. (۱۳۳۸ش.) از ۲/۴ میلیارد دلار به ۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳م. (۱۳۵۲ش.) انتظار می‌رفت رشد صنایع افزایش یابد، ولی به علت وابسته شدن تمامی بخش‌ها از جمله صنایع کشاورزی، خدمات و واردات کالاهای مصارف عمومی به درآمد نفت، رشد صنایع را با رکود مواجه کرد. در این دوره کشورهای استعمارگر که از دری بیرون رانده شده بودند، از دری دیگر وارد شده و در صدد چپاول ثروت‌های ناشی از درآمد نفت شدند.

آمریکا با واگذاری مأموریت امنیت منطقه (ژاندارمری) به ایران انبوهی از جنگ‌افزارهای مختلف را به ایران سرازیر کرد و هزینه‌های آموزش نیروهای نظامی را به آن افزود. این افزایش موجب بالا بردن هزینه امور دفاعی از سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷ شد. هزینه امور دفاعی در این دوره ۲۳/۳۵ درصد کل هزینه‌های دولت را شامل می‌شد و این درصد تا ۵۴/۴ درصد رو به افزایش بود. بدین ترتیب صنایع دفاعی به کشور آمریکا و سایر کشورهای غربی وابسته شد.

با افزایش خرید تسلیحاتی ایران مجلس سنای آمریکا هیئتی را در سال ۱۹۷۴م. (۱۳۵۳ش.) جهت ارزیابی نیاز واقعی ایران به تسلیحات اعزام کرد. گزارش این هیئت پس از بازدید بدین شرح است:

«افزایش خریدهای نظامی ایران بیشتر ناشی از بازاریابی موفقیت‌آمیز اسلحه‌سازان آمریکایی و دلالت آنان است تا نیازمندی‌های راستین ارتش ایران و پاره‌ای از اقلام خریداری شده جنبه پرستیژی دارد. وانگهی ایرانیان دانش فعلی لازم را برای به کار بردن این جنگ‌افزارها ندارند و از سال ۱۹۸۰م. به بعد ناچار به استخدام ۶۰ - ۵۰ هزار تن کارشناس آمریکایی خواهند بود. در این شرایط اگر ایران وارد جنگی شود یا باید آمریکایی‌ها به کشور کمک کنند و یا پرسنل آمریکایی در خطر اسارت قرار می‌گیرند.»^۱

گرچه قسمت اول گفته در گزارش تا حدودی صحیح است و توهم خود بزرگ بینی در زمامداران وقت، نیاز به بالا بردن جایگاه ایران در رابطه با قدرت نظامی را نشان می‌دهد، ولی این اقدام پس از انقلاب به نفع ملت ایران و رژیم انقلابی تمام شد. زیرا جنگ ایران و عراق دقیقاً برابر پیش‌بینی آنان در سال ۱۹۸۰م. (۱۳۵۹ش.) با تهاجم عراق آغاز شد و نظام جدید بدون هیچ‌گونه نیاز به کمک حتی یک نفر آمریکایی با تفکر خلاق و ایمان و ایثار رزمندگان از جنگ‌افزارهای موجود در جهت دفاع از آب و خاک خود به خوبی استفاده و جنگ را برای مدت ۸ سال با همان تسلیحات اداره کرد. ایران پس از جنگ با استفاده از تجربیات جنگ ۸ ساله به توسعه علم و تکنولوژی نظامی پرداخت تا بتواند وابستگی صنایع دفاعی کشور را به صفر نزدیک کند.

قبل از انقلاب هزینه نظامی ایران روز به روز افزایش یافت، به گونه‌ای که ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی به آن اختصاص داده شد. وُلع خرید تسلیحاتی نظامی به اندازه‌ای بود که بعضاً ۲ الی ۳ برابر قیمت واقعی برای آن پرداخت می‌شد. دلالتان خارجی برای بازاریابی و فروش تسلیحات به طور مداوم در رفت و آمد، مذاکره و عقد قرارداد بودند. بدین ترتیب ارتش ایران پنجمین کشور جهان از نظر قدرت نظامی شده بود.^۱

اثرات افزایش قیمت نفت در اقتصاد ایران

افزایش ناگهانی قیمت نفت از ۸۲۹۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ ش. به ۷۴۸۶۷ میلیارد ریال (تقریباً ۹ برابر)، ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی را به شرح جدول زیر تغییر داد، لذا تمامی این بخش‌ها شدیداً به نفت وابسته بودند.^۲

جدول ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی سال‌های ۱۳۵۶ - ۱۳۳۸ (به میلیارد ریال)

بخش‌های اقتصادی	تولید ناخالص داخلی	رشد	صنعت	رشد	کشاورزی	رشد	تجارت خارجی
سال							
۱۳۳۸ -	۶۵۵	۱۷	۳۱۷	۱۷۱	۸۲۹۲	۲ برابر	(۱) و (۲)
۱۳۵۶	۱۱۲/۲۳۵	برابر	۳۴/۴۸۵	برابر	۱۷۳۴۷		

سهم کالاهای مصرفی و مواد اولیه از سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای بیشتر بود و تماماً به درآمد نفت وابسته بود. تراز تجاری ایران تا آغاز جنگ تحمیلی همواره مثبت و از آن تاریخ به بعد کاهش یافت.

۱. منبع ردیف ۱۵، صفحه ۱۰

۲. منبع ردیف ۲۱، صفحه ۷۶ الی ۸۸

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رکود اقتصادی که در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ به علت اعتصابات آغاز شده بود شدت گرفت. وضعیت اقتصادی کشور در بخش‌های مختلف تا آغاز جنگ تحمیلی بدین شرح می‌باشد:

(۱) درآمد هزینه دولت

کاهش صادرات نفت در سال ۱۳۶۵ از ۴/۸ میلیون بشکه در روز به ۷۹۶ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۵۹ (حدود ۶/۵ برابر کمتر). این کاهش علیرغم افزایش قیمت نفت (۳۷ دلار در هر بشکه) در سال ۱۳۵۹ به علت توسعه دولت و دخالت دولت در امور اقتصادی وضعیت کسری بودجه دولت در سال ۱۳۵۷ از ۶۰۸/۹ میلیارد ریال به ۹۷۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۹ رسید.

(۲) تولید و سرمایه

از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۵۹ تولید ناخالص داخلی از ۲۱۹/۱۹۲ میلیارد ریال به ۱۷۱/۱۴۹ میلیارد ریال کاهش یافت و تشکیل سرمایه وضعیت مناسبی نداشت.

(۳) صنعت

پس از پیروزی انقلاب، به علل مختلف از جمله وابستگی شدید به تکنولوژی و کارشناسان خارجی، تولید با مشکل روبه‌رو شد، به طوری که ۵۸ درصد از کارگاه‌های داخلی با کاهش تولید مواجه شدند.

(۴) کشاورزی

رشد کشاورزی در حدود ۳ درصد و نسبت به قبل تغییر عمده‌ای نداشت. دولت برای تأمین نیازهای غذایی، واردات آن را افزایش داد. سهم واردات غلات از ۳/۶ دلار در سال ۱۳۵۷ به ۳۷/۸ دلار در سال ۱۳۵۹ افزایش یافت.

(۵) سرمایه‌گذاری خارجی نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و به شدت کاهش یافت.

نتیجه:

از موارد اشاره شده می‌توان ۲ نتیجه زیر را برای آغاز و پایان جنگ به دست آورد:

۱- سال اولیه انقلاب (۱۳۵۷) که جنگ آغاز شد ایران به علت بحران‌های داخلی روز به روز در وضعیت اقتصادی نامطلوبی قرار می‌گرفت و از ذخایر گذشته استفاده می‌کرد. در حالی که در همین مدت عراق در زمینه‌های مختلف در حال رشد و آماده شدن بود. بنابراین یکی از عوامل تصمیم‌گیری برای آغاز تهاجم به ایران، وضعیت نامطلوب اقتصادی ایران بود.

۲- روند رکود اقتصادی بعد از آغاز جنگ نیز کماکان ادامه داشت و علیرغم ایشار و فداکاری ملت ایران به علت فشارهای بین‌المللی مانند تحریم‌ها و سایر مسائل سیاسی، جنگ پایان خوشی نیافت و وضعیت مالی کشور اجازه تأمین نیازمندی‌هایی که از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درخواست شده بود نمی‌داد و لاجرم قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد مورد پذیرش ایران قرار گرفت.

۴- راهبرد ملی ایران (امور دفاعی)

حکومت تازه تأسیس جمهوری اسلامی که جایگزین حکومتی با قدمت ۲۵۰۰ ساله شده بود، هنوز فراندوم تغییر نظام و تدوین قانون اساسی جدید را آغاز نکرده بود که با شورش و آشوب‌های داخلی مواجه شد. کارگزاران حکومت قبلی به انحاء مختلف کنار گذاشته شده بودند. مسئولین سیاسی، امنیتی و نظامی حکومت جدید نیز از تجربه حکومت‌داری بی بهره بودند. لذا حفظ انقلاب و دفع هرگونه خطری که روزانه با آن روبه‌رو بود، برایشان اهمیت داشت و هنوز فرصت تدوین راهبرد (استراتژی) را پیدا نکرده بودند.

مسلماً ایران از نظر نظامی و دفاعی دارای راهبرد تدوین شده در حکومت قبلی بود، ولی آن راهبرد توسط کسانی تهیه شده بود که پس از انقلاب کنار گذاشته شده بودند و نیروهای جدید از کم و کیف آن آگاهی نداشته و یابا آن اعتقادی نداشتند. لذا آغاز شورش‌ها در مناطق مختلف از جمله مناطق شمالغرب و پی آمد آن، هم‌چنین جنگ تحمیلی پس از ۱۹

ماه بعد از پیروزی انقلاب، فرصتی نبود که بتوان راهبرد جدیدی تدوین کرد و یا راهبرد قبلی را در آن شرایط به مورد اجرا گذاشت.

بدین ترتیب می‌توان گفت جمهوری اسلامی فاقد هرگونه راهبرد ملی و نظامی تدوین شده در بدو استقرار بود و تنها راهبرد آن را می‌توان در تلاش برای تثبیت حکومت با انجام رفراندوم و سپس تدوین قانون اساسی دانست.

معمولاً در تدوین راهبرد با آینده‌نگری برای هرگونه حوادث آتی با توجه به شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیش‌بینی‌های لازم به عمل می‌آید. طبیعت انقلاب‌هایی از نوع ایدئولوژیک نادیده انگاشتن هر آنچه حکومت ساقط شده پیش‌بینی کرده می‌باشد تا بعداً ساختار خود را به وجود آورند. انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبود، ولی نکته مثبت و حائز اهمیت انقلاب اسلامی در ایران رهبری آن بود که دید الهی و مثبتی فارغ از احساسات داشت. ایشان زمام امور را به دست گرفته و با قداستی که در او بود نیروهای انقلابی را به کنترل احساسات وادار می‌کرد.

تبعیت از رهبری، نیروهای دلسوز را از هرگونه مخالفت و احساسات تند بر حذر می‌داشت و به زودی نیروهای انقلاب گرد شمع وجود رهبر انقلاب جمع شده و با احساس خطر، نسبت به دفع آن پیش‌بینی‌های لازم را هرچند غیر کافی به عمل آوردند.

تحرك ضد انقلاب در داخل کشور نیز پس از فروپاشی نظام گذشته امری طبیعی است. هر گروه مخالف تلاش می‌کند سهمی از انقلاب را نصیب خود سازد و در صدد پیاده کردن آرمان‌های خود باشد، لذا آشوب‌ها و شورش‌ها در نقاط مختلف اولین آسیبی است که می‌تواند اصل انقلاب را با خطر مواجه سازد.

آسیب دومی که انقلاب را با خطر مواجه می‌سازد، بهره‌برداری کشورهای همسایه و سایر کشورهایی است که منافع خود را با خطر احساس می‌کنند و یا تلاش دارند با نفوذ در حکومت جدید از این نمد کلاهی برای خود تهیه کنند.

در خنثی کردن آسیب نخست (شورش داخلی) می‌توان گفت که دست اندرکاران انقلاب پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورده بودند. آنان پس از انقلاب بلافاصله با تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی و استفاده از نیروهای باقیمانده از ارتش که ۱۰۰ درصد همراه با انقلاب بودند به مقابله با ضد انقلاب پرداخته و توانستند آنها را مهار کنند.

اما آسیب دوم یعنی تهدیدهای خارجی و در رأس آن جنگ موضوعی است که به نظر می‌رسد اندیشه لازم برای آن نشده بود. ورود به جنگ نیازمندی‌های خود را طلب می‌کند که در رأس آن سامانه اطلاعات قوی، نیروی مسلح کاملاً آماده، سیستم فرماندهی کارآمد و پشتوانه اقتصادی قوی می‌باشد.

فضای روزهای آغازین انقلاب نیازمندی‌های فوق را به دلایل مختلفی علی‌رغم موجود بودن نتوانست کاملاً از قوه به فعل تبدیل کند. تضعیف ارتش، اختلاف در مسئولین حکومت، عدم توجه مسئولین حکومت باعث شده بود که هشدارهای عناصر اطلاعاتی ارتش مستقر در مرزها مبنی بر احتمال حمله عراق را باور نداشته باشند. این ناپاوری به حدی بود که به نیروهای ارتش به ویژه در منطقه خوزستان تا ۱۵ روز قبل از آغاز جنگ اجازه تجهیز و نقل و انتقال داده نمی‌شد.

با توجه به مقدمه اشاره شده و بررسی آنچه عملاً در کشور اتفاق افتاده بود به نظر می‌رسد راهبرد دفاعی (نظامی) را می‌توان در مقابله با تهدید داخلی و خارجی به شرح زیر تبیین کرد:

الف - راهبرد ملی در مورد تهدید داخلی

آرام‌سازی آشوب‌های محلی و کنترل شورش‌های منطقه‌ای با استفاده از نیروهای نظامی وفادار به انقلاب و مردم انقلابی با هدف برقراری امنیت و ثبات در سراسر کشور.

ب - راهبرد دفاعی در مورد تهدید خارجی (جنگ)

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، در این مورد هیچ‌گونه راهبرد مدونی پیش‌بینی نشده بود. اما نیروهای نظامی باقیمانده در انقلاب بنا به وظیفه‌ای که قانوناً به آن متعهد بودند وظیفه داشتند، پس از موافقت مسئولین حکومت (هر چند با تأخیر) به مقابله با دشمن بشتابند.

۵- استعداد ارتش جمهوری اسلامی ایران^۱

الف - نیروی زمینی

استعداد کلی نیروی زمینی ۲۴۰ هزار نفر دارای ۴ لشکر پیاده، ۳ لشکر زرهی کامل و یک لشکر زرهی در حال تکمیل، تیپ مستقل پیاده، یک تیپ مستقل زرهی (آموزشی)، یک تیپ هوابرد، یک تیپ نیروی مخصوص، ۵ گروه توپخانه، فرماندهی هوانیروز

تجهیزات عمده

تانک: ۱۹۸۵ دستگاه شامل ۸۷۵ دستگاه چیفتن و ۶۵۰ دستگاه تانک ام - ۴۷

و ام - ۶۰ و ام - ۴۶

تانک سبک ۲۵۰ دستگاه

انواع توپ صحرایی، ضد هوایی و ضد تانک ۲۲۰۰ قبضه

نفربر زرهی ۲۰۰۰ دستگاه

بالگرد ۲۱۴، ۲۰۰۰ فروند

سسنا ۱۰ فروند

سسنا ۳۱۰، ۶ فروند

هواپیمای F۲۷، ۲ فروند

شنوک ۴ فروند

هواپیمای فالتکون ۴ فروند

ارکاماندو ۳ فروند

هواپیمای F۲۷ ترابری ۲ فروند

ب - نیروی هوایی

استعداد ۲۰ هزار نفر

تجهیزات عمده

- هواپیمای جنگی: ۴۴۵ فروند

- هواپیمای شناسایی: ۱۴ فروند

- انواع هواپیمای سوخت‌رسان، پشتیبانی آموزشی و بالگرد ۵۲۲ فروند

ج - نیروی دریایی

استعداد نیروی دریایی ۲۰۰۰۰ نفر

تجهیزات عمده

ناو جنگی ۲۸ فروند

قایق رزمی ۲۰ فروند

واحد دریایی، موشک‌انداز زمین به زمین فاربون ۹ فروند

ناو گشت‌زنی ۷ فروند

کشتی نیروبر ۲ فروند

بالگرد کرانه مین جمع کن ۱ اسکادران

بالگرد زیر دریایی ۱ اسکادران

بالگرد ترابری ۱ اسکادران

هاورکرافت ۱۴ فروند

۶- صنایع نظامی ایران و عراق

توسعه صنایع مختلف در جهان از طریق پایه‌گذاری صنایع نظامی امکان‌پذیر شده است. هر یک از صنایع از نظر کاربردی ابتدا در امور نظامی مورد تجربه قرار گرفته و سپس با توسعه آن در سایر زمینه‌های صنعتی و تجاری به کار گرفته می‌شوند. لزوم پیشرفت این صنایع به میزان علم و تکنولوژی که حاصل تلاش گسترده دانشمندان از قرن هفدهم به بعد بوده بستگی دارد.

کشورهای پیشرفته در جهت بهره‌برداری از توانایی علمی و تکنولوژیکی خود همواره تلاش دارند که سایر کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم را که دارای منابع اولیه و نیروی کار ارزان می‌باشند مورد استثمار قرار داده و صنایع نظامی خود را برای ساخت تسلیحات و تجهیزات توسعه دهند. بدیهی است در این راه کشورهای رقیب در جهت تولید صنایع نظامی به رقابت پرداخته تا بتوانند از یکدیگر پیشی گیرند.

از طرفی یکی از پر سودترین صنایع در جهان تولیدات صنایع نظامی می‌باشد، کشورهای پیشرفته تلاش می‌کنند تا بازار فروش صنایع نظامی خود را در کشورهای دیگر گسترش دهند و حتی در این راه از ایجاد برخوردهای منطقه‌ای بین کشورهای کوچک و همسایه جهت فروش جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی استفاده می‌کنند. آنان ضمن بهره‌برداری از فروش صنایع نظامی، کارایی محصولات خود را مورد آزمایش قرار داده و آن را بهینه می‌سازند. به همین علت تسلط بر نیروهای مسلح کشورهای جهان سوم هدف اصلی کشورهای استعمارگر بوده تا بتوانند از تولیدات صنایع نظامی خود در سازماندهی و تجهیز ارتش آنان استفاده کنند.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که ارتش‌های ایران و عراق که مجهز به جنگ‌افزارهای گرم (سبک و سنگین) بودند، تاکنون هیچ‌گاه تولید کننده آن نبوده و کشورهای شرق و غرب در تجهیز نیروهای مسلح دو کشور فعال بوده‌اند. به گونه‌ای که زرادخانه‌های این ۲ کشور دارای مجموعه‌ای (کلکسیون) از جنگ‌افزارها، تجهیزات، امکانات نظامی زمینی، هوایی و دریایی بودند.

ارتش ایران از سال ۱۳۰۰ ش. مجهز به جنگ‌افزارها و امکانات نظامی روسی، فرانسوی، انگلیسی، اتریشی و آمریکایی شده و ارتش عراق از سال ۱۹۲۱ م. (سال تأسیس) مجهز به جنگ-افزارها و امکانات نظامی روسی، فرانسوی، انگلیسی و غیره شده است.

کشورهای استعمارگر هیچ‌گاه تلاش برای توسعه علم و تکنولوژی در زمینه صنایع نظامی این دو کشور به عمل نیاوردند. این کشورها نیز به علت دور بودن از پژوهش‌های علمی، تلاشی برای کسب علم و تکنولوژی نکرده و همواره مانند سایر امور وابستگی به کشورهای دیگر را ترجیح می‌دادند. لذا سازمان‌های صنایع دفاع این‌گونه کشورها عملاً به عنوان واسطه خرید جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی عمل می‌کردند. آنها به استثنای تولید برخی از جنگ‌افزارهای انفرادی شامل تفنگ، تیربار سبک و نیز تولید مهمات هیچ‌گونه تولید دیگری نداشتند.

یادآوری می‌شود، تولید بخشی از قطعات و ابزارهای نظامی که به علوم پیشرفته‌ای نیاز ندارد از زمان‌های گذشته در کشور ایران تولید می‌شد، به طور مثال در سال ۱۳۰۳ ش. تشکیلاتی بنام قورخانه در ارکان کل حرب ارتش نوین ایران تشکیل که دارای دوایر، شعب و بخش‌هایی به نام‌های مهندسی، ملزومات، افزارسازی، سوهانکاری، چرخکاری، حدادی (آهنگری)، ریخته‌گری، نجاری و قندان‌سازی، جنگ‌افزارسازی، باروت‌سازی، فشنگ‌سازی و ماشین خانه بوده است.

طراحی صنایع نظامی کشور ایران در سال ۱۳۰۴ ش. به بعد با مشورت وزارت دفاع آلمان و کارشناسان آن کشور با احداث کارخانجات زیر آغاز شد:^۱

۱- کارخانه لوله‌سازی تفنگ، تولید ۲۵ لوله در روز برای تفنگ کالیبر ۹/۷ مم در سال ۱۳۰۸ ش.

۲- کارخانه فشنگ‌سازی با تولید ۱۰ هزار تیر در روز در سال ۱۳۰۸ ش. که این تعداد در طی ۶ سال به ۷۰ هزار تیر در روز رسید.

۳- کارخانه شیمیایی پارچین در ۲۴ مهرماه ۱۳۱۰ ش. جهت تولید باروت

۴- کارخانه مسلسل‌سازی در سال ۱۳۱۸ش. با ظرفیت تولید ۱۲۰۰ قبضه مسلسل سبک و ۳۰۰ قبضه مسلسل سنگین در سال.

۵- کارخانه برنج‌سازی برای ساخت گلوله‌های توپ و در اواخر سال ۱۳۱۷ش.

۶- کارخانه گلوله‌سازی توپ در سال ۱۳۱۹ش.

۷- پس از شکل‌گیری ارتش نوین در سال ۱۳۰۰ش. اقدامات لازم برای ساخت هواپیمابه عمل آمد.

از سال ۱۳۵۳ش. با تکمیل صنایع الکترونیک در شیراز پژوهش و تولید جنگ‌افزارهای پیشرفته جدید و نیز موشک تاو و تجهیزات الکترونیک آغاز شد.

توسعه کارخانجات فوق تا انقلاب اسلامی از نظر نوع فعالیت در همین محدوده باقی ماند و فقط میزان تولید افزایش یافت و تولید انبوه تفنگ ژ-۳ و بعضی از لوله‌های توپ به آن اضافه شد.

با تجربیات پس از جنگ تحمیلی به ارتقاء سطح علمی و تولید دانش فنی در صنایع نظامی در داخل کشور توجه شده است و امید می‌رود در آینده بتوان جهت خودکفایی صنایع نظامی گام‌های لازم برداشته شود.

ایران قبل از انقلاب در نیمه اول دهه هفتاد بیش از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بیشتر از عراق صرف خرید سلاح و تجهیزات نظامی کرد. در سال ۱۹۷۸م. خرید سلاح و تجهیزات ایران و عراق به نسبت مساوی رسید. در سال ۱۹۷۹م. خرید عراق ۲ برابر شد و در سال ۱۹۸۰م. و ۱۹۸۱م. علی‌رغم توقف فروش سلاح و تجهیزات به عراق (از طرف شوروی) نسبت خرید عراق ۵ برابر ایران بود. این وضعیت برتری عراق را در طول جنگ حفظ کرد.



بخش سوم:

آخرین وضعیت در خرمشهر و آبادان (قبل از جنگ)

هرچه بیشتر بتوان فضا و شرایط قبل از جنگ تحمیلی را بهتر ترسیم نماییم آیندگان به عظمت حماسه رزمندگان ایران در نبرد با ارتش تا دندان مسلح عراق و دنیای استکباری پی خواهند برد. رزمندگان با دستان خالی و شرایطی که از نظر روحی و جسمی در صحنه عملیات حاکم بود، توانستند با توکل به خداوند متعال به طور خودجوش پیشروی نیروهای دشمن را در خرمشهر و آبادان مدت ۴۰ روز به تأخیر انداخته و آنان را پشت دروازه‌های شهر متوقف سازند و علاوه بر حفظ تمامیت خرمشهر و آبادان، دشمن را در هفته اول وادار به پیشنهاد صلح کنند.

تحركات نظامی عراق و ایادی وابسته داخلی آن در جنوب استان خوزستان از آغاز سال ۱۳۵۹ از دهانه فاو تا کیلومتر ۲۵ (پاسگاه زید) آغاز شد. در داخل خاک عراق جابجایی نیروها شدت گرفت و ضمن بحران آفرینی در داخل خاک خوزستان با اجرای آتش روی پاسگاه‌های مرزی روز به روز بر شدت بحران می‌افزودند.

برای تجزیه و تحلیل حوادث ۶ ماه اول سال ۱۳۵۹ در منطقه خرمشهر و آبادان، علیرغم تلاش انجام شده برای جمع‌آوری مدارک مستنداتی که اقدامات نظامی را برای کنترل بحران در طول مرز و مناطق داخلی نشان دهد، نتیجه لازم حاصل نشد. لذا از مدارک زیر که بعد از جنگ تحمیلی تهیه شده، بهره‌برداری شده است:

۱- کتاب جبهه جنوب در شهریور ۱۳۵۹. این کتاب توسط هیئت معارف جنگ سه سال بعد از پایان جنگ (سال ۱۳۷۰) منتشر شده است.

۲- کتاب خرمشهر در جنگ طولانی. این کتاب توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ده سال پس از پایان جنگ (سال ۱۳۷۷) منتشر شده است.

۳- تاریخ شفاهی

خاطرات رزمندگان را می‌توان به عنوان تاریخ شفاهی پذیرفت، لازم است توجه شود که تاریخ شفاهی مبتنی بر خاطرات، همواره با تحریف، اغراق و فراموشی همراه است. لذا نمی‌توان به عنوان یک سند معتبر به آن تکیه کرد.

با بهره‌برداری از مدارک فوق حوادث و اقدامات انجام شده به شرح زیر گردآوری شده است:

۱- شرح حوادث و اقدامات انجام شده در ۶ ماهه اول سال ۱۳۵۹ (جدول ۲)^۱

۲- شرح حوادث و اقدامات انجام شده از ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در خرمشهر و آبادان (جدول ۳)^۲

۳- گزارشات و پیام‌های مبادله شده نیروهای نظامی بین یگان‌های نظامی در رابطه با عملیات خرمشهر و آبادان از ۵۹/۶/۱۱ تا ۱۳۵۹/۶/۳۱^۳

۴- خاطرات (تاریخ شفاهی)^۴

۱. مستخرجه از منبع شماره ۱ و ۴

۲. مستخرجه از منبع شماره ۹

۳. مستخرجه از منبع شماره ۱ و ۴

۴. خاطرات رزمندگان ارتش و سپاه

شرح حوادث شش ماهه اول سال ۱۳۵۹

۱- شرح حوادث شش ماهه اول سال ۱۳۵۹ (جدول ۲)^۱

ردیف	تاریخ	حوادث/ اقدامات
۱	۱۵ فروردین	برابر گزارش ژاندرمری آبادان و خرمشهر، ارتش عراق در اروند رود دست به اقداماتی زد که تاکنون سابقه نداشته و کاملاً غیرعادی به نظر می‌رسد.
۲	۱۶ فروردین	نیروی دریایی عراق در آب‌های کویت و نزدیک مرز آبی ایران در خلیج فارس رزمایش دریایی اجرا کرد و ستاد عملیات رزمایش دریایی را در بصره مستقر کرده و طرح حمله به خوزستان را تمرین کرده است. در اروند رود نیز به عنوان بخشی از منطقه رزمایش اقداماتی بر ضد حقوق ایران انجام داده است.
۳	۱۷ فروردین	اعلام وضعیت غیرعادی در منطقه اروند رود توسط ستاد مشترک ارتش
۴	۱۸ فروردین	اعلام آماده‌باش مرحله ۲ به یگان‌های نیروی زمینی به علت تمرکز نیروهای عراقی در طول مرز
۵	۱۹ فروردین	تبدیل آماده‌باش مرحله به مرحله ۳
۶	۲۰ فروردین	نیروی زمینی دستور مقابله با تهدیدی احتمالی را صادر و ستاد عملیاتی رئیس-جمهور در ستاد مشترک تبدیل شد
۷	۲۱ فروردین	دستور نیروی زمینی به لشکر ۹۲ مبنی بر تشکیل شورای تأمینی استاد با همکاری مقامات نظامی و غیرنظامی
۸	۲۰ فروردین	استقرار گردان دژ، منهای یک گردان در دژهای مرز شلمچه-کوشک و یک گروهان در پادگان دژ برای حفاظت پادگان
۹	۲۴ فروردین	اعزام یک گروهان از گردان ۱۶۵ مکانیزه به منظور گشت‌زنی در خط مرز شلمچه-کوشک و اعزام یک گروهان تانک به اروند کنار جهت گشت‌زنی در خسروآباد تا فاو
۱۰	۲۶ فروردین	اعزام یک گروهان از گروه رزمی ۱۶۵ جهت تقویت کرانه نهر خین در خرمشهر
۱۱	۲۹ فروردین	اعزام یک گروهان از گردان ۲۲۱ سوار زرهی جهت تأمین منطقه بین کوشک تا شلمچه

۱۲	۳۰ فروردین	دستور نیروی زمینی مبنی بر هدایت عملیات تأمینی گردان دژ در خط مرز
۱۳	۱ اردیبهشت	۱- برابر اعلام ستاد مشترک اعزام ۵۰ نفر از برادران سپاه برای تقویت پاسگاه‌های کرانه نهر خین و هفده نفر پاسدار به سه قبضه تیربار برای حفاظت از جزء جزیره مینو به نیروی زمینی اطلاع داده شد. ۲- اعزام گردان ۳۷۸ توپخانه مم گروه ۲۲ توپخانه به خرمشهر
۱۴	۳ اردیبهشت	اعزام گردان ۳۴۱ توپخانه ۱۳۰ مم از گروه ۲۲ توپخانه به خرمشهر بر پشتیبانی آتش
۱۵	۴ اردیبهشت	۱- تشکیل فرماندهی اروند رود در خرمشهر توسط نیروی دریایی به دستور ستاد مشترک ارتش ۲- اعزام ۴ قبضه تفنگ ۱۰۶ برای تقویت جزیره پاسگاه ژاندارمری جزیره مینو ۳- مرکز عملیات به فرماندهی سرهنگ پورمهران معاون توپخانه لشکر ۹۲ به منظور هماهنگی عملیات در خرمشهر و آبادان تشکیل شد
۱۶	۸ اردیبهشت	اعزام یک آتشبار ۲۳ مم پدافند به خرمشهر
۱۷	۱۲ اردیبهشت	نیروی هوایی اعلام کرد، تأسیسات پایگاه پرتاب موشک هادک(زمین به هوا) هنوز آماده بهره‌برداری نیست
۱۸	۲۸ اردیبهشت	درخواست استاندار خوزستان از لشکر بر تشکیل جلسات توجیه عملیات مقامات غیرنظامی در هفته
۱۹	۱ خرداد	استقرار یگان‌های اعزامی به خط مرز به علت طولانی شدن مدت و وجود حالت به جنگ و نه صلح آثار خستگی در نیروها موجب گردید لشکر نسبت به تعویض نوبه‌ای اقدام کند.
۲۰	۲۲ خرداد	برابر گزارش لشکر ۹۲ زرهی در منطقه خرمشهر پاسگاه‌های نهر خین با اعزام ۲ دستگاه نفربر و دو قبضه تفنگ ۱۰۶ تقویت شده و درگیری پراکنده ادامه دارد
۲۱	۲۵ خرداد	یک فروند میگ عراقی به فضای آبادان و خرمشهر تجاوز کرد
۲۲	۵ تیر	یک فروند هواپیمای خودی در شمال شلمچه سقوط کرد و خلبان آن ستوان یکم غلامحسین باستانی شهید شد
۲۳	۶ تیر	عدم موافقت نیروی زمینی به لشکر ۹۲ مبنی بر تعویض یگان‌ها ابلاغ شد
۲۴	۱۸ تیر	کشف کودتای نظامی موجب اختلال در امر فرماندهی لشکر ۹۲ شد
۲۵	۲۹ تیر	نیروز زمینی سرهنگ ملک‌نژاد معاون لشکر ۹۲ زرهی را به عنوان سرپرست لشکر تعیین کرد

۲۶	۱۸ مرداد	ارتش عراق یک گردان تانک در اطراف پاسگاه تنومه در مقابل شلمچه مستقر کرد. ژاندارمری خرمشهر درخواست موانع زمینی و سیم خاردار در مرز کرد و پاسگاه کیلومتر ۲۵ را با ۲ دستگاه نفربر تقویت کرد
۲۷	۱۹ مرداد	رئیس رکن ۲ و ۳ لشکر پس از شناسایی از طریق هوا با بالگرد وضعیت منطقه مرزی شلمچه را عادی گزارش کرد
۲۸	۲۸ مرداد	قرارگاه ژاندارمری کشور دستورالعمل برقراری امنیت و مراقبت از مرزهای خوزستان را تهیه و ابلاغ کرد که براساس آن تأمین مناطق مرزی به عهده یگان‌های ژاندارمری گذاشته شد
۲۹	۲۹ شهریور	۱- برابر گزارش لشکر گردان ۱۵۱ دژ تعداد ۱۹ دژ از شماره ۱ شلمچه تا ۱۹ کوشک اشغال کرده است و بقیه دژها تا شماره ۲۹ به علت کمبود نیرو اشغال شده و توسط گردان سوارزهری تأمین شده است. ۲- در اثر درگیری جدی در کرانه نهر خین یک نفر شهید و ۳ نفر مجروح شدند ۳- ژاندارمری آبادان اعلام کرد ارتش عراق در نظر دارد تمام مناطق مورد اختلاف مرزی را اشغال کند
۳۰	۲۳ شهریور	هنگ ژاندارمری آبادان از لشکر ۹۲ درخواست تعداد جنگ‌افزار سنگین برای تقویت پاسگاه‌ها کرد
۳۱	۲۴ شهریور	۱- ستاد مشترک ارتش به نیروی زمینی اعلام کرد، حمله قریب‌الوقوع عراق حتمی است ۲- وضعیت نیروها در نوار مرزی خرمشهر به شرح زیر اعلام می‌گردد: الف) یک گروه تخریب به کرانه نهر خین برای تخریب گلوله‌های عمل نکرده اعزام شد ب) یک آتشبار ۱۵۵ م م در حوالی پاسگاه کیلومتر ۲۵ مستقر شد ج) گردان دژ در حد مقدرات تفنگ ۱۰۶ موجود در دژهای بین شلمچه تا کوشک (دژ شماره ۱ تا ۱۹) مستقر کرد و تعداد ۴ قبضه تفنگ ۱۰۶ در کرانه نهر خین در اختیار پاسگاه مؤمنی و خین قرار داده است د) پاسگاه نهر خین زیر آتش شدید عراق قرار داشت
۳۲	۲۸ شهریور	۱- عراق از عبور ۳ کشتی ایارنی در ارون رود را مانع شده و خواستار برافراشتن پرچم عراق به جای پرچم ایران بر روی کشتی‌ها شد، ولی کشتی‌های ایران

		بدون توجه به اعلام نیروهای عراقی به راه خود ادامه داده و در دهانه فاو مستقر شدند. لشکر اعلام کرد، گردان ۱۶۵ مکانیزه و گردان ۲۳۲ تانک در منطقه خرمشهر از پل نو تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ مستقر شده است
۳۳	۲۹ شهریور	مرز دریایی در ارون رود موجب غرق شدن یک فروند ناوچه عراقی شد: نبرد در کرانه نهر خین به طور جدی ادامه داشت
۳۴	۳۰ شهریور	۱- تأسیسات نفت آبادان، پایانه نظامی خرمشهر، گارد ساحلی ایران زیر آتش شدید توپخانه دشمن آسیب دید ۲- مراقبت دهانه فاو در تسلط نیروهای عراقی قرار گرفت
۳۵	۳۱ شهریور	عراق تهاجم هوایی خود را به ۱۱ فرودگاه داخل کشور آغاز کرد
۳۶	۱ مهر ماه	تهاجم زمینی عراق در سراسر مرز آغاز و در منطقه خرمشهر لشکر ۳ زرهی در محور تنومه-شلمچه، خرمشهر تهاجم خود را آغاز کرد

۲- شرح حوادث و اقدامات انجام شده در سه ماهه دوم سال ۱۳۵۹ (جدول ۳)^۱

ردیف	تاریخ	حوادث / اقدامات
۱	۱۵ خرداد	درگیری در حوالی پاسگاه مؤمنی و منطقه جرگه گزارش می شد
۲	۲۱ خرداد	شهادت دو نفر از سپاهیان در پاسگاه های کرانه نهر خین
۳	۲۵ خرداد	تشکیل جلسه مسئولین سیاسی و نظامی استان خوزستان در فرمانداری خرمشهر. در این جلسه: الف) نماینده لشکر ۹۲ حضور پاسداران در مرزها را موجب تشدید درگیری ها اعلام می کند ب) فرمانده سپاه آبادان لزوم حضور سپاه در مرز را متذکر می گردد ج) در پایان جلسه حضور سپاه همراه با ژاندارمری در پاسگاه های مرزی تصمیم گیری می شود
۴	۱۶ تیر ماه	افزایش اقدامات دشمن مهندسی و تقویت نیروها در منطقه شلمچه با استقرار یک گردان زرهی و یک آتشبار توپخانه
۵	۱۸ تیر ماه	آماده باش هشت فروند ناوچه جنگی عراق در خور عبدالله
۶	۲۳ مرداد	ستاد مشترک ارتش اعلام می کند «عراق در سرتاسر مرز نیرو پیاده کرده و قصد دارد در ۱۳۵۹/۵/۲۵ حمله نماید»
۷	۲۷ مرداد	سپاه پاسداران خرمشهر با توجه به فعالیت های زیر وضعیت دشمن را غیرعادی اعلام می کند: الف) استقرار ناوچه های جنگی در مقابل پاسگاه خین ب) پیاده کردن نیروی نظامی ج) حالت غیرعادی سربازان از جمله استفاده از کلاه آهنی برای اولین بار
۸	۲۸ مرداد	دستورالعمل برقراری امنیت و مراقبت از مرزهای خوزستان توسط ژاندارمری خوزستان صادر شد
۹	۶ شهریور	با تشدید فعالیت مهندسی توسط دشمن، افزایش تجاوزات هوایی و شناسایی عراق، تحرکات و جابجایی نیرو در منطقه شلمچه سپاه پاسداران به کلیه مراکز سپاه در استان ها و شهرهای مرزی دستور

		آماده‌باش اعلام می‌کند
۱۰	۱۲ شهریور	ستاد مشترک ارتش محتمل‌ترین معبر تعرضی در منطقه خرمشهر را معبر بصره، تنومه، شلمچه- خرمشهر اعلام می‌کند و اضافه می‌کند نیروهای تک‌ور در معبر فوق با عبور از سیبه به آبادان و کوت زین به خرمشهر پشتیبانی می‌شود
۱۱	۱۳ شهریور	۱- ستاد مشترک ارتش طی پیامی به کلیه نیروها ارتش ژاندارمری و سپاه پاسداران اعلام می‌کند، برابر اطلاع تک عراق از تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۵ محتمل است. لذا دستور مراقبت و پیش‌بینی‌های لازم صادر می‌شود ۲- برابر گزارش روزنامه استانداری خوزستان نیروهای عراق در مقابل پاسگاه خین ۵ نفر برای یک قبضه تیربار ضدهوایی و چند خمپاره‌انداز می‌باشد و پاسگاه خین(خودی) فقط یک نفربر مستقر است
۱۲	۲۱ شهریور	برابر گزارش روزانه استانداری خوزستان، درگیری بین نیروهای عراقی و پاسگاه‌های مرزی در کرانه خین شدت می‌یابد به طوری که به سپاه دستور توقف درگیری و عقب‌نشینی داده شده است. شدت درگیری‌ها تاکنون سابقه نداشته و تا روز بعد ادامه داشته است. درگیری با عقب‌نشینی نیروهای خودی از خط مرز پایان یافت.
۱۳	۲۳ شهریور	ستاد مشترک در پی درگیری‌های روزهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ اعلام می‌کند. ۱- ارتش عراق ۲۰ دستگاه تانک، تعدادی نفربر، خمپاره‌انداز و ضدهوایی در مقابل دژ شماره ۳ (شش کیلومتر بالاتر از پاسگاه شلمچه) مستقر کرده است ۲- گردان ۵ گارد مرزی تقویت شده در منطقه شلمچه قرار داده شده‌اند. ۳- یک آتشبار توپخانه از لشکر ۵ مکانیزه مجهز به توپ ۸۲ م م و خمپاره‌انداز ۶۰ م م ۴- هشت سیستم موشک‌های سام، تعدادی تانک و نفربر و ضدهوایی رو به روی منطقه شلمچه و جزیره مینو استقرار یافته‌اند
۱۴	۲۶ شهریور	الف) لشکر ۹۲ زرهی با توجه به شدت تحرکات و جابجایی عراق در مرز اعلام می‌کند برابر اطلاع رسیده، دشمن قصد دارد ظرف امشب (۱۳۵۹/۶/۲۶) تا فردا در محورهای زیر اقدام به حمله کند: ۱- محور فکه- دو سلک ۲- محور سمیده دو سلک

۳- محور تنومه- شلمچه ۴- محور تنومه کوشک- کیلومتر ۲۰ جاده و جاده اهواز- خرمشهر ب) رئیس‌جمهور عراق طی نطقی در مجلس این کشور قرارداد ۱۹۷۵ را بی- اعتبار اعلام می‌کند		
برابر گزارش ستاد مشترک ارتش، عراق در اروند رود مبادرت به اقدامات زیر می‌کند: - از حرکت یک کشتی تجاری ایران در دهانه فاو جلوگیری کرد - گارد مرزی عراق مدعی شد که در ساعت ۱۹۵۰ روز ۱۳۵۹/۶/۲۷ یک کشتی عراق در نزدیک پاسگاه المعابر فاو مورد حمله ناوچه‌های دریایی قرار گرفته است - نقل و انتقال وسیع نیروهای عراقی به طور سیل‌آسا به سمت مرزهای ایران ادامه دارد - حجم نیروهای عراقی و عجله در جابجایی به استتار و اختفاء توجه نمی‌کردند و گویا احساس امنیت می‌کردند - برابر گزارش لشکر ۹۲ زرهی - حدود ۱۰۰ دستگاه خودرو از نوع زیل و آیکا حاصل تجهیزات کامل در حال یدک کشیدن توپ‌های ضد هوایی و استقرار در منطقه فاو، سبیه کوت زین و المطوعه مشاهده شده است - ۸۰ قبضه توپ و خمپاره‌انداز وارد فاو شده و مشرف به شط‌العرب (اروند رود) موضع گرفته‌اند - مواضع مهمات توسط برگ درختان خرما استتار شده است - استانداری خوزستان دستور مسدود کردن مرز شلمچه را صادر می‌کند - ستاد مشترک ارتش تشدید تحرکات نیروهای عراقی در روزهای اخیر را دلیل حمله اصلی عراق در منطقه خوزستان اسلام و دستورهای مراقبتی را به نیروهای زمینی صادر و متعاقب آن لشکر ۹۲ زرهی دستورات لازم را در مورد تقویت پاسگاه‌ها و خطوط پدافندی به طور مشروح صادر می‌کند و تأکید می‌کند یگان‌های نظامی در خط جبهه، اجازه یک قدم عقب‌نشینی داده نشود - برابر گزارش ستاد مشترک شدت درگیری در کرانه نهر خین موجب آتش-	۲۷ شهریور	۱۵

		سوزی پاسگاه خین و انهدام یک ناوچه ایرانی شده است. متقابلاً بر اثر آتش نیروهای ایرانی تعدادی از برج‌های دیده‌بانی عراق منهدم و همچنین یک پل و یک مدرسه عراقی زیر آتش توپخانه نیروهای خودی قرار گرفته که در نتیجه یک سرباز عراقی مجروح شده است
۱۶	۲۴ شهریور	برابر گزارش ستاد مشترک و ژاندرمری در طول روز کلیه مناطق مرزی خرمشهر از کرانه نهر خین تا خط دژ مکرراً زیر آتش مستقیم و توپخانه عراق قرار داشت و شدت آن در محدوده پاسگاه خین به اندازه‌ای بود که تعدادی مجروح و تخریب تأسیسات پاسگاه و منازل شد
۱۷	۲۵ شهریور	ستاد مشترک ارتش براساس اعلام مقامات عراقی، جابجایی نیروهای ایرانی در منطقه ارون رود، زیر آتش قرار گرفتن پاسگاه‌های ام‌الرساس، استقرار دو نفربر و یک توپ در مقابل دیده‌بانی اسرار حساس و حرکت یک ستون خودرویی (۲۰ خودرو) از پایگاه دریایی خرمشهر به سمت پل فلزی را آگهی می‌کند. همچنین عراق در ۱۳۵۹/۶/۲۵ کلیه مرخصی افراد گارد مری را لغو و کلیه معاف شدگان از خدمت را احضار می‌کند
۱۸	۳۰ شهریور	در این روز درگیری‌ها در ارون رود در پاسگاه‌های ساحلی ادامه داشت. مردم خرمشهر از ساعت ۱۰ صبح برای بزرگداشت شهدا و محکومیت عراق در شهر راهپیمایی آغاز کردند. عراق بر شدت آتش بازی خود را آغاز کرد که اهم آن عبارتند از: ۱- پایگاه نیروی دریایی موفق به انهدام پاسگاه روبروی خرمشهر و برج دیده-بانی دشمن شد ۲- گارد ساحلی در خسروآباد شدت زیر آتش عراق قرار گرفته که تقاضای آتش پشتیبانی هوایی شد ۳- درگیری پایگاه دریایی خرمشهر و عراق موجب قطع سیستم ارتباطی بین پایگاه و شناورها شد ۴- پالایشگاه و فرودگاه آبادان زیر آتش قرار گرفت و چند تانک ذخیره نفت آتش گرفت ۵- یک ناوچه جنگی ایران در مجاور جزیره مینو منهدم و چند نفربر مجروح شدند

۶- قایق گشت دادسرای انقلاب در شط العرب مورد حمله ناوچه عراقی قرار گرفت که بر اثر اصابت گلوله ۹ نفر شهید و مجروح شدند ۷- درگیری شدید در کرانه ساحلی در منطقه پاسگاه خین و مؤمنی و اطراف آبادان ادامه دارد. یک ناوچه عراقی رو به روی پاسگاه خین و یک ناوچه دیگر در جزیره فیصله لنگر انداخته و افراد در نخلستان‌های اطراف پراکنده شده‌اند. ستاد مشترک ارتش طی پیامی به نیروی زمینی ضرورت برخورد شدید با نیروهای متجاوز را به شرح زیر اعلام و دستور می‌دهد: «دستور فرمایید با کلیه امکانات با آتش شدید و پرحجم یگان‌هایی از کشور عراق را که به نقاط فوق (ترمینال خرمشهر، اسکله‌های ۱۱ و ۱۲) تیراندازی می‌کنند (توپخانه و تانک مستقر در کناره اروند رود) را منهدم سازند. ضمناً مهمات کافی در اختیار لشکر ۹۲ زرهی اهواز قرار داده، توصیه می‌شود آتش مداوم بر روی دشمن اجرا نمایند.		
بر اثر اعلام سپاه پاسداران خرمشهر، در ساعت ۱۲ ظهر درگیری در پاسگاه خین آغاز که تا ساعت ۲۰۰۰ شب ادامه داشته است. طرفین با انواع جنگ‌افزار، خمپاره، تانک و توپ به تبادل آتش پرداختند. در ادامه درگیری به بندر خرمشهر گسترش یافت که در نهایت ضن خسارت به ترمینال نظامی به شهادت و مجروح شدن تعداد ۶ نفر گردید.	۲۸ شهریور	۱۹
برابر گزارش ژاندارمری درگیری‌های روز قبل همچنان با شدت در حوالی پاسگاه خین ادامه دارد که طی آن تعدادی از نیروهای ایرانی مجروح شده و یک ناوچه عراقی با آرپی‌جی ۷ نیروهای پاسگاه منهدم شد. برابر گزارش ستاد مشترک ارتش در مورد درگیری‌های منطقه خرمشهر اعلام می‌کند: ۱- در حال حاضر کلیه واحدهای نیروی دریایی در آماده‌باش ۱۰۰ درصد می‌باشند. ۲- نیروهای عراقی در مقابل پایگاه دریایی خرمشهر مستقر شده‌اند. ۳- قرار است سه فروند کشتی تجاری روسی، یوگوسلاوی و ایرانی در ساعت ۱۵ امروز با اسکورت، ناوچه‌های ایرانی از بندر خرمشهر به طرف دریا عزیمت کنند.	۲۹ شهریور	۲۰

۴- یک قایق ایرانی به علت نداشتن پرچم عراق توسط عراقی‌ها غرق شد.		
۵- ترمینال نظامی خرمشهر زیر آتش عراقی‌ها قرار گرفت.		
ستاد مشترک اعلام می‌کند دستور سکوت رادیویی را به منظور جلوگیری از استراق سمع لشکر ۵ عراق را صادر می‌کند.	۳۰ شهریور	۲۱
درگیری‌های مرزی طی ۱۰ روز گذشته همچنان ادامه داشت و بر شدت آتش- بازی بر روی نقاط مختلف شهر و تأسیسات حیاتی ادامه داشت.	۳۱ شهریور	۲۲

۳- تحلیل حوادث و اقدامات جدول ۲ و ۳

گزارشات و اقدامات یگان‌های مستقر در منطقه برابر جدول ۲ و ۳ در مدت ۶ ماه قبل از آغاز رسمی جنگ نشان می‌دهد، نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در منطقه، اطلاعات و هشدارهای لازم را به رده‌های بالا اعلام داشته‌اند. (ردیف ۱ تا ۳ جدول شماره ۲)

حوادث و اقدامات انجام شده برابر جدول ۲ و ۳ بیانگر آن است که: دستورات و اقدامات منطقی با توجه به امکانات و وضعیت خاصی که نیروهای نظامی منطقه داشتند، انجام گرفته است. البته این اقدامات هیچ‌گاه جوابگوی تهدیدات عراق نبوده، زیرا تصمیم‌گیرندگان در سطح ملی آن را یک تهدید جدی نمی‌دانستند. آنان اقدامات عراق را نوعی رزمایش سیاسی و نظامی تصور می‌کردند و معتقد بودند حکومت عراق به حدی درگیر مسائل داخلی می‌باشد که قادر به یک عمل نظامی جدی علیه جمهوری اسلامی ایران نیست. این اعتقاد ناشی از دو عامل عمده در آغاز تأسیس جمهوری اسلامی بود:

(۱) نداشتن راهبرد ملی و نظامی برای جنگ.

(۲) نداشتن اطلاعات راهبردی در سطح ملی به علت انحلال سیستم اطلاعاتی کشور و در رأس آن سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک).

بنابراین مسئولین حکومت جدید نه دارای اطلاعات راهبردی بودند و نه گزارشات عوامل اطلاعاتی نیروهای نظامی و انتظامی حاضر در صحنه را باور داشتند. بدیهی است با نداشتن اطلاعات لازم و فقدان راهبرد نمی‌توان وضعیت بهتری را متصور بود. در چنین شرایطی یگان‌های مستقر در منطقه با توجه به وظایف ذاتی، اقدامات زیر را در منطقه خرمشهر و آبادان به عمل آوردند:

الف - لشکر ۹۲ زرهی با اعزام و گسترش گردان ۱۵۱ دژدر خط پدافندی دژ و تقویت آن منطقه و با درخواست نیازمندی‌ها، اقدامات لازم را انجام داده است.

ب - هدایت عملیات را با تشکیل قرارگاه فرماندهی اروند در آبادان و قرارگاه عملیاتی جنوب سازماندهی کرد.

ج - لشکر ۹۲ زرهی برای هماهنگی عملیات در منطقه خرمشهر و آبادان نسبت به تشکیل یک مرکز مستقل عملیاتی اقدام کرد.

تلاش‌ها نشان می‌دهد عناصر فرماندهی، اطلاعاتی و عملیاتی در ستاد رده‌های عملیاتی اشراف لازم را به تحولات منطقه داشتند و تدابیر لازم را در حد توان با اقدامات پیش‌گیرانه انجام داده‌اند. (ردیف ۴ الی ۱۸ جدول شماره ۲)

بحران در لشکر ۹۲ زرهی

در حالی که در خرداد و تیرماه ۱۳۵۹ نیروهای نظامی بر طبق وظیفه و کار سیستماتیک در مدیریت بحران با امکانات موجود، فعالیت‌ها و جابجایی‌های لازم را هدایت می‌کردند. واقعه‌ای در ارتش به وقوع پیوست که تأثیر مهم و مخربی بر عملکرد رده‌های فرماندهی و یگان‌های اجرایی گذاشت.

اعلام کشف کودتای نظامی نقاب موسوم به نوژه که در آن عناصری از یگان‌های نیروی زمینی، هوایی و دریایی از جمله سلسله مراتب فرماندهی لشکر ۹۲ مورد اتهام قرار گرفتند. لشکر ۹۲ زرهی که هنوز از ضربات بحران آغاز انقلاب رها نشده و بخشی از توان فیزیکی خود را از دست داده بود، با اختلال در سلسله مراتب فرماندهی مواجه شد. با وارد آمدن ضربات روحی به کلیه کارکنان لشکر که شدیداً مورد سوءظن قرار گرفته و توسط سپاه پاسداران و عناصر غیر نظامی تحت مراقبت بودند، بخش دیگری از توان رزمی لشکر یعنی عوامل غیر فیزیکی و برتر ساز را از دست دادند که تأثیر آن را می‌توان در عملکرد نیروها تا آغاز تهاجم عراق به خوبی مشاهده کرد.

اولین آثار مخرب این وضعیت در لشکر ۹۲ تزلزل روحی کارکنان با دستگیری یا فراری شدن تعدادی از فرماندهان و عناصر کلیدی، از جمله فرمانده لشکر، فرماندهان هر سه تیپ، فرماندهی پشتیبانی و فرماندهان تعدادی از گردان‌ها آغاز شد. (ردیف ۲۴ جدول شماره ۲)

نیروی زمینی در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۹، سرهنگ ملک‌نژاد معاون لشکر ۹۲ را به عنوان سرپرست لشکر تعیین کرد، ولی انتصاب برادر مهندس شمخانی توسط شورای تأمین استان به عنوان سرپرست لشکر در اوایل مرداد ماه ۱۳۵۹ مجدداً لشکر را دچار بلاتکلیفی کرد. (ردیف ۲۵ جدول شماره ۲)

دستورالعمل ۲۸ مرداد قرارگاه ژاندارمری مبنی بر واگذاری امنیت مرزها به ژاندارمری حاکی از عدم وحدت فرماندهی در فرماندهی نیروهای نظامی کشور بود. (ردیف ۲۸ جدول شماره ۲)

در حالی که ۵ ماه از بحران در مناطق مرزی می‌گذشت و روز به روز بر شدت گسترش و تمرکز عراق در نوار مرزی به ویژه در خرمشهر و آبادان افزوده می‌شد، هنوز سلسله مراتب فرماندهی لشکر ۹۲ سامان نیافته بود. سرپرستی لشکر به معاون لشکر با نظارت مهندس شمخانی و سرپرستی تیپ ۱ و ۲ به دو سرگرد مخابرات و سرپرستی تیپ ۳ به یک سرگرد زرهی و سرپرستی گردان‌ها به افسران جوانی واگذار شده بود که شرایط علمی و تجربی لازم برای مدیریت یگان‌ها در شرایط بحرانی را نداشتند.

بحران ناشی از کودتا در سلسله مراتب رده‌های بالا، موجب تغییرات وسیعی در عناصر ستادی و فرماندهی شد، به طوری که نظم و منطق حاکم در شش ماه اول سال ۱۳۵۹ جای خود را به یک نوع بی تفاوتی و انفعال داد، به طوری که اقدامات انجام شده نوعی رفع تکلیف را نشان می‌دهد. از جمله پس از ۵ ماه از آغاز بحران و مشاهده فعالیت‌های عراق هنوز طرحی که متناسب با شرایط آن روز باشد تهیه و ابلاغ نشده، اقدامات مؤثری در جهت آمادگی یگان‌ها برای مقابله به تهاجم احتمالی عراق به عمل نیامده و حتی یک میدان مین و موانع مؤثری در محورهای احتمالی نفوذ احداث نشده بود. سرانجام در تاریخ ۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۹ طرح عملیات ابوذر که هیچ‌گونه با میزان تهدید تناسب نداشت، ابلاغ شد. در آن طرح قید شده بود: «لشکر ۹۲ زرهی پیشروی نیروهای عراقی را در مناسب‌ترین مواضع دفاعی سد کند» در حال که آمادگی لشکر برای اجرای چنین طرحی حداقل مستلزم داشتن ۳ ماه فرصت است، آن هم در شرایطی که کلیه امکانات و لوازم، قبلاً پیش‌بینی و طراحی شده باشد و راهبرد نظامی مشخصی در سر فرماندهی عالی کشور وجود داشته باشد.

در دهه اول شهریور ماه ۱۳۵۹ اقدامات تجاوزکارانه عراق بیشتر در منطقه شمال خوزستان (چیلان) متمرکز شده بود و با توجه به تشدید بحران، نیروی زمینی با احساس خطر، در تاریخ ۲۰ شهریور به لشکر ۹۲ دستور داد آماده اعزام یگان‌ها به مناطق عملیاتی باشد تا به محض صدور دستور نسبت به استقرار در نوار مرزی اقدام کند.

صدور چنین دستوری نشان می‌دهد تا آن تاریخ هنوز تمامی استعداد لشکر در مناطق مسئولیت سرزمینی حضور نداشتند. به نظر می‌رسد علت این تأخیر تلاش ستاد مشترک برای قانع ساختن مسئولین حکومت و رفع سوءظن ناشی از اثرات کودتا بوده است. در نهایت در تاریخ ۲۱ شهریور دستور حرکت کامل لشکر به سوی نوار مرزی صادر شده است. حرکت یگان‌ها و استقرار در نوار مرزی برابر طرح سال‌های قبل لشکر به نام «طرح خُر» در ۲۷ شهریور ماه (۴ روز قبل از تهاجم عراق) صادر شد. این طرح هیچ‌گونه تناسبی با وضعیت جاری، وسعت و میزان تهدید نداشت.

هم‌زمان با صدور دستور لشکر ۹۲، نیروی زمینی برای تقویت آن لشکر دستور اعزام یک گروه رزمی (گردان پیاده به اضافه گردان تانک) را به لشکر ۲۱ پیاده صادر کرد. در حالی که لشکر منطقه‌ای وسیعی از فاو تا دهلران (حدود ۵۲۰ کیلومتر) را بایستی پوشش دهد و نیاز به تقویت بیشتری از نظر یگان مانوری و پشتیبانی آتش زمینی و هوایی و سایر امکانات پشتیبانی خدمات رزمی از جمله وسایل ترابری داشت.

دستورات و پیام‌های صادره از رده بالا از شهریور ماه با توجه به کمبود نیرو، نبودن انضباط، اختلال در سلسله مراتب فرماندهی، دخالت غیر عمد عناصر غیر نظامی و بعضاً دلسوز و کمبود شدید امکانات فی‌الواقع تا چه میزان می‌تواند قابلیت اجرایی در صحنه عملیات را داشته باشد. عملکرد یگان‌ها در خط مقدم نشان می‌دهد که این دستورات نوعی رفع تکلیف ستادی بوده، ولی به هیچ‌وجه قابلیت اجرایی نداشته است.

- حوادث و اقدامات ذکر شده در جدول شماره ۳ از خردادماه تا پایان شهریور ماه، تأییدی بر حوادث ذکر شده در جدول شماره ۲ می‌باشد.

گزارشات و پیام‌های مبادله شده نیروهای نظامی در منطقه عملیاتی خرمشهر و آبادان^۱

۱ - جدول (۳) پیام‌ها از تاریخ ۵۹/۶/۱۱ تا ۵۹/۶/۳۱

ردیف	شرح پیام
۱	از: سماجا به: نزاجا (م.ع.ا) موضوع: دشمن قصد دارد به خرمشهر حمله کند برابر اطلاع واصله در ساعت ۲۰۰۰ مورخه ۵۹/۶/۱۰ تعداد ۲۰۰۰ نفر از افراد عراقی با تعدادی تانک در نزدیکی آخرین پاسگاه ژاندارمری خرمشهر بین بصره و گرمعلی در حال حرکت به سوی خرمشهر شده است و قصد حمله به خرمشهر شده است و قصد حمله به خرمشهر را دارند. مراتب جهت آگاهی و پیش‌بینی‌های لازم و هرگونه اقدام مقتضی اعلام می‌گردد. ج ر سماجا - سرتیپ فلاحی ***
۲	از: معاونت عملیاتی (مد اطلاعات) به: تیمسار ریاست سماجا (اداره دوم) مد اطلاعات موضوع: گزارش مقامات لشکری و کشوری به رئیس جمهوری وقت در سفر اخیر ریاست جمهوری به خوزستان اطلاعات موجود به شرح ذیل توسط مقامات لشکری و کشوری به عرض رئیس جمهوری رسید: یگان‌های لشکر ۹۲ مستقر در گردان دژ با توجه به برد سلاحشان قادر نخواهند بود از محل استقرار تا زمین‌های باتلاقی شلمچه را تأمین نمایند و اطلاعات به دست آمده مبنی بر اینکه نیروهای دشمن در نظر دارند با عبور از شلمچه و خارج از برد سلاح گردان دژ این گردان را دور زده و خرمشهر را تسخیر نمایند. مراتب با کروی که نشانگر آنچه در بالا گفته شد، جهت اطلاع و اقدام لازم به عرض می‌رسد. فرمانده نادجا - ناخداایکم ستاد افضلی ***

۳	از: سماجا ۳ عملیات شماره: ۶/۲۰ - ۲۰۱ - ۲۶ به: نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) تاریخ: ۵۹/۶/۱۹ موضوع: احتمال انهدام پایگاه دریایی خرمشهر ۱- برابر گزارش نیروی دریایی، به علت نزدیکی پایگاه خرمشهر به خاک عراق در صورت هرگونه برخورد نظامی در منطقه خرمشهر، به انگیزه عدم امکانات کافی در پایگاه مزبور از نظر سلاح سنگین احتمال سریع آن پایگاه می‌رود. ۲- با نگرش به اینکه نیروی دریایی یک دسته تکاور با تجهیزات سازمانی به آن پایگاه اعزام نموده است. معذک، این عده کافی نبوده و احتیاج به اعزام واحدهای تقویتی دارد. ۳- با توجه به مراتب فوق دستور فرمایید لشکر ۹۲ زرهی اهواز نسبت به تقویت پایگاه دریایی سریعاً اقدام و نتیجه را اعلام فرمایند. ج رئیس ستاد مشترک - سرتیپ ولی‌الله فلاحی ***
۴	خیلی محرمانه آنی از: سماجا ۳ / مرکز فرماندهی شماره: ۶/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۰۰۵ به: نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات تاریخ: ۵۹/۶/۱۹ موضوع: احتمال حمله عراق به خوزستان و حمله ضد انقلاب به تأسیسات کردستان برابر اطلاع واصله احتمال دارد: ۱- ارتش عراق در منطقه خوزستان در ظرف شب جاری مبادرت به تک نماید. خواهشمند است دستور فرمایید ضمن اعلام به استاندار و سپاه پاسداران منطقه به لشکر ۹۲ زرهی ابلاغ گردد که پیش‌بینی‌های لازم را معمول، خصوصاً محور بصره - تنومه - شلمچه و محور العماره - فکه - دزفول مورد توجه قرار گیرد. ۲- همزمان عناصر ضد انقلاب به تأسیسات کردستان تک نمایند. در این مورد نیز دستورات لازم به یگان‌های منطقه صادر شود. جانشین رئیس سماجا - سرتیپ فلاحی از سوی سرهنگ هاشمی‌روان ***

۵	از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۳ به : تیمسار ف نزا جا مد عملیات موضوع: اشغال دژ شماره ۱۶ گردان ۱۵۱ دژ گزارش نموده دژ شماره ۱۶ در منطقه کوسک توسط گروهان سوم همین گردان اشغال گردیده، استحضاراً به عرض می‌رسد سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***
۶	از: لشکر ۹۲ ر ۳ به : تیمسار ف نزا جا مد عملیات موضوع: احتمال حمله هوایی دشمن به شهرهای خرمشهر و اهواز برابر گزارش افسر لشکر، در پایگاه چهارم دزفول، به استناد اطلاع واصله از پست فرماندهی نهاجا، نیروی هوایی دشمن قصد حمله به شهرهای خرمشهر و اهواز را ظرف روز جاری و فردا دارد، مراتب استحضاراً به عرض می‌رسد. سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***
۷	از: لشکر ۹۲ ر ۳ به : تیمسار ف نزا جا مد عملیات موضوع: چگونگی تغییر و تدارک یگان‌های گردان دژ گردان دژ چگونگی تغییرات و تدارک یگان‌های تابعه خود را به شرح زیر گزارش نموده است: ۱- دستور اعزام دو قبضه تفنگ ۱۰۶ مم همراه با خدمه بار مینا به پاسگاه شلمچه و دو قبضه دیگر به پاسگاه حدود از گروهان دوم. ۲- دستور اعزام دو قبضه تفنگ ۱۰۶ همراه با خدمه و بار مینا به پاسگاه مؤمنی و دو قبضه به پاسگاه خین. ۳- یک کامیون مهمات ۱۰۶ مم شامل ۱۲۰ تیر به پاسگاه‌ها و دژهای شلمچه به اضافه ده حلقه لاستیک به پاسگاه مؤمنی ۴- ارسال مهمات کافی ۱۰۶ به گروهان یکم دژ. ضمناً از ساعت ۱۱۳۰ مورخه ۵۹/۶/۲۴ نیروهای عراقی با خمپاره‌انداز و آرپی جی ۷ به روی پاسگاه خین ایران آتش گشوده‌اند. سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***

۸	محرمانه از: لشکر ۹۲ ر ۳ شماره: ۶۱۷۷ به : تیمسار ف نزا جا مد عملیات موضوع: استقرار آتشبار توپخانه ۱۵۵ م برابر گزارش ستاد عملیات جنوب رأس ساعت ۰۶۰۰ روز ۵۹/۶/۱۸ آتشبار توپخانه ۱۵۵ م گردان ۳۱۲ به منطقه مأموریت وارد و در کیلومتر ۵ در پاسگاه ۲۵ مستقر گردید، استحضاراً به عرض می‌رسد. سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***
۹	از: سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) شماره: ۱۷۰ - ۱۰۷ - ۲۹ - ۰۸ - ۱۱۴۸ به : نزا جا (مد عملیات) موضوع: درگیری نیروهای عراقی و مأموران پاسگاه خَین ساعت: ۰۸۲۳ برابر گزارش ژ مستند به گزارش هنگ ژاندارمری آبادان حاکی است که در ساعت ۱۹۰۸ روز ۱۳۵۹/۶/۲ بین نیروهای عراقی و مأموران پاسگاه خَین درگیری که تعداد دو گلوله خمپاره به وسط حیاط پاسگاه اصابت، در نتیجه شیشه‌های پاسگاه و منازل اطراف شکسته و دو نفر سرباز ارتش نیز مجروح که به بیمارستان انتقال گردیده و برابر خبر واصله تعدادی از ساکنین قراء نیز در این درگیری مجروح گردیده‌اند. راتب جهت آگهی اعلام می‌گردد. ***
۱۰	از: لشکر ۹۲ رکن ۳ شماره: ۶۴۱۷ به : تیمسار ف نزا جا مد عملیات موضوع: حمله به پاسگاه خَین و مؤمنی از ساعت ۱۲۳۰ امروز پاسگاه‌های خَین و مؤمنی مورد حمله دشمن قرار گرفت که بعد از سرکوب نمودن دشمن درگیری در ساعت ۱۳۴۵ خاتمه یافته است. سرهنگ ملک‌نژاد ***
۱۱	از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۳ شماره: ۶۳۱۵ به : تیمسار ف نزا جا مد عملیات موضوع: نیازمندی‌های توپخانه پدافند هوایی نیازمندی‌های توپخانه پدافند هوایی را به استحضار می‌رساند: ۱- برای هر کدام از تیپ‌های در خط حداقل دو آتشبار هشت توپه پدافند ۲۳ م مورد نیاز است.

۲- برای قرارگاه لشکر حداقل یک گردان ۲۳ مم پدافندی هوایی مورد نیاز است. ۳- برای نقاط آماد طبقه یک، سه، پنج هر کدام یک آتشبار پدافند ۲۳ مم مورد نیاز است. ۴- یگان‌های توپخانه اعزامی از گروه‌های ۲۲، ۳۳، ۴۴ و ۵۵ فاقد تیربار کالیبر ۵۰ با سه پایه زمینی و هوایی می‌باشد. در جابه‌جایی‌ها حتماً بایستی هر ستون به استعداد حداقل، سه تیربار کالیبر ۵۰ درصد با سه پایه هوایی داشته باشند. ۵- گردان ۵۷ مم پدافند هوایی لشکر با ۳۰ درصد وسایل و جنگ‌افزار آمادگی رزمی دارد و اکنون یک آتشبار در فرودگاه اهواز، یک دسته در اختیار تیپ ۳ زرهی می‌باشد و امکانات دیگری ندارد که تیپ‌های ۱، ۲، ۳ و ۳۷ و قرارگاه لشکر و نقاط آمادی را پدافند نماید. ۶- یگان‌های پدافند هوایی واگذاری از طریق نزاجا به شرح زیر استعداد دارند که عملاً از منابع حیاتی پدافند می‌نماید و لشکر از آن بهره‌مند نیست: الف- یک آتشبار ۲۳ مم مأمور به فرودگاه خرمشهر ب- یک آتشبار منها مستقر در پایگاه دریایی خرمشهر پ- یک آتشبار پدافند ۲۳ مم مستقر در پالایشگاه آبادان ت- یک دسته در عریض مأمور پدافند آتشبار ۱۷۵ مم ث- یک دسته در خسروآباد مأمور پدافند آتشبار ۱۳۰ مم سرهنک زرهی ستاد ملک‌نژاد ***	
خیلی محرمانه - آنی از: نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) شماره: ۶۰۲/۰۲/۶/۳۲۱ به: ف لشکر ۹۲ تاریخ: ۵۹/۶/۲۷ موضوع: گزارش دو آتشبار اعزامی به خوزستان دو آتشبار کاتیوشا و یک آتشبار پدافند ۲۳ مم از گروه ۳۳ تهران، که در دو ستون، در ساعت‌های ۱۷۵۰ و ۲۲۰۰ روز ۱۳۵۹/۶/۲۶ به خوزستان عزیمت که یک آتشبار در اندیمش ک و یک آتشبار در خرمشهر یا اهواز تخلیه می‌گردد. آتشبار ۱۷۵ مم نیز حدود ساعت ۱۴۰۰ روز ۵۹/۶/۲۷ از تهران به صوب خوزستان اعزام می‌گردد. دستور فرمایید در مورد محل مأموریت و تخلیه و راهنمایی‌های لازم اقدام مقتضی به عمل آید. ف نزاجا - سرتیپ ظهیرنژاد مدیر عملیات سرهنک ستاد هوشنگ عطاریان	۱۲

از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۳ شماره: ۶۷۶۱ به: تیمسار ف نزا محمد عملیات موضوع: رونوشت فرماندهی ستاد عملیاتی گزارش هنگ ژاندارمری آبادان حاکی است که در ساعت ۰۳۵۰ روز جاری سه فروند کشتی تجاری ایران در دهانه فاو به وسیله نیروی دریایی ارتش متوقف و به آنان ابلاغ شد که بایستی پرچم عراق و راهنمای عراقی داشته باشند. هر سه کشتی فعلاً در دهانه فاو متوقف هستند. سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***	۱۳
خیلی محرمانه از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۳ شماره: ۶۹۵۳ به: تیمسار ف نزا محمد عملیات موضوع: ناوچه‌های عراقی و ایرانی ۱- درگیری پاسگاه‌های خین و مؤمنی از ساعت ۱۲۵۰ روز ۱۳۵۹/۶/۲۹ شروع و در بعدازظهر همین روز شدت پیدا کرد، در این درگیری پاسگاه خین دچار حریق و یک فروند ناوچه عراقی بر اثر اصابت گلوله آرپی جی ۷ دچار آتش‌سوزی گردید. در این حادثه دو نفر شهید و یک نفر زخمی گردید. ۲- سه فروند لایه‌روب دهانه فاو اعزام گردید که بدون درگیری از کانال خارج شدند. ۳- در ساعت ۱۴۳۰ ، ۱۳۵۹/۶/۲۹ سه فروند کشتی توسط راهنمایان اداره بندر به صوب دهانه حرکت که کشتی بدر مجبور به برگشت شده و به طرف آبادان در حرکت است و هنوز به آن تیراندازی سبک می‌شود و توسط ناوچه‌های توپدار به کشتی‌های ریو و هیگوریو و مداین تیراندازی گردید، ولی کشتی مذکور با سرعت به طرف دهانه در حرکت می‌باشند. ۴- در ساعت ۱۸۲۰ روز ۱۳۵۹/۶/۲۹ به طور اشتباهی به طرف پایگاه دریایی تیراندازی گردید که هیچ خساراتی تاکنون نبوده و سه عدد خمپاره عمل نکرده که خنثی گردیدند. ضمناً با شروع درگیری در خین و مؤمنی که در ۲۵ کیلومتری خرمشهر است، سعی گردید که در درگیری، تیراندازی را از پایگاه دور کنیم. ۵- درگیری بین کشتی‌های تجارتی و ناوچه‌های عراقی یک فروند قایق ژاندارمری مورد اصابت گلوله قرار گرفت که ناوچه مزبور از کنترل خارج که پرسنل آن با شنا به ساحل ایران برگشتند. از خسارات و تلفات تا این ساعت آمار دقیقی در دست نیست. ۶- یک فروند یک‌کش، که در دهانه است، پرسنلی را که مأمور گمرک و مأمور گارد ژاندارمری می‌باشد، جمع‌آوری و به طرف ناوچه صدمه دیده در حرکت است و پس از جمع‌آوری	۱۴

	پرسنل به طرف پایگاه حرکت می‌نمایند. سرهنک ستاد ملک‌نژاد ***
۱۵	از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۳ شماره: ۶۸۷۷ به: تیمسار ف نزاچا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۲۹ موضوع: پاسگاه خین، زیر آتش دشمن پاسگاه خین از ساعت ۱۳۱۰ زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفته است که تا این ساعت ادامه دارد. به یگان‌های زیر امر ستاد عملیاتی جنوب در خرمشهر دستور داده شد با شدت هرچه تمام‌تر به آتش دشمن پاسخ دهند و آن را خنثی نمایند. سرهنک ستاد ملک‌نژاد ***
۱۶	از: لشکر ۹۲ زرهی شماره: ۶۹۰۳ به: تیمسار ف نزاچا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۲۹ موضوع: حرکت یک گروهان تانک به سمت خین یک گروهان تانک از گردان ۲۳۲ چیفتن جهت مقابله با نیروهای دشمن به سمت خین حرکت نموده سرهنک ستاد ملک‌نژاد ***
۱۷	از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۳ شماره: ۶۸۸۵ به: تیمسار ف نزاچا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۲۹ موضوع: خبر انهدام یک ناوچه عراقی برابر اعلام فرمانده عملیات جنوب، در ساعت ۱۶۴۵ روز جاری، نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و برادران پاسدار یک ناوچه عراقی را در درگیری خین مورد اصابت گلوله قرار داده و هم اکنون در حال سوختن می‌باشد. سرهنک ستاد ملک‌نژاد ***
۱۸	از: سماجا ۳ مرکز فرماندهی شماره: ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۳۱۵ به: تیمسار ف نزاچا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۲۹ موضوع: درخواست یک افسر زرهی ساعت ۱۱۴۰ دستور فرمایید یک افسر (ترجیحاً زرهی باشد) به عنوان مسئولیت‌های سرزمینی به خرمشهر

اعزام که کلیه نیروهای دریایی - زمینی - ژاندارمری و سایر نیروهای زمینی مأمور در منطقه را سازمان داده و هماهنگ نماید و بنا به تشخیص آن نیز این افسر می‌تواند زیر امر لشکر و یا نزاجا مستقلاً عمل نماید. ج ر سماجا - سرتیپ فلاحی ***	
از: ستاد لشکر ۹۲ زرهی رکن سوم آنی شماره: ۶۹۰۱ به: تیمسار فرماندهی نزاجا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۲۹ موضوع: متوقف کردن کشتی ایران در اروند در ساعت ۱۵۳۰ روز جاری ناوچه‌های عراقی در داخل اروندرود یک کشتی ایرانی به نام سرنا را مجبور کرده‌اند پرچم عراق را روی عرشه کشتی بالا ببرد. این مسئله باعث ناراحتی شدید مأمورین گارد ساحلی شده و هر آن بیم درگیری وجود دارد. آن‌ها تقاضا کرده‌اند اجازه داده شود عکس‌العمل نشان داده شود، ولو اینکه اروندرود بسته شود. سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***	۱۹
از: سماجا ۳ شماره: ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۳۵۷ به: تیمسار ف نزاجا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۲۹ موضوع: درگیری در مرزهای عراق و ایران ژاجا اعلام نموده است، برابر گزارش ناحیه ژ خوزستان، در عملیات و درگیری چند روز اخیر در مرزهای عراق با ایران، موارد زیر دقیقاً روشن و تاکتیک ارتش عراق به همان نحو بوده است: ۱- نیروهای زرهی عراق، که از قبل در مقابل پاسگاه‌های بلادفع ایران موضع گرفته‌اند، به طور ناگهانی از مواضع استتار شده خود خارج و در پناه آتش شدید توپخانه به خاک ایران تجاوز و پاسگاه‌های مرزی را محاصره و اسلحه و مهات پاسگاه‌ها را غارت، و اگر بتوانند چند نفری را اسیر می‌کنند. همراه این گروه رزمی متجاوز فیلم‌بردار و عکاس وجود دارد که به محض اینکه پاسگاه ایران در محاصره نیروهای زرهی عراق قرار گرفت شروع به فیلم‌برداری کرده و با مأمورین اسیر شده مصاحبه می‌کنند و بلافاصله تلویزیون پخش می‌نماید. ۲- پس از عملیات بند ۱ اگر با موفقیت روبه‌رو شدند، به داخل خاک عراق خود عقب‌نشینی و در مواضع بتنی که از ماه پیش مشغول تهیه آن هستند موضع گرفته و با نیروی تعقیب کننده ایرانی مبارزه می‌نمایند و اگر با مقاومتی مواجه شوند، فوراً با استفاده از کیسه‌های شنی تحکیم	۲۰

هدف کرده توپخانه خود را به جلو حرکت داده و برای یک دفاع جدی آماده می‌شوند. کما اینکه در عملیات غرب و عملیات چند روز خوزستان اتفاق افتاد. ۳- در کنار کمتر پاسگاه ژاندارمری ایران واحد ارتش وجود دارد. بنابراین تمام پاسگاه‌های خوزستان می‌تواند مورد تهاجم عراقی‌ها به شکل فوق قرار گیرد. ۴- عراق از تنظیم این برنامه هدف تبلیغاتی زیر را دارد: الف- روحیه مردم ایران و نیروهای مسلح را تضعیف و در عوض روحیه نیروهای مسلح و مردم عراق را بالا می‌برد و به متجاهدین عراقی، که در داخل خاک عراق فعالیت می‌کنند، عملاً ثابت کند مدافع آنان (منظور ایران) هیچ قدرتی در مقابل عراق قرار ندارد. ب- در صورت امکان قسمتی از سرزمین ایران را اشغال و با این ترتیب ایران را وادار به قبول پیشنهادات عراق نماید. ۵- با توجه به موارد فوق و اینکه اکنون تاکتیک عراق دقیقاً روشن است، پیشنهادات زیر مطرح شده است: الف- در کنار تمام پاسگاه‌های مرزی نیروهای زرهی و یا ضد زره مستقر گردد تا از سقوط آنها جلوگیری شده. ب- پاسگاه‌هایی که آسیب‌پذیر هستند جمع‌آوری و ساختمان آن وسیله خود ما منفجر شده و چند پاسگاه در یک پاسگاه که دارای ساختمان محکم‌تری است و در پشت آن نیروی زرهی مستقر گردد. پ- بدون فوت وقت نیروهای ایران هجوم موضعی گرفته، هر جا نقطه ضعف پیدا نماید وارد خاک عراق شده و ضربتی بر پاسگاه‌ها و تأسیسات آنها وارد کرده و بلافاصله به خاک ایران به سرعت مراجعت نماید. ج- با کبرا و موشک و هواپیما و ادوات ضد زره از زمین و هوا تمام نیروهای زرهی عراق را در داخل آن کشور، که هم‌اکنون در نزدیک مرزهای ایران موضع گرفته‌اند، منهدم سازیم، و الا به زودی عملیات درگیری روی پاسگاه‌های زیر انجام داده و از تلویزیون بغداد پخش می‌نمایند و سقوط پاسگاه‌های ژاندارمری قطعی است. مراتب جهت بررسی و اعلام نظریه اعلام می‌گردد. جانشین سماجا - سرتیپ فلاحی ***	۲۱ از: نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) شماره: ۶۰۲/۰۲/۶/۲۴ به: ف لشکر ۹۲ تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: ترمینال نظامی خرمشهر ساعت: ۰۱۰۰ برابر گزارش تلفنی افسر جانشین ترابری نیروی، سرگرد بهمن زایعه، مستند به گزارش افسر
---	--

ترمینال خرمشهر، سروان عقبایی، از ساعت ۱۸۰۰ روز ۵۹/۶/۲۹ به وسیله گلوله‌های سنگین به ترمینال خرمشهر حمله شده و تعدادی از پرسنل مجروح و به بیمارستان نیروی دریایی و خرمشهر تخلیه گردیده است. بنا به اظهار سروان عقبایی گردان دژ و نیروی دریایی به درخواست کمک نامبرده جواب مساعد نداده‌اند ضمن تحقیق و اعلام نتیجه در این مورد به گردان دژ ابلاغ شود که تا حد امکان یگان مزبور را پشتیبانی نماید. ف نزا جا سرتیپ ظهیرنژاد ***	
از: لشکر ۹۲ زرهی (ر ۲) شماره: ۵۰۱/۱۷۰/۵۰۲ به: نزا جا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: درگیری در گارد ساحلی خسروآباد ساعت ۰۹۴۵ برابر گزارش از ساعت ۰۹۰۰ روز جاری درگیری شدیدی در گارد ساحلی خسروآباد از زمین و هوا درگرفته است و در ضمن از ساعت ۰۸۴۵ روز جاری دشمن با توپخانه روی مواضع پاسگاه‌های سوبله و دویرج آتش گشوده است. ف لشکر ۹۲ زرهی - سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***	۲۲
از: سماجا ۳ (مرکز زرهی) شماره: ۸/۱۷۰۲/۲۹/۰۸/۱۴۱۶ به: نزا جا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: احتمال حمله غافلگیرانه عراق ساعت ۱۳۵۵ برابر اعلام سماجا ۲ ارتش عراق در نظر دارد یک حمله غافلگیرانه به شرح زیر در آینده بسیار نزدیک به ایران نماید. ۱- گروه رزمی تانک سنگین از محور عماره - فکه - دزفول - اندیمشک ۲- یک گروه پیاده مکانیزه از محور حلفائیه - الله اکبر ۳- یک گروه سنگین از محور تنومه - کوشک وارد منطقه شده و شهر خرمشهر را محاصره نماید. مراتب جهت آگاهی و پیش‌بینی‌های لازم اعلام می‌گردد. جانشین سماجا - سرتیپ فلاحی	۲۳

۲۴	از: نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) شماره: ۶۰۲/۰۲/۶/۲۹ به : سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: لشکر ۹۲ مشغول اجرای آتش متقابل ساعت ۱۲۱۰ برابر اطلاع حاصله، که تلفنی با لشکر ۹۲ تماس گرفته شد، در حال حاضر لشکر ۹۲ به وسیله آتشبار ۱۳۰ مم مستقر در کنار اروندرود با قدرت هرچه تمامتر مشغول اجرای آتش متقابل می باشد. مراتب جهت آگاهی اعلام می گردد. ف نزاجا - سرتیپ ظهیرنژاد ***
۲۵	از: سماجا ۳ شماره: ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۴۱۸ به : نزاجا تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: انتقال ستاد عملیاتی منطقه به ستاد فرعی برابر اعلام نداجا ستاد عملیاتی منطقه سوم تخلیه و به ستاد فرعی منتقل گردید و ارتباطی در حال حاضر با خرمشهر ندارد. ضمناً، پایگاه دریایی خرمشهر با کلیه امکانات مشغول تیراندازی متقابل می باشد. دستور فرمایید پشتیبانی های لازم از هر نظر معمول دارند تا ستاد مزبور فعالیت خود را آغاز نماید. رئیس سماجا - سرتیپ فلاحی ***
۲۶	از: سماجا ۳ مرکز فرماندهی شماره: ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۴۰۰ به : نزاجا مد عملیات تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: تیراندازی ارتش عراق به گارد ساحلی ساعت: ۱۱۲۰ برابر گزارش ژاجا گارد ساحلی مستقر در خسروآباد از ساعت ۰۸۴۵ مورخه ۱۳۵۹/۶/۳۰ ارتش عراق با استفاده از کلیه سلاح های سنگین به طرف گارد ساحلی شدیداً تیراندازی می کند. لذا هرچه زودتر پشتیبانی هوایی و زمینی نمایید. جانشین ر سماجا - سرتیپ فلاحی ***
۲۷	از: سماجا شماره: ۸/۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۴۰۱ به : نزاجا تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: تیراندازی شدید به پایگاه و ترمینال خرمشهر ساعت ۱۱۴۵ پیرو ۵۹/۶/۳۰ - ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۳۹ برابر گزارش تلفنی افسر جانشین ترابری نیرو، سرگرد بهمن زایعه، مستند به گزارش افسر

ترمینال خرمشهر، سروان عقابیی، از ساعت ۱۸۰۰ روز ۱۳۵۹/۶/۲۹ به وسیله گلوله‌های سنگین به ترمینال خرمشهر حمله شده و تعدادی از پرسنل مجروح به بیمارستان نیروی دریایی و خرمشهر تخلیه گردیده است. بنا به اظهار سروان عقابیی، گردان دژ و نیروی دریایی به درخواست کمک نامبرده جواب مساعد نداده‌اند. دستور فرمایید ضمن تحقیق و اعلام نتیجه در این مورد به گردان دژ اطلاع داده شود تا حد امکان یگان مزبور را پشتیبانی نماید. ف نزاچا - سرتیپ ظهیرنژاد ***	
از: نزاچا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) شماره: ۶۰۲/۰۲/۶/۲۶ به: ف لشکر ۹۲ تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: حمله توپخانه عراق به ترمینال فرماندهی در خرمشهر ساعت ۱۰۵۰ برابر گزارش ف لوج، ترمینال فرماندهی در خرمشهر مورد حمله توپخانه و خمپاره عراق قرار گرفته و تعداد ۱۶ نفر زخمی و یک نفر کشته تلفنی گزارش شده است. مراتب در همین ساعت به مرکز عملیات نزاچا اطلاع و درخواست کمک از لشکر ۹۲ شده است. طبق تماسی که ف ترابری در ساعت ۱۰۱۰ با ترمینال داشته، پرسنل تا این ساعت کمکی به پرسنل ترمینال نشده. دستور فرمایید در مورد کمک به پرسنل مزبور به هر نحوی که ممکن باشد اقدام نمایند. ف نزاچا - سرتیپ ظهیرنژاد	۲۸
از: سماجا ۳ مرکز فرماندهی شماره: ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۳۴۳ به: نزاچا معاونت عملیات و اطلاعات تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: پاسگاه‌های دهانه فاو زیر آتش دشمن ساعت ۱۲۰۰ برابر اعلام نزاچا توپخانه ارتش عراق با شدت پاسگاه‌های دهانه فاو را زیر آتش گرفته و نزاچا قادر به پشتیبانی نمی‌باشد و تقاضا نموده است که توپخانه مستقر در اروندکنار پشتیبانی‌های لازم را از پاسگاه مزبور به عمل آورد. دستور فرمایید به توپخانه مستقر در اروندکنار ابلاغ شود که با آتش دشمن سریعاً و با قدرت هرچه تمام‌تر جواب دهند. جانشین ر سماجا - سرتیپ فلاحی ***	۲۹
از: سماجا ۳ شماره: ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۴۱۴ به: نزاچا تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: ناوچه‌های عراق در اطراف آبادان ساعت ۱۴۰۰ برابر اعلام سماجا ۳:	۳۰

۱- در حال حاضر (ساعت ۱۱۴۵) روز ۱۳۵۹/۶/۳۰ درگیری شدیدی بین نیروهای ایرانی و عراق در نوار مرزی پاسگاه‌های ختین، مؤمنی و اطراف آبادان ادامه داشته و دو ناوچه عراق روبه‌روی پایگاه دریایی خرمشهر، در نزدیکی جزیره بع‌رعلی، از دور تیراندازی می‌کنند. ۲- یک فروند ناوچه عراقی روبه‌روی پاسگاه سین و یک ناوچه در جزیره لنگر انداخته و افراد آن‌ها در نخلستان موضع گرفته‌اند. مراتب جهت آگاهی اعلام می‌گردد. جانشین ر سماجا - سرتیپ فلاحی ***	
از: سماجا ۳ مرکز فرماندهی شماره: ۸/۱۷۰۱/۳۹/۰۸/۱۴۲۰ به : نزاجا تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: منطقه سوم دریایی خرمشهر زیر آتش توپخانه دشمن ساعت ۱۴۱۰ برابر اطلاع تلفنی از منطقه سوم دریایی خرمشهر، آن پایگاه زیر آتش توپخانه دشمن قرار دارد. کلیه سیستم‌های ارتباطی با یگان‌های شناور در دریا قطع گردیده است و پایگاه دریایی بوشهر کنترل یگان‌ها را به عهده گرفته است. مراتب جهت آگاهی اعلام می‌گردد. جانشین سماجا - سرتیپ فلاحی	۳۱
از: زاجا (مرکز فرماندهی) شماره: ۱۷۰۱/۲۹/۴۶۵۷ به : سماجا مرکز فرماندهی تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: امکان سقوط با آتش شدید دشمن ساعت ۱۴۲۰ رونوشت تیمسار ف نزاجا رونوشت ف نزاجا تلفنگرام آنی. گزارش تلفنی فرمانده گارد ساحلی حاکی است پایگاه دهانه فاو از طریق توپخانه دشمن زیر آتش قرار گرفته و هر آن بیم سقوط آن می‌رود. به طوری که استحضار دارند پاسگاه مزبور روی یک سکوی شناور آن‌طور ساخته که نه از نظر استحکام بدنی و نه از نظر سلاح سازمانی قدرت مقاومت ندارد. برای ژاندارمری این امکان وجود دارد که پاسگاه حاکی است دهانه متزلزل می‌گردد. علیهذا، مقرر فرمایید یا به وسیله توپخانه مستقر در ارونند کنار پاسگاه مزبور را پشتیبانی و یا به وسیله ناوچه‌های نیروی دریایی که از سلاح و آتش قوی برخوردارند حمایت و پشتیبانی گردند. سرهنگ ستاد ***	۳۲

۳۳	از: نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) شماره: ۶۹۰۳ به : ف لشکر ۹۲ تاریخ: ۵۹/۶/۲۹ موضوع: قطع ارتباط پایگاه سوم دریایی خرمشهر با یگان‌های شناور در دریا ساعت ۱۵۰۵ سیستم‌های اتباطی با یگان‌های شناور در دریا قطع گردیده است و پایگاه دریایی بوشهر کنترل یگان‌ها را بر عهده گرفته است. مراتب جهت آگاهی اعلام می‌گردد. ف نزاجا - سرتیپ ظهیرنژاد ***
۳۴	از: لشکر ۹۲ ر ۳ شماره: ۵۱/۱۷۰/۵۷۰ به : نزاجا اطلاعات تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: حرکت یک گروهان تانک به سمت ختین ساعت ۲۰۳۰ برابر گزارش ستاد مشترک جنوب یگان‌های در خط ۱- دو تانک بنزین و نفت در حوالی بوارده جنوبی احتمالاً توسط عوامل خرابکار به آتش کشیده شده است. تانک نفت خاموش، ولی تانک بنزین در حال سوختن است. ۲- کشتی آزادی که در حوالی خورموسی مورد اصابت تیر و سلاح سنگین ناوچه موشک‌انداز قرار گرفته و تعدادی از افراد آن در آب غرق و کمک‌هایی توسط ناوچه مهران و ناو بایندر ارسال گردید. ۳- آتشبار ۱۳۰ مم مستقر در قصبه با آتش سنگین پادگان عشقی عراق به سختی زیر آتش قرار گرفته است. به نظر می‌رسد خسارت زیادی به آن وارد شده است. ۴- یک فروند هواپیمای نهاجا با پرتاب موشک یک فروند ناوچه موشک‌انداز را منهدم کرد. ۵- دو نفر، عراقی که نظامی هستند، از طریق پاسگاه دویرج به ایران پناهنده شدند که درجه و مشخصات آنها تحت بررسی است و دستور داده شد فوراً به لشکر تخلیه گردد. ۶- پاسگاه فکه ایران در اثر اصابت گلوله‌های سنگین دشمن منهدم و عناصر دشمن در حدود ۳۰۰ متری پاسگاه می‌باشند. ۷- درگیری بین پاسگاه علی‌شیر و عوامل مزدور عراقی که با آتش سنگین ارتش جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی شدید و فزون ناوچه پاسگاه قشله و اسکله گارد ساحلی عراق و انبار مهمات آنها در منطقه برخورد منهدم گردید و چند منزل مسکونی در اطراف علی‌شیر منهدم گردید. ۸- مشاهده گردید که نیروهای دشمن در مقابل تجهیزات نفتی تانک‌فارم بوارده جنوبی

آبادان، یک فروند کشتی در ساحل خود مستقر که در ساعت ۱۶۰۰ اقدام به تیراندازی‌های متفرق نموده و به نظر می‌رسد در پشت کشتی فعل و انفعالاتی انجام می‌گیرد. ف لشکر ۹۲ - سرهنگ ملک‌نژاد ***	
خیلی محرمانه از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۲ شماره: ۶۹۶۱ به: تیمسار ف نزاها مد اطلاعات تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: گزارش برج مراقبت فرودگاه آبادان برابر اعلام برج مراقبت فرودگاه آبادان ۱- دو فروند هلی‌کوپتر مسلح در حال پرواز بوده یک فروند آن در شرق بهمنشیر احتمالاً در اثر برخورد با کابل فشارقوی سقوط، و دیگری در فرودگاه به زمین نشسته است. مأمور جهت بررسی به محل سقوط اعزام و نتیجه متعاقباً به عرض خواهد رسید. ضمناً، برابر اطلاع، هلی-کوپترهای مذکور جمعی نیروی دریایی جمهوری اسلامی می‌باشد. ۲- در ساعت ۰۹۰۰ صبح روز ۱۳۵۹/۶/۳۰ از خاک عراق بر روی اسکله‌های نظامی ۱۱ و ۱۲ در آبادان تیراندازی و پس از مدتی قطع گردید. مراتب استحضاراً به عرض می‌رسد. سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***	۳۵
از: سماجا ۳ مرکز فرماندهی شماره: ۸/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۴۶۸ به: نزاها معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: تقاضای کمک پاسگاه مؤمنی ساعت ۲۱۰۵ برابر اعلام زاجا پاسگاه مؤمنی با نیروهای عراق درگیر و تقاضای کمک نموده است. دستور فرمایید در این مورد اقدام لازم را معمول فرمایند. جانشین ر سماجا - سرتیپ فلاحی ***	۳۶
از: لشکر ۹۲ زرهی رکن سوم آنی شماره: ۶۹۸۳ به: ف تیپ ۱ زرهی تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ موضوع: طرح پدافندی حر (دستور جزء به جزء شماره ۱ پیرو شماره ۶۷۳۷ - ۵۹/۶/۲۸) طرح پدافندی حر دستور دهید نقطه هماهنگی به مختصات ۳۱۰۵ شمالی و ۴۸۰۵ شرقی کوشک را به مختصات ۳۱۰۹ شمالی و ۴۷۴۷ شرقی طلایه (چاه نفت ۶۰) تغییر و منطقه پدافندی آن یگان جهت پوشش خطرناک‌ترین معبر (بصره - تنومه - کوشک) از طلایه قدیم چاه	۳۷

	شماره ۶۰ تا شلمچه داخل می‌باشد. سرهنک ستاد ملک‌نژاد ***
۳۸	از: سماجا ۳ مرکز فرماندهی شماره: ۹/۱۷۰۱/۲۹/۰۸/۱۵۴۶ به: نزاجا تاریخ: ۵۹/۶/۳۱ موضوع: گزارش سماجا ۳ به نزاجا درباره حمله احتمالی عراق ساعت ۱۱۵۰ الف - امشب ۱۳۵۹/۶/۳۱ و یا فردا دولت عراق قصد حمله به محورهای زیر را دارد: ۱- از منطقه فاو به خرمشهر یک گردان توپخانه در شب جاری مأموریت کوبیدن تأسیسات نظامی در خرمشهر ۲- از منطقه عماره به فکه ۳- از منطقه زرباطیه به مهران ۴- از منطقه تنومه به شلمچه و کوشک ایران ۵- از منطقه حلفائیه و فکه به منطقه الله‌اکبر ۶- از منطقه مندلی و سومار ب - از ساعت ۲۰۳۰ امشب ۵۹/۶/۳۱ چهار فروند شکاری ایرانی در ارتفاع بسیار زیاد مناطقی که: ۱- قرارگاه گردان ۲ تیپ ۲۰ لشکر ۵ عراق در آنجا مستقر است را بمباران و خسارات زیادی به یگان مزبور وارد آورده است. ۲- هیچ یک از رادارهای عراقی نتوانسته ورود هواپیماهای فوق را به فضای عراق گزارش کنند. ۳- بر اثر حمله نیروهای توپخانه نیروهای ایران تأسیسات نفتی موجود در وصیله به کلی منهدم گردیده است. پ - در ارتش امارات عربی جنب و جوش بسیار زیاد است و فردا صبح ۵۹/۷/۱ کمیسیون عالی امارات تشکیل می‌شود و اسامی شرکت‌کنندگان قبلاً اعلام شده است. نظریه اداره دوم حدس زده می‌شود که نیروهای امارات متحده عربی در نظر دارد در نزدیکی سه جزیره ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک مستقر شده و با دولت عراق علیه ایران در تسخیر سه جزیره به عراق کمک کند. جانشین ر سماجا - سرتیپ فلاحی ***

۳۹	از: لشکر ۹۲ زرهی رکن دوم به : ف نزا (مد اطلاعات) موضوع: سقوط یک فروند هواپیما پیرو شماره ۵۹/۶/۳۰ - ۵۰۱/۱۷۰/۵۰۳ شماره: ۵۰۱/۱۷۰/۵۲۶ تاریخ: ۵۹/۶/۳۰ ساعت ۱۴۴۵ در تحقیقاتی که به عمل آمد دو فروند هوا دریا که در ساعت ۱۰۰۰ روز جاری از بوشهر جهت انجام مأموریت عازم آبادان بوده یک فروند آن به علت نامعلومی سقوط می‌نماید که در نتیجه خلبان آن به نام عسگر محتاج و دو نفر دیگر شهید شده‌اند. بنا به اظهار خلبان هلی کوپتر دیگر یک عدد گلوله موشکی در اطراف لاشه هلی کوپتر سقوط کرده پیدا شده است. سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***
۴۰	از: ستاد لشکر ۹۲ زرهی ر ۲ به : نزا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) موضوع: حمله به دکل ۸۰۰ کیلو واتی شماره: ۵۰۱/۱۷۰/۶۴۴ تاریخ: ۵۹/۶/۳۱ ساعت ۱۷۰۵ ۱- نیروهای عراقی منطقه جلوی تانک‌فارم را به شدت زیر آتش قرار دادند. ۲- به وسیله هواپیماهای دشمن به دکل ۸۰۰ کیلو واتی واقع در ۴۰ کیلومتری حوزه پاسگاه حمید حمله شده که چند نفر مجروح شده‌اند، ولی دکل برقرار می‌باشد. پیام‌های واصله حاکی از تیراندازی‌های شدید کشور عراق به پایگاه خرمشهر - خسروآباد - ترمینال خرمشهر و اسکله‌های ۱۱ و ۱۲ آبادان می‌باشد. دستور فرمایید با کلیه امکانات با آتش شدید و حجم زیاد یگان‌هایی از کشور عراق را که به نقاط فوق تیراندازی می‌نمایند، منهدم و سایر یگان‌های تانک و توپخانه کشور هدف مستقر در کنار اروند را منهدم سازید. ضمناً، مهمات ۱۳۰ مم و ۱۰۵ مم کافی در اختیار لشکر ۹۲ زرهی اهواز قرار داده و توجه گردد بیشتر از توپ‌های ۱۰۵ مم استفاده و آتش مداوم بر روی دشمن اجرا نمایند. مراتب فوق طی شماره ۶۰۲/۰۲/۶/۲۷ - ۵۹/۶/۳۰ به ستوانیکم خلوصی ابلاغ گردیده. رکن ۲ لشکر ۹۲ ***
۴۱	از: لشکر ۹۲ زرهی ر ۳ به : نزا مد عملیات موضوع: وضعیت منطقه زیر امر لشکر ۹۲ زرهی شماره: ۱ سیار تاریخ: ۵۹/۶/۳۱ ساعت ۱۸۱۵ ۱- در ساعت ۱۱۴۵ روز جاری در کشور عراق در جنب قرارگاه گارد ساحلی به مواضع

پرسنل گارد ساحلی ایران با خمپاره تیراندازی که بلافاصله با گشایش آتش روی سنگرهای عراقی که به آنها پاسخ داده شد. این درگیری هنوز هم ادامه دارد. ۲- گروه رزمی ۳۷ از ساعت ۱۰۴۵ روز جاری با دشمن درگیر و هنوز هم ادامه دارد. ۳- نیروهای بعثی عراق به تانکهای حامل سوخت جنب زندان انقلاب در آبادان تیراندازی شدید نموده و ژاجا نیز با آرپی جی ۷ و راکت و بازوکای ۳/۵ اینچی به طرف پاسگاه شوتیک و محل اختفای دشمن تیراندازی کردند که منهدم گردید. ۴- در اثر اصابت گلوله هواپیمای دشمن دکل بی سیم فکه منهدم و درگیری نیروهای عراقی و خودی به شدت ادامه دارد. ۵- یک فرودگاه نیمه ساز در ۱۵ کیلومتری جنوب کارون در ۳۰ کیلومتری آغاچاری بین امیدیه و خلف آباد با ۱۲ عدد راکت هواپیمای دشمن به کلی از بین رفت. ۶- اطراف دو قریه به اسمی گاوکندی و چشمه مراد و آغاچاری و هندیجان بمباران که دو راکت عمل نکرده است. ۷- یک بمب سمت سیلوی اهواز، به وسیله هواپیمای دشمن، پرتاب که عمل نکرده است. ضمناً درگیری گروه رزمی به شدت ادامه دارد. ف لشکر ۹۲ زرهی - سرهنگ ستاد ملک نژاد ***	
محرمانه از: ف ترابری نزا (بازرسی) شماره: ۴۰۲/۵۷/۱۱/۲۰ به: ف لوج نزا (بازرسی) تاریخ: ۵۹/۶/۳۱ موضوع: حمله مزدوران عراقی به ترمینال خرمشهر به استحضار عالی می‌رساند: ۱- برابر گزارش تلفنی ترمینال خرمشهر در ساعت ۱۰۴۵ روز ۵۹/۶/۳۰ ترمینال خرمشهر زیر آتش شدید سلاحهای سنگین مزدوران عراقی قرار می‌گیرد و یک نفر از سربازان وظیفه به نام قباد حسنی شهید و سه نفر حالشان وخیم و دوازده نفر مجروح، جمعاً شانزده نفر و باقیمانده چهارده نفر سالم می‌باشند و مجروحین در بیمارستان نیروی دریایی تحت درمان می‌باشند. ۲- بلافاصله فرمانده ترمینال از طریق مرکز عملیات نیرو و ف لوج تقاضای کمک می‌نماید که عملیات طی شماره ۶۰۲/۰۲/۶/۲۴ - ۵۹/۶/۳۰ در ساعت ۰۱۰۰ تاریخ ۵۹/۶/۳۱ به نیروی دریایی ابلاغ می‌کند که به ترمینال کمک نماید که بلافاصله از طریق نیروی دریایی کمک می‌رسد و همچنین از گردان دژ نیز مأموریتی برای کمک و جلوگیری از مزدوران می‌رسد که در نتیجه در اثر	۴۲

درگیری پرسنل نیروی دریایی در سطح خرمشهر ۲ نفر از پرسنل نیروی دریایی شهید می‌شوند. ۳- آخرین اطلاعات حاصله حاکی است در ساعت ۱۲۰۰ مورخه ۵۹/۶/۳۱ که حال سه نفر وخیم بوده است، بهبود نیافته و والدین سرباز شهید به خرمشهر مراجعه و نسبت به کفن و دفن آنان اقدام کرده‌اند و روحیه پرسنل در سطح عالی است و تیراندازی هم قطع شده است. ۴- کلیه مراحل از طریق ف ترابری و همچنین، فرمانده ترمینال خرمشهر به مرکز عملیات نیرو افسر جانشین ف لوج گزارش شده است. ف ترابری ف لوج نزاجا - سرهنگ ایزدی ***	
از: سماجا ۳ مرکز فرماندهی شماره: ۷/۱۷۰۱/۲۹/۰۷/۲۱۰۵ به : نهاجا تاریخ: ۵۹/۶/۳۱ موضوع: درخواست پدافند هوایی ساعت ۱۸۴۰ برابر اعلام سماجا ۲ در ساعت ۱۷۰۰ روز ۵۹/۶/۳۱ تعداد ۵ فروند میگ عراقی در آسمان خرمشهر و آبادان پرواز و قسمتی از مناطق خرمشهر را با راکت زده‌اند که خسارات چندانی به بار نیامده و صدای تیراندازی از فاصله دور در خرمشهر به گوش می‌رسد. دستور فرمایید ضمن آمادگی یگان‌های پدافند هوایی نسبت به رفع حملات اقدام و کلیه پایگاه‌ها آمادگی کامل داشته باشند. ج. ر سماجا - سرتیپ فلاحتی ***	۴۳
از: لشکر ۹۲ زرهی شماره: ۵۰۱/۱۷۰/۶۷۵ به : نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) تاریخ: ۵۹/۶/۳۱ موضوع: حمله پاسگاه‌های خرمشهر زیر آتش ساعت ۱۹۰۵ ۱- برابر گزارش یگان‌های در خط، در ساعت ۱۸۳۰ یوم جاری، چند فروند هواپیمای عراقی مشاهده شده که اقدام به پرتاب بمب در حوالی فرودگاه امیدیه نموده‌اند. ۲- کلیه پاسگاه‌های خرمشهر زیر آتش سنگین دشمن قرار گرفته‌اند. ف لشکر ۹۲ - سرهنگ ستاد ملک‌نژاد ***	۴۴
از: نزاجا (مد عملیات) شماره: ۶۰۲/۰۲/۶/۸۹ به : سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) تاریخ: ۵۹/۶/۳۱ موضوع: وقایع منطقه لشکر ۹۲ از ۵۹/۶/۲۹ تا ۵۹/۶/۳۰ برابر گزارش لشکر ۹۲ زرهی وقایع منطقه لشکر مذکور از تاریخ ۵۹/۶/۲۹ الی ۵۹/۶/۳۰ به	۴۵

شرح زیر به عرض می‌رسد:

۱- در درگیری ۵۹/۶/۳۰ دشمن با گروهان حفاظت دو عدد گلوله آربی جی ۷ به اطراف پالایشگاه تیراندازی می‌شود که خوشبختانه عمل نمی‌نمایند، ولی در اثر اصابت گلوله توپ به تانکر ذخیره نفت شماره ۱۲ به آتش کشیده شد که مشغول خاموش کردن آن هستند. ضمناً، پاسگاه‌های دهانه فاو با شدت زیر آتش قرار داده شده است.

۲- چاه شماره ۶ و ۱۱ در منطقه دهلران در تاریخ ۵۹/۶/۳۰ به وسیله آتش توپخانه عراقی‌ها منفجر و طعمه حریق گردید که از طریق شرکت نفت مشغول اطفاء آن هستند.

۳- از ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۵۹/۶/۳۰ نیروهای عراقی اطراف ارون‌کنار و پاسگاه علی‌شیر را زیر آتش سلاح‌های سنگین قرار داده و گروهان خسروآباد تقاضای پشتیبانی با سلاح‌های سنگین را نموده است که پشتیبانی انجام شد. وضع آرام است.

۴- در درگیری مورخه ۵۹/۶/۲۹ با دشمن سه دستگاه تانک و دوازده دستگاه کامیون حامل مهمات عراقی منهدم گردید.

۵- برابر گزارش هنگ سوسنگرد در درگیری ۵۹/۶/۳۰ مأمورین مستقر در فکه با یگان‌های دشمن یک دستگاه نفربر دشمن منهدم و دیوار شمالی پاسگاه فکه عراق ویران شده است و چون یک دستگاه آمبولانس دشمن در محل درگیری ایاب و ذهاب می‌نماید، احتمالاً افرادی از دشمن مجروح شده‌اند.

۶- در ساعت ۱۲۰۰ مورخه ۵۹/۶/۳۰ تا ساعت ۱۴۳۰ گروه رزمی ۳۷ زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفته که گروه مذکور با آتش به دشمن پاسخ داده و موفق شده است تعداد ۸ دستگاه تانک دشمن را منهدم سازند. گروه مذکور با این که ۲/۵ ساعت زیر آتش شدید مزدوران عراقی قرار داشته، تلفاتی نداشته است.

۷- در ساعت ۱۶۵۴ مورخه ۵۹/۶/۲۹ نیروهای ارتش جمهوری اسلامی و برادران پاسدار یک ناوچه عراقی را در درگیری ختین مورد اصابت گلوله قرار داده و هم‌اکنون در حال سوختن است.

۸- پاسگاه ختین از ساعت ۱۳۱۰ مورخه ۵۹/۶/۲۹ زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفته که دستور داده شد با شدت به آتش دشمن پاسخ دهند و آن را خنثی نمایند.

۹- از ساعت ۱۰۴۰ مورخه ۵۹/۶/۲۹ نیروهای دشمن با سلاح سنگین به سوی قوای خودی تیراندازی لیکن از ساعت ۱۲۳۰ آتش قطع و منطقه سوبله آرام است.

۱۰- یک گروهان تانک از گردان ۲۳۲ چیفتن جهت مقابله با نیروهای دشمن در ۵۹/۶/۲۹ به سمت ختین حرکت نمود.

ف نازجا - سرتیپ ظهیرنژاد

۲- تحلیل گزارشات و پیام‌های مبادله شده

گزارشات و پیام‌های مبادله شده تلاش قرارگاه‌های عملیاتی و سلسله مراتب فرماندهی را از روز ۵۹/۶/۱۱ تا ۵۹/۶/۳۱ نشان می‌دهد.

پیام‌های شماره ۱ الی ۴ جدول (۳)، هشدارهای قریب‌الوقوع بودن جنگ را اعلام می‌دارد. اقدامات لشکر ۹۲ زرهی در رابطه با استقرار تنها یگان موجود در خرمشهر یعنی گردان ۱۵۱ دژ و استقرار توپخانه در منطقه کیلومتر ۲۵ بود.

پیام ۵ الی ۸ جدول (۳): لشکر ۹۲ ضمن درگیری در کل منطقه مسئولیت، توجه لازم را با توجه به امکانات نسبت به منطقه خرمشهر داشته است.

پیام شماره ۱۱ جدول (۳): از تاریخ ۵۹/۶/۲۵ درگیری‌های مرزی در پاسگاه‌های ژاندارمری در کرانه نهر خَین گزارش و حملات هوایی شدت می‌گیرد و لشکر ۹۲ زرهی با توجه به وسعت درگیری‌های مجدد، وضعیت آتش پشتیبانی توپخانه و پدافند هوایی مراتب را به نزاجا گزارش و نیازمندی‌ها را اعلام می‌دارد.

پیام ۱۲ جدول (۳): در پاسخ به خواسته لشکر، نیروی زمینی اعزام ۲ آتشبار کاتیوشا و یک آتشبار پدافندی از گروه ۳۳ تهران را در روز ۵۹/۶/۲۶ و آتشبار ۱۷۵ م م را در ۵۹/۶/۲۷ از تهران اعلام می‌دارد. در این پیام مشخص است که اولاً به حداقل نیازمندی‌ها پاسخ داده می‌شود و در ثانی تا رسیدن آتشبارها به منطقه زمان کافی برای مقابله با تهاجم عراق وجود نداشته است.

شدت آتش و تهدیدات عراق در کرانه نهر خَین، امتداد ارون‌درد به ویژه پایگاه دریایی خرمشهر و درگیری نیروی خودی و دشمن در امتداد مرز آبی و خاکی تا تاریخ ۵۹/۶/۲۹ ادامه دارد و نیروهای خودی در همه نقاط بدون توجه به کمبودها با دشمن مقابله می‌کنند.

همچنین ستاد مشترک اعلام می‌دارد ۵۰ نفر از برادران سپاه برای تقویت پاسگاه‌های کرانه نهر خَین و ۱۷ نفر پاسدار با ۳ قبضه تیربار به جزیره مینو اعزام کرده است.

پیام شماره ۲۰ جدول (۳): رهنمود سماجا مبنی بر تاکتیک عراقی‌ها در تهاجم به پاسگاه‌های مرزی است. این موضوع نشان‌دهنده توجه ستاد رده‌های بالا و بررسی و تجزیه و تحلیل عملکرد دشمن می‌باشد که بلافاصله نتایج آن جهت استفاده یگان‌های در خط اعلام می‌شود.

یک روز قبل از تهاجم عراق یعنی روز ۵۹/۶/۳۰ بیشترین پیام‌ها بین قرارگاه‌ها و سلسله مراتب فرماندهی مبادله شده است. محتوای پیام‌ها نشان‌دهنده آتش‌های سنگینی بر روی نقاط حساس، حیاتی، مراکز نظامی، اقتصادی و آبراه‌ها در امتداد خطوط مرزی و ارون‌درود می‌باشد. هدف از اجرای چنین آتش‌هایی، معمولاً علاوه بر انهدام، ایجاد ترس و دلهره در نیروها به ویژه مردم و ساکنین شهرها می‌باشد. در حقیقت می‌توان آن را به آتش تهیه‌ای تشبیه کرد که در تک هماهنگ شده قبل از آغاز تک اجرا می‌شود. متقابلاً آتش توپخانه نیروهای خودی با امکانات موجود حداکثر آتش را اجرا و خساراتی به نیروهای عراقی وارد می‌کردند.

در تاریخ ۵۹/۶/۳۰ ساعت ۱۳۵۵ پیام شماره ۲۳ جدول (۳) به شرح زیر صادر می‌شود:

«برابر اعلام سماجا ارتش عراق در نظر دارد یک حمله غافلگیرانه به شرح زیر در آینده نزدیک به ایران نماید:

۱- گروه رزمی تانک سنگینی از محور عماره - فکه - دزفول - اندیمشک

۲- یک گروه پیاده مکانیزه از محور حلفائیه - الله اکبر

۳- یک گروه سنگینی از محور تنومه - کوشک وارد منطقه شده و شهر خرمشهر را محاصره نماید.

مراتب جهت آگاهی و پیش‌بینی‌های لازم اعلام می‌گردد»

پیام فوق اشاره به تک عراق در ۳ محور با سه گروه رزمی در آینده نزدیک (نامعلوم) دارد. در حالی که عراق پس از ۲۴ ساعت باتک هوایی و بعد از ۴۵ ساعت با عبور از مرز در منطقه غرب و جنوب، تهاجم سراسری خود را با ۱۲ لشکر در بیش از ۱۵ محور عمده آغاز کرد.

با توجه به محورهای تک دشمن و استعداد نیروی مهاجم (اشاره شده در پیام) در هر محور ممکن است این تصور برای ستادهای عملیاتی ایجاد شده باشد که با توجه به محورها و استعداد دشمن امکان مقابله با آنان توسط نیروهای موجود وجود دارد و جای هیچگونه نگرانی نمی‌باشد!!

مسئلاً چنین پیامی از اطلاعات تحلیل شده ارکان دوم یگان‌های مستقر در منطقه نتیجه‌گیری و اعلام شده است و سطح آگاهی و قدرت تحلیل عناصر اطلاعاتی رده‌ها را از زمین و دشمن که ۲ عنصر اصلی در عملیات می‌باشد نشان می‌دهد!!

اما نیروها و یگان‌های حاضر در نوار مرزی با وجود کمبودها، عدم توان رزمی کافی، به هم ریختگی سازمان و انضباط و نبود ستادهای هدایت‌کننده کارآمد، توانستند زمین و محورهای تک دشمن را پس از تهاجم و عبور از مرز شناسایی و در مقابل آن به نبرد پردازند، و پیشروی دشمن را به گونه‌ای که او طرح‌ریزی کرده بود با شکست مواجه کنند.

درگیری‌های مرزی نیروهای ایران و عراق تا روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ همچنان ادامه داشت و بمباران هوایی نقاط مختلف شهرهای خرمشهر و آبادان را تخریب که موجب وحشت مردم شده بود. پیام ۲۴ تا ۴۴ جدول (۳)

در تاریخ ۵۹/۶/۳۰ چهار گروهان تابعه گردان دژ، گردان ۱۶۵ مکانیزه، پنج دستگاه تانک چیفتن در خط مرز مستقر شده بودند. بخشی از گردان ۲۳۲ تانک در کناره نهر خین و باقیمانده گردان در شرق پاسگاه زید و کوت سواری مستقر شدند.

صبح روز ۵۹/۶/۳۱ پاسگاه ژاندارمری شلمچه گزارش کرد که سیم خاردارهای جلوی خط پدافندی عراقی‌ها جمع‌آوری شده است.

پیام شماره ۴۵ جدول (۳) وضعیت منطقه لشکر ۹۲ زرهی در آستانه جنگ و آغاز تجاوز را نشان می‌دهد.

بخش چهارم

منطقه عملیاتی خوزستان

وضعیت عمومی (محدوده، مسئولیت و ساختار)

۱- محدوده منطقه عملیات

منطقه عملیاتی خوزستان با کشور عراق دارای مرز مشترک آبی به طول ۱۰۱ کیلومتر از خلیج فارس تا پاسگاه «حدود» (کناره نهر خَین) و دارای مرز مشترک زمینی به طول حدود ۴۱۲ کیلومتر از پاسگاه «حدود» در جنوب تا چنگوله در شمال جمعاً ۵۱۳ کیلومتر می‌باشد. این منطقه از نظر عملیات دفاعی به سه منطقه جزء تقسیم می‌شود:

- منطقه شمالی: غرب دزفول و شوش از چنگوله تا تنگ چزابه
- منطقه میانی: غرب اهواز و دشت آزادگان از تنگ چزابه تا پاسگاه طلائییه
- منطقه جنوب غربی: جنوب غرب اهواز از پاسگاه طلائییه تا دهانه خلیج فارس (قصبه) شامل:

- مرز زمینی: از پاسگاه طلائییه تا خرمشهر

- مرز آبی: از خرمشهر در امتداد نهر خَین و اروندرود تا قصبه در خلیج فارس

۲- مسئولیت عملیاتی

برابر طرح‌های سرزمینی، مسئولیت دفاعی در مرز خوزستان با عراق از فاو (دهانه خلیج فارس) در جنوب تا چنگوله در شمال با لشکر ۹۲ زرهی به شرح زیر بود:

الف- منطقه جنوب غربی اهواز

(۱) از خلیج فارس (سواحل شرقی اروندرود) تا پاسگاه حدود در جنوب شلمچه با ژاندارمری

(۲) کنترل آبراه اروندرود با پایگاه سوم دریایی خرمشهر

(۳) از پاسگاه حدود تا پاسگاه طلائییه با تیپ ۱ زرهی لشکر ۹۲ با زیر امر گرفتن گردان ۱۵۱ دژ (گردان مستقل نیروی زمینی)

ب- از پاسگاه طلائییه تا تنگ چزابه با تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲

ج- از تنگ چزابه تا چنگوله با تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲

۳- ساختار فرماندهی

در آغاز بحران و جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات اساسی نیروهای نظامی (زمینی، دریایی و ژاندارمری) که در دفاع و حفاظت از مرزهای آبی و خاکی مسئولیت مشترک داشتند، عدم وحدت فرماندهی به منظور هماهنگی و بهره‌برداری از منابع موجود بود. زیرا از قبل برای آن ساز و کار مناسبی پیش‌بینی نشده بود.

پس از آغاز جنگ تحمیلی با ورود نیروهای متعدد و نامتجانس اعزامی از نقاط مختلف کشور و دخالت‌های غیر کارشناسی مسئولان غیر نظامی و همچنین تضعیف سلسله مراتب فرماندهی نظامی در رده‌های مختلف مشکلات مدیریت و فرماندهی افزایش یافت.

ستاد لشکر ۹۲ زرهی به منظور سهولت کنترل منطقه جنوب غربی اهواز مسئولیت آن منطقه را به یک قرارگاه تاکتیکی مستقر در خرمشهر واگذار کرد. پس از بحران کودتای نقاب و متواری شدن فرمانده تیپ ۱ زرهی، ستاد مشترک مسئولیت منطقه جنوب غربی اهواز از پاسگاه کیلومتر ۲۵ تا فاو را با تشکیل ستادی به نام «ستاد ارون»^۱ تحت فرماندهی پایگاه سوم دریایی خرمشهر به آن پایگاه و مسئولیت پاسگاه کیلومتر ۲۵ تا طلائییه را به لشکر ۹۲ زرهی (تیپ ۱) واگذار کرد.

تغییر مداوم فرماندهی در کمتر از ۳۰ روز و افزایش فشار نیروهای دشمن روز به روز بر مشکلات وحدت فرماندهی می‌افزود. به هر ترتیب عناصر حاضر با کمک روحانیون به ویژه امام جمعه آبادان حضرت آیت‌الله جمی (ره) و سایر مسئولان شهر توانستند سقوط خرمشهر را ۳۴ روز به تأخیر انداخته و از سقوط آبادان جلوگیری کنند.

۱. ستاد ارون مستقر در آبادان با قرارگاه فرماندهی ارون که در ۵۹/۷/۲۷ در ماهشهر تشکیل شد، متفاوت است.

استحکامات ایران در مرز شلمچه

۱- خط پدافندی دژ

قبل از تشریح عملیات، لازم است مختصراً به تاریخچه، ساختار و مأموریت گردان دژ، تنها یگان نظامی ارتش که مسئولیت پوشش مرز خاکی را بر عهده داشت، اشاره شود.

تاریخچه: در پی اختلافات مرزی دو کشور ایران و عراق در سال ۱۳۴۸ ش. و ادعای عراق دایر بر مالکیت اروندرود، ارتش ایران عملیات اروند (عما) را به منظور خنثی کردن تهدید عراق طراحی و اجرا کرد.

پس از عملیات مذکور، ارتش ایران به منظور پوشش مرز خاکی از شلمچه تا کوشک و طلائیه، احداث تأسیسات مستحکمی به نام خط پدافندی دژ را طراحی و یک گردان پیاده ویژه به نام گردان مستقل ۱۵۱ دژ در خرمشهر سازماندهی و در پادگانی به همین نام (پادگان دژ) در آن شهر مستقر کرد. این گردان در حقیقت نقش نیروی پوششی نیروی زمینی را برعهده داشت.

۲- ساختار تأسیسات دژ

خط پدافندی تأسیسات دژ مجهز به مواضع مستحکم و میادین مین و سایر امکانات لازم در سه رده به شرح زیر طراحی شده بود:

الف- خط اول از ۳۲ موضع مستحکم در ۳ کیلومتری شرق خط مرز از شلمچه تا کوشک و طلائیه به طول ۹۶ کیلومتر از شلمچه تا کیلومتر ۲۵ (مقابل پاسگاه زید عراق) ۱۵ دژ برای استقرار یک گروهان و تا پاسگاه طلائیه ۱۷ دژ برای استقرار یک گروهان. برای هر یک از گروهان‌ها، تأسیسات فرماندهی و ارکان گروهان در شلمچه و طلائیه در نظر گرفته شده بود.

ب- خط دوم از ۱۸ موضع مستحکم در ۶ کیلومتری شرق خط مرز برای استقرار یک گروهان.

ج- خط سوم از ۱۲ موضع مستحکم در ۹ کیلومتری شرق خط مرز برای استقرار یک گروهان.

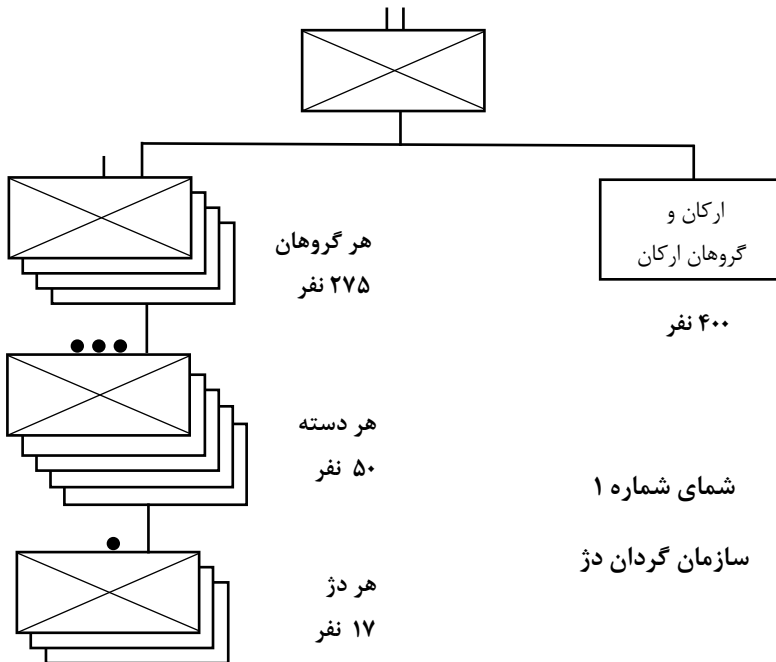
تا سال ۱۳۵۳ ش. احداث ۳۲ دژ در خط اول به اتمام رسید، ولی پس از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ م. (۱۳۵۳ ش) الجزایر، ساخت خط دوم و سوم و تجهیز کردن خطوط به میادین مین و سایر موانع متوقف شد. در آغاز جنگ تحمیلی خط پدافندی دژ فاقد مین حفاظتی و تاکتیکی

حتی در امتداد محورهای ورودی و معبرهای قابل نفوذ بود و فقط با یک رشته سیم خاردار حفاظتی محصور شده بود.

در سال ۱۳۵۴ به علت اعتراض عراق مبنی بر مالکیت منطقه‌ای به عرض ۹ و عمق ۴ کیلومتر در کوشک و قبول کردن آن از طرف دولت ایران، ۳ دژ ساخته شده واقع در آن منطقه تخریب شد. لذا تعداد دژهای خط اول به ۲۹ دژ کاهش یافت. نیروی پوششی نیروی زمینی (گردان ۱۵۱ دژ) در منطقه وسیعی از شلمچه تا کوشک گسترش می‌یافت.

گردان ۱۵۱ دژ

۱- سازمان: شمای سازمان گردان ۱۵۱ دژ برابر شمای شماره ۱



۲- استعداد کلی گردان: ۱۵۰۰ نفر

۳- ترتیب استقرار در مواضع: همواره ۲ گردان در مواضع مستقر و ۲ گردان در پادگان دژ به آموزش و تعمیر و نگهداری می‌پرداختند.

۴- تجهیزات: هر دژ به جنگ افزارهای زیر مجهز بود:

- تفنگ ۱۰۶ مم محمول ۲ قبضه (جمعاً ۱۲۰ قبضه)
- خمپاره انداز ۸۱ مم ۱ قبضه (جمعاً ۳۲ قبضه)
- خمپاره انداز ۱۲۰ مم ۱ قبضه (جمعاً ۲ قبضه) فقط در دژهای مرکزی
- تیربار کالیبر ۱۲/۷ مم ۱ قبضه (جمعاً ۶۰ قبضه)
- تفنگ ژ-۳ هر نفر یک قبضه
- تانک ام - ۴۷ هر دو دژ یک دستگاه (فاقد تحرک)

در جریان انقلاب و بحران های ناشی از آن، استعداد گردان به کمتر از ۵۰۰ نفر (هر گروهان ۸۰ نفر) کاهش یافت و تجهیزات نیز در اثر عدم نگهداری و خسارات وارده و فرسودگی به ۳۰ درصد میزان سازمانی تنزل پیدا کرد.

۶- فرماندهان گردان دژ

قبل از آغاز تهاجم عراق، فرماندهان و مسئولان گردان دژ عبارت بودند از:

- فرمانده گردان سرهنگ جاموسی (مجروح)
- معاون گردان سرگرد چهارمحالی (مجروح)
- رئیس رکن سوم سرگرد کبریائی (شهید در پادگان دژ)
- فرمانده گروهان یکم ستوان زارعیان (شهید در عملیات رمضان)
- فرمانده گروهان دوم ستوان قدیمی (بازنشسته)
- فرمانده گروهان سوم ستوان علیلو (شهید در دب گردان)
- فرمانده گروهان چهارم ستوان بیژن مقید (بازنشسته)
- فرمانده گروهان ارکان ستوان حبیب اسکندری (بازنشسته)

پس از آغاز تهاجم تا روز ۵۹/۷/۲۰، فرماندهان گردان به ترتیب عبارت بودند از، سرهنگ جاموسی، سرگرد زارع و سرهنگ شاهان که پس از مجروح شدن از منطقه خارج شده و آخرین فرمانده گردان سرگرد کبریائی (رئیس رکن سوم) در پادگان دژ شهید و مسئولیت پادگان به

پزشک گردان بنام ستوان گیوتاش محول شد. فرماندهان گروهان هر کدام با افراد باقیمانده مستقلاً عمل می‌کردند.

۷- مأموریت گردان دژ

در بررسی‌های انجام شده، هیچ‌گونه سابقه‌ای از تبیین مأموریت گردان دژ به دست نیامد، ولی با احداث خط پدافندی دژ و سازماندهی گردانی ویژه می‌توان مأموریت پوششی زیر را برای آن استنباط کرد:

«گردان دژ مأموریت داشت با پوشش خط مرز (مدت محدود) تا رسیدن عمده قوا، پیشروی دشمن را به تأخیر اندازد»

با توجه به مأموریت فوق، هیچ‌گونه دستورالعمل و یا تدبیری که نشان دهد، پس از انجام مأموریت پوشش در مدت تعیین شده (معمولاً ۴۸ ساعت) و با رسیدن عمده قوا، ادامه مأموریت گردان دژ کدام یک از موارد زیر است:

اولا- آیا گردان دژ به مأموریت پدافندی ادامه خواهد داد؟

ثانیا- آیا به منطقه دیگری برای انجام مأموریت تغییر مکان می‌داد؟

ثالثا- آیا به پادگان دژ در خرمشهر مراجعت و تأمین خرمشهر را به عهده خواهد گرفت؟

سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی که سال‌ها رئیس رکن سوم لشکر ۹۲ زرهی بوده و از تاریخچه تشکیل گردان دژ مطلع می‌باشد، مأموریت گردان دژ را این‌گونه بیان می‌کند:^۱

«منطقه غرب خرمشهر از کرانه نهر خَین تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ در شمال کلاً باز و بدون کوچکترین عارضه طبیعی و مصنوعی بود. فقط در غرب خرمشهر در محور بصره - شلمچه - خرمشهر، نهر عرایض وجود داشت که یک آب‌گیر انشعابی از رودخانه اروندرود است و تا حدود ۵ کیلومتری شمال اروندرود ادامه دارد. برای پدافند این منطقه طرح مشخصی وجود نداشت. عناصر لشکر ۹۲ زرهی بایستی در این منطقه پدافند کنند، ولی چگونگی آن معلوم نبود.»

وضعیت عراق در مرز شلمچه (شرق بصره)

۱- استحکامات پدافندی عراق در مرز شلمچه

عراق در سال ۱۳۴۸ شمسی، همزمان با احداث استحکامات پدافندی دژ در غرب خرمشهر توسط ایران، دو خط پدافندی ذیل را برای حفاظت از خط مرزی در شرق بصره احداث کرد:

الف- احداث خاکریز سراسری از پاسگاه حدود تا کوشک به طول ۶۰ کیلومتر و احداث سنگرهای مستحکم برای جنگ‌افزارهای سنگین و عناصر دیدبانی. این خاکریز دقیقاً به موازات خط پدافندی دژ ایران ساخته شده بود.

ب- احداث یک کانال پرورش ماهی به ابعاد ۲۸/۵ کیلومتر طول، یک کیلومتر عرض و ۲/۵ تا ۳ متر عمق. این کانال از نزدیکی مرز شلمچه با زاویه‌ای نسبت به خط مرز به سمت شمال-غرب تا نهر کتیبان امتداد دارد و با پمپاژ آب از نهر کتیبان آبیاری می‌شود. این کانال یک مانع مصنوعی عمده در معبر شرق به غرب بصره می‌باشد.

۲- استعداد و گسترش نیروهای عراق در غرب خرمشهر و اروندرود

الف- گسترش دشمن در شرق بصره قبل از تهاجم

(۱) لشکر ۳ زرهی با عناصر سازمانی به شرح زیر

- تیپ ۶ زرهی شامل ۳ گردان تانک و یک گردان مکانیزه
- تیپ ۱۲ زرهی شامل ۳ گردان تانک و یک گردان مکانیزه
- تیپ ۸ مکانیزه شامل یک گردان تانک و ۳ گردان مکانیزه
- گردان شناسایی صلاح‌الدین
- ۵ گردان توپخانه
- گردان پدافند هوایی و ۲ آتشبار مستقل
- گروهان شیمیایی
- یک گردان ضد تانک

- یک گردان کماندو
 - گردان مهندسی رزمی و گردان پل ساز
 - گردان مخابرات
 - تشکیلات خدمات رزمی
- (۲) نیروهای ویژه شهری تحت امر لشکر ۳ زرهی برای جنگ شهری
- تیپ ۳۳ نیروی مخصوص شامل گردان ۸ و ۹ نیروی مخصوص مستقر در غرب شلمچه.
 - گردان ۱ تیپ ۴۹ پیاده لشکر ۱۱ مستقر در غرب شلمچه
 - تیپ ۲۳ کماندو گارد جمهوری شامل ۳ گردان مستقر در تنومه
 - تیپ ۱ مکانیزه گارد جمهوری شامل ۳ گردان مکانیزه و یک گردان تانک مستقر در نشوه (احتیاط)
- (۳) یگان‌های تقویتی سپاه مستقر در شرق بصره
- یک گردان تانک از تیپ ۲۶ لشکر ۵ مکانیزه
 - گردان ۷ تیپ ۳۳ نیروی مخصوص در بصره
 - گردان ۴ گارد مرزی در بصره
 - گردان ۳۶ توپخانه لشکر ۵ مکانیزه
 - گردان پدافند نیروی هوایی
 - گردان ۶۸ پدافند هوایی نیروی هوایی
 - آتشبار ۶۴ سبک نیروی مخصوص
 - آتشبار سبک شماره ۹ لشکر ۵ مکانیزه
 - ۲ آتشبار ضد تانک گردان ۲ لشکر ۵ مکانیزه
- (۴) گسترش دشمن در غرب اروندرود از ام‌الرصاص تا ام‌القصر
- چهار تیپ گارد مرزی

- ۲ گردان تانک
- ۲ گردان شناسایی
- یک گردان نیرو مخصوص
- ۲ گردان توپخانه ستاد کل
- ۳ گردان پدافند هوایی ستاد کل

یگان‌های فوق ضمن حفاظت از کرانه غربی اروندرود، قادر به تقویت نیروهای عمل‌کننده در خرمشهر بودند.

لشکر ۳ زرهی در تهاجم به خرمشهر

۱- مأموریت لشکر ۳ زرهی عراق در خرمشهر

سپاه سوم عراق مأموریت تصرف خرمشهر و آبادان را به لشکر ۳ زرهی واگذار کرد.^۱

۲- تدبیر کلی عملیات لشکر ۳ زرهی

مدارک و گزارشات اطلاعاتی و همچنین عملکرد اولیه نیروهای مهاجم بیانگر آن است که لشکر ۳ زرهی باهدف تصرف خرمشهر در مدت ۳ روز و بلافاصله با عبور از پل خرمشهر - آبادان وارد جزیره آبادان شده و آن شهر را نیز در کمتر از یک هفته متصرف و در ساحل جنوبی بهمنشیر پدافند کند. بدین ترتیب یکی از اهداف سیاسی - نظامی عراق (هدف حداقلی) را تحقق بخشد.^۲ دلایل زیر نظریه فوق را تأیید می‌کند:

الف - کوتاه‌ترین فاصله از شلمچه تا خرمشهر و آبادان

ب- داشتن تأمین جناحین (سمت راست اروندرود و سمت چپ لشکر ۵ زرهی)

ج- به استناد گزارش فرماندهان عراقی و بازجویی از اسرای عراقی، چنین فرض شده بود که لشکر ۳ زرهی قادر است نیروهای نظامی تضعیف شده ایران را در مرز سریعاً منهدم و سپس به عنوان «ارتش رهایی بخش» با استقبال اهالی ناراضی از حکومت، شهر را تصرف خواهد کرد!! اما، بر خلاف فرض فوق، مقاومت نیروهای نظامی مستقر در مرز و خیزش اهالی شهر و نهایتاً ورود نیروهای داوطلب مردمی از سراسر کشور، نیروهای مهاجم موفق به عبور سریع از مرز نشده و پس از ۷ روز فقط توانستند ۱۲ کیلومتر، تا نهر عریض پیشروی کنند و پس از ۱۰ روز به حاشیه شمال و غرب خرمشهر نزدیک شوند.

۱. در مدارک سپاه پاسداران مأموریت تصرف خرمشهر ابتدا به لشکر ۵ زرهی و سپس در تاریخ ۵۹/۷/۳ به لشکر ۳ زرهی واگذار شده است که با توجه به پیشروی لشکر ۵ زرهی در آغاز جنگ در محور طلایه - اهواز این موضوع صحت ندارد.

۲. منبع شماره ۲ ص ۷۹.

ضمناً در بعضی از مدارک اشاره شده است که چنانچه تصرف خرمشهر با تأخیر مواجه شود، با استفاده از نیروهای مستقر در غرب اروندرود و بصره از اروندرود عبور کرده و وارد جزیره آبادان شوند.

به علت تأخیر حاصله و مشکلات عبور از اروندرود، چنین به نظر می‌رسد که سپاه سوم، تصرف آبادان را موکول به تصرف نهایی خرمشهر نکرده و سازماندهی جدیدی برای ادامه عملیات طراحی کرد. (متعاقباً شرح داده خواهد شد).

۱- سازمان رزم

- تیپ ۶ و ۸ لشکر ۳ زرهی^۱
- تیپ ۳۳ نیروی مخصوص (گردان ۸ و ۹)
- گردان تانک الحسین و الحسن از تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ مکانیزه^۲
- گردان ۳ مکانیزه تیپ ۱۵ مکانیزه^۳
- گردان یکم تیپ ۴۹ پیاده لشکر ۱۱ پیاده
- چهار گردان کماندو جمعی نیروهای کماندویی خالد از لشکر ۲ پیاده
- گردان ۲ و ۳ تیپ ۳۱ نیروی مخصوص
- گردان ۲ و ۳ تیپ ۲ لشکر ۲ پیاده
- دو گردان قاطع نیروی جیش‌الشعین
- گردان ۳ نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری
- گردان یکم تیپ ۲۳ پیاده لشکر ۸ پیاده
- گردان یکم تیپ ۳۱ ن.م
- گردان سوم تیپ ۲۳ پیاده لشکر ۸ پیاده

۱. مستخرجه از کتاب خونین‌شهر تا خرمشهر (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران)

۲. یگان‌های لشکر ۵ زرهی در تاریخ ۵۹/۷/۷ به بعد، پس از توقف در غرب اهواز، برای تقویت لشکر ۳ زرهی اعزام شدند.

۳. اکثر یگان‌های ردیف ۴ تا ۱۳ در حین عملیات به منطقه خرمشهر اعزام شده‌اند.

۴- طرح عملیاتی لشکر ۳ زرهی (نقشه شماره ۲)

در کتاب‌های منتشره - پس از پایان جنگ - در مورد طرح تهاجم لشکر ۳ زرهی عراق به خرمشهر و آبادان مطالب متعدد و متفاوتی نوشته شده است که از نظر تاکتیکی، با کاربرد نیرو مغایرت دارد. این مطالب با استفاده از بازجویی اسرا پس از اسارت تهیه شده که صحت و سقم آن نامشخص است. علت این مغایرت‌ها، عدم دسترسی به مدارک اصلی ارتش عراق و اطلاعات ناقص تهیه شده از اسرای عراقی در صحنه نبرد بوده است. شواهدی که می‌توان از آن تغییر طرح لشکر ۳ زرهی را استنباط کرد عبارتند از:

الف- هدف تاکتیکی ارتش عراق (تصرف خرمشهر و آبادان)

ب- محورهای رزمایش (مانور) و آتش عراق پس از تجاوز

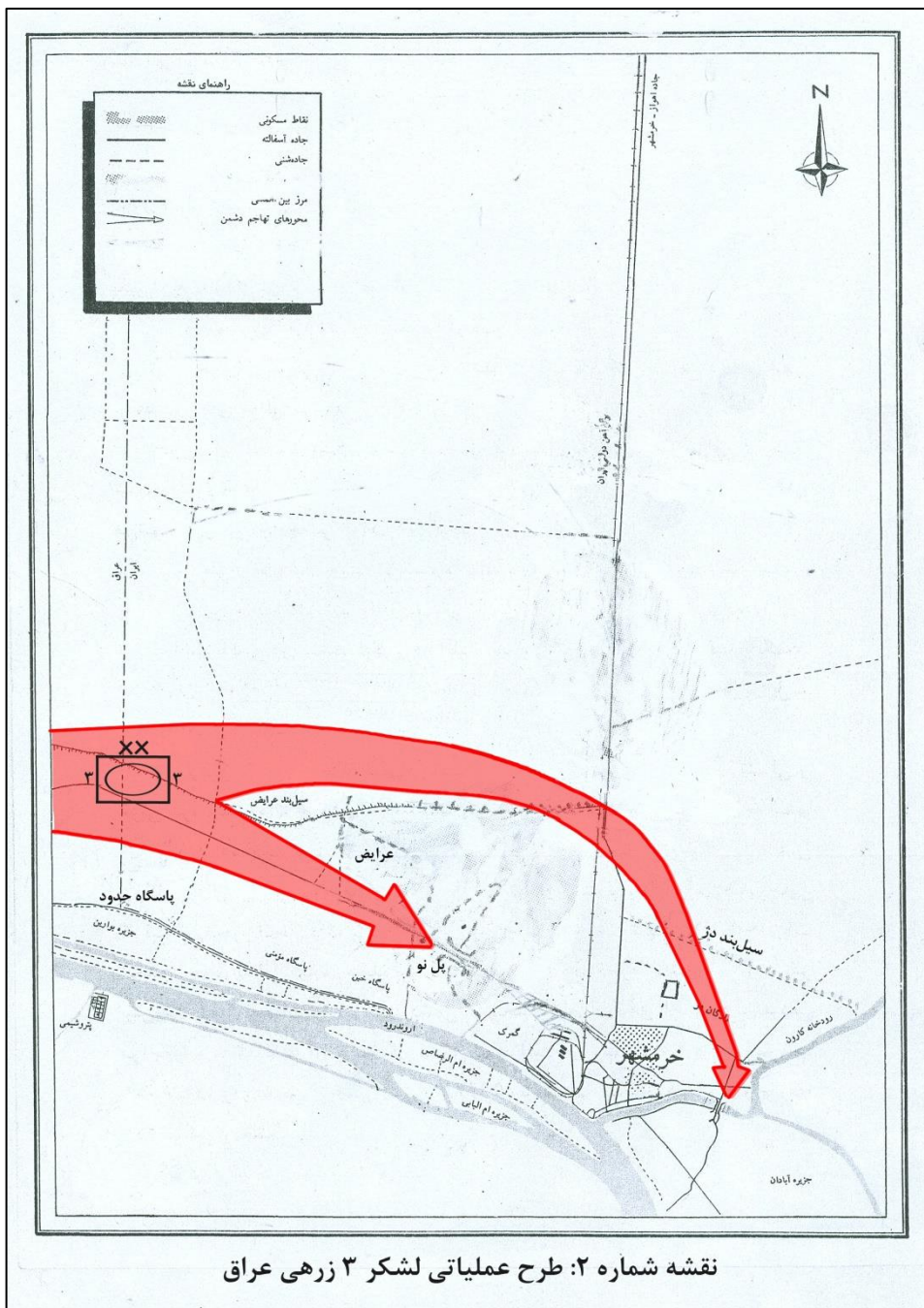
ج- مشاهدات عینی نیروهای متخصص و بی‌نظر که از آغاز تجاوز شاهد پیشروی دشمن بوده‌اند.

با توجه به مطالب فوق طرح لشکر ۳ زرهی عراق را برای تصرف خرمشهر و آبادان می‌توان به شرح زیر مرحله‌بندی کرد:

مرحله یکم- محاصره خرمشهر از سمت غرب و شمال با پیشروی از محور شلمچه - خرمشهر و قطع جاده اهواز - خرمشهر

مرحله دوم- ورود به شهر از غرب و شمال پس از محاصره

مرحله سوم- عبور از پل خرمشهر - آبادان و ورود به جزیره آبادان^۱





طرح پدافند ایران در غرب خرمشهر

۱- طرح عملیات

در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ (قبل از تهاجم) طرح عملیاتی ابوذر نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی ابلاغ شد. در این طرح به طور مبهم مأموریت لشکر به شرح زیر تعیین شده بود:

«سد پیشروی دشمن در مناسبترین مواضع پدافندی».^۱ در این طرح گردان ۱۵۱ دژ زیر امر لشکر ۹۲ زرهی قرار گرفت. این طرح در شرایطی صادر شد که محلی به عنوان مواضع سد کننده و امکانات لازم برای تهیه آن پیش‌بینی نشده بود.

لشکر ۹۲ زرهی نیز طرح عملیاتی «خر» را با همان مأموریت به یگان‌های تابعه ابلاغ کرد. با توجه به مأموریت و منطقه واگذاری در صحنه نبرد، مأموریت و هدف نیروهای مستقر در منطقه خرمشهر - آبادان را می‌توان این‌گونه تبیین کرد:

«به تأخیر انداختن پیشروی دشمن با جنگ و گریز و نشان دادن عزم راسخ نیروهای نظامی در دفاع از مرز و بوم به هر قیمت و در نهایت ایجاد فرصت برای مسئولین نظامی و حکومتی جهت ساماندهی مدیریت جنگ و رساندن نیروی کافی به جبهه‌ها»

۲- گسترش نیروهای خودی^۲ (نقشه شماره ۳)

الف- مرز آبی

- (۱) کرانه شرقی اروندرود با ۱۰ پاسگاه ژاندارمری، هر پاسگاه به استعداد ۱۰ نفر، تقویت شده با ۵ نفر نیروی مردمی
 - (۲) گردان گارد ساحلی ژاندارمری در خسروآباد (جنوب آبادان) حداکثر ۱۰۰ نفر
 - (۳) کرانه نهر خین با ۴ پاسگاه ژاندارمری، هر پاسگاه ۱۰ نفر، تقویت شده با ۲۰ نفر
- نیروهای مردمی و سپاه جمعاً ۶۰ نفر و تفنگ ۱۰۶ مم از گردان دژ

۱. منبع ردیف ۴ ص ۴۸

۲. منبع ردیف ۲ ص ۲۴

(۴) پایگاه سوم نیروی دریایی

با خروج ناوگان پایگاه سوم دریایی از اروندرود و استقرار آن در دهانه فاو، این پایگاه کلاً بر آبراه اروند کنترلی نداشت. پایگاه توسط دژبان پادگان و یک دسته از تکاوران دریایی حفاظت می‌شد. ستاد پایگاه نیز به قرارگاه ستاد اروند تبدیل شده بود. این ستاد پس از آغاز تهاجم به هنگ ژاندارمری آبادان منتقل شد.

جمع کل نیروها در مرز آبی به طول حدود ۱۰۰ کیلومتر، ۴۰۰ نفر مجهز به جنگ‌افزار سبک، آرپی‌جی ۷، تعدادی خمپاره‌انداز و تفنگ ۱۰۶ و چند دستگاه نفربر بود.

ب- مرز زمینی

در مرز زمینی از پاسگاه حدود در کنار نهر خَین تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ یگان‌های زیر با استعدادی کمتر از یک تیپ استقرار داشتند:

(۱) گردان ۱۵۱ دژ حداکثر ۵۰۰ نفر (۵۰ درصد استعداد سازمانی)

(۲) گردان ۲۳۲ تانک لشکر ۹۲ زرهی با ۳۲ تانک و استعداد پرسنلی کمتر از ۵۰ درصد.

(۳) گردان ۱۶۵ مکانیزه لشکر ۹۲ زرهی (استعداد ۵۰ درصد سازمانی)

(۴) یک دسته تانک چیفتن

(۵) سه پاسگاه ژاندارمری با استعداد حداکثر ۴۵ نفر مجهز به جنگ‌افزار سبک

(۶) سپاه پاسداران آبادان و خرمشهر با استعداد ۶۰ الی ۱۰۰ نفر از نیروهای مردمی مجهز به جنگ‌افزار انفرادی.

(۷) آتش پشتیبانی

(الف) یک آتشبار ۱۳۰ مم از گروه ۲۲ توپخانه مستقر در آبادان

(ب) یک آتشبار ۱۲۲ مم کاتیوشا از گروه ۲۲ توپخانه مستقر در خرمشهر

(ج) یک آتشبار ۱۷۵ مم از گروه ۵۵ توپخانه مستقر در خرمشهر

(د) ۲ گردان پدافند هوایی

(۸) امکانات و تجهیزات مهندسی نظامی از ارگان‌های غیر نظامی

۳- مقایسه نیروهای ایران و عراق در مرز خرمشهر

با مقایسه نیروهای ۲ طرف، استعداد نیروهای عراق ۴ برابر نیروهای ایران برآورد شده است. نیروهای ایران فاقد احتیاط و نیروی جایگزین بوده، ولی دشمن دارای یگان‌های احتیاط و از هرگونه امکانات پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی به ویژه برتری مطلق هوایی برخوردار بودند. نیروهای ایران به خوبی از برتری دشمن آگاهی داشته و می‌دانستند بایستی با توکل به خداوند متعال ید واحد شده و از کشور، انقلاب و ملت خود با نیروهای موجود دفاع کنند.

درگیری‌های مرزی قبل از تهاجم سراسری

از دهه سوم شهریور ۵۹ حضور یگان‌های توپخانه عراق و گسترش یگان‌های تانک در ۷ کیلومتری غرب خط مرزی توسط عناصر اطلاعاتی و پاسگاه‌های ژاندارمری در مرز گزارش می‌شد. به دنبال آن تبادل آتش پاسگاه‌ها و آتشباری روی مواضع در مرز از قرائن قریب‌الوقوع بودن تهاجم بود.

با تشدید تحرکات نیروهای عراق، نیروهای ایرانی با استعداد موجود در مواضع پدافندی مرزی مستقر و به حالت آماده‌باش کامل درآمدند.

در تاریخ ۲۶ شهریور جلسه اضطراری شورای فرماندهی عراق تشکیل شد و در پایان جلسه، صدام حسین قرارداد ۱۹۷۵ را ملغی و آبراه اروندرود (شط‌العرب) را متعلق به عراق اعلام کرد. با اعلام فوق، درگیری‌ها در دو طرف اروندرود شدت یافت و منطقه خرمشهر و آبادان به صحنه جنگ تبدیل شد.

ستاد مشترک ارتش در اعلامیه شماره ۱، حملات و تجاوزات عراق و اقدامات متقابل را به اطلاع ملت رساند.

۱- درگیری در مرزهای آبی

به تدریج درگیری‌ها در آبراه اروندرود شدت بیشتری یافت. در ۲۸ شهریور عراق در آبراه فعالیت‌های مشکوکی مانند تعقیب ناوچه‌های گارد ساحلی را آغاز کرد و هر لحظه بر شدت آن می‌افزود. تبادل آتش و جنگ بین ناوچه‌های طرفین و پاسگاه‌های ساحلی شدت یافت، به طوری که مرز ساحلی خین با یک گروهان تانک از گردان ۲۳۲ تقویت شد.

منطقه اروندرود عملاً به صحنه نبرد تبدیل شد. پاسگاه‌های مرزی، پایگاه دریایی و پایگاه گارد ساحلی در خسروآباد زیر آتش سنگین و مداوم عراق قرار گرفت.

در ۲۸ شهریور عراق اعلام کرد، هرگونه رفت و آمد کشتی‌ها در اروندرود بایستی با پرچم عراق و تحت راهنمایی آنان انجام گیرد. این موضوع از پایگاه دریایی خرمشهر به نیروی دریایی جمهوری اسلامی منعکس شد. این اقدام نوعی اعلام جنگ از طرف عراق شناخته شد.

متعاقب آن تخلیه اروندرود از کشتی‌های تجاری داخلی و خارجی آغاز شد. نیروهای عراقی به چند کشتی و بارج در دهانه فاو آتش گشودند. هرگونه عبور کشتی و قایق با خطر مواجه شد و تخلیه سریع اروندرود مقدور نشد و ۶ کشتی در اروندرود باقی ماند.^۱

بدین ترتیب استقلال و حاکمیت جمهوری اسلامی در اروندرود با مخاطره جدی روبه‌رو شد.

۲- درگیری در مرز زمینی

در دهه سوم شهریور، استقرار نیروهای دشمن در طول مرز افزایش یافت. عراق با احداث خاکریز و استقرار تانک، خمپاره‌انداز و ضد هوایی در مقابل پاسگاه شلمچه و دژهای شماره ۱ تا ۵ (حدود ۱۰ کیلومتر) به تدریج نیروهای خود را به خط مرز نزدیک کرد.

ستوان قمری (سرهنگ بازنشسته فعلی) یکی از افسران گردان دژ از شناسایی مواضع عراق چنین گزارش می‌کند:^۲

«در مسیری که انتخاب کرده بودیم، با هیچ سرباز عراقی مواجه نشدیم. در ۳۰۰ متری داخل خاک عراق متوجه جاده‌ای شدیم که عراقی‌ها ساخته بودند و در جلوی آن به سمت ایران خاکریز بلندی زده بودند که ما نمی‌توانستیم آن جاده را از داخل خاک ایران ببینیم. با این وضعیت خودروهای عراقی بدون آن که دیده شوند، تردد می‌کردند. وقتی در امتداد خاکریز حرکت کردیم، متوجه شدیم که در هر ۲۵ تا ۳۰ متر، یک دستگاه تانک در سنگر مخصوص مستقر شده است. کمی جلوتر با نفربر و انواع سلاح‌های سنگینی مواجه شدیم. حدود هر ۱۰۰ متر یک دستگاه کانکس گذاشته بودند»

۳- اهم حوادث و رویدادها تا ساعت ۱۲۰۰ روز ۳۰ شهریور در منطقه اروندرود

الف- آتش‌باری تأسیسات پایگاه دریایی خرمشهر و وارد کردن خسارت به آن

ب- درگیری در طول ساحل اروندرود به ویژه حوالی خسروآباد

۱. منبع ردیف ۳ ص ۶۴

۲. منبع شماره ۹، ص

ج- درگیری ناوچه‌های عراقی با پاسگاه‌های مرزی در امتداد نهر خین و استقرار در چهار کیلومتری پایگاه دریایی خرمشهر

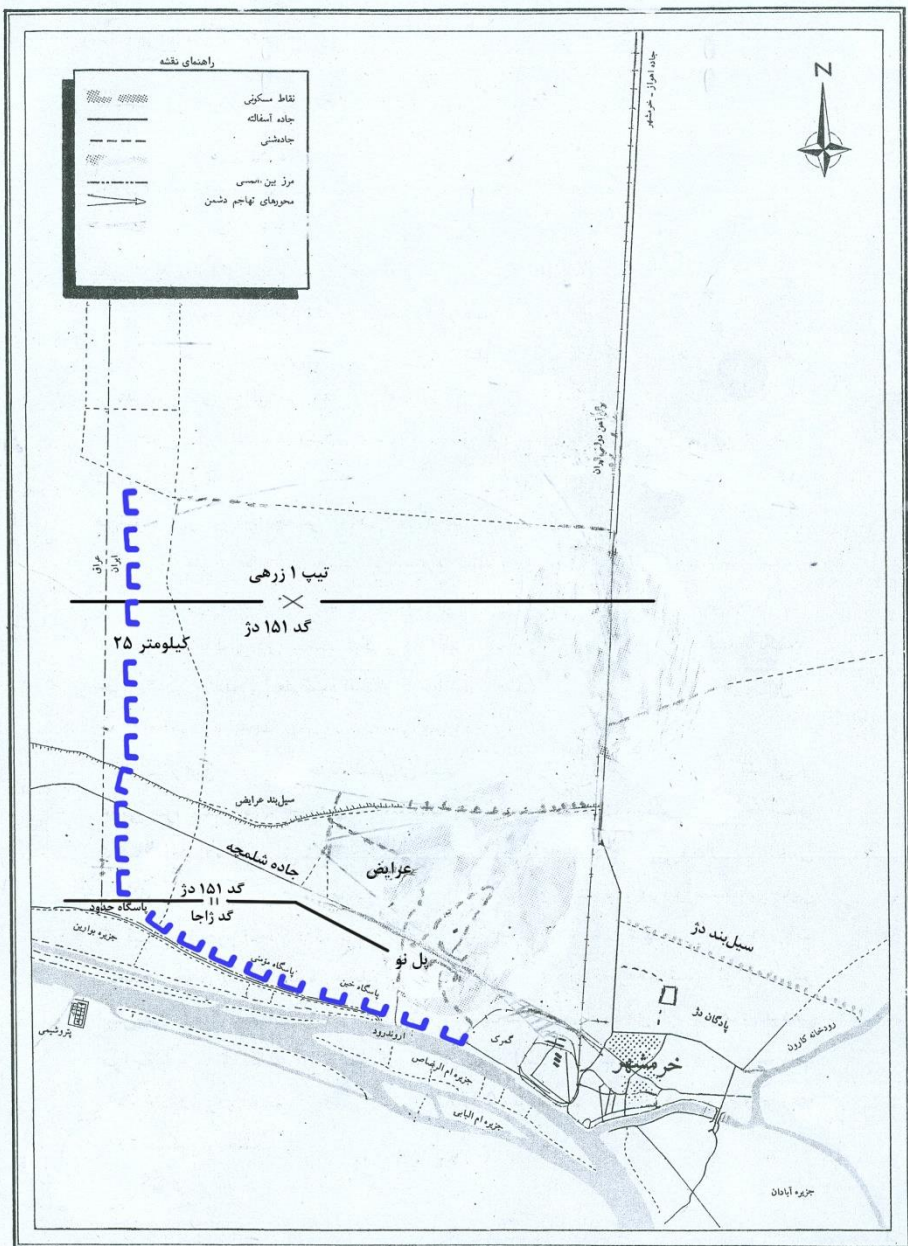
د- آتش‌سوزی در قسمت‌هایی از پالایشگاه آبادان بر اثر اصابت گلوله‌های دشمن.

ه- استقرار ناوچه‌های پایگاه دریایی خرمشهر در دهانه اروندرود در خلیج فارس

وضعیت خرمشهر از نظر حجت‌الاسلام نوری امام جمعه خرمشهر

امام جمعه خرمشهر وضعیت دفاعی منطقه را در آستانه تهاجم عراق، این‌گونه بیان می‌کند:^۱

«ما در خرمشهر نیروی رزمی به جز پادگان دژ نداشتیم که آن هم به خاطر مقدماتی مانند کاهش سرباز و انتقال کارکنان به نقاط دیگر کشور، از نیرو خالی بود. تعداد اندکی پرسنل کادر و تعدادی سرباز مانده بودند. نیروی دیگر ژاندارمری بود که تعدادی پاسگاه در مرز داشت که از نیرو و سلاح لازم برخوردار نبودند. پاسگاه‌ها (دژها) تقریباً خالی بودند و در حملات اولیه دشمن از پای درآمدند. پایگاه دریایی خرمشهر هم که کارش جنگ دریایی است، ناوها را از منطقه خارج کرده بود و وقتی نیروی دریایی ناو نداشته باشد، دیگر نمی‌توان آن را یک نیروی دفاعی به حساب آورد. سپاه خرمشهر هم که احوالش معلوم بود. با این همه وقتی جنگ شروع شد، جز روز اول که سراسیمگی و پریشانی بر مردم حاکم بود، کم‌کم هرکس گوشه کاری را گرفت، بچه‌های سپاه مشغول جنگ بودند، دژبان‌های نیروی دریایی، ژاندارمری و پادگان دژ کمک کردند، ولی همه این‌ها به اندازه یک تیپ نمی‌شدند، تپیی که منسجم نبود و فرماندهی واحدی نداشت.»



نقشه شماره ۳: منطقه پدافندی خرمشهر



بخش پنجم

آغاز تهاجم

تهاجم هوایی

سرانجام برخلاف باور مردم و مسئولین کشور، عراق جنگ را در ساعت ۱۳۰۰ روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ با تهاجم هوایی به ۱۱ شهر، پایگاه هوایی، فرودگاه و نقاط حساس و حیاتی ایران آغاز کرد.

سهم خرمشهر و آبادان از تهاجم هوایی از سایر نقاط کشور بیشتر بود، در این روز این دو شهر دو بار مورد تهاجم هوایی قرار گرفتند، یکبار همزمان با سایر شهرها و بار دیگر در ساعت ۱۶۴۵ همان روز که تخریب فرودگاه آبادان، پالایشگاه بزرگ نفت، تأسیسات گمرک خرمشهر، بندر خرمشهر و آبادان، ترمینال نظامی و مناطق مسکونی پرجمعیت را در پی داشت.

وضعیت شهر در آغاز تهاجم

آخرین روز شهریور ماه آرامش نسبی در شهر برقرار بود، هوا به شدت گرم، کارکنان مؤسسات و ادارات دولتی مانند همیشه در حال ترک محل کار و مراجعت به منازل جهت استراحت بعد از ظهر بودند که ناگهان شهر غرق در آتش و دود ناشی از انفجار گلوله‌ها، بمباران و غرش هواپیماهای ارتش بعثی عراق شد. در یک لحظه آن آرامش نسبی تبدیل به فاجعه شد، مردم سراسیمه به اطراف می‌دویدند، مادران بدون چادر به خیابان‌ها آمده تا کودکان خود را که از مدرسه مراجعت می‌کردند از خیابان‌ها خارج کنند. نیروهای نظامی، انتظامی، بسیجی و سازمان‌های اداری شهر غافلگیر شده و انسجام خود را از دست داده بودند. هر گوشه‌ای از خیابان‌های شهر تعدادی مجروح و یا شهید پراکنده شده بود. خانه‌ها، مغازه‌ها، مخازن نفت و پمپ‌های بنزین در حال اشتعال و مردم وحشت‌زده شاهد فجایع عراق بودند.

هر آن بر شدت آتش در کوی طالقانی و تمامی محله‌های شهر افزوده می‌شد. گمرک خرمشهر زیر بمباران شدید گلوله‌های توپخانه عراق در حال سوختن بود. تعدادی از مردم که

دارای امکانات بودند، سوار بر خودروهای خود راهی شهرهای اهواز و ماهشهر شده و روستائیان غرب خرمشهر به طرف شهر سرازیر شده بودند.

هرکس با هر وسیله‌ای که می‌توانست نسبت به جمع‌آوری مجروحین و شهدا و رساندن آن‌ها به مراکز امدادی و بیمارستان‌ها اقدام می‌کرد. بیمارستان‌ها پس از مدتی کوتاه مملو از مجروحین و پیکر شهدا شده بود.

خبر تهاجم زمینی عراق در شهر بر شدت نگرانی‌ها افزود، جوانان شهر و عناصر بسیجی و نیروهای داوطلب برای جلوگیری از پیشروی دشمن از مرز، عازم شلمچه شده تا نیروهای نظامی را تقویت کنند و آخرین باقیمانده نیروهای نظامی و انتظامی حاضر در پادگان‌ها به طرف مرز شلمچه حرکت کردند.

با فرا رسیدن شب فعالیت انتقال مجروحین و شهدا افزایش یافت، قبرستان‌ها با مشکل دفن شهدا روبرو بودند و هرکس با هر وسیله به حفر قبر کمک می‌کرد. یک دستگاه بیل مکانیکی سازمان آب مشغول حفر قبر بود. خانواده‌ها برای آگاهی از گمشده‌های خود در میان زخمی‌ها و شهدا، آنان را جستجو کرده و در تدفین شهدا به دیگران کمک می‌کردند.

روز اول مهر ماه وضعیت همچنان ادامه یافت، اهالی شهر برای اهدا خون راهی بیمارستان‌ها شدند، بمباران تأسیسات شهری موجب قطع آب، برق، تلفن و غیره شده بود. سازمان‌های دولتی، بانک‌ها، نانوائی‌ها، مراکز خرید به تدریج تعطیل شده و از فعالیت باز ایستادند.

اولویت کلیه فعالیت‌ها در شهر کمک به مجروحین و تخلیه آنان به شهرهای اطراف بود. بیمارستان‌ها با هر وسیله‌ای که موجود بود مجروحین را پس از کمک‌های اولیه از راه زمین به وسیله خودرو و آمبولانس و از راه دریا به وسیله هواناو و در صورت موجود بودن بالگرد از راه هوا تخلیه می‌کردند.

اولویت دوم عبارت بود از جمع‌آوری و تدفین شهدا، مردان و زنانی که مسئولیت تدفین شهدا را به عهده داشتند، اجباراً با حفر گور دسته‌جمعی پیکر شهدا را دفن می‌کردند.

اولویت بعد، تهیه غذا و آذوقه برای مردم و کمک رسانی به خانواده‌ها به ویژه افراد سالخورده و کودکان بود. مساجد، هتل‌ها، رستوران‌ها برای تهیه غذا و رساندن آن به نیازمندان بسیج شدند و بیشترین فعالیت کمک‌رسانی را زنان و دختران به عهده داشتند.

جوانان شهر برای گرفتن اسلحه به پادگان‌ها و مراکز سپاه پاسداران مراجعه تا عازم شلمچه شوند. در این فضای پرآشوب عناصر ستون پنجم دشمن فعال بودند و با دادن نقطه نشانی محل تجمع مردم و فعالیت‌ها را به عراق اطلاع می‌دادند و در کار امدادرسانی اخلال می‌کردند.

سه روز اول جنگ وضعیت داخل شهر همچنان آشفته بود، غرش هواپیماهای عراقی یک لحظه قطع نمی‌شد و شهر متوالیاً از زمین و هوا بمباران می‌شد.

از روز سوم به بعد خروج اهالی از شهر به ویژه زنان و کودکان شدت یافت، تعدادی بدون کفش با پای پیاده، بسته‌ای بر سر و کودکی در بغل، به سمت شهرهای اهواز و ماهشهر در حرکت بودند.

سیل آوارگان، بدون هدف به حرکت ادامه می‌دادند. زنان در حالی خانه‌های خود را ترک می‌کردند که تمامی زندگی خود را باقی گذاشته و تنها سفارش آنان به مردان عبارت بود از مقاومت تا آخرین قطره خون و یادآوری می‌کردند که به دشمن اجازه ندهید خانه‌های امید و زندگی ما را به لانه‌های خفاش تبدیل کنند.

در این مدت مساجد و حسینیه‌ها تنها مرجع کمک به مردم بودند. سازماندهی برای کمک‌رسانی و تسلیح مردان از این مراکز انجام می‌شد و روحانیون و امامان مساجد نقش اصلی را در انسجام نیروهای رزمنده و کمک کننده به عهده داشتند و این شیوه کار تا پایان جنگ همچنان ادامه داشت.

تهاجم زمینی

متعاقب تهاجم هوایی، دشمن با برداشتن سیم‌های خاردار و شکافتن خاکریز پدافندی تهاجم خود را از مرز شلمچه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ در دو محور آغاز کرد.

عملکرد دشمن نشان داد که قصد دارد، در روز اول، خرمشهر را برابر نقشه شماره ۲ محاصره و سپس با نیروی ویژه به داخل شهر نفوذ کرده و آن را در کمتر از سه روز به تصرف درآورد، سپس با عبور از پل خرمشهر وارد جزیره آبادان شده و در ساحل جنوبی بهمن‌شیر به سمت شرق استقرار یابد.

مرحله‌بندی عملیات

به منظور آگاهی بهتر از عملیات خودی و دشمن، مراحل مختلف عملیات در خرمشهر در شش مرحله تشریح خواهد شد.

مرحله یکم: از شلمچه تا نهر عریض (۵۹/۶/۳۱ تا ۵۶/۷/۷)

مرحله دوم: از نهر عریض تا محاصره خرمشهر (۵۹/۷/۸ تا ۵۹/۷/۱۵)

مرحله سوم: ورود به شهر و سقوط پادگان (۵۹/۷/۱۶ تا ۵۹/۷/۲۴)

مرحله چهارم: نبرد در مناطق مسکونی مراکز شهر (۵۹/۷/۲۵ تا ۵۹/۷/۳۰)

مرحله پنجم: ادامه نبرد در مناطق مسکونی شهر (۵۹/۷/۳۰ تا ۵۹/۸/۳)

مرحله ششم: تبدیل خرمشهر به خونین‌شهر (۵۹/۸/۳ تا ۵۹/۸/۴)

هم‌زمان با مرحله سوم عملیات در خرمشهر، عراق با عبور از رودخانه کارون در منطقه مارد در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ پیشروی به سمت آبادان را از شرق کارون آغاز کرد که در بخش ششم تشریح خواهد شد.

مرحله یکم: از شلمچه تا نهر عرایض (نقشه شماره ۴)

(۵۹/۶/۳۱ تا ۵۹/۷/۷)

شرح عملیات

۱- تهاجم لشکر ۳ زرهی عراق

لشکر ۳ زرهی در ساعت ۱۸۱۰ روز ۵۹/۶/۳۱ با اجرای آتش سنگین و بمباران هوایی پیشروی به سمت پاسگاه‌های مرزی را آغاز کرد. مقاومت شدید و آمادگی نیروها در پاسگاه‌های ژاندارمری، نیروهای مهاجم را مجبور به توقف و عقب‌نشینی به مواضع اولیه کرد. با عقب‌نشینی دشمن، اعتماد به نفس نیروهای خودی افزایش یافت و خود را برای نبردی سخت آماده کردند. دشمن مجدداً در شب با برداشتن کامل موانع و شکافتن قسمت‌هایی از خاکریزهای پدافندی، در اولین ساعات مورخ ۵۹/۷/۱ تهاجم گسترده خود را در محور شلمچه آغاز کرد. مقاومت نیروهای مستقر در خط دژ با استفاده از آتش توپخانه و سایر آتش‌های موجود مجدداً نیروهای عراقی را مجبور به عقب‌نشینی کردند. گردان ۱۵۱ دژ بلافاصله با هجوم متقابل، موفق به بازپس‌گیری پاسگاه مرزی شلمچه شد و تعدادی از نیروهای عراق را به اسارت درآورد.

نیروهای مستقر در خط پدافندی دژ از نظر توان فیزیکی قابل مقایسه با دشمن نبودند، آنها در حالی که شاهد فعالیت و صف‌بندی نیروهای زرهی و مکانیزه عراق بودند با استمداد از خداوند متعال و متکی به توان معنوی برتر، آگاهی از کمبود نیرو و نداشتن عقبه مطمئن، با عزمی راسخ آماده شدند در راه انجام وظیفه، حفظ وطن، دین و ارزش‌های اعتقادی از تمامیت ارضی و شرف ملت دفاع و از بذل جان تا آخرین قطره خون دریغ نورزند. نمونه‌ای از روحیه، ایمان و ایثار را می‌توان در اظهارات یکی از فرماندهان دسته تانک احساس کرد. نامبرده به فرمانده گردان دژ چنین اظهار می‌کند:

«جناب سروان قول می‌دهم اگر هزار تانک هم به طرف ما حرکت کنند با همین ۵ دستگاه تانک حسابشان را می‌رسم.»^۱

لشکر ۳ زرهی عراق روز دوم مهر ماه ۱۳۵۹ در دو محور پیشروی را برای محاصره خرمشهر آغاز کرد.

محوریکم - تیپ ۳۳ نیروی مخصوص در جنوب جاده شلمچه برای محاصره خرمشهر از سمت غرب.

محوردوم - تیپ ۶ زرهی در شمال جاده شلمچه و در امتداد سیل بندشمالی به منظور قطع جاده اهواز - خرمشهر و تهدید خرمشهر از سمت شمال.

در این تهاجم دشمن با برخورداری از پشتیبانی شدید توپخانه و پشتیبانی هوایی موفق شد با نفوذ در خط دژ، یگان‌های مستقر در خطوط پدافندی را مجبور به عقب‌نشینی کند.

توضیح اینکه: در یکی از کتاب‌های منتشر شده توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران نیروهای پیشروی کننده را در آغاز تهاجم این‌گونه ذکر کرده است:

«تیپ ۲۶ زرهی به سوی جاده خرمشهر - اهواز و تیپ ۶ زرهی از شلمچه و از محور چپ تیپ ۲۶ زرهی حرکت کردند. گردان دوم تیپ ۳۱ نیروهای ویژه عراق نیز برای نفوذ به داخل شهر عملیات خود را آغاز کرد.»^۱

مطالب فوق به دلایل زیر نمی‌تواند صحت داشته باشد:

الف - تیپ ۲۶ لشکر ۵ زرهی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲ در محور طلایه - اهواز در حال پیشروی بود.

ب - تیپ ۳۱ نیروهای ویژه در تهاجم اولیه شرکت نداشت.

پس از سقوط خط پدافندی دژ، نیروهای ایران ناخواسته در مقابل نیرویی که چند برابر توانایی آنان بود قرار گرفتند و لذا بدون طرح قبلی و به صورت خودجوش و ابتکاری عملیات جنگ و گریز را آغاز کردند.

در این مواقع به علت نامتقارن بودن استعداد طرفین، نیروی ضعیف‌تر اجباراً به گروه‌های کوچک‌تر (۵ الی ۶ نفره) تقسیم شده و با هر میزان توانایی ضمن وارد کردن ضربه به نیروی دشمن با استفاده از تاکتیک کمین، تیم‌های شکار تانک، دستبرد و ... تلاش می‌کردند پیشروی دشمن را به اندازند.

۲- عملکرد نیروهای مهاجم

نیروهای عراقی در هنگام پیشروی و برخورد با کوچکترین مقاومت متوقف و زمین‌گیر می‌شدند. نیروهای زرهی عراق پس از توقف تا احداث مواضع دفاعی توسط مهندسی منتظر می‌ماندند و پس از اجرای آتش سنگین زمینی و هوایی مجدداً اقدام به پیشروی می‌کردند.^۱

این شیوه عمل یعنی توقف و پیشروی دشمن به نیروهای مدافع اجازه می‌داد که خود را بازیافته و برای مقابله آماده شوند. رزمندگان با توجه به عملکرد نیروهای دشمن در تهاجم اولیه به پاسگاه شلمچه و خط پدافندی دژ در سه روز اول و شیوه عملکرد آنان در هنگام پیشروی، تاکتیک جنگ و گریز را به طور خود جوش و سریع طراحی و عمل می‌کردند.

هم‌چنین نیروهای ایرانی با استفاده از فرصت‌هایی که توقف دشمن به وجود می‌آورد با بهره‌گیری از آتش پشتیبانی زمینی و هوایی حداکثر تلفات را به نیروهای عراقی وارد کرده و برای مقاومتی دیگر آماده می‌شدند.

فرماندهان زرهی عراق از توانایی‌های تانک (تحرك، ضربت و آتش) فقط از قدرت آتش در پشتیبانی نیروهای مانوری استفاده می‌کردند و برای نفوذ در عمق از تحرك و ضربت تانک استفاده نمی‌کردند. گروه‌های پیاده‌نظام خودی که مجهز به سلاح‌های سبک و ضد تانک بودند، از ضعف نیروهای زرهی عراق استفاده و با اعزام تیم‌های شکار تانک اقدام به انهدام تانک‌های دشمن می‌کردند.

نیروهای عراق در آغاز تهاجم فاقد روحیه تهاجمی و میل جنگ‌جویی بودند و از تعقیب نیروهای پراکنده و در حال عقب‌نشینی خودداری و از فرصت‌ها استفاده نمی‌کردند. آن‌ها در برخورد نزدیک با نیروهای ایرانی سریعاً دست‌های خود را به علامت تسلیم بالا می‌بردند، به گونه‌ای که در هفت روز اول تعدادی از نیروهای مهاجم به اسارت درآمدند.

عراقی‌ها در تمامی مدت تهاجم به خرمشهر از عناصر اطلاعاتی کارآمد و همچنین اعزام کشتی شناسایی برای جمع‌آوری اطلاعات دقیق و تخصصی استفاده نمی‌کردند و اکثراً به عناصر ستون پنجم (جاسوسان محلی) در خرمشهر و آبادان متکی بودند. عراق با وارد کردن تیپ گارد مرزی نیروهای تک‌ور را به طور مداوم تقویت می‌کرد.

۳- عملکرد نیروهای خودی

الف- گردان دژ، عناصر ژاندرمری و نیروهای مردمی و عناصر باقی مانده از یگان‌های تانک و گردان ۱۶۵ مکانیزه لشکر ۹۲ زرهی موفق شدند با کند کردن پیشروی دشمن از شلمچه تا نهر عرایض (۱۰ کیلومتر) مدت ۷ روز فرصتی برای رده‌های بالا فراهم کنند تا نیروی لازم را از سراسر کشور جمع‌آوری و به منطقه اعزام دارند. بدین ترتیب برنامه زمان‌بندی عراق برای تصرف ۳ روزه خرمشهر با تأخیر مواجه شد.

در این مدت نیروهای مستقر در امتداد نهر خین از پاسگاه حدود تا گمرک خرمشهر که با تهدید زمینی مواجه نبودند، ولی زیر آتش دشمن قرار داشتند با احساس خطر از بسته شدن عقبه خود، الزاماً در امتداد نهر خین به طرف گمرک عقب‌نشینی کرده و خود را به پاسگاه بندر (گمرک خرمشهر) در شرق عرایض رسانده و همراه با سایر عناصر در امتداد نهر عرایض در خط پدافندی مستقر شدند.

نیروهای خودی پس از ۷ روز جنگ و گریز در اولین و بهترین موضع پدافندی موجود یعنی نهر عرایض و نخلستان‌های کناری آن از گمرک خرمشهر تا شمال سیل بند عرایض خط پدافندی تشکیل داده و در آن مستقر شدند.

ب- وضعیت گردان ۲۳۲ تانک

گردان ۲۳۲ تانک با دو گروهان تانک در مقابل پاسگاه کیلومتر ۲۵ در خط دوم مستقر بود. با آغاز تهاجم دشمن، گردان به علت قرار گرفتن در حد فاصل دو محور پیشروی عراق (لشکر ۳ در جنوب و لشکر ۵ در شمال) و قطع ارتباط با گردان دژ و ستاد عملیاتی آبادان، اجباراً با انجام عملیات تأخیری به سمت رودخانه کارون (شرق) مبادرت به عقب‌نشینی کرد. با مسدود شدن راه‌های وصولی به خرمشهر و به منظور جلوگیری از محاصره شدن، گردان از جاده خاکی خرمشهر- اهواز به یگان سازمانی (تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی) در غرب اهواز ملحق شد.

یک گروهان از گردان ۲۳۲ با ۱۰ دستگاه تانک که قبل از آغاز تهاجم عراق جهت تقویت پاسگاه‌های نهر خین اعزام شده بود همراه با سایر نیروهای محور شلمچه به خرمشهر عقب‌نشینی و به نبرد ادامه داد.

در طول آبراه اروند شدت آتش طرفین ادامه داشت و هواپیماهای دشمن همواره نسبت به بمباران مراکز تجمع نیروها و مناطق مسکونی اقدام می‌کردند. در این مدت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی نیز با درخواست و هدایت افسر ناظر مقدم مستقر در ستاد اروند در حد مقدرات پشتیبانی هوایی را انجام می‌داد.

ستاد اروند پس از آغاز درگیری و قطع ارتباطات، کنترل عملیاتی یگان‌ها را از دست داد. لذا مسئولیت فرماندهی منطقه از تاریخ ۴ مهر ماه ۱۳۵۹ به فرمانده ناحیه ژاندرمری خوزستان واگذار و محل ستاد عملیاتی آبادان به هنگ ژاندرمری آبادان منتقل شد.

ورود نیروهای تقویتی

حضور اقشار گوناگون در صحنه‌های مختلف برای کمک، معیاری برای سنجش اتحاد و یگانگی ملت در تنگناهای تاریخی است. در جنگ تحمیلی حرکت نیروهای مختلف از سراسر کشور به سمت جبهه‌ها بدون سازماندهی مناسب و تجهیزات کافی حاکی از عمق وحدت ملی در دفاع از سرزمین و نظام حاکم می‌باشد.

یگان‌های مستقر در مرز شلمچه پس از ۷ روز نبرد و به تأخیر انداختن پیشروی دشمن در نهر عریض وضعیت پدافندی اتخاذ کردند. نیروهای تقویتی، نظامی و غیر نظامی از نقاط مختلف کشور در حال ورود به خرمشهر بودند. عمده‌ترین این نیروها عبارتند از:

۱- دانشکده افسری ارتش

عزیمت دانشجویان دانشکده افسری ارتش نمونه‌ای از اتحاد، وحدت ملی و وفاداری ارتش به انقلاب، مردم و سرزمین باستانی ایران می‌باشد.

دانشکده افسری یکی از مراکز آموزش عالی ارتش است. این دانشکده دارای وظیفه آموزشی بوده و الزامی نیز برای شرکت در جنگ نداشت؛ ولی شرایطی که بعد از انقلاب بر ارتش حاکم بود و در حالی که یگان‌های رزمی با حداقل استعداد و آمادگی رزمی برای مقابله با دشمن در مرزها مستقر شده بودند، آیا می‌توان نیروی نظامی جوان و آماده‌ای را در کلاس درس نگهداشت و برای تقویت جبهه‌ها اعزام نکرد؟

ممکن است عده‌ای نسبت به اعزام دانشجویان دانشکده افسری به جبهه انتقاد داشته و معتقد باشند دانشجویان سرمایه‌های آینده ارتش و جایگزین تلفات کادر فرماندهی ارتش در آینده می‌باشند و نبایستی مانند سربازی ساده از آنان در جبهه استفاده کرد. در پاسخ بایستی گفته شود:

آیا در شرایط اضطراری، به تأخیر انداختن پیشروی دشمن و ایجاد فرصت لازم برای بسیج همگانی و رساندن نیروی کافی به جبهه‌ها ارزش استفاده از نیروی جوان، آموزش‌دیده و آماده را نداشت؟ مسلماً پاسخ به چنین سؤالاتی مثبت است.

فرمانده انقلابی دانشکده افسری با درک شرایط زمان و مکان، خطرات اعزام دانشجویان را پذیرفت و به یکی از کم‌سابقه‌ترین اقدامات در تاریخ جنگ‌های جهان یعنی اعزام دانشجویان دانشکده افسری به جبهه‌ها دست زد.

فرمانده دانشکده بلافاصله پس از تهاجم هوایی عراق، ظهر روز ۵۹/۶/۳۱ برای دانشجویان در سالن اجتماعات (آمفی تئاتر) سخنرانی کرد و با سخنان محکم و شورانگیز آنان را به صحرای کربلا در صدر اسلام برد و ندای «هل من ناصر اینصرنی» سالار شهیدان را خاطر نشان کرد. او اضافه کرد، امروز فرصتی به دست آمده که ما نیز به دین خدا پاسخ دهیم و رهبر انقلاب و کشور را تنها نگذاریم. دانشجویان به درخواست فرمانده پاسخ مثبت دادند و با تکبیر آمادگی خود را اعلام کردند. (به خاطرات تعدادی از دانشجویان، مندرج در پیوست الف مراجعه شود)

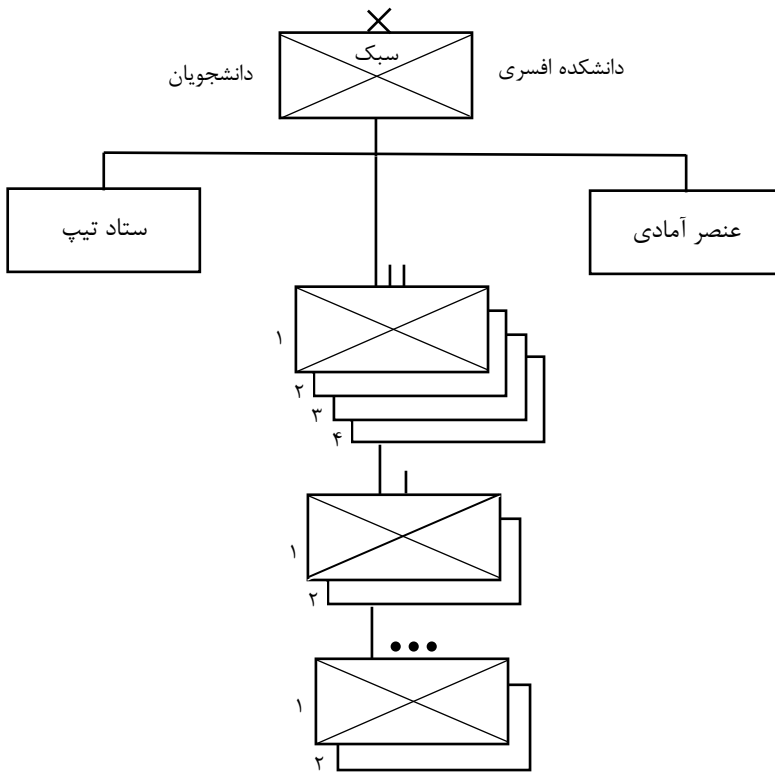
با این اقدام ارتش نشان داد با وجود نارسایی‌ها، کمبودها، نامهربانی‌ها و سوءظن‌های موجود، آماده است، ابراهیم‌وار فرزندان خود را به قربان‌گاه برده و برای دفاع از کشور و آرمان‌های انقلاب پیش‌مرگ ملت بزرگ ایران کند.

نتیجه این اقدام و اعزام به موقع، موجب تقویت نیروها در جبهه خوزستان به ویژه خرمشهر، سوسنگرد و اهواز شد.

دانشجویان بدون توجه به جایگاه علمی خود، در حالی‌که خود را برای جشن فارغ‌التحصیلی آماده می‌کردند تا به درجه افسری نائل گردند، در همان زمان، عزیمت به جبهه‌ها را با درجه سربازی ترجیح دادند. آنان با دارا بودن مدرک لیسانس و داشتن شایستگی فرماندهی بر یگان‌های نظامی، فداکاری در راه میهن را با لباس سربازی کافی دانستند تا الگویی برای سایر اقشار جامعه باشند. آنان طلایه‌داران بسیج در کشور بودند. بدین ترتیب دانشجویان دانشکده افسری نقش ارزنده‌ای در دفاع از خرمشهر و به تأخیر انداختن پیشروی دشمن به مدت ۳۴ روز و دفاع از سوسنگرد ایفا کردند. آنان پس از رسیدن نیروهای نظامی و مردمی از سایر نقاط کشور مجدداً به کلاس‌های درس بازگشتند.

الف - سازمان تیپ دانشجویان

فرمانده دانشکده افسری سرهنگ توپخانه سید موسی نامجوی پس از اعلام آمادگی دانشجویان، دستور سازماندهی را صادر و خود جهت اخذ مجوز و تهیه مقدمات لازم به ستاد مشترک ارتش عزیمت کرد. عناصر ستاد دانشکده با همکاری فرمانده تیپ دانشجویان (سرهنگ ۲ پیاده حسین حسینی سعدی) طرح تشکیل تیپ پیاده سبک را برابر شمای زیر تهیه و ابلاغ کردند.



شمای سازمان تیپ دانشجویان دانشگاه افسری اعزامی به خوزستان

ترکیب تیپ دانشجویان:

۱- گردان‌های دانشجویی از ادغام گردان‌های ۵ و ۶ دانشجویان سال سوم (آماده فارغ‌التحصیلی) و گردان ۴ دانشجویان سال دوم تشکیل شده بودند.

- ۲- استعداد هر گردان ۱۶۰ نفر، استعداد هر گروهان ۸۰ نفر، استعداد هر دانش ۴۰ نفر.
- ۳- عناصر ستاد تیپ از افسران ستاد دانشکده انتخاب شدند.
- ۴- عناصر آمادی از پشتیبانی دانشکده سازماندهی شدند.
- ۵- استعداد تیپ ۷۹۶ نفر شامل: افسر ۴۱ نفر، درجه دار ۲۴ نفر، دانشجو ۷۳۱ نفر.
- ۶- کلیه دانشجویان مجهز به جنگ‌افزارهای سبک شامل تفنگ ژ-۳، تیربار و آرپی‌جی و فاقد جنگ‌افزار سنگین بودند.

ب- حرکت به منطقه خوزستان

پس از تهیه طرح، دانشجویان جهت خداحافظی با خانواده‌های خود به مدت ۲۴ ساعت به مرخصی اعزام و عصر روز یکم مهرماه ۱۳۵۹ با آمادگی کامل در دانشکده افسری حضور یافتند و مشغول سازماندهی شدند. تیپ دانشجویان صبح روز دوم مهرماه با تجهیزات انفرادی جهت بازدید فرمانده دانشکده افسری در میدان صبحگاه آماده شدند. فرمانده دانشکده پس از بازدید و مشاهده روحیه و شوق دانشجویان برای حرکت، پس از آخرین هماهنگی‌ها در ساعت ۱۲۰۰ روز دوم مهرماه یگان‌ها را با اتوبوس به سمت فرودگاه مهرآباد اعزام کرد و رأس ساعت ۱۴۰۰ همان روز (۵۹/۷/۲)، هشت فروند هواپیمای سی ۱۳۰ حامل تیپ دانشجویان به سمت جنوب پرواز و غروب آن روز حدود ساعت ۱۷۰۰ در شرایط وضعیت قرمز در فرودگاه اهواز فرود آمدند. تیپ دانشجویان بلافاصله با اتوبوس‌هایی که از قبل پیش‌بینی شده بود، به پادگان لشکر ۹۲ زرهی عزیمت و در حالی که پادگان لشکر زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار داشت، دانشجویان از اتوبوس‌ها پیاده و پراکنده شدند.

پس از اسکان دانشجویان در نقاط مختلف پادگان، فرمانده دانشکده افسری، فرمانده تیپ دانشجویان و افسر عملیات تیپ (سرگرد علی نیکفرد) با مراجعه به ستاد لشکر، حضور تیپ دانشجویان را اعلام کردند.

قابل ذکر است که فرمانده جدید لشکر ۹۲ زرهی سرهنگ ستاد غلامرضا قاسمی‌نو نیز همراه تیپ دانشجویان به اهواز وارد و هنوز رسماً به لشکر معرفی نشده بود.

پس از توجیه مختصر و آگاهی کامل از وضعیت، از آنجایی که مناطق خرمشهر و آبادان، سوسنگرد و جنوب اهواز تحت فشار شدید دشمن قرار داشت، مقرر شد: صبح روز سوم مهرماه دو گردان دانشجویان به خرمشهر، یک گردان به سوسنگرد و یک گردان به دب حردان (جنوب غربی اهواز) جهت تقویت خطوط مقدم اعزام شوند.

ج- عزیمت به خط مقدم

دو گردان دانشجویی به فرماندهی سرگرد گلشنی و سرگرد پازوکی، روز سوم مهرماه با وسیله نقلیه از طریق جاده اهواز-آبادان به طرف خرمشهر حرکت و آخر وقت آن روز در حالی که زیر آتش شدید توپخانه عراق قرار داشتند وارد خرمشهر شده و در مدرسه شریعتی مستقر شدند. با مراجعه به ستاد عملیاتی ارونند، منطقه مسئولیت گردان‌های دانشجویی به شرح زیر تعیین شد:

- ۱- گردان سرگرد پازوکی در حاشیه غربی شهر از منطقه گمرک تا محور شلمچه و صد دستگاه
- ۲- گردان سرگرد گلشنی در حاشیه شمال غرب و شمال از صد دستگاه تا ساختمان‌های پیش ساخته و پادگان دژ.

با ورود دانشجویان به صحنه نبرد و حرکت به سمت مناطق تعیین شده، یگان‌های دانشجویی تمامیت خود را از دست داده و همچون ماهی در اقیانوس پراکنده شدند، زیرا خط پدافندی مشخصی طراحی نشده بود و وسایل ارتباطی کافی نیز جهت کنترل در اختیار نبود. تنها نقطه نشانی منطقه درگیری، سمتی بود که در آن تبادل آتش زمینی برقرار بود و دانشجویان ناخودآگاه به آن سمت رفته و با سایر نیروها ادغام شدند.

- ۳- عناصری از دو گردان باقیمانده در اهواز و سوسنگرد پس از بحرانی‌تر شدن وضعیت در خرمشهر در تاریخ ۵۹/۷/۱۴ از راه دریا و هوا به فرماندهی سروان اصلانی به خرمشهر وارد و در غرب خرمشهر (منطقه گمرک) مستقر شدند.

دانشجویان پس از تبدیل خرمشهر به خونین‌شهر پس از ۲۴ روز و با ورود نیروهای نظامی، به دانشکده افسری مراجعت و مشغول آموزش شدند. گردان‌های دانشجویی در این مدت با رزم

بی‌امان و تقدیم تعداد ۱۵ دانشجوی شهید به ملت بزرگ ایران، نقش ارزنده‌ای در دفاع از خرمشهر ایفا کردند. چگونگی اجرای عملیات دانشجویان در خرمشهر در مراحل پنجگانه تشریح خواهد شد.

۲- تکاوران نیروی دریایی

برابر گزارش شماره ۹۱۱۲۰ فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱* نیروی دریایی، گردان تکاوران دریایی مستقر در بوشهر به فرماندهی ناخدا دوم هوشنگ صمدی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۶ با مأموریت دفاع از خرمشهر عازم منطقه عملیاتی آبادان - خرمشهر شد.

تصویر متن گزارش نیروی دریایی^۱

فرماندهی نیروی دریایی ۴۲۱
تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۹
شماره: ۹۱۱۲۰
موضوع: لایحه درخواست اعزام تکاوران دریایی (فرماندهی) به منطقه عملیاتی آبادان - خرمشهر

۱- به استحضار می‌رساند که در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۹، تکاوران دریایی ۴۲۱، در منطقه عملیاتی آبادان - خرمشهر، به منظور انجام عملیات دفاعی، اعزام شدند.

۲- لایحه درخواست اعزام تکاوران دریایی ۴۲۱، به منظور انجام عملیات دفاعی، به مراجع ذیصلاح، ارسال گردید.

از طرف فرمانده نیروی دریایی ۴۲۱
[امضاء]

شماره: ۵۹۰۷۰۹۰۷۹
تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۹
موضوع: [موضوع]

سند شماره ۵۹۰۷۰۹۰۷۹ مرکز اسناد دفاع مقدس نداجا

* پس از آغاز بحران در شهریور ماه ۵۹ نیروی دریایی، قرارگاهی بنام «فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱» در ماهشهر برای هدایت و هماهنگی عملیات یگان‌های نیروی دریایی تشکیل داد.

فرمانده گردان تکاور در خاطرات خود عزیمت گردان به خرمشهر را تاریخ ۵۹/۷/۱ اعلام کرده است.^۱

گردان تکاوران از چهار گروهان پیاده تکاور، یک گروهان پشتیبان و یک گروهان ارکان با تجهیزات سازمانی جمعاً به استعداد ۷۰۰ نفر.

گروهان پشتیبانی دارای تجهیزات سنگین شامل موشک‌انداز تاو، تفنگ ۱۰۶م.م، خمپاره‌انداز ۱۲۰ و ۲۸۱م.م و تیربار.

کارکنان گردان را افسر و درجه‌دار پایور (کادر) تشکیل داده که از آموزش‌های ویژه دریایی و ورزشی کامل جسمی برخوردار بودند و پس از حضور در منطقه در پایگاه سوم دریایی خرمشهر مستقر شدند. ستاد عملیات جنوب (اروند) مأموریت گردان را به شرح زیر تعیین کرد.

«مقابله با هجوم دشمن در محور شلمچه - خرمشهر و سد پیشروی آنان به داخل شهر»^۲

ستاد عملیاتی اروند منطقه عملیاتی گردان را در بخش غربی خرمشهر از بندر، گمرک، صدستگاه (ورودی محور شلمچه به شهر) تعیین کرد و یگان‌های گردان در آن منطقه گسترش یافتند.

گردان تکاور در منطقه فوق با عناصر سپاه پاسداران، دانشجویان دانشکده افسری و عناصری از نیروهای داوطلب هوانیروز به صورت ادغامی برای جلوگیری از ورود دشمن به شهر در پناه ساختمان‌ها، آبراه‌های شهری، دیوارهای موجود تشکیل خط پدافندی داد.

گردان پس از استقرار در منطقه واگذاری نقش عمده‌ای در هدایت یگان‌های هم‌جوار خود در به تأخیر انداختن پیشروی دشمن برعهده داشت.

گردان به عنوان یک نیروی برتر نسبت به هدایت سایر نیروهای ادغامی نیز اقدام می‌کرد.

نیروی دریایی در دهه سوم شهریورماه طی امریه شماره ۵۶-۳/۲۱۱۰-۵۹/۷/۲۱ گردان دوم تکاور را از کارکنان گردان آموزشی منجیل، دریافران و گروهان ناویان بوشهر مجهز به

۱. منبع پیشین صفحه ۵۲

۲. منبع پیشین، ص ۵۲

جنگ‌افزارهای سبک به فرماندهی ناخدا دوم داریوش ضرغامی تشکیل داد و در تاریخ ۵۹/۷/۲۲ جهت تعویض گردان یکم دریایی به خرمشهر اعزام کرد. در دستور تعویض اشاره شده بود که فرماندهان گردان یکم همچنان در شغل خود ابقا و به مأموریت ادامه دهند.^۱

گردان تکاور در تمامی مدت با اعزام گشتی و تیم‌های شکار تانک نسبت به انهدام تانک‌ها و به تأخیر انداختن نفوذ دشمن به شهر با استفاده از عناصر سازمانی، نیروهای مردمی و تمامی نیروهای حاضر در منطقه اقدام و خود نیز تلفات زیادی را متحمل شد. تعداد کل شهدای تکاوران در مدت ۳۴ روز نبرد در خرمشهر جمعاً ۲۱۸ نفر شامل:^۲

افسر ۱۷ نفر، درجه‌دار ۱۳۰ نفر، سرباز وظیفه ۷۱ نفر.

۳- نیروهای فدائیان اسلام

هیچ‌گونه سابقه‌ای از حضور فدائیان اسلام وجود ندارد ولی این نیروی ایثارگر با حضور خود توانست کمک فراوانی به رزمندگان به عمل آورد.

حجت‌الاسلام نوری، امام جمعه خرمشهر که برای تهیه تفنگ ژ-۳ به اهواز عزیمت کرده بود، پس از ناامید شدن از دریافت تفنگ ژ-۳ در حالی که در حیات لشکر ۹۲ در فکر تهیه وسایل و جنگ‌افزار بود شخصی به وی مراجعه و اظهار می‌دارد:^۳

«... پس از سلام و احوالپرسی سؤال کرد که شما از خرمشهر آمده‌اید؟ گفتم: بله! گفت: شنیده‌ام تقاضای صد قبضه تفنگ ژ-۳ کرده‌اید؟ گفتم: بله. گفت: اگر به جای صد قبضه ژ-۳، صد نفر ژ-۳ به دست شما بدهند، حاضرید بپذیرید؟ گفتم: نه تنها می‌پذیریم، خیلی هم متشکر می‌شویم، این‌ها چه کسانی هستند؟ جواب داد: ما صد نفر فدائیان اسلام هستیم که از تهران برای شرکت در جنگ آمده‌ایم. خود را مسئول فدائیان اسلام سید مجتبی هاشمی معرفی کرد».

۱. منبع ردیف ۱۷، ص ۵۰۳.

۲. آرشیو نیروی دریایی

۳. منبع ردیف ۹ صفحه ۲۹۳

این گروه پس از حضور در خرمشهر در هتل آبادان مستقر شدند و با رزمندگان خرمشهر همکاری کردند. گروه مزبور در عملیات کوی ذوالفقاری رشادت و شجاعت زیادی از خود نشان داد. آن‌ها نمونه‌ای کامل از نیروهای استشهادی بودند ولی هیچ قید و بندی را نمی‌پذیرفتند.

۴- سایر گروه‌ها

در طول درگیری خرمشهر گروه‌های کوچک دیگری از نقاط مختلف کشور در منطقه حضور یافته ولی با مشاهده شدت درگیری و ازدیاد تلفات منطقه را ترک می‌کردند. برخی از این گروه‌ها عبارتند از:

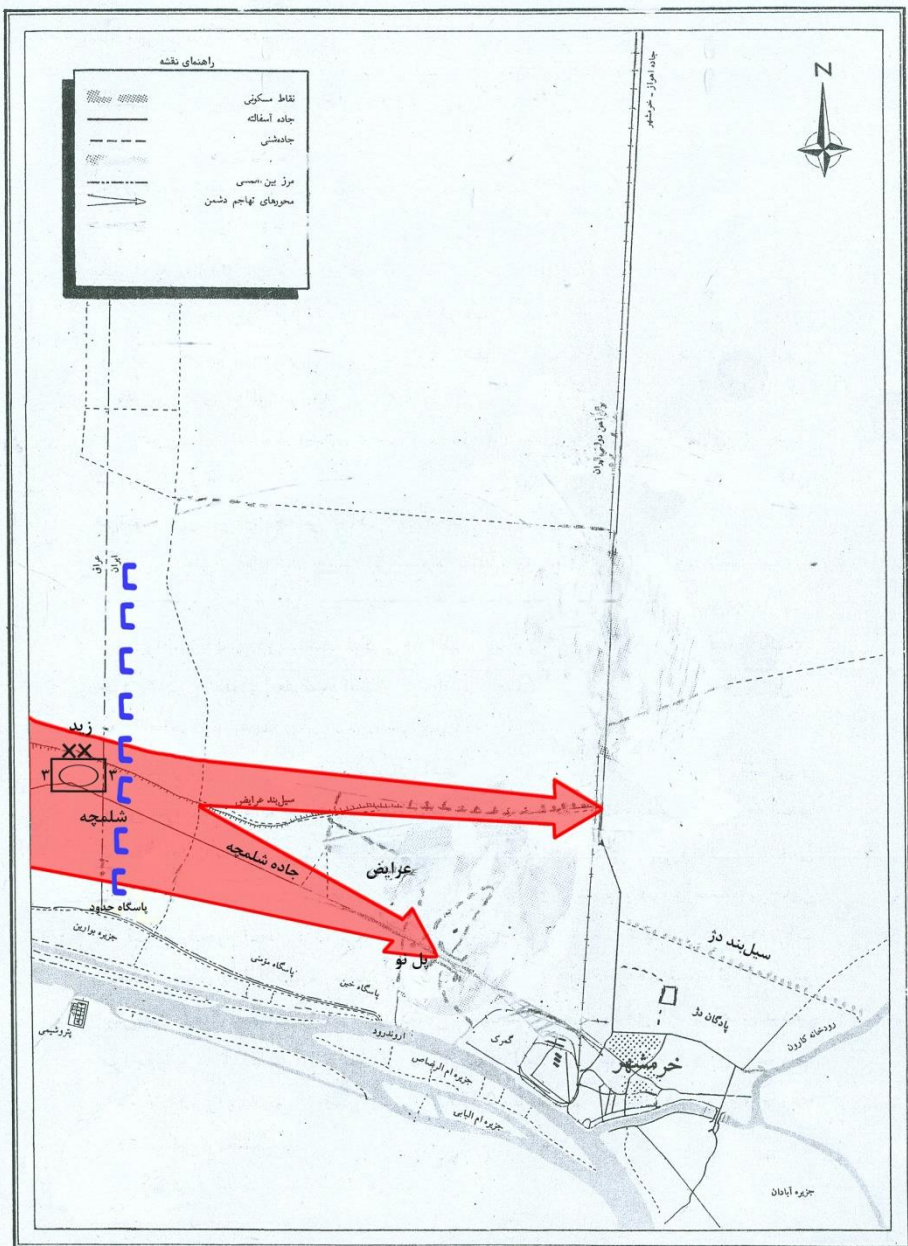
الف- گروه همراه آیت‌الله خلخالی

ب- گروهی از کمیته بازاریان تهران

ج- عشایر لرستان

۵- توافق بین سپاه پاسداران و نیروهای نظامی

برابر توافقی که قبل از آغاز تهاجم در اتاق جنگ بین فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران به طور شفاهی به عمل آمده بود. قرار بود پس از تک عراق، دفاع از مرزها به عهده ارتش و ژاندرمری و در صورت رسیدن نیروهای عراقی به شهر، سپاه پاسداران به همراه مردم دفاع از شهر را به عهده گیرند.^۱ البته این توافق هیچگاه عملی نشد و نبرد به شرحی که خواهد آمد ادامه یافت.



نقشه شماره ۴: مرحله یکم تهاجم عراق



اقدامات سیاسی عراق برای توقف جنگ

شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۶ مهر ماه ۱۳۵۹ اولین قطعنامه خود را درباره جنگ عراق با ایران به شماره ۲۲۴۸ صادر کرد. شورا در این قطعنامه متذکر شد^۱:

«۱- از ایران و عراق می‌خواهد از هرگونه کاربرد بیشتر زور به فوریت خودداری کنند و مناقشه خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل حل نمایند.

۲- از آن‌ها مصرانه می‌خواهد هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجیگری، سازش و یا توسل به نهادهای منطقه‌ای یا دیگر راه‌های مسالمت‌آمیز را بنا به انتخاب خود که اجرای تعهداتشان براساس منشور ملل متحد را تسهیل کند، بپذیرند.

۳- از کلیه کشورهای دیگر می‌خواهد حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و یا گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند.

۴- از کوشش‌های دبیرکل و پیشنهاد وی در مورد مساعی جمیله برای حل این وضعیت پشتیبانی می‌کند.

۵- از دبیرکل درخواست می‌کند که ظرف چهل و هشت ساعت نتایج اقدامات را به شورای امنیت گزارش دهد.»

در پی صدور قطعنامه شورای امنیت، صدام حسین که از رسیدن به اهداف خود در تمامی جبهه‌ها مأیوس شده بود، در پایان روز ششم مهرماه از رادیو تلویزیون بغداد اعلام داشت:^۲

«عراق به هدف‌های نظامی خود دست یافته و اکنون آماده است در صورتی که ایران شرایط عراق را قبول کند، ترک مخاصمه نماید. ضمناً از میانجیگری‌ها و وساطت‌ها برای برقراری صلح استقبال می‌کند.»

۱. منبع ردیف ۲، ص ۱۰۷

۲. منبع پیشین، ص ۱۰۸

صدام هنگامی این اظهارات را بیان داشت که:

نیروهای عراق در ۱۵ هزار کیلومتر مربع از اراضی ایران مستقر شده بودند. ایران در پاسخ اظهار داشت:

«تا یک نفر سرباز عراقی داخل خاک ایران است، هیچ‌گونه آتش‌بسی را مورد توجه قرار نمی‌دهیم».

بدین ترتیب تلاش صدام و شورای امنیت برای متوقف کردن جنگ بی‌نتیجه ماند.

آخرین وضعیت نیروهای خودی و دشمن

۱- نیروهای دشمن

الف- نیروهای دشمن پس از ۷ روز در تاریخ ۵۹/۷/۷ تا نهر عرایض پیشروی و در امتداد نهر عرایض از پاسگاه خین در جنوب تا سیل بند عرایض در شمال متوقف شدند و جهت محاصره خرمشهر از غرب آماده شدند.

ب- نیروی دشمن در شمال خرمشهر جاده اهواز-خرمشهر را قطع و برای ادامه حرکت جهت محاصره خرمشهر از شمال آماده شدند.

۲- نیروهای خودی:

پس از هفت روز نبرد پیشروی دشمن را از مرز تا نهر عرایض به تأخیر انداختند و در شرق نهر عرایض با استفاده از نخلستان‌های حاشیه نهر خود را برای دفاع از شهر آماده کردند.

اهم تحولات مرحله یکم:

- ۱- به تأخیر انداختن پیشروی دشمن از مرز تا نهر عرایض به مدت ۷ روز.
- ۲- تغییر مکان فرماندهی ستاد اروند از پایگاه سوم دریایی به هنگ ژاندارمری آبادان
- ۳- ورود ۲ گردان دانشجویان دانشکده افسری به خرمشهر در تاریخ ۵۹/۷/۴
- ۴- ورود گردان تکاوران دریایی در تاریخ ۵۹/۷/۶ به خرمشهر
- ۵- خارج کردن آتشبار ۱۷۵م.م از خطر محاصره در محور حسینییه و انتقال آن به شرق رودخانه کارون با کمک‌های اهالی دارخوین توسط دوبه برای ادامه پشتیبانی آتش.
- ۶- تقویت نیروهای عراق پس از نزدیک شدن به شهر.
- ۷- تشکیل ستاد نیروهای مردمی در مسجد جامع خرمشهر به منظور سازماندهی نیروها
- ۸- درخواست شرکت نفت برای تقویت پدافند هوایی پالایشگاه با نزدیک شدن خطر انفجار مخازن مواد سمی آمونیاک و پلی‌الکتریل موجود.
- ۹- افزایش فعالیت نیروی هوایی خودی با وجود دفاع سنگینی موشکی و جنگ‌افزارهای ضدهوایی دشمن.
- ۱۰- اقدامات فریبنده عراق در غرب اروند با نشان دادن قصد عبور از اروند
- ۱۱- افزایش شهدا و مجروحین کلیه یگان‌ها و کاهش توان رزمی آنان
- ۱۲- تشکیل گروه‌های خدماتی از بانوان و اهالی خرمشهر و آبادان برای آمادرسانی، مداوا و تخلیه مجروحین و شهدا
- ۱۳- خروج تدریجی اهالی خرمشهر با درخواست نیروهای نظامی
- ۱۴- افزایش مشکلات ارتباط، آمادرسانی و تخلیه و شهدا.

مرحله دوم: از نهر عریض تا محاصره خرمشهر (نقشه شماره ۵)

(۵۹/۷/۱۵ تا ۵۹/۷/۸)

۱- شرح عملیات

پس از شکست تلاش‌های سیاسی عراق برای متوقف کردن جنگ، قرائن نشان می‌داد که نیروهای عراقی قصد دارند برای ورود به شهر از خطوط پدافندی در نهر عریض عبور کنند. ستاد عملیات آبادان با توجه به تحرکات دشمن، به منظور تقویت خط پدافندی نهر عریض و منطقه پلیس‌راه خرمشهر، یک گردان تانک از لشکر ۹۲ زرهی درخواست کرد که با عدم موافقت لشکر به علت درگیری شدید در سایر جبهه‌ها مواجه شد. بنابراین یگان‌های مستقر در شرق نهر عریض و مناطق شمالی بناچار با توان موجود، خود را برای مقابله با دشمن آماده کردند.

نیروهای عراقی در تاریخ ۵۹/۷/۸ با اجرای آتش شدید و عبور از نهر عریض به منظور محاصره شهر از دو منطقه (غرب و شمال) به سمت حاشیه شهر پیشروی کردند و موفق شدند پس از ۳ روز نبرد سنگین در تاریخ ۵۹/۷/۱۰ با استقرار در حاشیه شهر، به شرح زیر محاصره را کامل کنند.

الف- از منطقه غرب در امتداد جاده شلمچه در سه محور به سمت اداره بندر (گمرک)، صددستگاه و ساختمان‌های پیش‌ساخته در شمال غرب خرمشهر.

ب- از منطقه شمال در امتداد جاده اهواز- خرمشهر در سه محور به سمت پادگان دژ، پلیس‌راه و ساختمان‌های پیش‌ساخته.

با پیشروی دشمن در محورهای فوق و نفوذ به اداره بندر، نبرد در داخل بندر، کشتارگاه، پلیس‌راه، دیزل‌آباد به شدت ادامه یافت و بخشی از ساختمان‌های پیش‌ساخته و شهرک صدر به تصرف دشمن درآمد. بدین ترتیب دشمن موفق شد از شمال و غرب به حاشیه شهر نزدیک و رزمندگان را به داخل مناطق مسکونی مجبور به عقب‌نشینی کند.

یکی از شدیدترین مناطق درگیری در این دوره، ترمینال نظامی واقع در شمال غرب خرمشهر بود که رزمندگان موفق شدند با دادن یک شهید و یک مجروح ترمینال را حفظ و ضمن وارد کردن تلفات به دشمن ۲ نفر از آنان را به اسارت درآورند.

عناصر دشمن پس از نفوذ به حاشیه شهر جهت ادامه پیشروی، برخلاف روزهای گذشته، در تاریکی شب به تلاش خود برای پیشروی به داخل شهر ادامه دادند. رزمندگان مدافع شهر نیز با هوشیاری اجازه نفوذ به دشمن را نداده و تلفاتی به آنان وارد کردند.

در طول دوره بمباران هوایی و توپخانه دشمن در سراسر شهر موجب قطع آب و برق و تخریب ایستگاه رادیو تلویزیون و پالایشگاه آبادان شد.

رزمندگان مرکب از عناصر باقیمانده گردان دژ، گروهان ۲۳۲ تانک، گردان ۱۶۵ مکانیزه، عناصر ژاندارمری، سپاه پاسداران، دانشجویان دانشکده افسری و گردان تکاور نیروی دریایی جنگی تمام عیار را با دشمن در حاشیه شهر و نقاط قابل نفوذ آن آغاز کردند و اجازه ورود دشمن را به منطقه کشتارگاه و اداره بندر ندادند.

هر لحظه با افزایش شهدا و مجروحین کمک‌رسانی و تخلیه با مشکل مواجه می‌شد. لازم است یادآوری شود تنها نیرویی که به طور مستقیم و اصولی در خرمشهر فرماندهی و عمل می‌کرد گردان تکاوران دریایی بود که ضمن دارا بودن مهارت در جنگ شهری به هدایت سایر نیروها به ویژه نیروهای مردمی کمک می‌کرد.

آتش توپخانه دشمن روی مناطق مسکونی به منظور ایجاد رعب و وحشت به طور مداوم ادامه داشت. متقابلاً نیروهای خودی به ویژه گردان تکاوران دریایی که از آموزش لازم برخوردار و با تاکتیک جنگ شهری آشنایی داشتند تلاش می‌کردند با کمک سایر رزمندگان به هر میزانی که می‌توانند از پیشروی دشمن به داخل شهر جلوگیری کنند.

اقدامات رزمندگان جلوه‌ای از ایمان، عقیده و عشق به کشور و ملت را نشان می‌داد.

در این مرحله، عملیات در طول شب نیز ادامه داشت و رزمندگان از منازل به عنوان سنگر استفاده کرده و در همان محل به طور نوبتی استراحت می‌کردند، ولی با مسجد جامع که به

یک پاسگاه فرماندهی تبدیل شده بود، ارتباط داشتند. در پایان روز ۵۹/۷/۱۰ دشمن تا نزدیک میدان زندان پیشروی کرد ولی با مقاومت رزمندگان و تکاوران مجدداً به شمال ایستگاه راه‌آهن مجبور به عقب‌نشینی شد.

در پایان روز ۵۹/۷/۱۰ نیروهای دشمن در نزدیکی اداره بندر - درب گمرک (فیلیه) منازل پیش‌ساخته، شمال پلیس‌راه و حوالی پادگان دژ مستقر و ضمن محاصره شهر، خود را برای ورود به شهر آماده می‌کردند. نیروهای خودی نیز با فواصل متفاوت ۲۰۰ الی ۵۰۰ متر با استفاده از خانه‌های مسکونی، دیوارهای تخریب شده و سنگرهای ابتکاری آماده مقابله بودند.

با رسیدن دشمن به حاشیه شهر هنوز هیچ‌گونه تلاشی برای تخلیه هزاران تن کالای موجود در انبارهای گمرک نشده بود، در نتیجه اکثر کالاها بر اثر اجرای آتش، منهدم و یا بعداً توسط عراقی‌ها به غنیمت گرفته شدند. ولی به نیروهای خودی اجازه استفاده از کالای مورد نیاز مانند خودرو، گونی و ... داده نشد!

برادر هادی کازرونیان عضو سپاه خرمشهر اظهار می‌دارد:

«زمانی که درگیری به شهر کشیده شده بود، برای ایجاد سنگر به گونی احتیاج بود. برای گرفتن گونی به بندر خرمشهر مراجعه کردیم که با مشکلات بسیاری مواجه شدیم. همچنین هنگامی که بندر زیر آتش و خمپاره قرار گرفته بود، به علت احتیاج شدیدی که به ماشین داشتیم، برای آوردن چند دستگاه از صدها ماشین تویوتا که در بندر افتاده بود، رفتیم. اجازه ندادند. دعوا کردیم، سر و صدا کردیم، گفتند: فرمانداری باید اجازه بدهد. به فرمانداری زنگ زدیم با آقای قلمکاری صحبت کردیم، گفتند: نمی‌شود. هر چه گفتیم که جنگ است، دارد می‌سوزد، خمپاره می‌خورد، گفت: نمی‌شود. گفتیم: صورت جلسه می‌خواهید، امضاء می‌خواهید، رسید می‌خواهید، هر کاری بخواهید می‌کنیم، قبول نکردند. بالاخره با هزار دردسر یک ماشین از گمرک بیرون آوردیم. بقیه همان‌جا ماندند که یا سوختند یا به دست عراقی‌ها افتادند.»

در این دوره خرمشهر صحنه خونین‌ترین مبارزات مدافعین خود بود، آنها تن به تن با نیروهای عراقی در نبرد بودند تا از ورود دشمن به داخل شهر جلوگیری کنند.

با سقوط تنهاترین و بهترین موضع دفاعی در کناره نهر عرایض، سنگر رزمندگان را خانه‌های مسکونی، گاراژها، انبارها و بناهای موجود در حاشیه شهر تشکیل می‌داد که هر لحظه توسط آتش تانک، توپ و هوایی دشمن در خطر انهدام قرار داشتند.

نیروهای دشمن برای ورود به شهر تانک‌ها را به علت محدودیت حرکت در خیابان‌ها، در حاشیه شهر متوقف کرده، سپس از نیروهای پیاده‌نظام و نیروی مخصوص که برای نفوذ به شهر و جنگ تن به تن مناسب استفاده و آنها را با آتش تانک و توپخانه پشتیبانی می‌کردند.

مقاومت رزمندگان در کلیه صحنه‌ها موجب شد که عراق برای توقف جنگ پیشنهاد مجددی را در تاریخ ۵۹/۷/۹ جهت برقراری آتش‌بس اعلام کند که مورد موافقت ایران قرار نگرفت.

رزمندگان در شرایطی با دشمن به نبرد پرداختند که از طرف رده‌های بالا طرحی نداشته و هدایت نمی‌شدند. آنها با توجه به وضعیتی که در آن قرار می‌گرفتند، اقدامی مناسب برای مقابله با دشمن به عمل می‌آوردند.

نیروهای جدیدی که به صحنه نبرد وارد می‌شدند، سریعاً در سنگرهای خطوط مقدم و محل‌های درگیری پراکنده می‌شدند و تمامیت خود را از دست می‌دادند. صحنه جنگ در خرمشهر به اقیانوسی شباهت داشت که نیروهای وارده نیز بلافاصله پس از ورود، جذب نقاطی می‌شدند که رگبار آتش کالیبر کوچک به گوش می‌رسید. آنها هم‌چون آهنی که جذب آهن‌ربا شود، جذب نقاط درگیر می‌شدند.

۲- هماهنگ کننده عملیات در خرمشهر

با توجه به ویژگی‌های جنگ شهری و وجود نیروهای مختلف و نامشخص و همچنین عدم ارتباط مناسب باستاد اروند درآبادان، هدایت عملیات امکان‌پذیر نبود. لذا مسجد جامع خرمشهر مناسب‌ترین و مرکزی‌ترین محل مناسب برای انجام هماهنگی‌های لازم بود.

در این محل یکی از افسران ارتش بنام سرگرد محمدعلی شریف‌النسب که به طور داوطلب و بدون سیمت رسمی وارد خرمشهر شده بود، به علت مقبولیت و توانایی تهییج و ترغیب رزمندگان و دارا بودن دانش جنگ‌های نامنظم هماهنگی و هدایت نیروها را از هر صنف و گروهی به عهده داشت. او یکی از ارشدترین افسران حاضر در شهر بود که در تاریخ ۵۹/۷/۱۰ وارد خرمشهر شده بود. این افسر شجاع، مدیر، متدین و مؤمن با جمع‌آوری اطلاعات از نقاط مختلف نسبت به تقسیم نیروهایی که در مسجد جامع حاضر می‌شدند، اقدام می‌کرد. هم‌چنین با به کارگیری روحانیون مانند شیخ قنوتی و مسئولین غیر نظامی بر تدارک آب، غذا، مهمات و تخلیه مجروحین نظارت داشت. کلیه فرماندهان یگان‌های نظامی و ژاندارمری و هم‌چنین ژاندارمری با وی همکاری‌های لازم را به عمل می‌آوردند. در حقیقت نامبرده نقش فرمانده پاسگاه تاکتیکی مقدم را در صحنه به عهده داشت.

۳- نقش هوانیروز در خرمشهر

فعالیت هوانیروز در آغاز جنگ در خرمشهر به ترابری فرماندهان و مسئولین به خرمشهر و بالعکس اختصاص داشت. اولین عملیات هوانیروز علیه دشمن در خرمشهر را افسر عملیات دانشکده افسری (سرگرد علی نیکفرد) این‌گونه تشریح می‌کند:

در تاریخ ۵۹/۷/۱۰ نیروی زرهی دشمن در شمال پاسگاه پلیس‌راه خرمشهر، آرایشی تهاجمی اتخاذ کرده بود. در این موقع استاندار خوزستان آقای مهندس غرضی به اتفاق سرهنگ نامجو (فرمانده دانشکده) و فرمانده هوانیروز در حوالی پمپ‌بنزین خرمشهر، در حال بررسی و برآورد وضعیت بودند. با اطلاع از آرایش تانک‌های، به طرف پلیس‌راه رفته و در سنگری مستقر شدند. آقای استاندار گفتند اقدامی به عمل آورید که تانک‌ها عقب‌نشینی کنند.

نگارنده به اتفاق فرمانده هوانیروز موضوع را بررسی و طرحی را برای تهاجم هوانیروز و انهدام تانک‌ها تهیه کردیم. طرح خیلی ابتدایی و عبارت بود از ورود چند فروند بالگرد کبری به منطقه و اجرای آتش علیه تانک‌های دشمن.

فرمانده هوانیروز با بی سیم از نزدیک ترین پایگاه درخواست ۴ فروند بالگرد مجهز به موشک تاو کرد.

پس از ۳۰ دقیقه بالگردها در منطقه حاضر و سینه مال به سمت منطقه استقرار تانکها توسط فرمانده هوانیروز هدایت شدند. آنها با مشاهده تانکهای دشمن از پشت ساختمانهای موجود شروع به تیراندازی علیه تانکها کردند. به محض شلیک تعداد ۸ دستگاه تانک منهدم و بلافاصله بقیه تانکها با عجله عقبنشینی کرده و خود را از تیررس خارج کردند.

با عقب رفتن تانکها و خروج بالگردها، منطقه شدیداً زیر آتش توپخانه دشمن و بمباران جنگندههای عراقی قرار گرفت و مدت ۲ ساعت ادامه داشت. در آن روز پیشروی تانکهای عراقی در آن منطقه متوقف شد و فرصتی برای رزمندگان جهت تحکیم مواضع به وجود آمد.

۴- عملکرد نیروهای ایرانی از دیدگاههای مختلف

مطالعه نمونه‌ای از خاطرات و صحنه‌های ایثار می‌تواند فضای میدان نبرد و عملکرد رزمندگان را در مقابله با دشمن در مرحله دوم مجسم نماید.

الف- صحنه ایثار به نقل از یکی از برادران بسیجی به نام نورانی:

«رزمندگان در محور صد دستگاه به نیروهای دشمن تک کردند و تعدادی از آنان را کشته و زخمی کرده و پس از انهدام چندین تانک از آنان، دشمن شروع به عقبنشینی و رزمندگان به تعقیب آنها پرداختند. در این موقع تعدادی نفربر و نیروهای پیاده به کمک نیروهای دشمن آمدند و با آتش شدید به سوی رزمندگان یورش آوردند.

موقعیت خطرناکی است. تانکها در حال حرکت به سوی بچه‌ها و بچه‌ها هم دست خالی. نورانی فریاد می‌زند: بچه‌ها، برگردید..... عقب‌نشینی کنید.

بچه‌ها خسته و کوفته، شروع به دویدن می‌کنند و تانکهای عراقی هم به دنبال آنها، بچه‌ها آن قدر خسته‌اند که سلاحشان روی زمین کشیده می‌شود. نیم ساعت بعد یک دستگاه

تانک و دو قبضه تفنگ ۱۰۶ خودی نمایان می‌شود. تانک خودی قبل از اینکه متوجه وضعیت شود، با فاصله‌ای کم رو در روی تانک دشمن قرار می‌گیرد. هر دو تانک مردّد مانده‌اند که چه کنند. بچه‌ها به سرعت روی تانک خودی پریده، مسئول تانک را تشویق به حمله می‌کنند تا سرانجام شلیک می‌کند. تانک جلودار منهدم می‌شود. بچه‌ها روحیه تازه می‌گیرند. تفنگ‌های ۱۰۶ نیز در دو طرف جاده ایستاده، آتش می‌کنند. گلوله آرپی‌جی هم می‌رسد. صحنه کاملاً عوض می‌شود. تانک‌های عراقی عقب‌نشینی می‌کنند و بچه‌ها حمله می‌کنند. چند تانک عراقی منهدم می‌شود. نیروهای دشمن صد دستگاه و دوربند را هم تخلیه کرده، پا به فرار می‌گذارند.^۱»

ب- عملکرد ایثار از دیدگاه برادر بسیجی محمد رضا اسکندری (سردار فعلی)

«یکی از ضربه‌های مهلک را دشمن در پل نو خورد و از حرکت باز ایستاد. آن‌جا نیروهای مردمی و ارتش شاهکار کردند و الحق که با چنگ و دندان با دشمن به نبرد پرداختند. گردان دژ علمدار این درگیری‌ها بود و تفنگ ۱۰۶ که الحق معنای اصلی آن در خرمشهر جلوه کرده است و غرش گلوله‌های ۱۰۶ رعشه بر جان دشمن می‌انداخت.»

او اضافه می‌کند:

«ما جنگیدن را خوب بلد نبودیم، مثل شاعری که می‌خواهد شعر بگوید، ولی وزن و قافیه بلد نیست، ولی همان‌طوری که دو تا شاعر نام‌آشنا را هم به شعر گفتن وا می‌دارد، عشق بسیجی و عشق دفاع از میهن ما را بر آن داشت که هم اسلحه یاد بگیریم و هم آرپی‌جی ۷ بزنیم و در کنار رزمندگان قرار بگیریم جنگ ما با عراق در شهر آغاز شد. ما نه ستادی داشتیم، نه سازمان مشخصی، هر کسی مقداری می‌جنگید، وقتی خسته می‌شد، به گوشه‌ای می‌رفت و استراحت می‌کرد. ما با این کار، ترمزی جلوی عراقی‌ها ایجاد می‌کردیم تا نیروی کمکی برسد.»^۲

۱. منبع پیشین، ص ۲۴۷

۲. منبع ردیف ۷، ص ۲۸۶

ج- توان نظامی ایران از نظر «آنتونی کردزمن» تئورسین نظامی

«عراق برای جنگ شهری و مردمی آمادگی نداشت»^۱

«تنها پس از تجاوز عراق آشکار شد که انقلاب ایران از حمایت مردمی گسترده برخوردار است. این جا بود که قدرت آفندی اولیه عراق رنگ باخت، زیرا خود را با ملتی بسیج شده و دارای شور انقلابی مواجه می‌دید که حاضر بود تلفاتی باور نکردنی را بپذیرد. این شور چنان قدرتی را در اختیار ایران قرار داد که از تعداد سلاح‌ها و تیربارانش فراتر رفت.»^۲

د- ستوان یکم قادر شفاهی (سرتیپ ۲ فعلی) یکی از فرماندهان گروهان دانشجویی در خاطرات خود اظهار می‌دارد:

«در شرایطی که وارد نبرد با دشمن شدیم، امکان اعمال فرماندهی از طرف سلسله مراتب وجود نداشت، لذا هر دانشجو فرمانده خود بود و به منطقه‌ای که از روز اول اعزام شده بود با دشمن می‌جنگید. آنها به علت نداشتن هیچ‌گونه تجهیزات ارتباطی با سلسله مراتب و حتی با سنگرهای هم‌جوار خود ارتباط نداشتند. لذا دریافت دستور، ارسال پیام و درخواست نیازمندی‌ها از طریق ارتباط حضوری و یا اعزام امربر پیاده بود.»

ه- خاطره‌ای از عملکرد توپخانه

«صبح روز ۵۹/۷/۹ نیروهای دشمن در شرق و غرب جاده اهواز - خرمشهر به سمت خرمشهر، پادگان دژ پیشروی می‌کردند. آتش سنگین دشمن روی مسیرهای ورودی شهر از جمله پلیس‌راه و پادگان دژ اجرا می‌شد. به درخواست رزمندگان مستقر در محور، دو نفر دیدبان توپخانه در محل حاضر شده و دشمن را تحت نظر داشتند.

یکی از دیدبانان بی‌سیم را گرفته، با همکاری به بالای ساختمان می‌روند و از برادر نورانی (یکی از برادران سپاهی) می‌خواهند همراهی‌شان کند. روی پشت بام نقشه‌ای را باز کرده، با دو قبضه کاتیوشا در جاده آبادان تماس می‌گیرد: از عقاب به شاهین ...

۱. منبع ردیف ۱۲، ص ۱۷۶

۲. منبع پیشین، ص ۲۰۷

پس از دادن گرا و مختصات، درخواست آتش می‌کند. لحظاتی منتظر می‌ماند. خبری نمی‌شود. گواشی را فشار داده با عصبانیت فریاد می‌زند: بابا خرمشهر دارد سقوط می‌کند، می‌فهمید یا نه؟ زود باشید...

طولی نمی‌کشد که یک خط آتش سنگین روی تانک‌های دشمن شروع می‌شود و دود سیاه غلیظی برمی‌خیزد. چنان آتشی اجرا می‌شود که اقدام آن از سوی خودی برای بچه‌ها بی‌سابقه است. به دنبال اجرای اولین خط آتش، دیدبان دوباره تماس می‌گیرد:

- خیلی خوب است. تکرارش کن.

خط دوم آتش کاتیوشا اجرا می‌شود و تانک‌ها را مجبور به توقف می‌کند. خوشحالی بچه‌ها قابل وصف نیست. در همین زمان دو فروند هواپیمای خودی نیز سر رسید و قوای دشمن را بمباران کردند. تانک‌های دشمن شروع به فرار می‌کنند. برادر نورانی پایین می‌پرد و فریاد می‌زند: الله اکبر ... الله اکبر ... عراقی‌ها فرار کردند.

با فریاد او هر کس هر جا پنهان شده بیرون می‌آید. سرباز، بسیجی و پاسدار خارج می‌شوند و با سلاح‌های ژ-۳، ام-۱ و نارنجک دستی تانک‌های عراقی را دنبال می‌کنند. تانک‌ها هم پشت انبارهای عمومی پناه می‌گیرند. بچه‌ها گرسنه و تشنه اما خوشحال در مقابل دشمن سنگر می‌گیرند. خط سر و سامانی به خود می‌گیرد. چند قبضه تفنگ ۱۰۶ توسط نیروهای پادگان دژ و همچنین برادران تکاور و بچه‌های سپاه در خط مستقر می‌شود. درگیری ادامه می‌یابد و یک تانک دشمن منهدم و سه قبضه تفنگ ۱۰۶ خودی نیز مورد هدف قرار می‌گیرد و یکی از برادران شجاع تکاور نیز مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفته، سر از تنش جدا می‌گردد و با شهادت خود، اندوه فراوانی بین رزمندگان به جای می‌گذارد.^۱

۵- گزارش نیروهای خودی از آخرین وضعیت

الف- گزارش نوبه‌ای ۱۳۵۹/۷/۹ ستاد اروند:^۱

«نیروهای دشمن در غرب خرمشهر از پل نو تا پلیس‌راه تا حد غربی رودخانه کارون را با تانک محاصره کرده، در ۷ الی ۱۰ کیلومتری خرمشهر مستقر و با توپخانه سنگین پشتیبانی می‌شوند. از سمت اروندرود نیز خرمشهر و آبادان زیر آتش شدید قرار دارند.

برای رهایی از این وضعیت، لازم است پشتیبانی هوایی صورت گیرد و یک نیروی قوی مکانیزه، حلقه محاصره را بشکند. اگر کمکی انجام نگیرد، سقوط آبادان و خرمشهر و کشته شدن تعدادی از مردم حتمی است».

ب- گزارش واحد اطلاعات سپاه خوزستان از هجوم صبح روز ۵۹/۷/۹:^۲

«صبح نیروهای دشمن از سوی پلیس‌راه، کشتارگاه، گمرک و بندر به داخل شهر نفوذ کردند. شهر در حال سقوط بود و مرتب با توپ کوبیده می‌شد. سکنه چندان در شهر نمانده است. از حدود ساعت ۱۰ صبح، نیروهای خودی با توپ ۱۰۶ و کاتیوشا به تانک‌های دشمن یورش بردند و هشت تانک را نابود و سی نفر را اسیر کردند. روحیه رزمندگان عالی است. آتش-سوزی شدید است. پس از عقب‌نشینی دشمن، توپخانه‌شان همچنان آتش می‌کند. یکی از مشکلات، فقدان فرماندهی سپاه و ارتش است».

۶- گزارش نیروهای عراقی (آخرین وضعیت)

الف- گزارش فرمانده عراقی از روزهای هشتم و نهم مهرماه

«روز ۱۹۸۰/۹/۳۰ م. (۵۹/۷/۸) گردان هشتم (از تیپ ۳۳ نیرو مخصوص)، از دروازه نزدیک قصر شیخ خزعل وارد بندر شد و به کناره شط‌العرب رسید. این گردان در آغاز با

۱. منبع پیشین، ص ۲۳۷

۲. منبع پیشین، ص ۲۳۶

مقاومت ناچیزی روبه‌رو شد. ۲ گروهان از گردان نهم نیز به کمک گردان هشتم آمد. نیروها در مدخل ورودی بندر آرایش گرفته، مستقر شدند تا توجه نیروهای اسلام^۱ را به این محور جلب کنند تا در محور مرکزی تسهیل حرکت به وجود آید. برای بالا بردن روحیه افراد، یک دسته تانک به سوی این محور حرکت کرد و قول حمایت توپخانه هم به آنها داده شد.

از سوی دیگر، دستورهای لازم به نیروها داده شد و کاملاً توجه شدند. فرماندهی و ستاد لشکر را نیز در جریان طرح گذاشتیم که آنان نیز آن را تأیید کردند.

با سر زدن سپیده روز (۱۹۸۰/۱۰/۱ میلادی، ۵۹/۷/۹ شمسی)، طرح به اجرا درآمد و نیروها ۴۰۰ متر در محور مرکزی پیشروی کردند. ابتدا با مقاومتی متوسط مواجه شدند، اما مقاومت در محور بندر بسیار شدید بود و رزمندگان اسلام از سلاح‌های سبک، خمپاره‌اندازهای ۸۱ م، ۱۲۰ م و موشک‌اندازها استفاده می‌کردند.

به فرمانده نیرو اطلاع دادیم که ۶۰۰ متر پیشروی کرده‌ایم. ستاد سیار و کلیه تجهیزات مخابراتی، مهمات و تسلیحات احتیاطی و ذخیره را به گمان این که این محور از امنیت کافی برخوردار است، به یک روستا در سمت چپ جاده در مقابل سردخانه منتقل کردیم، اما ناگهان فرمانده گروهان تانک مجروح شد و با تانک خود عقب کشید و موجب شد باقی تانک‌ها هم نامنظم و شبیه شکست‌خورده‌ها عقب بکشند، در حالی که نیروهای اسلام که ۴۰ نفر با ۲ خودروی مجهز به تفنگ ۱۰۶ م بودند، با مشاهده این وضع، حمله‌ای برق‌آسا را علیه ما آغاز کردند و الله‌اکبر گویان با تفنگ‌های ۱۰۶ به ما تیراندازی می‌کردند.

گروهان نیروی مخصوص که پیشروی کرده بود، با تانک‌های خود به عقب برگشت. حمله رزمندگان ایران باعث شد که نیروهای ما اعم از افسران و درجه‌داران و سربازان پراکنده شوند. ستاد ما نیز به کارخانه آهک انتقال داده شد.

نیروهای ایرانی به محل‌هایی که قبل از عقب‌نشینی در دست ما بود، حمله کردند. نیروهای ما پا به فرار گذاشته و گروهی به پل نو برگشتند. پس از آن که کمی بر اوضاع مسلط

۱. همان‌طور که ذکر شد، فرمانده عراقی در زمان اسارت، با استفاده از یادداشتهای خود، گزارش هجوم به خرمشهر با نوشته است. به کار رفتن «نیروهای اسلام» یا «رزمندگان اسلام» توسط وی به همین خاطر است.

شدیم، به سرگرم کردن روستایی پرداختیم که رزمندگان ایرانی در آن بودند و موفق به متوقف کردن آنها شدیم.

تلفات ما عبارت بودند از ۲۰ کشته، ده‌ها مجروح، ۱۷ اسیر، کشته شدن ۲ افسر و جراحت ۳ افسر نیروهای خط مقدم.

در محور بندر نیز نیروها با مقاومت شدیدی مواجه شدند و پس از اینکه نتوانستند در این محور پیشروی کنند، به تثبیت موضع پرداختند. به تدریج درگیری‌ها آرام گرفت و مواضع تثبیت شد.

از لشکر تقاضای نیروی کمکی برای انجام مأموریت کردیم و گفتیم که نیروهای ما قادر به انجام مأموریت نیستند و اطلاعاتی که از شهر و رزمندگان ایرانی داریم، اشتباه است. آنها روحیه بسیار بالایی دارند. خوب می‌جنگند و پیشروی می‌کنند.

لشکر خواست یگان‌ها را در نقاط فعلی مستقر کنیم تا روز بعد قوای کمکی برسد. قرار شد لشکر با همکاری تیپ ۲۶ زرهی، بخشی از یگان‌های تیپ ۶، گردان پیاده - مکانیزه تیپ ۱۵ مکانیزه و گردان یکم تیپ ۴۹، فردای همان روز برای انجام مأموریت اقدام به عملیات کند.»

ب- گزارش فرمانده عراقی از روز دهم مهر

« (پس از شکست روز گذشته) لشکر ۳ به تیپ ۳۳ دستور داد موضع خود را حفظ کند تا لشکر با نیرویی متشکل از گردان تانک‌الحسین، گردان سوم مکانیزه، تیپ پیاده - مکانیزه و گردان یک پیاده تیپ ۴۹ با پشتیبانی گردان تانک یرموک از تیپ ۶ زرهی، از محلی در نزدیکی یک ساختمان پیش ساخته (صد دستگاه) پیشروی نماید.

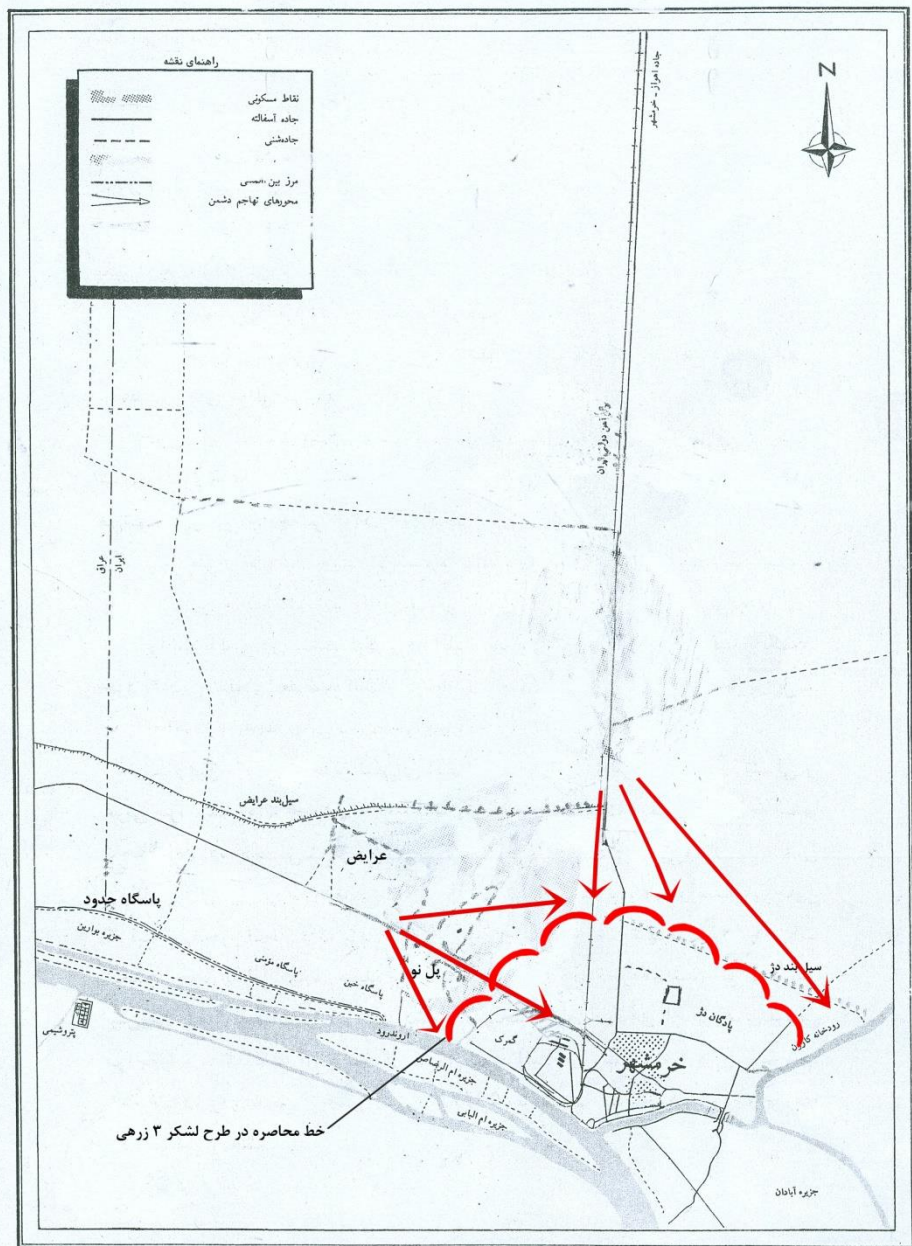
در ساعت ۱۲، نیروها با آرایش زیر حمله خود را آغاز کردند. گردان تانک الحسین در جلو و بعد یک گردان مکانیزه و در پی آن یک گردان پیاده پیشروی کرده تا به این ترتیب نیروهای موجود در شهر را متزلزل کنیم. فکر می‌کردیم شهر به دست نیروهای ما سقوط خواهد کرد، اما دقیقاً عکس این مسئله صورت گرفت. رزمندگان مسلمان اجازه دادند نیروها به شهر وارد شوند و بعد آنها را محاصره کردند و با سلاح سبک و بطری‌های کوکتل موتولوف، بیش از یک سوم

تانک‌های گردان الحسین و بیش از نیمی از خودروهای گردان مکانیزه را منهدم کردند و افرادی از گردان پیاده را کشته و عده‌ای را به اسارت درآوردند.

در ساعت ۱۶۱۵، من به چشم خود دیدم که نیروهای ما در محوری که عمل کرده بودند، شکست خورده‌اند. تانک‌ها و خودروها در وضعیت بسیار بدی این‌جا و آن‌جا دیده می‌شدند. روحیه‌ها بسیار پایین بود. ابتکار عمل از دست فرمانده یگان‌ها خارج شده بود. عده‌ای تا پل نو و عده‌ای به سمت بصره تا شلمچه پا به فرار گذاشتند. با ستون بندر تماس گرفتیم و فهمیدیم که درگیرند.

تانک‌ها و درجه‌داران فراری را در نزدیکی ستاد جمع‌آوری کرده، مواضع را تثبیت کردیم و توانستیم تا حدودی بر اوضاع مسلط شویم و حمله ایرانیان را در مقابل ستادمان متوقف کنیم. تمام اطلاعاتی که لشکر ۳ از نیروهای ایرانی داشت، اشتباه بود. لشکر ادعا می‌کرد که ابتکار عمل را در دست دارد و هماهنگ عمل کرده است، اما واقعیت خلاف آن بود. زیرا تمام نیروها متلاشی شدند. اگر ایرانیان به پیشروی خود ادامه می‌دادند و یک نیروی ذخیره ساده در اختیار داشتند، تمامی یگان‌های ما را منهدم کرده، افراد را به اسارت درمی‌آوردند.

تلفات ما (یگان‌های عراقی) عبارت بود از: انهدام ۲۳ تانک از گردان الحسین، انهدام ۱۷ خودرو از نوع اسکات و -دها کشته و زخمی و اسیر و شکست سایر نیروها»^۱



نقشه شماره ۵: مرحله دوم (محاصره خرمشهر)



مرحله سوم: تلاش دشمن برای ورود به خرمشهر (نقشه شماره ۶/۱)

(۱۳۵۹/۷/۱۵ تا ۱۳۵۹/۷/۱۱)

سابقه جنگ شهرها در تاریخ

برابر اصول جنگ، شهرها از نظر استراتژیکی هدف می‌باشند، ولی از نظر تاکتیکی مانع محسوب می‌شوند. برای تصرف شهر به عنوان یک هدف نیروی مهاجم از ورود به شهر خودداری و تلاش می‌کند، با محاصره شهر و اجرای آتش از زمین و هوا و جلوگیری از ورود و خروج، شهر را مجبور به تسلیم کند. موارد زیر نمونه‌هایی از جنگ شهرها در جنگ‌های گذشته است:

۱- شهرهای روسیه به ویژه مسکو بارها در محاصره نیروهای مهاجم قرار داشت و سرانجام ساکنین مجبور به تخلیه شهر شدند.

۲- شهر ورشو، پایتخت لهستان در جنگ جهانی دوم، مدت‌ها در محاصره کامل ارتش آلمان قرار گرفت و سرانجام بر اثر شدت بمباران، کمبود غذا و دارو مجبور به تسلیم شد.

۳- شهر پاریس پایتخت فرانسه، در جنگ جهانی دوم به محاصره ارتش آلمان درآمد. حکومت فرانسه به منظور حفظ تمامیت شهر به ویژه آثار تاریخی شهر را تسلیم نیروهای ارتش نازی کرد.

۴- در جنگ سال ۱۹۷۳ م. اعراب و حکومت اشغالگر فلسطین (اسرائیل) نیروهای ارتش اشغالگر، پس از عبور از کانال سوئز و محاصره ارتش مصر در غرب کانال سوئز، یک تیپ پیاده را برای تصرف شهر سوئز اعزام کرد. تیپ مزبور بدون توجه به شرایط تاکتیکی وارد شهر شد. در آغاز با هیچ‌گونه مقاومتی مواجه نشد. ولی پس از ورود به مرکز شهر مورد تهاجم نیروهای مصری و مردم مستقر در منازل قرار گرفت. در این جنگ اکثریت تیپ مزبور کشته و یا اسیر شده و فقط تعداد اندکی از آنان موفق به عقب‌نشینی شدند.

وضعیت شهر خرمشهر را نمی‌توان مشابه هیچ یک از موارد فوق دانست، زیرا، ارتش عراق قبل از آغاز تهاجم به خرمشهر فرض کرده بود که: ارتش تضعیف شده ایران سریعاً در مرز

منهدم شده و نیروهای عراقی با استقبال مردم روبه‌رو و بدون درگیری وارد خرمشهر و آبادان خواهند شد و به اهداف خود خواهند رسید. اما، بر خلاف تصور آنان، نیروهای عراقی، با مقاومت شدید ارتش و سایر نیروهای رزمنده با پشتیبانی نیروهای مردمی مواجه شدند و طرح تاکتیکی عراق را تغییر دادند.

به طور کلی عراق بدون توجه به ویژگی‌های جنگ شهری، اصول جنگ و از همه مهم‌تر با فرضیات غلط و بی‌توجهی به صلابت و وفاداری ارتش ایران در حفظ آب و خاک و توان توده‌های مردم، جنگی را آغاز کرد که نتیجه آن وارد آمدن تلفات و خسارات به دو کشور مسلمان ایران و عراق بود.

آخرین وضعیت

پس از محاصره خرمشهر و استقرار نیروهای دشمن در حاشیه شهر، فعالیت دشمن کاهش یافت و به آتش باری و بمباران هوایی محدود شد.

رزمندگان اسلام که توانسته بودند پیشروی یگان‌های زرهی و مکانیزه عراق را تا حاشیه شهر (۱۲ کیلومتر) در زمینی باز و بدون مانع مدت ۱۰ روز به تأخیر اندازند، مسلماً قادر بودند در مناطق مسکونی داخل شهر مشکلات بیشتری را برای دشمن به وجود آورند.

لشکر ۳ زرهی با توجه به مقاومت رزمندگان و مسدود شدن کلیه راه‌های ورودی به شهر تلاش کرد با تقویت تیپ ۳۳ نیروی مخصوص هرچه سریع‌تر خرمشهر را تصرف کند تا بتواند از پل خرمشهر - آبادان (برابر طرح) وارد جزیره آبادان شود. دشمن برای تصرف سریع شهر، ۲ تلاش عمده زیر را به عمل آورد:

۱- لشکر ۳ زرهی در تاریخ ۵۹/۷/۱۳ با تقویت تیپ ۳۳ نیروی مخصوص با یک گردان از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص، یک گردان پیاده و ۴ گردان کماندو تلاش کرد با تصرف کامل اداره بندر و گمرک خود را به قسمت انتهایی گمرک (درب سنتاب) رسانده و با استفاده از جاده کناری رودخانه کارون واقع در قسمت جنوبی شهر به پل خرمشهر - آبادان دسترسی پیدا کند.

تک دشمن با مقاومت شدید رزمندگان شامل نیروهای گردان تکاور نیروی دریایی و سپاه پاسداران، دانشجویان دانشکده افسری مواجه شد و موفقیتی حاصل نکرد و در نهایت در همان روز با دادن تلفات مجبور به عقب‌نشینی شد.

۲ - لشکر ۳ زرهی پس از تعویض یگان‌هایی که دچار تلفات شده بودند، مجدداً تیپ ۳۳ نیروی مخصوص را با گردان ۱ تیپ ۴۹ پیاده تقویت و در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ تلاش کرد از طریق مرکز شهر در چهار محور زیر پیشروی و خرمشهر را به تصرف درآورد:

محور یکم - گردان ۲ تیپ ۱ ن.م در سمت جاده اصلی شلمچه به داخل شهر

محور دوم - گردان ۲ تیپ ۲ پیاده لشکر ۲ در سمت راست محور شماره ۱

محور سوم - گردان ۸ ن.م در سمت راست محور شماره ۲

محور چهارم - گردان ۱ تیپ ۴۹ پیاده در سمت راست محور شماره ۳

ضمناً یگان‌های تک‌ور از پشتیبانی آتش توپخانه لشکر ۳ زرهی برخوردار بودند.

تیپ ۳۳ ن.م در چهار محور فوق در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ پیشروی را آغاز کرد، ولی مجدداً با مقاومت رزمندگان اسلام مواجه و با دادن تلفات مجبور به عقب‌نشینی و استقرار در حاشیه شهر شد.

تشکیل قرارگاه «محمّره»

سپاه سوم عراق با توجه به کندی پیشروی در ۱۰ روز گذشته و عدم موفقیت تیپ ۳۳ ن.م برای ورود به شهر در نهایت برای جلوگیری از تأخیر بیشتر در تصرف آبادان در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ تصمیمات زیر را اتخاذ کرد:

- ۱- مأموریت تصرف خرمشهر را به یک قرارگاه مستقل به نام «محمّره» تحت فرماندهی سرلشکر عبدالرحمن عبدالواحد (مشاور فرمانده سپاه سوم عراق) واگذار کرد.
- ۲- تصرف آبادان را موکول به تصرف خرمشهر نکرد و لشکر ۳ زرهی را مأمور تصرف آبادان از منطقه شرق رودخانه کارون کرد.

چگونگی اتخاذ این تصمیم و فرآیند عبور از کارون در بخش ششم تشریح خواهد شد. سرلشکر عبدالرحمن عبدالواحد فرمانده قرارگاه محمره پس از توجیه در قرارگاه تیپ ۳۳ ن.م علاوه بر یگان‌های تحت امر تیپ ۳۳، یگان‌های زیر را از سپاه ۳ درخواست کرد:

۱- نیروهای جیش‌الشعبی برای کنترل مناطق اشغالی پس از تصرف شهر^۱

۲- تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ زرهی که در این زمان در غرب اهواز متوقف شده بود.

گسترش نیروهای خودی

۱- منطقه غرب و شمال غرب خرمشهر:

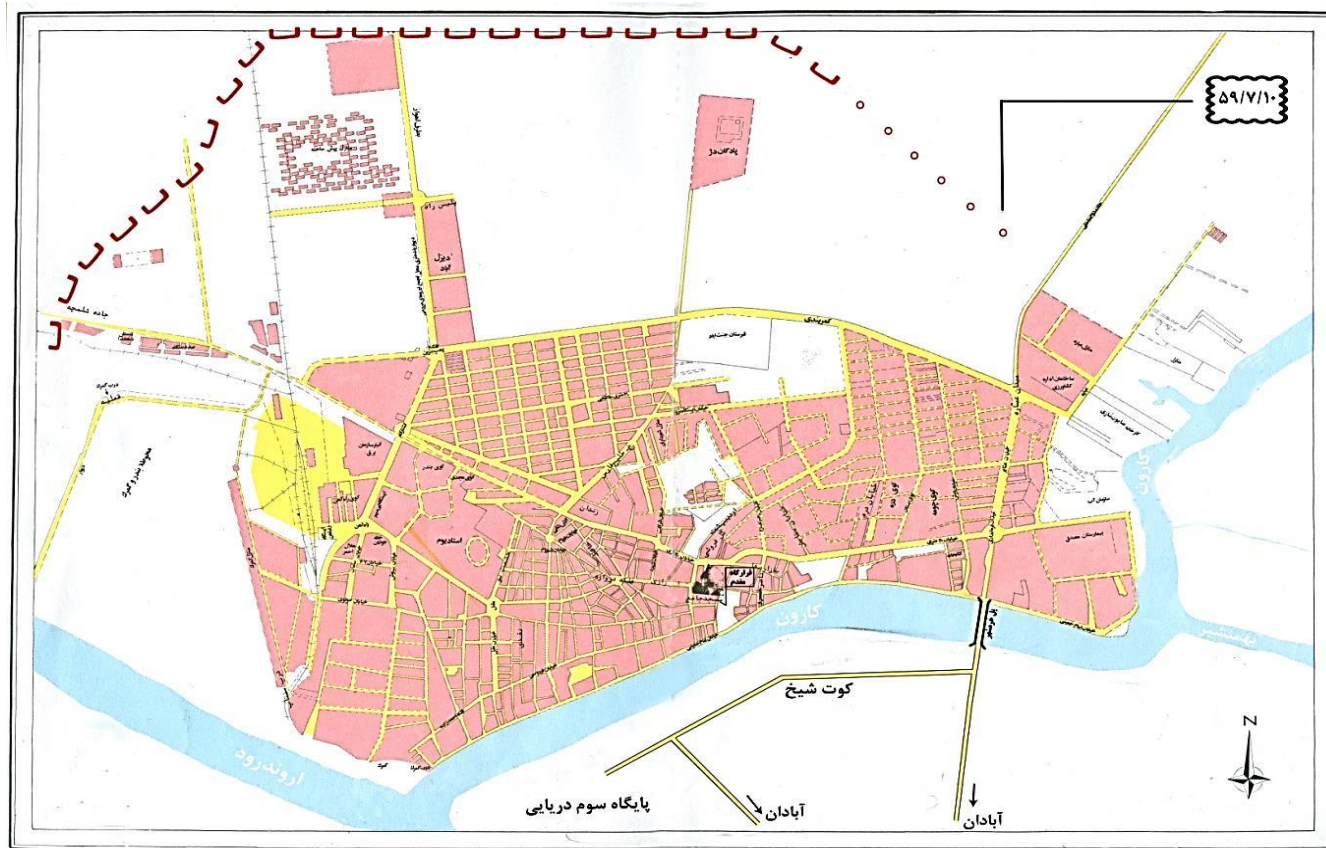
در این منطقه گردان تکاوران دریایی، گردان ۱۶۵ مکانیزه، عناصری از گردان دژ، یک گردان از دانشجویان دانشکده افسری، عناصری از ژاندارمری، سپاه پاسداران خرمشهر، آبادان و آغاچاری، گروه فدائیان اسلام به صورت ادغامی با تشکیل هسته‌های مقاومت در منطقه بندر، محور شلمچه، سیل‌بند عرایض مستقر و آماده نبرد با دشمن بودند.

۲- منطقه شمال و شمال شرق خرمشهر:

در این منطقه عناصری از گردان دژ، یک گردان از دانشجویان دانشکده افسری، عناصری از ژاندارمری و شهربانی، نیروهای مردمی، سپاه پاسداران خرمشهر، یک گروهان تانک‌های گردان ۲۳۲ (۴ دستگاه)، نیروهای مردمی اعزامی از مناطق مختلف کشور به صورت ادغامی در منطقه جاده اصلی اهواز - خرمشهر و جاده خاکی خرمشهر - اهواز با تشکیل هسته‌های مقاومت در ورودی شهر آماده مقابله با دشمن بودند.

نیروهای فوق مجهز به انواع جنگ‌افزارهای سبک و سنگین از قبیل خمپاره‌انداز، تفنگ ۱۰۶، نارنجک و بمب‌های دست‌ساز مانند کوکتل موتولوف بودند و یگان‌های توپخانه و هوانیروز نیز از مدافعین پشتیبانی می‌کردند.

ضمناً در تاریخ ۵۹/۷/۱۱ سرهنگ ژاندارم حسن رضوی فرمانده ناحیه ژاندارمری خوزستان که به دستور ریاست جمهوری به عنوان فرمانده عملیات منصوب شده بود، وارد آبادان شد.



نقشه شماره ۶/۱: مرحله سوم

۲۰۸ / نبرد خرمشهر و آبادان در آغاز جنگ



مرحله چهارم: نبرد در مناطق مسکونی (نقشه شماره ۶/۲)

۵۹/۷/۲۴ تا ۵۹/۷/۱۶

قرارگاه محمّره با سازماندهی جدید و با استفاده از نیروهای ویژه از منطقه غرب و شمال تهاجم خود را آغاز کرد. رزمندگان اسلام با تشکیل هسته‌های مقاومت در اطراف شهر در مناطق حساس آماده بودند با دشمن نبردی سخت را آغاز کنند.

محورهای تهاجم و جریان نبرد

۱- پیشروی دشمن در منطقه غرب خرمشهر

در این منطقه دشمن از ۳ محور در تاریخ ۵۹/۷/۱۶ پیشروی را آغاز کرد:

الف- محور جنوبی به سمت بندر

در این محور گردان ۹ نیروی مخصوص به سمت گمرک (درب فیلیه) با هدف تصرف تأسیسات گمرک پیشروی کرد. منطقه گمرک به علت وجود کالاهای تجاری از اهمیت خاصی برخوردار بود و نبرد در آن مشکلات عدیده‌ای به ویژه آتش‌سوزی و دود را به وجود آورده بود.

دفاع از منطقه بندر و گمرک را تکاوران دریایی، سپاه پاسداران خرمشهر، دانشجویان دانشکده افسری و ژاندارمری بر عهده داشتند. رزمندگان در این منطقه چندین بار نیروهای مهاجم را مجبور به عقب‌نشینی کردند. دشمن پس از هر عقب‌نشینی مجدداً با تقویت و اجرای آتش شدید توپخانه و تانک، دیوارهای گمرک را منهدم و تلاش می‌کردند به منطقه گمرک نفوذ کنند. در نهایت دشمن در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ (پس از ۱۵ روز نبرد) با کمک گرفتن از محور مرکزی موفق به ورود در بخش شمالی محوطه گمرک شده و نیروهای مدافع را به قسمت جنوبی بندر (داخل گمرک) مجبور به عقب‌نشینی کردند.

ب- محور مرکزی ادامه جاده شلمچه - خیابان ۴۰ متری

محور مرکزی به علت امتداد از غرب تا شرق خرمشهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در صورت تسلط دشمن به این محور، ضمن تقسیم شهر به دو قسمت شمالی و جنوبی، دسترسی به پل خرمشهر تسهیل می‌شد. در این محور گردان هشتم نیروی مخصوص و گردان ۲ تیپ ۲۳ لشکر ۸ پیاده مجهز به خودروهای حامل تیربار سنگین با پشتیبانی یک گردان تانک و آتش توپخانه پیشروی را آغاز کردند.

رزمندگان در این محور تا تاریخ ۵۹/۷/۲۰ اجازه ورود به شهر را به متجاوز ندادند. آنان با استقرار در سنگرهای کمین و اعزام تیم‌های شکار تانک و اجرای شبیخون علیه دشمن و استفاده از آتش هوانیروز و نبرد تن به تن دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کردند. دشمن با شدت آتش بیشتر و وارد کردن نیروی جدید در تاریخ ۵۹/۷/۲۴ در پی نبردی خونین تا منطقه کشتارگاه و منطقه راه‌آهن پیشروی و در آن منطقه مستقر شد.

ج - محور شمالی به سمت ساختمان‌های پیش‌ساخته

در این محور یک گردان نیروی مخصوص و یک گردان تانک از شمال سیل‌بند عرایض با هدف محاصره ساختمان‌های پیش‌ساخته واقع در منطقه شمال غرب خرمشهر پیشروی را آغاز کرد. ساختمان‌های پیش‌ساخته به دژی مستحکم توسط رزمندگان برای کنترل جاده اهواز - خرمشهر و غرب خرمشهر تبدیل شده بود. دشمن توانست خود را به ساختمان‌ها نزدیک کرده و آن منطقه را از سمت غرب محاصره کند.

۲- پیشروی دشمن در منطقه شمال خرمشهر

در منطقه شمال خرمشهر، دشمن در ۳ محور غرب، مرکز و شرق جاده اهواز - خرمشهر پیشروی خود را در تاریخ ۵۹/۷/۱۶ آغاز کرد.

الف - محور غربی جاده اهواز - خرمشهر: هدف دشمن از پیشروی در این محور تصرف ساختمان‌های پیش‌ساخته بود که به صورت دژی مستحکم، هرگونه حرکت دشمن را در ناحیه شمال کنترل می‌کرد.

دشمن با یک گردان پیاده و یک گروهان تانک به سمت ساختمان‌های پیش‌ساخته پیشروی را آغاز کرد.

در این ساختمان‌ها یک گروهان از دانشجویان دانشکده افسری، عناصری از گردان دژ، نیروهای مردمی سپاه پاسداران خرمشهر و آبادان، عناصری از ژاندارمری و باقیمانده گردان ۲۳۲ تانک (۴ دستگاه) استقرار داشتند و تنها موضع مستحکم موجود در منطقه بود.

دشمن با اجرای حجم آتش وسیع و بمباران هوایی در روزهای متوالی توانست به این منطقه نزدیک شود و چند بار با مقابله شدید نیروهای مدافع مجبور به عقب‌نشینی شد.

بمباران هوایی موجب تلفات زیادی به نیروهای مستقر در این محل شد و با تضعیف تدریجی نیروهای مدافع، دشمن با کمک نیروهایی که از منطقه غرب (سیل‌بند عریض) به ساختمان‌ها نزدیک شده بودند، توانست ساختمان‌های پیش‌ساخته را در تاریخ ۵۹/۷/۲۳ به تصرف درآورد.

ب- محور مرکزی جاده اهواز - خرمشهر: هدف دشمن در این محور از بین بردن مقاومت‌های موجود در پلیس‌راه و دیزل آباد و رسیدن به پمپ بنزین خرمشهر بود. دشمن در این محور با کمک یک گردان نیروی مخصوص و یک گردان تانک پیشروی را آغاز کرد و پس از ۵ روز توانست به پلیس‌راه نزدیک شود ولی بر اثر پاتک رزمندگان مجبور به عقب‌نشینی به مواضع اولیه در ۶ کیلومتری شمال پلیس‌راه شد.

نیروهای خودی در این محور عناصری از ژاندارمری، دانشجویان دانشکده افسری، گردان دژ و نیروهای سپاه پاسداران خرمشهر بودند که با ایجاد سنگر و استفاده از ساختمان‌های موجود، تلاش داشتند از نزدیک شدن دشمن جلوگیری کنند.

یکی از شدیدترین نبردها در این مرحله به منظور بستن دروازه اصلی خرمشهر و اجازه ندادن به دشمن برای ورود به شهر در منطقه پلیس‌راه در جریان بود و نیروهای طرفین تلفات زیادی را متحمل شدند.

دشمن روزانه با اجرای آتش شدید توپخانه و تانک و بمباران هوایی، مقاومت رزمندگان را کاهش داد و پس از ۶ روز نبرد توانست در تاریخ ۵۹/۷/۲۲ منطقه پلیس‌راه و دیزل آباد را تصرف و در شمال پمپ بنزین مستقر شود. نیروهای خودی در منطقه پمپ بنزین در امتداد خط کمربندی در شمال شهر مواضع جدیدی را سازماندهی کردند تا از ورود دشمن به مناطق مسکونی (کوی طالقانی) جلوگیری کنند.

ج - محور غربی جاده اهواز - خرمشهر: هدف دشمن در این محور تصرف پادگان دژ و رسیدن به رودخانه کارون در شرق خرمشهر بود. در این محور دشمن با به کارگیری یک گردان از تیپ ۲۳ لشکر ۸ و گردان تانک الحسین لشکر ۵ زرهی پیشروی به طرف پادگان دژ و قسمت شرقی شهر را آغاز کرد.

دشمن در تاریخ ۵۹/۷/۱۷ تا سیل‌بند دژ واقع در ۴۰۰ متری شمال پادگان پیشروی و تلاش کرد با استفاده از آتش پشتیبانی تانک و توپخانه به پادگان نفوذ کند. در این زمان عناصری از نیروهای مردمی سپاه پاسداران و دانشجویان دانشکده افسری، نیروهای باقیمانده گردان دژ، پادگان را تقویت و با اجرای آتش متقابل توانستند از پیشروی دشمن جلوگیری و آنان را مجبور به عقب‌نشینی کنند.

دشمن در شب ۵۹/۷/۱۷ با اعزام عناصر کماندو به داخل پادگان تعدادی از عناصر مدافع پادگان از جمله سرگرد کبریائی رئیس رکن سوم گردان دژ را که شخصاً با تعدادی از نیروهای باقیمانده از پادگان دفاع می‌کردند، به شهادت رسانده و از پادگان خارج شدند. دشمن با اطلاع از استعداد مدافعین پادگان، آماده پیشروی به سمت پادگان و رودخانه کارون در شرق شهر شد.

مسجد جامع شهر با آگاهی وضعیت خطرناک پادگان دژ تعدادی از نیروهای مردمی و دانشجویان دانشکده افسری را مجدداً برای تقویت پادگان اعزام کرد. هم‌زمان کلیه عناصر پادگان دژ که در نقاط مختلف شهر در حال نبرد با دشمن بودند، با آگاهی از وضعیت پادگان، خود را برای حفاظت از پادگان دژ به آن محل رساندند. تقویت پادگان موجب به تأخیر انداختن پیشروی دشمن گردید.

سرانجام در روز ۵۹/۷/۲۴ دشمن با اجرای آتش سنگین، هجوم خود را از سمت شمال و غرب پادگان آغاز کرد. در این زمان ۱۹ نفر از عناصر گردان دژ که مسئولیت حفاظت از پادگان را به عهده داشتند با یکدیگر قسم یاد کردند که تا آخرین نفس مقاومت را ادامه دهند.

نیروهای دشمن از شمال، غرب و شرق وارد پادگان شده و آخرین مدافعین را با جنگ تن به تن به شهادت رساندند و سپس سریعاً به طرف جنوب حرکت و در خط کمربندی واقع در شمال قبرستان جنت‌آباد، مستقر شدند و در ادامه در شرق خرمشهر موفق به تصرف اداره کشاورزی و کارخانه صابون‌سازی شده و ضمن مسدود کردن جاده قدیم خرمشهر - اهواز در غرب رودخانه کارون مستقر شدند.

پس از استقرار دشمن در جاده کمربندی، قرائن و شواهد نشان می‌داد که دشمن قصد دارد در شب پیشروی را به داخل شهر ادامه دهد.

یکی از گردان‌های نیروی مخصوص که خود را به خیابان ۴۰ متری رسانده بود، به محاصره رزمندگان درآمد. گردان محاصره شده با اعزام نیروی کمکی و پشتیبانی آتش توپخانه و تانک‌های مستقر در خط کمربندی توانست با دادن تلفات به شمال خیابان ۴۰ متری عقب‌نشینی کند. بدین ترتیب دشمن در پایان روز ۵۹/۷/۲۴ در خط کمربندی خرمشهر مستقر و آماده ورود به مناطق مسکونی متراکم مرکز شهر شد.

سرهنگ ستاد حسین‌الربیعی فرمانده گردان یکم تیپ ۲۳ که در تهاجم به پادگان دژ شرکت داشت پس از اسارت اظهار می‌دارد:

«الحق و الانصاف باید گفت کسانی که در پادگان دژ مستقر بودند، با شجاعت هرچه تمام‌تر در برابر نیروهای ما از خود مقاومت نشان می‌دادند.»

با اعلام عبور دشمن از رودخانه کارون در مورخه ۵۹/۷/۱۹، رزمندگان خرمشهر خود را برای نبردی سخت‌تر و بدون رسیدن هرگونه کمکی آماده کردند. آنان با خروج ساکنین باقیمانده در شهر از کمک‌رسانی غیر نظامیان نیز محروم شده بودند.

روایت رزمندگان از صحنه‌های ایثار^۱

۱- برادر بهروز قمصری جمعی سپاه پاسداران خرمشهر صحنه درگیری را این چنین بیان می‌کند:

«برای ورود به ساختمان گمرک، تک تیراندازان عراقی و تانک‌های دشمن اجازه پیشروی رزمندگان را نمی‌دهند. در این اثنا چهار نفر از دانشجویان دانشکده افسری می‌رسند.

- ما آرپی‌جی زن هستیم. آنها را می‌زنیم. فقط نشان بدهید کجا هستند.

- وضعیت طوری است که نمی‌شود جلو رفت.

با اصرار دانشجویان، برادر نورانی آنها را همراهی کرده، در همان نزدیکی، پشت یکی از وسایل راه‌آهن مخفی می‌شوند. یکی از پنجره‌هایی که عراقی‌ها از آنجا روی بچه‌ها آتش می‌ریزند به یکی از دانشجویان نشان داده می‌شود. او هنوز سرش را بالا نبرده که گلوله‌ای به سینه‌اش اصابت کرده، نقش بر زمین می‌شود. یکی دیگر از برادران دانشجو نیز در حالت بلند شدن، دو گلوله به پا و دستش اصابت می‌کند. تک تیراندازهای عراقی امان نمی‌دهند. هرکس بلند می‌شود، او را با تفنگ دوربین‌دار می‌زنند. بچه‌ها حیران مانده‌اند. اقدام دو برادر دیگر دانشکده افسری برای کمک و کنار کشیدن دو مجروح نیز منجر به تیر خوردن خودشان می‌شود. از چهار دانشجوی افسری، یکی شهید و سه نفر دیگر مجروح و ناتوان

روی زمین افتاده‌اند. سرانجام با اقدام شجاعانه برادر نورانی که در حین به دوش کشیدن یکی از مجروحان، به سمت پنجره نیز تیراندازی می‌کند، مجروحی را که از بقیه سالم‌تر است، از تیررس دشمن دور می‌سازد. سپس با پشتیبانی آتش متمرکز بچه‌ها روی پنجره، شهید و دو مجروح دیگر نیز از معرکه خارج می‌شوند.»

۲- بهروز مرادی یکی از درگیری‌های روزهای بعد را در گمرک، چنین تشریح می‌کند:

«چند نفر به گمرک رفتیم. دشمن تلاش می‌کرد ساختمان مرکزی را اشغال کند، اما بچه‌ها به شدت مقابله می‌کردند. ما به راه ادامه دادیم. به در سنتاب که رسیدیم، صدای حرکت تانک شنیدیم. سرک کشیدم. دیدم تانک‌های عراقی از طریق در سنتاب، قصد ورود به شهر را دارند. در حالی که سنتاب جایی بود که ما به حفظ آن دلگرم بودیم. تیربار تانک جلودار با آن که کسی جلوییش نبود، رگبار می‌زد و جلو می‌آمد. بی آن که متوجه باشیم، محاصره شدیم. یا باید خود را به اروند می‌انداختیم که دشمن بر آن هم مسلط بود یا به نحوی ۵۰۰ متری از جلوی آنها رد می‌شدیم. علاوه بر ژ-۳، ده، دوازده تا نارنجک خودی و عراقی توی پیراهن داشتیم، طوری که پیراهنم باد کرده بود و اگر یک تیر می‌خوردم، منفجر می‌شدم. به هر یک از دو همراهم، چهار نارنجک دادم و به آنها یاد دادم که چه طور ضامن آن را بکشند و به طرف دشمن پرت کنند. گفتم آخری را هم نگه دارند که با آن خود را تکه تکه کنند تا اسیر نشوند. بعد نارنجک را در پنبه‌ها، لاستیک‌ها و جعبه‌ها انداختیم که آتش گرفت و دود سیاسی بلند شد. در حالی که صد متر با عراقی‌ها فاصله داشتیم، در پوشش دود به سرعت از جلوی عراقی‌ها رده شده، پشت دیوار قرار گرفتیم. هنوز نفس نفس می‌زدیم که پشت سر خود وانتی را دیدیم که برای بچه‌های درگیر، غذا برده بود و داشت برمی‌گشت بی آن که متوجه دشمن باشد. هرچه اشاره کردیم، تفنگ‌هایمان را تکان دادیم، پیراهنمان را پاره کرده تکان دادیم، متوجه نشد و ناگهان رو به روی دشمن قرار گرفت. وانت را به رگبار بستند. راننده تیر خورد. همایون عباسی خود را در آب انداخت، ولی بچه‌های عقب وانت همه تیر خوردند و بعد هر هفت نفر با یک

گلوله آریبی جی به شهادت رسیدند. با این حساب بچه‌های درگیر در گمرک همه قتل عام شدند. خود را به در دیگر گمرک رساندیم. در آنجا تعدادی از بچه‌های سپاه و عده‌ای از مردم و چند سرباز بودند. شروع کردم به داد و فریاد، می‌لرزیدم، گریه می‌کردم و می‌گفتم: بچه‌ها را کشتند. به جهان‌آرا بی‌سیم بزنید بگویند دارند بچه‌ها را قتل عام می‌کنند. بگویند نیرو بفرستید.

با بی‌سیم بچه‌ها، سرگرد شریف‌النسب با یک موشک تاو و یک تفنگ ۱۰۶ و تعدادی سرباز آمد. او مرا می‌شناخت. جریان را گفتم و با هم حرکت کردیم. عراقی‌ها وارد شده، به ترمینال نظامی رسیده بودند. با نشان دادن نقطه تجمع نیروهای دشمن، تفنگ ۱۰۶ شلیک شد و بخشی از قوای دشمن را منهدم کرد. در ادامه بایستی عراقی‌ها را پاکسازی کرده، به بچه‌های درگیر در نزدیکی فیلیه می‌رسیدیم. چهار نفر از جلو و چهل، پنجاه نفر در فاصله سی متری روی آسفالت به حرکت درآمدند. هنوز راه زیادی نرفته بودیم که رگبار دشمن شروع شد و پی بردیم که تعدادی از نیروهای دشمن پشت بسته‌های کالا، تراکتورها و ماشین‌های گمرک مخفی شده‌اند و ما در چند متری آنها قرار گرفته‌ایم. چهار نفر پیشرو روی زمین دراز کشیدیم. هیچ پناهگاهی نبود. نارنجک تفنگی که آماده شلیک بود، به عراقی‌هایی که پاهایشان مشخص بود نشانه رفتیم که رگبار دیگری آمد و دو نفرمان را مجروح کردند. با رگبارهای بعدی هر چهار نفر ایستادیم. سه نفرمان شهید شدند. جای درنگ نبود. سینه‌خیز رفتیم. با آتش نیروهای پشت سر روی دشمن، مقداری خودم را کشیدم، ولی تیر دیگری به شاهرگم خورد و افتادم و از ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر تمام خون بدنم رفت، طوری که در حال مرگ بودم. ساعت ۴ با تسلط نیروهای خودی، ما را از زیر آتش خارج کردند، ولی وسیله‌ای برای بردن ما به بیمارستان نبود، تا این که یک جیب ۱۰۶ آمد. آنها را که جان داشتند روی آن انداختند و به بیمارستان بردند. در بیمارستان آبادان دکتري بود که ۴۸ ساعت خوابیده بود. متخصص بیهوشی هم نبود. فقط یک مرفین می‌زدند که درد کم شود. پنبه‌ای می‌گذاشتند توی دهان مجروحان که کمتر فریاد

بزند. پهلوی مرا پاره کردند، فشنگ را درآوردند و شروع به دوختن کردند، در حالی که از شدت درد فریاد می‌زدم.

پس از چند روز از استقرار نیروهای اعزامی در محور مرکزی و مقابله آنها با هجوم دشمن و در پی تقویت قوای عراقی در این محور و سنگین تر شدن حملات آنها، به سروان پازوکی که فرمانده نیروهای دانشکده افسری بود، دستور عقب‌نشینی داده شد و علت آن هم اجرای آتش کاتیوشا در این محور ذکر گردید. در پی این دستور، نیروهای مستقر در صد دستگاه و اطراف آن تا کشتارگاه، (تقاطع جاده شلمچه و جاده خرمشهر - اهواز)، به عقب برگشتند و منتظر اجرای آتش شدند. ولی نه تنها خبری نشد، بلکه طولی نکشید که نیروهای عراقی صد دستگاه را به اشغال درآوردند و پیشروی را ادامه داده، پشت خط آهن مستقر شدند و تیراندازی به سوی کشتارگاه را شروع کردند. به این ترتیب عراقی‌ها بی هیچ درگیری، یک قدم اساسی به سوی شهر برداشتند.

۳- بهروز مرادی از چگونگی نفوذ دشمن در محور مرکزی به مدخل شهر اظهار می‌دارد:

«شب را در اولین خانه‌هایی که بعد از خط آهن قرار دارد، گذراندیم. دشمن که در سرحانیه مستقر بود، با روشن شدن هوا، هجوم خود را آغاز کرد. دشمن با خمپاره‌انداز، تیربار کالیبر ۵۰ و توپخانه آتش می‌ریخت. ما هر لحظه تلفاتمان بیشتر می‌شد. گلوله‌های ژ-۳ و آرپی‌جی ما به آنها نمی‌رسید و مجبور بودیم اجازه بدهیم دشمن جلو بیاید و بعد با او درگیر شویم. برای همین در خانه‌های کوی بندر، روبه‌روی کشتارگاه کمین کردیم. از آنجا می‌دیدیم که نیروهای دشمن از پشت کشتارگاه وارد کوی طالقانی می‌شوند، بی آن- که کاری از دست ما ساخته باشد. در این حین سرگرد شریف‌النسب و سرهنگ حجازی را دیدم. سرگرد شریف‌النسب گفت: بچه‌ها باید بروند کشتارگاه و خانه‌های اطراف را از دست دشمن خارج کنند. از خصوصیات او این بود که هیچ‌وقت دستور عقب‌نشینی نمی‌داد، همیشه حرف دل ما را می‌زد و دستور حمله می‌داد. هیچ‌وقت اسلحه به کمر نمی‌بست و همیشه بین بچه‌ها راه می‌رفت و آنها را راهنمایی می‌کرد.»

۴- خاطره از برادر همایون سلطانی فر عضو سپاه پاسداران خرمشهر:

«از نیروهایی که در جنگ خرمشهر نقش مهمی بازی کردند، برادران دژبانی نیروی دریایی خرمشهر به سرپرستی شهید موسوی‌نیا و ستوان خلیلیان بودند که با جمع‌آوری نیروهای پراکنده ارتش به مقابله با دشمن می‌پرداختند. یک بار هم به دشمن شبیخون زدند و اسیر شدند، ولی برادر خلیلیان موفق به فرار شد. ایشان یکی از مؤمن‌ترین و متعهدترین نیروهای ارتش بود که قبل از انقلاب با بچه‌های انقلابی شهر کار می‌کرد و بعد از انقلاب هم فعالیت و تلاش زیادی کرد. از روزهای اول انقلاب شروع به آموزش بچه‌ها کرد و در مقابله با اقدامات ضد انقلاب در خرمشهر زحمات بسیاری متحمل شد.»

نقش مسجد جامع در هدایت رزمندگان

با توجه به تعدد گروه‌های مختلف رزمنده در خرمشهر، هماهنگی و هدایت توسط ستاد عملیات آبادان، مشکلات فراوانی را ایجاد کرده بود. اقدامات هماهنگی اکثراً توسط مسجد جامع خرمشهر که نقش قرارگاه مقدم را داشت به عمل می‌آمد.

در این قرارگاه، فرماندهان گردان‌های عمل‌کننده در خرمشهر و مسئولین گروه‌های داوطلب اعزامی و فرماندهان سپاه پاسداران خرمشهر و آبادان حضور داشتند. در این محل یکی از افسران ارتش به نام سرگرد پیاده محمد علی شریف‌النسب با کمک سرگرد زرهی اقارب-پرست و فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر برادر محمد جهان‌آرا هدایت و هماهنگی عملیات را به عهده داشتند. به طور کلی شیوه عملکرد سرگرد شریف‌النسب عبارت بود از:

گروه‌های مختلف رزمنده را بر حسب نیاز به صورت ادغامی به نقاطی که دشمن حضور داشت اعزام می‌کرد. بعضی از گروه‌ها در شب به مسجد جامع مراجعت و پس از تبادل اطلاعات و رفع خستگی، آمادگی لازم را برای رزم پیدا می‌کردند. رزمندگانی که منطقه ثابتی نداشتند، هرروز صبح با نظر هماهنگ‌کننده قرارگاه به خطوط مقدم در حاشیه شهر برای تقویت نیروها اعزام می‌شدند.

همواره عناصری به عنوان رابط به طور مداوم به مناطق درگیری اعزام و اطلاعات منطقه را جمع‌آوری و به قرارگاه تاکتیکی ارائه می‌کردند. قرارگاه نیز با توجه به اطلاعات دریافتی، نیروهایی را که به عنوان احتیاط در قرارگاه حضور داشتند، به نقاط درگیر اعزام می‌کرد. گروه‌های رزمنده فقط به نقاط استقرار دشمن اعزام می‌شدند، ولی تدبیر رزم و اقدامات لازم توسط آنان در محل اتخاذ می‌شد. تعداد گروه‌ها و استعداد آنان روز به روز تغییر می‌کرد و این موضوع بر مشکلات می‌افزود.

تدارک آب، غذا و مهمات زیر نظر سرگرد شریف‌النسب توسط یک روحانی به نام «شیخ قنوتی» انجام می‌شد. روحانی مذکور روز ۵۹/۷/۲۴ در حال آب‌رسانی در خیابان ۴۰ متری به کمین دشمن افتاد و به طور فجیعی به شهادت رسید.

ستاد عملیات آبادان عملاً نقش هماهنگ‌کننده آتش پشتیبانی توپخانه و هوایی را بر عهده داشت و تلاش می‌کرد با گزارش وضعیت به رده‌های بالا نیازمندی‌ها را درخواست و هم‌چنین نسبت به تخلیه مجروحین و شهدا به خارج از منطقه اقدام می‌کرد.

اظهارات فرماندهان اسیر عراقی

۱- اظهارات یکی از فرماندهان عراقی از چگونگی شکستن مقاومت رزمندگان در روز

۱۵۹/۷/۲۱

«یک گردان کماندو به محور بندر فرستادیم که پیشروی خود را آغاز کرد، اما با مقاومت شدیدی روبه‌رو شد. ما نیز به تمامی محورها و نیروی مستقر دستور دادیم با استفاده از آتش سنگین توپخانه، پیشروی کنند. درگیری‌ها تا عصر ادامه داشت. طی آن گردان دوم نیروی مخصوص تیپ ۳۱ و گردان یکم تیپ ۲۳ توانستند خود را به تقاطع جاده اهواز - خرمشهر و جاده بصره - خرمشهر (جاده شلمچه) برسانند. البته اگر هوا تاریک نبود، نیروها نمی‌توانستند پیشروی کنند. گردان هشتم نیروی مخصوص توانست تقریباً به ایستگاه راه‌آهن و کمی هم سمت چپ آن برسد. گردان دوم تیپ دوم نیز از سمت چپ گردان هشتم تیپ ۳۳، پیشروی کرده، به جاده رسیده و بدین ترتیب نیروهای ما جای پای در مدخل ورودی شهر پیدا کردند. موقعیت به دست آمده تحولی برای ادامه عملیات بود. نیروهای ما در بندر موفق شدند نقشه‌هایی را بیابند که کاملاً جزئیات شهر در آن ذکر شده بود و ما استفاده زیادی از آنها بردیم [این نقشه‌ها برای توریست‌ها تهیه شده بود] نیروهای ما در داخل بندر با مقاومت شدیدی روبه‌رو شدند و موقعیت به همان ترتیب باقی ماند. ما تلفات بسیاری از نظر افراد و ضایعات سنگینی از نظر تجهیزات متحمل شدیم.

موقعیت را به طور کامل در شب بررسی کردیم و بر اجرای موارد زیر تصمیم گرفتیم:

الف - ضرورت و لزوم تصرف کامل شهر مورد تأیید قرار گرفت.

ب - حرکت بعدی پیشروی به عمق شهر مشخص شد.

ج - درخواست نیروی کمکی برای استقرار در مناطق تصرف شده.

به یگان‌های بندر دستور دادیم تا صبح روز ۱۴/۱۰/۱۹۸۰ (۵۹/۷/۲۲)، پیشروی خود را آغاز کنند. از سایر یگان‌ها نیز خواستیم پیشروی کنند حتی به مقدار ناچیز.»

۲- گزارش فرمانده عراقی از عملیات روز ۵۹/۷/۲۲ چنین است:

«یگان‌ها فعالیت خود را صبح (۵۹/۷/۲۲) آغاز کردند. ستون بندر به پیشروی ادامه داد و فرمانده گردان سوم نیروی مخصوص تیپ گارد ریاست جمهوری که با مقاومت شدیدی روبه‌رو شده بود، گزارش داد نمی‌تواند پیشروی کند، زیرا نیمی از نیروهایش تلف شده‌اند و ناچار به عقب‌نشینی هستند. گردان یکم تیپ ۴۹ نیز بی آن‌که ما را در جریان بگذارد، مقداری عقب‌نشینی کرده بود. بعدازظهر، فرمانده گردان سوم تیپ گارد ریاست جمهوری اعلام کرد که دیگر نمی‌تواند پیشروی کند و اگر فرمان عقب‌نشینی داده نشود، درجه‌داران خواهند گریخت. به گردان نهم نیروی مخصوص دستور دادیم موقعیت گردان سوم تیپ گارد را تحویل بگیرد. هنگام عصر گردان سوم تیپ گارد عقب کشیده شد. روحیه افراد بسیار پایین و آثار ترس و خستگی جسمی و روحی در چهره درجه‌داران و افسران پدیدار بود. این گردان متحمل ضایعات بسیار سنگینی شده است. گردان را در نزدیکی ستاد سیار تیپ، کارخانه سنگ آهک مستقر کردیم و ستاد را به مسجد بندر انتقال دادیم.

بعدازظهر موقعیت را بررسی و تحلیل کرده، تصمیم گرفتیم با استفاده از نقشه‌های توریستی یک یک طرح عملیاتی تهیه شد. خیابان ۴۰ متری به عنوان خیابان مرکزی و شاخص تقسیم محورها و نیروها به شرح زیر قرار گرفت:

الف - گردان دو از تیپ دوم در سمت چپ خیابان ۴۰ متری

ب - گردان دوم از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص در سمت چپ گردان دوم تیپ دوم

ج - گردان یکم از تیپ ۲۳ در سمت چپ گردان دوم تیپ ۳۱

د - گردان هشتم نیروی مخصوص جایگزین گردان سوم تیپ گارد ریاست جمهوری شده، به همراهی نیروهای کماندو، پیشروی خود را برای تصرف بندر ادامه خواهد داد.

و - گردان یکم از تیپ ۴۹ در سمت چپ بندر و سمت راست گردان هشتم نیروی مخصوص پیشروی خواهد کرد.»

۳- فرمانده عراقی چگونگی هجوم از محور شمالی شهر و اشغال پادگان دژ را چنین بیان می‌کند:

گردان یکم از تیپ ۲۶ زرهی بیشترین پیشروی را نسبت به سایر محورها داشت، زیرا نیروی بسیار کمی در پادگان دژ مستقر بودند، روبه‌رو شد. هنگامی که گردان و بخشی از تانک‌های تیپ ۲۶ زرهی به سمت چپ دژ حرکت کردند، نیروی موجود در پادگان دژ فهمید که محاصره شده، برای همین تصمیم گرفت به سوی شهر حرکت کند، اما از آن‌جا که در محاصره ما بودند، ۲۰ تن از آنان از جمله یک افسر با درجه ستوانیکمی به اسارت درآمدند و پس از بازجویی از سوی ستاد تیپ ۲۶ زرهی به مناطق پشتی تخلیه شدند و سرانجام آنان را به قرارگاه لشکر فرستادیم.

۴- گزارش یکی از فرماندهان نیروهای مهاجم از عملیات روز ۵۹/۷/۲۴ ذکر می‌گردد:

«طرح همان‌گونه که قرار بود، ادامه یافت. بندر تصرف شد، اما در سایر محورها مقاومت بسیار شدید بود. مشکل‌ترین محور، محور گردان هشتم نیروی مخصوص در سمت راست (جنوب) خیابان ۴۰ متری بود. گردان دوم از تیپ دوم به یاری گردان هشتم شتافت. نیروهای ایرانی در این محور در باشگاه (استادیوم) ورزشی مستقر و بر اوضاع مسلط بودند. با ارسال نیروی فوق، گردان دوم از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص و گردان یکم از تیپ ۲۳، تنها واحدهایی بودند که در سمت چپ جاده (شمال خیابان ۴۰ متری و کوی طالقانی) مستقر بودند. به یگان‌ها دستور دادیم با استفاده از تاریکی شب به پیشروی ادامه دهند، زیرا ایرانی‌ها در شب مقاومت کمتری خواهند کرد.

گردان یکم از تیپ ۲۳، بیش از سایر یگان‌ها موفق به پیشروی شد و در ساعت ۲۱ به ما گزارش داد که از سوی مدافعین محاصره شده و اگر این محاصره در هم شکسته نشود، احتمال تسلیم شدن نیروها وجود دارد. یک گروهان از گردان دوم تیپ ۳۱ نبردی مخصوص که برای کمک قصد پیوستن به واحد فوق را داشت بر اثر مواجه شدن با مقاومت شدید نتوانست محاصره را بشکند. آتش سنگین توپخانه و تانک از تیپ ۲۶ زرهی در سمت چپ دژ، این فرصت را داد تا گروهان مزبور عقب‌نشینی کرده، خود را به سختی به مناطق پشتی در محل‌های ورودی شهر برساند. این واحد در طی این عملیات متحمل تعدادی کشته و اسیر شد.»

۵- گزارش یکی از فرماندهان عراقی از عملیات روز ۵۹/۷/۲۵ در خرمشهر چنین است:

«بار دیگر به یگان‌ها دستور داده شد تا در محورهای خود پیشروی کنند. یگان‌هایی از جیش‌الشعبی نیز به منطقه رسیدند که در ساختمان‌های بندر و بخشی از آن در سمت چپ جاده، مقابل مسجد (ستاد سیار) مستقر شدند. نیروها و یگان‌هایی نیز از گارد مرزی رسیدند که پشت نیروهای تکاور، در محورهای مخصوص خود مستقر شدند تا مانع نفوذ نیروهای اسلام شوند. شعار پیشروی نیروهای ما تصرف حتمی مناطقی بود که باید به اشغال درآیند.

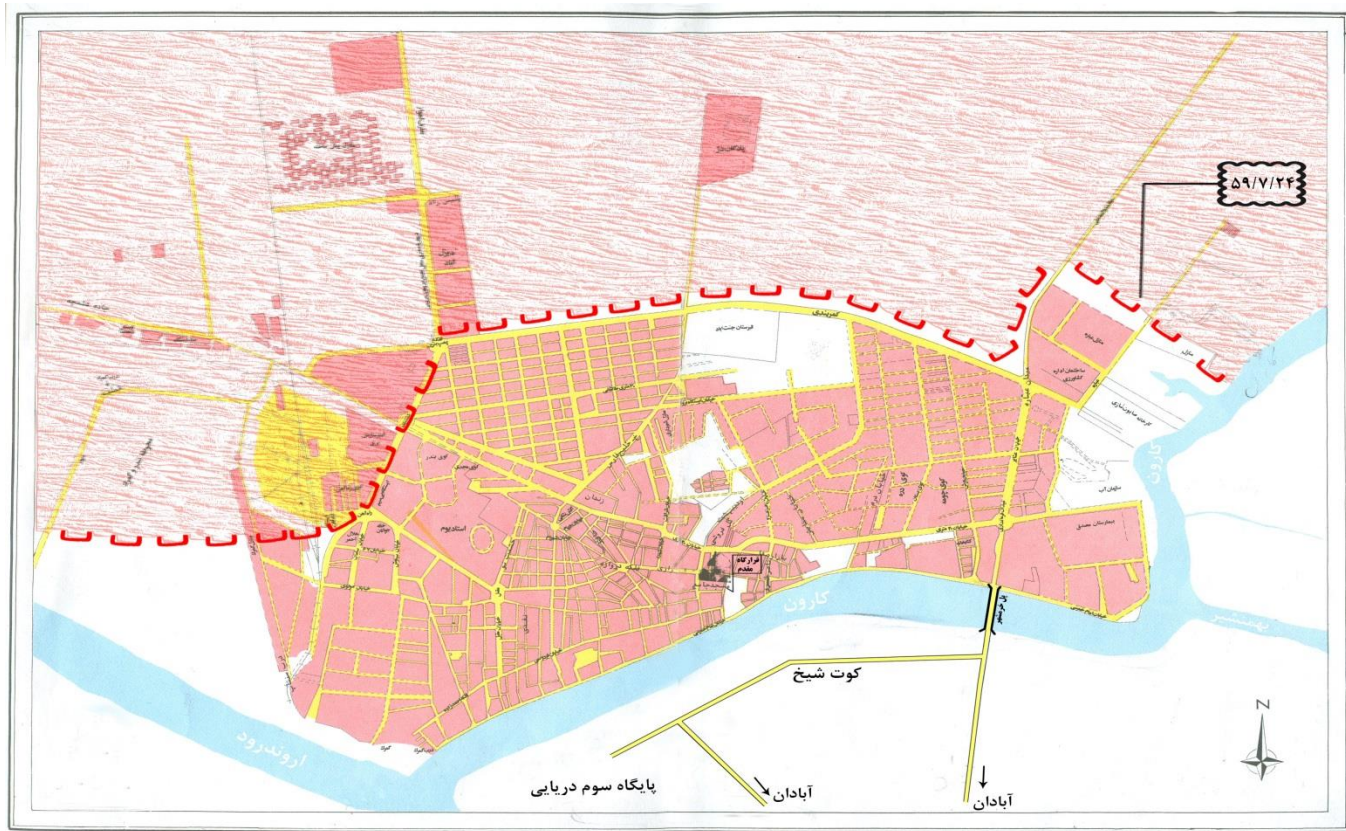
تیپ ۲۶ زرهی امروز موفق شد وارد دژ شود که شدیدترین درگیری‌ها بین نیروهای اسلام و نیروهای ما بود. گردان هشتم نیروی مخصوص به ما گزارش داد که امکانات واحد خیلی کم است و از آن‌جا که در موقعیت بسیار دشواری قرار گرفته است، نیاز به کمک و تدارکات دارد. گردان دوم از تیپ دوم نیز در همین موقعیت بود»

همین فرمانده عراقی فعالیت‌های روز ۵۹/۷/۲۶ نیروهای مهاجم را چنین گزارش

می‌کند:

«از یگان‌ها خواستیم سریعاً پیشروی کنند. از سوی دیگر مطلع شدیم که تیپ ۶ توانسته است با عبور از رودخانه کارون به طرف بهمنشیر پیشروی کند تا با عبور از آن، نیروهای اسلام را در آبادان و خرمشهر محاصره کند.

گردان هشتم نیروی مخصوص و گردان دوم از تیپ دوم با مقاومت شدیدی روبه‌رو بودند. گردان دوم از لشکر ۳۱ نیروی مخصوص و گردان یکم از تیپ ۲۳ در سمت چپ شهر (کمربندی و شمال آن) توانستند مقداری پیشروی کنند. به گردان هشتم نیروی مخصوص و گردان دوم دستور پیشروی دادیم، اما آنها گزارش دادند که مقاومت شدید است. دستور داده شد فرماندهان گردان هشتم نیروی مخصوص و گردان دوم از تیپ دوم به دلیل عدم موفقیت از کار برکنار شوند. مسئله به سپاه (سوم) کشیده شد.



نقشه شماره ۶/۲: مرحله چهارم

مرحله پنجم: ادامه نبرد در مناطق مسکونی مرکز شهر (نقشه شماره ۶/۳)

(۵۹/۷/۳۰ تا ۵۹/۷/۲۵)

شرح عملیات

در مرحله پنجم، جنگ در منطقه مسکونی متراکم مرکز شهر در جریان بود. نبرد در چنین منطقه‌ای برای هر دو نیرو (آفندی و پدافندی) دارای مشکلات خاصی می‌باشد. نیروی آفند کننده به علت عدم شناخت مسیرهای شهری و عدم امکان به کارگیری ادوات زرهی، ناچاراً بایستی از نیروهای پیاده استفاده کند. این گونه نیروها هیچ گونه شناختی از مسیرها و مواضع پدافندی ندارند. هر پنجره، دیوار، پشت بام و غیره می‌تواند سنگری از نیروی پدافندی در شهر باشد. لذا، احتمال محاصره شدن در هر مسیر وجود دارد.

از طرفی به علت تداخل نیروهای طرفین، حجم آتش انبوه نمی‌تواند قابل استفاده باشد. بنابراین پیشروی در چنین محیطی علاوه بر شجاعت و هوشیاری بسیار، نیاز به هماهنگی و ارتباط گروه‌ها با یکدیگر دارد که بتوانند از موقعیت یکدیگر مطلع شوند. اما، نیروهای عراقی فاقد مهارت، ورزیدگی و شجاعت لازم بودند، لذا با ۵۰ متر پیشروی، تلفات زیادی را متحمل می‌شدند.

رزمندگان خودی با استقرار در گذرگاه‌ها، کوچه‌ها، محله‌ها و ساختمان‌ها با تخریب دیوارهای مجاور، کانال‌های امنی برای تغییر موضع ایجاد کرده بودند و با جابه‌جایی سریع از یک موضع به موضع دیگر، ازدیاد نیرو را به نمایش می‌گذاشتند.

با استقرار دشمن در غرب، شمال و شرق خرمشهر، شهر از چهار سمت محاصره و زیر آتش قرار داشت. رزمندگان هم‌چنان با اقتدار و ایثار به رزم بی‌امان خود ادامه می‌دادند. در صحنه نبرد خرمشهر، تعداد قابل ملاحظه‌ای از سراسر کشور برای دفاع از خرمشهر حاضر شده بودند. رزمندگان نظامی، غیرنظامی از سراسر کشور، داوطلبانه و بعضاً بدون جنگ‌افزار خود را به خرمشهر رسانده و تقاضای تجهیز برای مقابله با دشمن را داشتند. آنان با مراجعه به ستاد

پشتیبانی مردمی که در مسجد جامع آبادان تشکیل شده بود و یا با مراجعه به ژاندارمری تقاضای جنگ‌افزار کرده و یا با به دست آوردن جنگ‌افزارهای غنیمتی و حتی با استفاده از جنگ‌افزارهای مجروحین و شهدا، خود را به خط مقدم می‌رساندند. آنان با علم به بسته شدن راه‌های خروجی، عهد کرده بودند تا آخرین قطره خون از سرزمین آبا و اجدادی خود دفاع کنند.

عدم سازماندهی اصولی، هم‌چنین عدم تجانس نیروها، هماهنگی عملیات را غیرممکن کرده بود. ضمناً قرارگاهی که بتواند مدیریت و هدایت نیروها را به عهده داشته باشد، وجود نداشت.

در چنین شرایطی رزمندگان با جنگ‌افزار سبک، آرپی‌جی ۷، کوکتل مولوتف، نارنجک دستی و تفنگی و با تعدادی اندک جنگ‌افزار سنگین مانند خمپاره‌انداز ۸۱ مم و تفنگ ۱۰۶ مم و هم‌چنین محدودیت آتش توپخانه، باتشکیل هسته‌های مقاومت در مسیر پیشروی دشمن به نبرد ادامه می‌دادند.

نامشخص بودن محل استقرار نیروهای خودی و دشمن و تداخل آنان در بعضی از مناطق، استفاده از آتش توپخانه را در خط مقدم با محدودیت مواجه می‌کرد، ولی دیدبانی خوب از پشت بام ساختمان‌ها امکان هدایت آتش توپخانه را علیه عقبه دشمن مقدور می‌ساخت و تقویت نیروهای دشمن را در خط مقدم محدود می‌کرد. متقابلاً اجرای آتش توپخانه دشمن در اطراف رودخانه کارون و شهر آبادان برای دشمن یک هدف محسوب شده و نیازی به دیده‌بانی دقیقی نداشت.

در ادامه، دشمن با وارد کردن گردان ۲ قاطع و گردان ۳ ن.م گارد ریاست جمهوری از غرب و شمال به سمت مرکز شهر پیشروی را آغاز کرد. در حالی که تانک‌های دشمن در جاده کمربندی و محوطه کشتارگاه ساختمان‌های مرتفع شهر و سایر مناطق مسکونی را زیر آتش قرار داده بودند. دشمن از کلیه مسیرها مانند کوچه برای پیشروی استفاده می‌کرد. مسیرهای اصلی تک دشمن برای رسیدن به مرکز شهر را می‌توان در ۱۰ محور به شرح زیر ذکر کرد:

محور یکم- از منطقه اشغالی بندر به سمت درب سنتاب گمرک واقع در انتهای بندر.

محور دوم- از کشتارگاه (میدان مقاومت فعلی) به سمت استادیوم، میدان مقبل، خیابان

محور سوم- از میدان راه آهن (میدان جانباز فعلی) به سمت انتهای خیابان فردوسی و خیابان احمدزاده

محور چهارم- از پمپ بنزین در شمال خرمشهر به سمت کشتارگاه و کوی بندر
محور پنجم- از جاده کمربندی (شهدای گمنام فعلی) به سمت زندان، فلکه دروازه (آیتا... مطهری)، غرب مسجد جامع

محور ششم- از قبرستان جنت آباد به سمت خیابان ۴۰ متری (آیتا... خامنه‌ای فعلی) در شمال مسجد جامع

محور هفتم- از کمربندی به سمت خیابان ۴۰ متری
محور هشتم- از کمربندی به سمت کوچه چومه
محور نهم- از میدان عباره (خُر فعلی) و خیابان عشایر به سوی میدان فرمانداری (فلکه معلم فعلی)

محور دهم- از کارخانه صابون سازی به سمت خیابان ۴۰ متری
در این مدت مدافعین خرمشهر با خلق صحنه‌های با شکوهی از ایثار و فداکاری به دشمن اجازه نمی‌دادند که به آسانی مناطق شهر را به تصرف درآورند و آنها را مجبور می‌کردند به ازاء هر متر پیشروی تلفات زیادی را متحمل شوند. مدت ۳۰ روز جنگیدن و عدم انتظار رسیدن کمک حماسه‌هایی را آفرید که نظیر آن را نمی‌توان در هیچ یک از جنگ‌های گذشته در طول تاریخ مشاهده کرد.

دشمن در خرمشهر هم‌چنان بر تلاش خود به منظور تصرف پل خرمشهر می‌افزود و متقابلاً رزمندگان سعی داشتند با هر قیمتی از دسترسی دشمن به پل جلوگیری کنند. در پایان هفت روز نبرد سرانجام دشمن در امتداد خیابان ۴۰ متری، فردوسی و احمد زاده مستقر شده در حالی که مسجد جامع و فرمانداری از شمال و غرب در محاصره بودند.

یکی از محورهایی که دشمن تلاش داشت با پیشروی در آن فرمانداری و پل خرمشهر را به تصرف درآورد، میدان عباره - خیابان عشایر بود. در این محور تعداد ۲۵ نفر از سربازان

پادگان دژ به فرماندهی ستوان شریعتی توانستند مدت یک روز از پیشروی دشمن جلوگیری کنند و سرانجام دشمن با وارد کردن نیروهای تقویتی و تضعیف تدریجی نیروهای خودی، کلیه سربازان و فرمانده شجاع و متعهدشان به شهادت رسیدند و پیشروی دشمن به ویژه یگان زرهی به طرف فرمانداری تسهیل شد.

دشمن برای کنترل پل خرمشهر گردان یکم تیپ ۳۱ ن.م و گردان ۳ تیپ ۲۳ پیاده لشکر ۸ را مأمور تصرف پل خرمشهر کرد.

استعداد نیروهای خودی در مرحله پنجم

۱- نیروهای ارتش :

- ۱۰۰ نفر از عناصر باقیمانده گردان دژ

- عناصر باقیمانده گردان ۱۶۵ مکانیزه (تعداد نامشخص)

- گردان تکاوران دریایی حدود ۲۰۰ نفر.

- دانشجویان دانشکده افسری ۲۰۰ نفر.

۲- نیروهای سپاه پاسداران خرمشهر، آبادان، ماهشهر و آغاچاری ۱۰۰ نفر.

۳- نیروهای بسیج و داوطلب اعزامی از مناطق مختلف کشور، تعداد نامشخص و گروه فدائیان اسلام، تعداد نامشخص

در این وضعیت استعداد نیروهای خودی به طور تقریبی حدود $\frac{1}{15}$ نیروهای دشمن بود.

به طور کلی نیروهای تکاوران دریایی، دانشجویان دانشکده افسری، نیروهای متعهد ژاندارمری و تعدادی افسر و درجه دار متعهد ارتش، تعدادی سرباز به همراهی برادران سپاه پاسداران، نیروهای بسیج، عده ای از مردم داوطلب خرمشهر و نیروهای داوطلب اعزامی از نقاط مختلف، مجموعه نیروهای حاضر در خرمشهر را تشکیل می دادند که کارایی آنان به نقش و تعهد فردی آنان بستگی داشت.

گزارش نهادهای مسئول

با اشغال قسمت اعظم خرمشهر هر یک از سازمان‌ها و نهادهای نظامی مسئول در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۱ وضعیت در خرمشهر را به رده‌های بالا به شرح زیر اعلام کردند.

۱- گزارشات ستاد عملیات اروند

فرمانده عملیات آبادان سرهنگ حسن رضوی^۱ با توجه به وضعیت خرمشهر، عبور دشمن از کارون در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ و از طرفی کاهش توان رزمی نیروها، عدم نظم و انضباط و ناامیدی از تقویت نیرو، ادامه مسئولیت را غیر ممکن دانست و از تاریخ ۵۹/۷/۲۰ گزارشات زیر را به مبادی ذی‌ربط ارسال داشت:^۲

الف - گزارش مورخه ۵۹/۷/۲۰ مبنی بر درخواست تعویض به لشکر ۹۲ زرهی به شرح زیر:

« به استحضار می‌رساند:

تا کنون هجوم نیروهای عراقی به شهرهای خرمشهر و آبادان دفع شده و من به علت از هم گسستگی گردان‌های موجود که اصلاً سر و سامان ندارند و عدم اعزام یگان منظم تانک به این منطقه و فرسودگی پرسنل و این که من افسر ژاندارمری بوده و به فنون نظامی آشنایی کامل ندارم، استدعا می‌کنم ظرف امشب تعدادی افسر جهت اداره این منطقه اعزام نمایید. زیرا مسئله حیثیت کشور مطرح است. این یک تقاضای ساده است که قابل اجرا بوده و اگر به آن توجه نشود، با این وضع من خرمشهر و آبادان را در خطر اشغال می‌بینم. امیدوارم موضوع جدی تلقی شده و در اسرع وقت اقدام فرمایید.»

۱. سرهنگ حسن رضوی افسری شایسته، با دانش، پرکار و با تجربه در امور انتظامی بود. وی در گذشته لیاقت و شایستگی خود را در ژاندارمری به اثبات رسانده بود، اما فاقد تجربه خدمت در یگان‌های نظامی و عملیاتی برای هدایت نیروها در جنگ بود. ضمناً از روحیات وی چنین استنباط می‌شد که خود را شایسته‌تر از سلسله مراتب ژاندارمری پس از انقلاب می‌دانست و متوجه نبود که حکومت جمهوری اسلامی ایران معیارهای خاص خود را برای واگذاری مسئولیت به اشخاص در نظر می‌گیرد.

۲. منبع ردیف ۷ صفحه ۲۹۹

ب - متعاقب گزارش فوق پیام زیر را به لشکر ۹۲ زرهی، ستاد مشترک ارتش و رونوشت به دفتر حضرت امام خمینی (ره) ارسال کرد:^۱

«آقای رشیدیان، آقای صفایی و آقای کیارش، وکلای مجلس فرمودند بی تعارف بگوییم شهر و مردم خرمشهر و آبادان و کلیه نیروهای مسلح در اثر کمبود نیروی پشتیبانی در حال از هم پاشیدن است و مردم عقیده دارند امروز و فردا هر دو شهر سقوط خواهد کرد. مسئولین بایستی مستقیماً جوابگو باشند.»

ج - در پی گزارش و پیام روز گذشته، ستاد عملیات آبادان در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۱ آخرین وضعیت نیروهای خودی و محورهای تهاجم دشمن به شرح زیر به لشکر ۹۲ زرهی ارسال شد:^۲

« ۱- در محور اصلی خرمشهر - اهواز چهار تانک و حدود ۱۰۰ سرباز از گردان ۲۳۲ تانک مستقر می باشند که بر اثر فشار دشمن عقب‌نشینی کرده و اکنون در شهر سرگردانند.))

۲- در محور خرمشهر - شلمچه نیروهای ما با دادن بیش از سه شهید و ده زخمی عقب کشیده و در شهر هستند.

۳- باقیمانده گردان دژ که زیر آتش شدید بودند عقب کشیده و فرمانده آنان سرهنگ شاهان زخمی است.

۴- گمرک خرمشهر زیر آتش شدید دشمن قرار دارد، تعداد بسیاری از نیروهای ما شهید شده و گمرک در حال سقوط است.

۵- شهر آبادان بیش از ۱۰ بار مورد هجوم هواپیماها قرار گرفت که خسارات بسیاری به بار آمد.

۶- تاکنون جز اعزام عده‌ای پیاده، آن هم بدون اسلحه و یا بعضاً با اسلحه سبک، هیچ کمکی به این منطقه نشده است.

۱. منبع پیشین، ص ۲۹۹

۲. منبع پیشین، ص ۳۰۰

مقرر فرمایید ظرف امشب فرمانده ارتشی برای این منطقه تعیین شود و با اعزام یگان‌های زرهی از جاده ماهشهر، از سقوط قطعی خرمشهر و آبادان جلوگیری کنید. یگان‌های موجود به علت تلفات و خسارات، مداومت شرکت در جنگ، تعویض پی‌درپی فرماندهان و عدم جایگزینی و تقویت نشدن دیگر قادر به مقاومت در برابر یک گروهان تانک نیستند و اغلب سؤال می‌کنند چرا دولت به فکر این دو شهر نیست؟ منتظر اقدام فوری آن فرماندهی هستم وگرنه منطقه به علت فشار زیاد دشمن از پای درخواهد آمد و این یک حقیقت است.»

در پاسخ به گزارش فوق، مدیریت عملیات نیروی زمینی پیام زیر را به لشکر ۹۲ زرهی و ستاد ارونند ارسال می‌دارد.^۱

« ۱- نیروی زمینی تاکنون آنچه مقدور بوده است، از یگان‌های در دسترس برای شما اعزام نموده است.

۲- در حال حاضر شما از مشاورت جناب آیت‌الله خامنه‌ای، دکتر چمران، سرهنگ نامجو و استاندار خوزستان بهره‌مند هستید و گروه‌های مختلف در آنجا عده دارند که با استفاده از سرهنگ اقارب‌پرست و سرگرد شریف‌النسب و با سرپرستی دانشجویان دانشکده افسری می‌توانید بهترین عملیات چریکی را ترتیب بدهید و اگر این گروه‌ها از طرح‌ها و مقررات تبعیت نمی‌کنند از منطقه خارج شوند.

۳- تعداد ۱۲۶ افسر و ۲۴۵ درجه‌دار از تمام یگان‌ها برداشت و برای شما اعزام شده است و اگر منطقه ارونند نیاز به فرمانده دارد، می‌توانید از افسران اعزامی، یک افسر تعیین کنید.

۴- اگر فرماندهان کار یا مسئله‌ای دارند با ترک یک ساعت محل کار می‌توانند به دزفول در محل قرارگاه مقدم نیروی زمینی رفته، از راهنمایی و هدایت آنها بهره‌مند شوند.

۵- تلاش پرسنل تاکنون از هر حیث برای نیرو (زمینی) غرورآفرین است. حال می‌بایستی این فشارها را تحمل نمایند، خدای بزرگ سپاهیان راستین را در این نبرد موفق و پیروز خواهد ساخت.

۶- به زودی از لشکر مشهد یک گردان پیاده با یک دسته تانک و یک آتشبار پس از تصویب تیمسار فرماندهی نذاجا اعزام خواهد شد.

۷- ضامن پیروزی در این جنگ صبر و توجه به خداست.»

از دو پیام فوق می‌توان شرایط حاکم بر جبهه‌ها و نیروهای ارتش، ستادهای عملیاتی منطقه و نیروی زمینی را احساس کرد، نیروها فقط می‌توانستند به بند ۷ پاسخ نیروی زمینی امیدوار باشند.

د - گزارش ستاد عملیاتی اروند، وضعیت روز ۵۹/۷/۲۴ را چنین اعلام می‌کند:^۱

« ۱- شهرهای آبادان و خرمشهر از سمت شمال، غرب و شرق در محاصره دشمن است. کلیه محورهای زمینی دو شهر مسدود است و تنها راهی که تا کنون بسته نشده، راه آبی بهمنشیر به خلیج فارس است. اگر نیروهای دشمن که در شرق آبادان هستند به پیشروی خود به سمت جنوب ادامه دهند، می‌توانند روی بهمنشیر پل بزنند که در نتیجه راه جنوبی نیز مسدود می‌گردد.

۲- نیروهای خودی در خرمشهر، قسمتی از شهر را در دست دارند، در قسمتی از کوی طالقانی و در تمام گمرک جنگ خیابانی ادامه دارد و پرسنل بر اثر مداومت نبرد و عدم رسیدن نیروهای تقویتی، روحیه ضعیفی دارند. سربازان جدید کارایی ندارند، مجروحان و کشته شدگان (شهدا) تخلیه نشده‌اند. با این حال در نهایت فداکاری مأموریت خود را انجام می‌دهند. ...»

۳- گزارش شهربانی خرمشهر

شهربانی خرمشهر طی گزارشی در تاریخ ۵۹/۷/۲۱ بحرانی بودن وضعیت را به شرح زیر گزارش می‌کند:^۲

«نیروهای مزدور عراقی به داخل شهر نفوذ کرده‌اند، به نیروی پشتیبانی سنگین زمینی و تدارکات مهمات نیاز فوری احساس می‌شود. نیروهای عراقی در سطح شهر پراکنده شده‌اند. سربازان خودی گروه گروه در حال فرارند و نیروی دشمن به ۵۰۰ متری شهربانی رسیده است.»

۱. منبع پیشین، ص ۳۲۴

۲. منبع پیشین، ص ۳۲۴

۴- گزارش سپاه پاسداران

الف - سپاه پاسداران خرمشهر طی تلفنگرامی به فرماندهی سپاه اعلام می‌کند:^۱

«خرمشهر زیر آتش توپخانه قرار دارد و در حال حاضر به پشتیبانی زمینی و سلاح‌هایی از قبیل توپ (تفنگ) ۱۰۶ که کارایی آن برای ما بیشتر از تانک است نیازمند شدید است. لشکر اهواز (لشکر ۹۲) سلاح در اختیار سپاه نمی‌گذارد. با توجه به فرمان اخیر امام هر چه سریعتر برای جلوگیری از پیشروی نیروهای عراقی در خرمشهر باید مسائل فوق رعایت گردیده، تجهیزات بفرستید.» و همچنین گزارش سپاه خوزستان اعلام می‌کند:

«نیروهای عراقی تا صد دستگاه پیشروی کرده، داخل گمرک خرمشهر شده و از سمت پلیس راه مشغول پیشروی هستند.»

ب - پیام مرکز فرماندهی سپاه پاسداران به مرکز فرماندهی ستاد مشترک ارتش در تاریخ

۲۵۹/۷/۲۴

«دشمن تا ۵۰۰ متری پل، نیرو پیاده کرده بود که سپاه، تکاوران، ژاندارمری و مردم دشمن را عقب راندند. تعداد شهدا بین ۵۰ الی ۶۰ نفر و مجروحان از نظر حمل و نقل و کمک‌های پزشکی در مضیقه هستند. به دلیل جلوگیری دشمن از برداشتن اجساد شهیدان، تعدادی لاشخور در آسمان دیده می‌شود و احتمال بیماری‌های واگیردار شدت یافته است. آب و برق قطع است و بیمارستان‌ها قادر به کار نیستند.»

۵- گزارش برادر مرعشی یکی از مسئولان شهرداری خرمشهر از وضعیت بیمارستان‌ها و شهر:^۳

«من شب روز بیست و چهارم در اثر تصادف زخمی شدم. وقتی به بیمارستان طالقانی در آبادان مراجعه کردم، محوطه کل بیمارستان پر بود. زخمی‌ها طوری لت و پار شده بودند که من شرمند شدم بایستم. مرا چند بخیه زدند و پانسمان کردند. خجالت کشیدم بایستم، چون بچه‌ها دست و پایشان قطع شده بود. وقتی صبح دوباره به بیمارستان مراجعه کردم، تعداد شهدا ۱۲۵ و تعداد زخمی‌ها ۴۵۰ نفر بودند، یعنی از ساعت ۵ - عصر که درگیری شدت پیدا کرد، تا

۱. منبع پیشین، ص ۳۰۰

۲. منبع پیشین، ص ۳۲۹

۳. منبع پیشین، ص ۳۲۹

صبح اجساد را جمع کردند. خیابان ۴۰ متری پر از جسد بود. سه تا از وانت‌ها آن روز از بین رفتند. بچه‌ها واقعاً زحمت کشیدند، تا خیابان ۴۰ متری را نجات دادند و عراقی‌ها را تا پادگان دژ عقب راندند. قسمت زیادی از شهر را نجات دادند و به امید این که کمک برسد و پل خرمشهر سقوط نکند.»

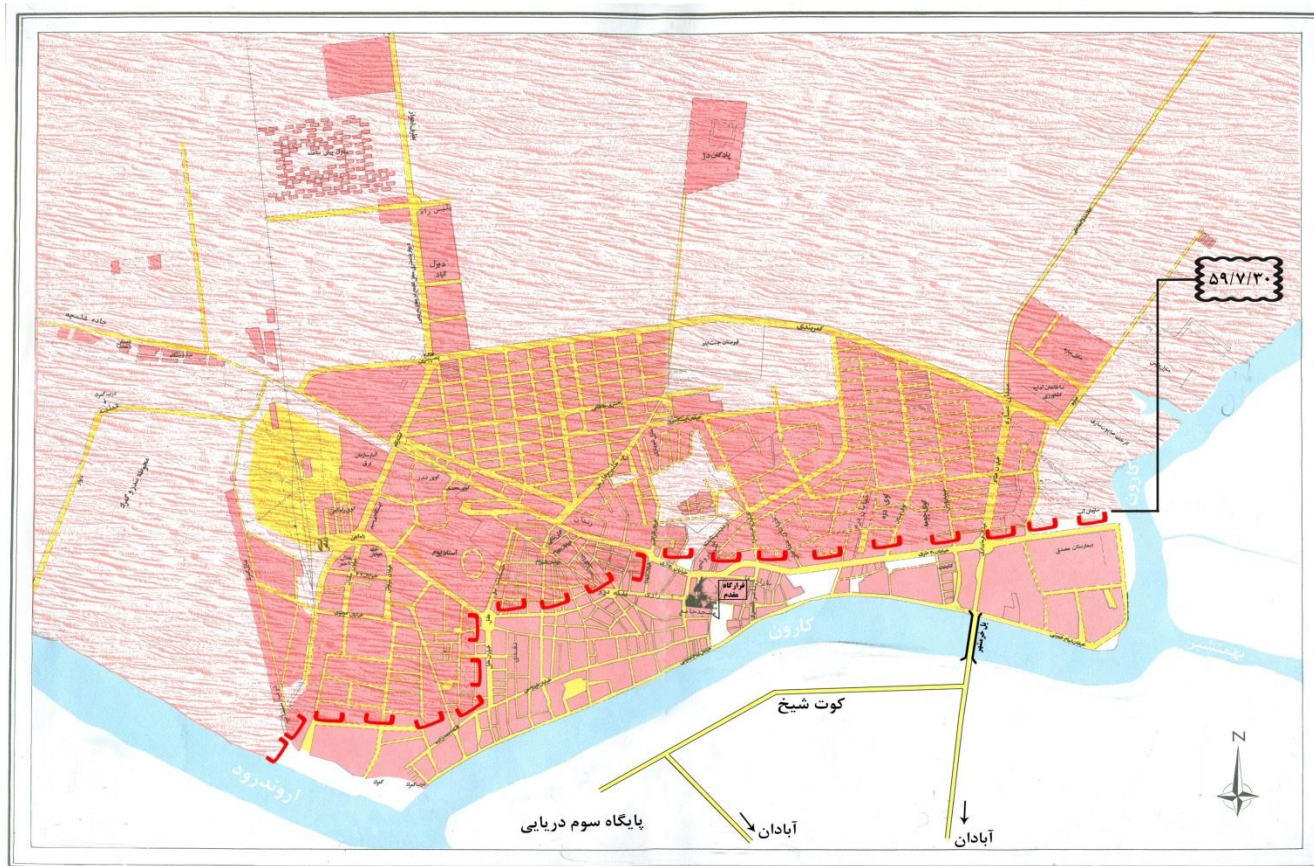
گزارشات فوق نمونه‌ای از گزارش‌هایی است که در سوابق موجود است. پیام‌های تلفنی و گزارش‌های مقامات بازدید کننده از جمله آقای دکتر شیبانی، نمایندگان مجلس، امام جمعه آبادان و خرمشهر و نماینده دولت آقای داریوش فروهر از آبادان، مسئولان را بر آن داشت که جلوگیری از سقوط آبادان را در اولویت قرار دهند.

در راستای اولویت فوق، ستاد مشترک ارتش «قرارگاه فرماندهی اروند» را به فرماندهی سرهنگ ستاد حسنعلی فروزان، فرمانده ژاندارمری کل کشور در تاریخ ۵۹/۷/۲۷ در ماهشهر تشکیل داد.

اولین اقدام این قرارگاه انتصاب تغییر فرمانده جدید ستاد عملیات آبادان سرهنگ دوم پیاده حسین حسنی سعدی (سرلشکر فعلی) که فرمانده تیپ دانشجویان دانشکده افسری بود. سازمان و اقدامات قرارگاه‌های جدید در ماهشهر و آبادان در مرحله ششم تشریح خواهد شد.

آخرین وضعیت در روز ۵۹/۷/۳۰

آخرین خبرها حاکی از نبرد شدید در خیابان ۴۰ متری و حوالی ساختمان فرمانداری و هم‌چنین محوطه گمرک می‌باشد. دشمن در سراسر خیابان ۴۰ متری مستقر، ولی از حوالی ساختمان فرمانداری مجبور به عقب‌نشینی شده است. پل خرمشهر در کنترل تکاوران نیروی دریایی قرار دارد. مقاومت در تمامی نقاط ادامه دارد. گمرک، بندر، کشتارگاه و راه‌آهن به دست دشمن افتاده بود. رزمندگان در حوالی گمرک و ورزشگاه هم‌چنان به مقاومت خود ادامه می‌دهند. دشمن گردان‌های ۱ و ۲ تیپ ۲۳ را به کمک نیروهای خود در خیابان ۴۰ متری اعزام کرده است. هم‌چنین تا کنون چند گردان گارد مرزی به کمک نیروهای دشمن به شهر اعزام شده‌اند.



نقشه شماره ۶/۳: مرحله پنجم



مرحله ششم: تبدیل خرمشهر به خونین شهر (نقشه ۶/۴)

(۵۹/۸/۴ تا ۵۹/۸/۱)

وضعیت عمومی

با استقرار نیروهای دشمن در امتداد خیابان ۴۰ متری، فردوسی، خیابان احمد زاده، رزمندگان اسلام عملاً در محدوده‌ای بین خیابان ۴۰ متری رودخانه کارون از شرق تا غرب خرمشهر به عمق حداکثر یک کیلومتر محصور شده و تنها راه خروج آنان پل خرمشهر واقع در قسمت شرقی شهر است.

نیروهای باقی‌مانده در خرمشهر در اطراف درب گمرک (سنتاب) در غرب، اطراف مسجد جامع در مرکز، میدان فرمانداری و بیمارستان مصدق در شرق تجمع کرده بودند. آنان برای حفظ موقعیت، توجه خود را به حفاظت از مسجد جامع (مرکز فرماندهی نیروها) و میدان فرمانداری برای جلوگیری از سقوط ساختمان فرمانداری معطوف کرده بودند. پل خرمشهر هم-چنان توسط تکاوران دریایی حفاظت و عبور و مرور آن کنترل شد.

از روز اول آبان ماه حملات هوایی و توپخانه دشمن در آبادان به ویژه پالایشگاه و مخازن نفت (تانک‌فارم) و اطراف پل خرمشهر افزایش یافت. این حملات با هدف ایجاد رعب و وحشت در آبادان و تضعیف روحیه رزمندگان محاصره شده در خرمشهر و آبادان صورت می‌گرفت. تبلیغات رادیو عراق به زبان‌های عربی و فارسی شدت گرفته بود. تانک‌ها و نفربرهای دشمن، جولان‌گاه نیروهای عراقی در خرمشهر شده بود و آتش پشتیبانی توپخانه دشمن بر روی حاشیه رودخانه کارون لحظه به لحظه افزایش می‌یافت. نیروهای پیاده نظام (کماندو) عراقی با اجرای آتش تیربار، خمپاره‌انداز ۶۰ مم و خمسه خمسه تلاش می‌کردند مواضع رزمندگان را منهدم کنند. مدافعان باقیمانده در خرمشهر عملاً قادر به جلوگیری از پیشروی دشمن با جنگ‌افزار سبک، آرپی جی ۷، کوکتل موتولوف و چند قبضه خمپاره‌انداز نبودند. از طرفی استقرار دشمن در شرق کارون و محاصره آبادان موجب تغییر موضع آتشبارهای توپخانه شده و امکان استفاده از آتش توپخانه برای

مدافعان وجود نداشت. درخواست پشتیبانی هوایی و اجرای هرگونه آتش دیدبانی نشده از مناطق دور عملاً موجب آسیب دیدن تأسیسات شهری، اقتصادی و منازل مسکونی و خسارت بیشتر به خودی بود. مدافعین خرمشهر پس از نفوذ دشمن در شهر از نیروهای پیاده نظام مجهز به سلاح سبک بودند.

آخرین اقدامات ستاد عملیاتی آبادان

۱- تشکیل ستاد عملیات

فرمانده جدید ستاد عملیاتی آبادان، سرهنگ حسین حسینی سعدی در تاریخ ۵۹/۴/۲۷ پس از ورود به آبادان اقدام به تشکیل ستاد عملیاتی مرکب از افسران دانشکده افسری که قبلاً وارد آبادان شده بودند کرد. پس از بازدید از مدافعین خرمشهر و تحلیل نیروهای خودی و دشمن آخرین وضعیت خرمشهر را بشرح زیر در اول آبان ماه ۱۳۵۹ به قرارگاه اروند ارسال کرد:^۱

«این دو شهر در محاصره نیروهای دشمن هستند. در خرمشهر جنگ تن به تن ادامه دارد. گلوله‌باران شهر شدید و تلفات بسیار زیاد است. نیروهای خودی موفق شدند ۶ نفر از افراد عراقی با به اسارت بگیرند. هنوز پل خرمشهر در دست نیروهای خودی است، فلکه ژاندارمری و خیابان ۴۰ متری شهر در کنترل نیروهای ما می‌باشد.

در شمال آبادان نیروهای خودی در مقابل دشمن از سه راهی ماهشهر تا پل بهمن‌شیر و پل نو و ایستگاه ۱۲ موضع گرفته‌اند و به نبرد با دشمن ادامه می‌دهند. نیروی هوایی چند پرواز پشتیبانی انجام داد که یک فانتوم مورد اصابت آتش ضد هوایی دشمن قرار گرفت. هواپیما در منطقه تحت کنترل نیروهای خودی سقوط کرد، اما خلبانان آن در منطقه اشغالی دشمن با چتر بیرون پریدند.»

۲- بررسی نهایی ستاد آبادان

ستاد عملیات آبادان با توجه به آخرین وضعیت نبرد در خرمشهر بررسی نهایی خود را همراه با راه کارهای پیشنهادی بدین شرح به قرارگاه فرماندهی اروند ارسال کرد:

با گذشت ۲۹ روز نبرد سنگین در خرمشهر و باوجود اشتیاق و تمایل رزمندگان به ادامه نبرد، توان رزمی آنان کاملاً تحلیل رفته و دچار فرسودگی شده اند. چنانچه این وضعیت ادامه یابد، دو راه کار زیر پیشنهاد می گردد:

الف- با قبول شهادت تا آخرین نفر، خرمشهر به تصرف دشمن درآید.

ب- به منظور حفظ تمامیت نیرو و آماده شدن برای دفاع از آبادان نیروهای باقی مانده در خرمشهر را به جنوب کارون منتقل تا از ورود دشمن به آبادان جلوگیری شود.

قرارگاه فرماندهی اروند پس از بررسی پیشنهادات، اختیار تصمیم گیری را به فرمانده ستاد عملیات آبادان واگذار کرد. سرهنگ حسین حسینی سعدی با توجه به وضعیت خطرناکی که برای رزمندگان در خرمشهر به وجود آمده بود با تشکیل جلسه مشورتی با حضور امام جمعه آبادان (حاج آقا جمی)، آقای دکتر شیبانی، تعدادی از نمایندگان آبادان در مجلس شورای اسلامی و فرمانده سپاه پاسداران آبادان و خرمشهر (برادر محمد جهان آرا) پیشنهاد خود را مبنی بر تخلیه باقیمانده نیروها از خرمشهر و استفاده آنان در مقابل پل و ساحل جنوبی کارون برای جلوگیری از ورود دشمن به آبادان به حاضرین اعلام کرد.

کلیه حاضرین به استثنای برادر جهان آرا با پیشنهاد مشارالیه موافقت کردند. با ادامه بحث و لزوم حفظ تمامیت نیرو برای جلوگیری از ورود دشمن به آبادان فرمانده سپاه پاسداران آبادان نیز با احساس خطرناک بودن وضعیت، سرانجام موافقت خود را با تخلیه خرمشهر از نیروهای باقیمانده اعلام کرد.

ستاد عملیات آبادان روز دوم آبان ماه ۱۳۵۹ به کلیه نیروهای باقیمانده در خرمشهر دستور عقب نشینی و تخلیه خرمشهر را ابلاغ کرد.

۳- تخلیه نیروها از خرمشهر

پس از ابلاغ دستور تخلیه بخش اعظم نیروهای که در قسمت جنوبی شهر با دشمن درگیر بودند پس از تاریک شدن مورخ ۵۹/۸/۲ تا صبح روز بعد با گماردن عناصری برای درگیری با دشمن و تظاهر به حضور نیرو در شهر از روی پل عبور و به خرمشهر جنوبی منتقل شدند.

تعدادی از رزمندگان که در بخش غربی شهر از جمله در منطقه گمرک و مسجد جامع با دشمن درگیر بودند به علت نفوذ دشمن در بخش شرقی شهر امکان رفتن به طرف پل را نداشتند. دشمن در تاریخ ۵۹/۸/۳ با تصرف فرمانداری و استقرار تیربار روی پشت‌بام ساختمان فرمانداری منطقه پل را با آتش تحت کنترل قرار داد، به طوری که عبور از آن غیر ممکن شد. نیروهای باقی‌مانده در گمرک و مسجد جامع در تاریکی شب ۵۹/۸/۳ از کناره رودخانه خود را به پل رسانده و با عبور از زیر آن از منطقه خارج شدند و تعدادی نیز به وسیله قایق‌هایی که برای انتقالشان اعزام شده بود، خود را به سواحل جنوبی (کوت شیخ) رساندند.

ستوان ۱ قادر شفاهی (سرتیپ ۲ فعلی) چگونگی خروج خود از خرمشهر را این‌گونه بیان می‌کند:^۱

«اینجانب که فرمانده گروهان دانشجویان دانشکده افسری بودم در منطقه گمرک خرمشهر با تعدادی از دانشجویان و یکی از افسران شجاع و دلیر ژاندارمری به نام «سروان آریافر» (سرلشکر شهید) همکاری می‌کردیم. ایشان هدایت عملیات را بر عهده داشت. همراه با تعدادی از عناصر ژاندارمری و نیروهای مردمی در محاصره دشمن قرار داشتیم و از دستور تخلیه بی اطلاع بودیم. پس از ۴۸ ساعت با کاهش تبادل آتش در گمرک متوجه وضعیت غیر عادی شدیم و لذا در سنگرهای خود (منازل مسکونی) اطراف مستقر شدیم و از باقی‌مانده غذاهای منازل استفاده کردیم. با بی‌سیم (واکی تاکی) که همراه داشتیم، قادر به برقراری تماس نشدیم. تا روز ۵۹/۸/۸ شبانه خود را به ساحل رودخانه رساندیم. با ناامیدی تلاش برای برقراری تماس را ادامه دادیم. در

۱. خاطرات سرتیپ ۲ بازنشسته قادر شفاهی، آرشیو گروه تحلیل

این لحظه صدایی در بی‌سیم، نام مرا صدا کرد و گفت: «قادر، قادر، شما کجا هستید؟» پاسخ از ستاد آبادان بود که فکر می‌کردند ما شهید یا اسیر شده‌ایم. سپس شبانه با ارسال قایق‌های پارویی ما را به منطقه کوت شیخ منتقل کردند.»

۴- اقدامات پس از تخلیه خرمشهر

پس از تخلیه نیروها از خرمشهر، نیروهای پیاده و تعدادی از تانک‌های باقی‌مانده که قبلاً عقب‌نشینی کرده بودند، در انتها و طرفین پل با تشکیل خط پدافندی مستقر شدند. در این زمان جهاد فارس با استفاده از وسایل و امکانات مهندسی شرکت نفت و سازمان‌های دیگر نسبت به احداث خاکریز پدافندی در ساحل جنوبی کارون اقدام کرد.

افسر مهندسی ستاد، با همکاری جهاد فارس، قسمت انتهایی پل را مین‌گذاری نمود. تعدادی از عناصر باقیمانده گردان دژ برای تقویت به جزیره مینو اعزام و عناصر باقی‌مانده گردان ۱۶۵ مکانیزه و تکاوران دریایی جهت تقویت خط پدافندی در منطقه شمال آبادان مستقر شدند.

۵- آخرین پیام ستاد آبادان در روز ۱۳۵۹/۸/۴

نیروهای خودی پشت پل خرمشهر در قسمت آبادان مستقر شده، به حفاظت از پل برای جلوگیری از پیشروی دشمن به سمت آبادان به کار گرفته شده‌اند. ... آتشبارهای موجود به علت دور بودن از خرمشهر روی شهر آتش ندارند و فقط در جبهه شرقی آبادان اجرای آتش می‌نمایند. بقیه نیروهای نظامی به علت ازدیاد مدت رزم در جبهه روحیه پایینی داشته، کارایی رزمی خود را از دست داده‌اند. در خرمشهر نیروی نظامی وجود ندارد. امروز صبح در یک مرحله هواپیمای خودی فلکه فرمانداری خرمشهر را بمباران کرد. نیروهای دشمن در جبهه خرمشهر بر تمام شهر تسلط دارند و کنترل پل خرمشهر را نیز در اختیار گرفته‌اند. دشمن یک نیروی متحرک قوی در شمال و غرب خرمشهر مستقر نموده است.

۶- آمار شهدا و مجروحین

متأسفانه آمار دقیقی از شهدا و مجروحین و اسرای خودی در دسترس نیست و آمارهای اعلام شده توسط رزمندگان نمی‌تواند صحت داشته باشد. برخی از گزارشات رسمی در پایان ۳۴ روز نبرد، از جانب مسئولین ارتش و سپاه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

به طور مثال:

الف- فرمانده سپاه خوزستان در تاریخ ۵۹/۸/۳ اعلام می‌دارد از تعداد ۱۵۰ نفر سپاهی حاضر در خرمشهر فقط ۳۰ نفر زنده مانده‌اند. بالنتیجه تعداد ۱۲۰ نفر از سپاهیان شهید، مجروح و یا اسیر شده‌اند.

ب- تعداد شهدا، مجروحین و اسرای دانشکده افسری طبق اعلام آن دانشگاه ۱۵ نفر.

ج- تعداد شهدا، مجروحین و اسرای گردان‌های ۱۵۱ دژ، ۱۶۵ مکانیزه و ۲۳۲ تانک نامشخص.

د- تعداد شهدا، مجروحین و اسرای تکاوران دریایی نامشخص.

ه- سایر یگان‌ها و گروه‌های رزمنده اعزامی و غیرنظامیان ساکن نامشخص.

بازتاب نبرد خرمشهر در مطبوعات جهان

۱- روزنامه واشنگتن پست از قول فرماندهان عراقی که در هجوم به خرمشهر شرکت داشتند می‌نویسد:^۱

«دست زدن صدام به جنگ علیه ایران قمار خطرناکی بود. وی با توجه به تصفیه‌های مداوم نیروهای مسلح ایران که آن را از کار انداخته بود، مطمئن بود پیروزی سریع و آسانی به دست خواهد آورد، ولی ۱۳ روز بعد از آغاز جنگ هنوز عراق برای تسخیر بندر خرمشهر می‌جنگد»

۲- روزنامه نیویورک تایمز در تفسیری از نبرد در خرمشهر می‌نویسد:^۲

«گرچه به نظر می‌رسد نیروهای عراقی در جنگ با ایران به پیروزی‌هایی دست یافته‌اند، اما جنگی که در اطراف بندر خرمشهر و شط‌العرب (اروند رود) جریان دارد، نشان می‌دهد که ایرانیان با وجود بی‌نظمی در سازماندهی، برای هر وجه از خاک خود به مبارزه برخاسته‌اند. حتی اگر عراقی‌ها کنترل خرمشهر را به دست آورند، تا زمانی که جنگ ادامه دارد، ایرانیان نخواهند گذاشت عراق از شط‌العرب به عنوان راهی برای دسترسی به خلیج فارس استفاده کند.»

۳- تحلیل روزنامه گاردین در مورد مکتب شهادت^۳

«در حالی که غرب نگران آینده نفت است، در جمهوری اسلامی ایران «مکتب شهادت» ارج نهاده می‌شود. شهادت عامل مؤثری در خنثی کردن حملات عراق بوده است. جنگ ظرفیت منضبط بودن را در ایرانی‌ها آشکار کرد و مدافعان صحت شعار «توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد» را که در زمان شاه فریاد می‌زدند، ثابت کرده‌اند.

۱. منبع ردیف ۱۸، ص ۱۸۶

۲. منبع ردیف ۱۰، ص ۴۳

۳. منبع پیشین ص ۵۵

گزارش فرماندهان اسیر عراقی

۱- گزارش یکی از فرماندهان مهاجم از عملیات روز ۵۹/۸/۲ عراقی‌ها در خرمشهر.

الف - یگان‌ها در دقایق اولیه روز ۱۹۸۰/۱۰/۲۴ (۵۹/۸/۲) طرح را به اجرا درآوردند و بخشی از آنها به نزدیکی ساختمان فرمانداری رسیدند. در این مکان درگیری شدیدی روی داد که در آن مدافعان شجاعت زیادی از خود نشان دادند. پس از آتشباری سنگین و درگیری شدید، نیروهای ما باز نتوانستند به فرمانداری برسند و از آن‌جا که منطقه بسیار کوچک بود، یگان‌ها با هم تداخل پیدا کرده بودند. ساعت ۸ صبح پس از یک درگیری شدید، تانک‌های تحت امر گردان یکم از تیپ ۲۳ توانستند به فرمانداری نزدیک شده و مدافعان را در سنگرهایشان زیر آتش توپ‌های خود قرار دادند. تانک‌ها پس از یک درگیری شدید، به ساختمان فرمانداری رسیدند و آن را به تصرف درآوردند و پل را زیر آتش گرفتند. بخشی از مدافعان از طریق پل و رودخانه عقب‌نشینی کردند و بخشی دیگر برای یک درگیری با شکوه، در ساختمان‌های منطقه ماندند. با زیر آتش قرار گرفتن پل، تنها راه تدارکات آنان در معرض قطع شدن قرار گرفت.

ب - گردان هشتم به درگیری ادامه داده و سعی داشت پیشروی کند، اما نتوانست. هرچند پل سقوط کرده بود و مقاومت در هم شکسته بود، اما مدافعان در این محور جنگ وصف-ناپذیری کردند. بخشی از مدافعان هنگامی که فهمیدند راه تدارکاتی قطع شده، سعی کردند عقب‌نشینی کنند. فقط مقاومت‌های پراکنده انجام می‌شد. این افراد از طریق رود کارون و فکر می‌کنم با قایق عقب‌نشینی کردند.

ج - به سپاه (سوم عراق) گزارش دادیم که شهر را به تصرف درآورده‌ایم، هرچند مقاومت-های پراکنده‌ای دیده می‌شود.

د - رادیو بغداد خبر مهمی را که همان تصرف خرمشهر بود، اعلام کرد.

ه - نیروهای ما تلفات بسیار زیادی دادند و به خوبی به یاد می‌آورم که فرمانده گردان سوم نیروی مخصوص با بی‌سیم به من گفت که گردانش را در خیابان‌های شهر گم کرده و از سرنوشتش هیچ خبری ندارد و تنها خودش و بی‌سیم‌چی باقی مانده‌اند.

۲- گزارش یکی از فرماندهان قوای مهاجم، از آخرین ساعات تهاجم نیروهای عراقی

فعالیت‌های نیروهای عراقی در ۱۹۸۰/۱۰/۲۵ (۱۳۵۹/۸/۳) عبارت بود از:

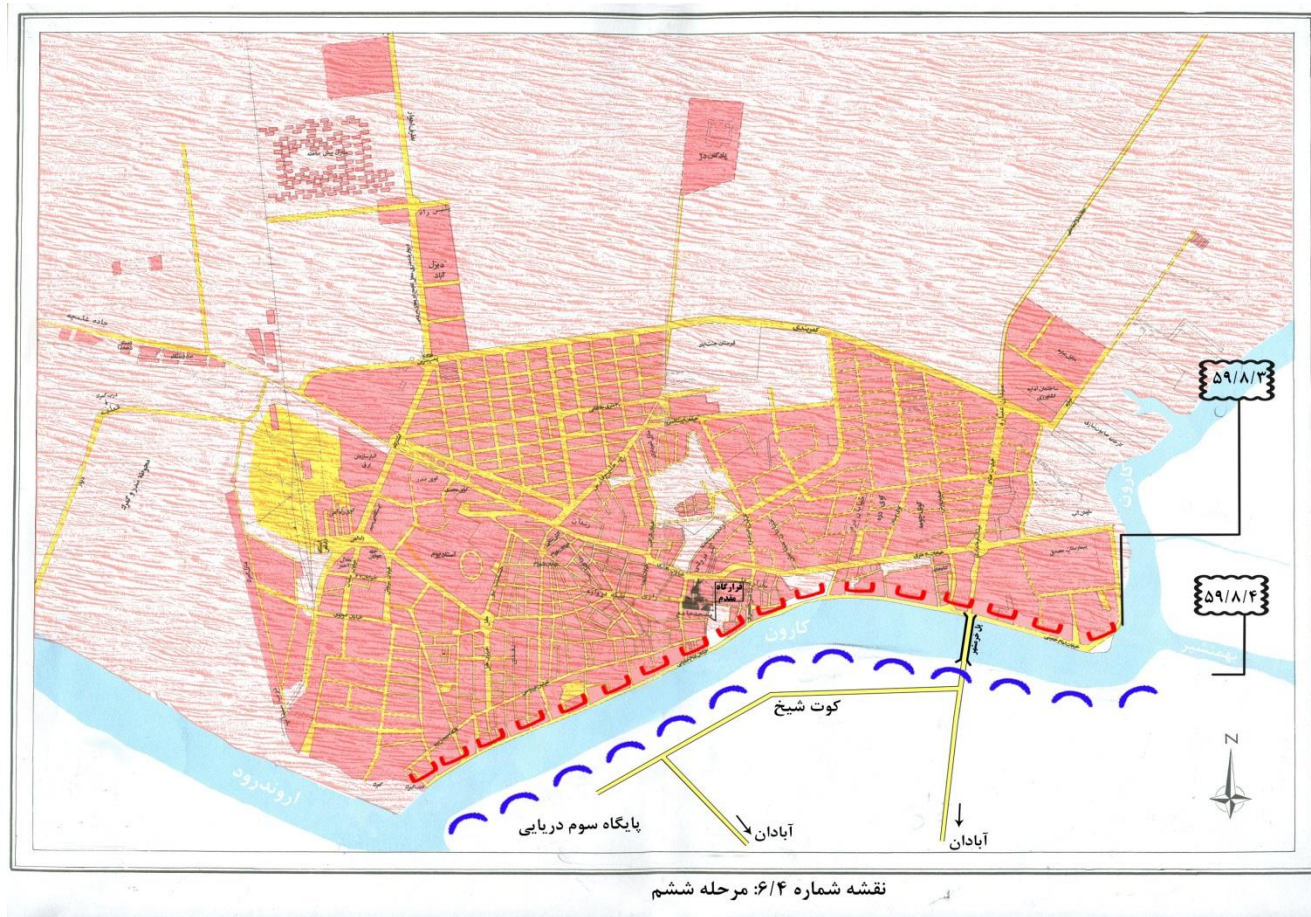
الف - هنوز مقاومت‌های پراکنده‌ای در نزدیک پل و مسجد جامع وجود داشت که در منطقه مسجد جامع از شدت بیشتری برخوردار بود. نیروهای ما پس از اجرای آتش سنگین توپخانه توانستند به این منطقه حمله کرده، آن را به تصرف درآورند. مدافعان با شجاعت جنگیدند و از طریق رودخانه کارون عقب‌نشینی کردند و به این ترتیب مسجد جامع به تصرف ما درآمد.

گزارش فرمانده سپاه پاسداران خوزستان

برادر علی شمخانی فرمانده سپاه پاسداران خوزستان در تاریخ ۵۹/۸/۳ گزارشی خطاب به مسئولین کشور ارسال کرد. این گزارش واقعیت نبرد در خرمشهر را در ۳۴ روز گذشته نشان می‌دهد. به تصویر نامه مشارالیه در صفحه ۲۶۰ مراجعه شود.

سخن آخر:

روز چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ حماسه رزمندگان ایران پس از ۳۴ روز نبرد بی‌امان در برابر ارتش متجاوز بعث عراق که مجهز به انواع جنگ‌افزار بودند، به پایان رسید. به تأخیر انداختن سقوط خرمشهر به مدت ۳۴ روز فرصتی برای مسئولان حکومت و ارتش فراهم کرد که بتوانند پیش‌بینی‌های لازم را برای جلوگیری از سقوط آبادان به عمل آورند. فجایع یزیدیان دشت نینوا در کربلا یک بار دیگر در دشت خوزستان در خرمشهر تکرار شد و خرمشهر را به خونین‌شهر تبدیل کرد. همان‌گونه که فاجعه کربلا موجب زنده ماندن اسلام گردید، فاجعه خونین‌شهر نیز الهام‌بخش رزمندگان جمهوری اسلامی ایران برای بیرون راندن دشمن از سرزمین اهورایی ایران موجب آزادی خرمشهر شد و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران شد.





بخش ششم

عملیات آبادان (منطقه شرق کارون)

(۵۹/۷/۱۹ تا ۵۹/۸/۱۰)

در حالی که نبرد در خرمشهر همچنان ادامه داشت، لشکر ۳ زرهی عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۹ به منظور تصرف شهر آبادان تصمیم به عبور از کارون در منطقه سلمانیه (مارد) گرفت. در این بخش عملیات شرق کارون در ۴ مرحله تشریح شده است.

مرحله ۱: عبور از کارون

علل ورود دشمن به شرق کارون

پس از متوقف شدن نیروهای دشمن در سرتاسر جبهه‌ها، عراق تلاش مضاعفی را در منطقه خرمشهر و آبادان آغاز کرد تا بتواند به هدف حداقلی خود یعنی تصرف آبادان و تسلط بر اروندرود دست یابد.

اطلاعات به دست آمده از اسرای عراقی در آغاز جنگ و چگونگی عملکرد ارتش عراق در آغاز تهاجم در منطقه خرمشهر نشان می‌دهد که ارتش عراق در طرح اولیه، قصد داشت پس از تصرف خرمشهر در مدت سه روز با عبور از پل خرمشهر وارد آبادان شده و آن شهر را تصرف کند. هم‌چنین با توجه به گسترش نیرو در بصره و غرب اروندرود، احتمال ورود به آبادان با عبور از آن رودخانه نیز متصور بود.^۱

در هیچ‌یک از مدارک و اطلاعات منتشره در آغاز جنگ، مطلبی درمورد پیشروی دشمن در شرق رودخانه کارون برای تصرف آبادان با عبور از پل مارد (سلمانیه) اشاره نشده، ولی از

قصد دشمن برای ورود به آبادان با عبور از پل رودخانه کارون واقع در خرمشهر پس از تصرف آن شهر اشاره شده است.

لشکر ۳ زرهی عراق پس از عبور از مرز در دو محور به سمت خرمشهر پیشروی کرد. یک محور جاده شلمچه - خرمشهر و محور دیگر از پاسگاه کیلومتر ۲۵ (شمال شلمچه) به سمت جاده اهواز - خرمشهر. نیروهای عراق در محور اول پس از شش روز تا نهر عرایض پیشروی و در آنجا متوقف شدند و در محور دوم پس از چهار روز جاده اهواز - خرمشهر را قطع کرده و در امتداد آن جاده به سمت جنوب پیشروی کردند تا خرمشهر را از ناحیه شمال محاصره کنند.

پس از واگذاری مأموریت تصرف خرمشهر به قرارگاه محمّره در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۵ (به بخش پنجم صفحه ۲۲۱ مراجعه شود)، تیپ ۶ زرهی در غرب رودخانه کارون در امتداد جاده قدیم اهواز - خرمشهر مستقر شد تا پس از تصرف خرمشهر در امتداد جاده مزبور از منطقه شرق خرمشهر به پل خرمشهر - آبادان نزدیک شده و با عبور از آن وارد آبادان گردد.

در این زمان منطقه شرق جاده اهواز - خرمشهر تا سواحل رودخانه کارون و منطقه شرقی آن از هیچ‌گونه پوششی توسط نیروهای ایرانی برخوردار نبود. لذا، عراق می‌توانست با اختصاص نیروی مناسب پیشروی به سمت رودخانه را ادامه داده و از آن عبور کند.

در آن تاریخ مسئولین حکومت ایران در شوک تهاجم عراق بوده و هنوز فرصت سازماندهی و تقویت جبهه‌ها را پیدا نکرده بودند، لذا چنانچه عراق از آن فرصت استفاده می‌کرد، قادر بود سریعاً با قطع جاده اهواز و ماهشهر به آبادان از رسیدن نیروهای تقویتی به آن دو شهر جلوگیری کند.

سؤال اساسی این است که چرا عراق پس از ۱۶ روز از آغاز تهاجم از تصرف آبادان با عبور از پل خرمشهر - آبادان منصرف شد و با احداث پل بر روی کارون در منطقه مارد (سلمانیه) به سمت آبادان پیشروی کرد؟ در پاسخ می‌توان به واقعیت‌های زیر اشاره کرد:

۱- ارزیابی غلط عراق از توان دفاعی ایران:

عراق به امید اینکه می‌تواند نیروهای تضعیف شده ارتش ایران را در خط مرز سریعاً منهدم کند و سپس با استقبال اهالی شهرهای خرمشهر و آبادان آن دو شهر را به تصرف درآورد، تهاجم خود را آغاز کرده بود، اما مقاومت دلیرانه ارتش و پشتیبانی مردم شهر که برای حفظ سرزمین و انقلاب خود آماده هرگونه ایثار و فداکاری بودند امید عراق را به ناامیدی تبدیل کرد.

۲- پی بردن عراق به ضعف نیروهای خود در جنگ شهری و مقابله با مردم.

۳- مقاومت دور از انتظار رزمندگان در حاشیه شهر خرمشهر و جلوگیری از نفوذ آنان به شهر تا روز ۵۹/۷/۱۰

به نظر می‌رسد عراق پس از آگاهی از موارد فوق، به منظور رسیدن به هدف حداقلی (تصرف آبادان) با ارزیابی ذیل تصمیم به پیشروی به سمت آبادان از شرق کارون گرفته است:

۱- محاسن

الف- عبور سریع و آسان از رودخانه کارون با توجه به عدم پوشش سواحل آن.

ب- مسدود کردن سریع جاده اهواز - آبادان و قطع کمک‌رسانی.

ج- عدم وجود مقاومت قابل ملاحظه در منطقه شرق کارون تا آبادان.

د- مسدود کردن جاده ماهشهر - آبادان و بالنتیجه قطع کلیه راه‌های زمینی به آبادان.

ه- پرهیز از نبرد شهری در آبادان.

و- ندادن فرصت به مسئولین ایران برای رساندن نیرو و امکانات به خرمشهر و آبادان.

۲ - معایب:

الف- عراق با عبور از کارون وارد منطقه‌ای می‌شد که از همه جهات در محاصره قرار می‌گرفت و تنها راه عقب‌نشینی آن وابسته به پل‌های روی کارون در منطقه سلمانیه بود.

ب- خطر انهدام نیرو در سر پل، در صورت عدم پیشروی سریع برای تصرف هدف.

نتیجه

سپاه ۳ عراق با توجه به محاسن فوق اطمینان داشت که با اتکا به توانایی و تحرک لشکر ۳ زرهی، دارا بودن برتری مطلق هوایی و برخورداری از پشتیبانی آتش از ساحل غربی اروندرود قادر خواهد بود ضمن حفاظت از نیروها، با سرعت در منطقه شرق کارون (سرپل اشغالی) به سمت آبادان پیشروی و آن شهر را به تصرف درآورد، لذا طرح اولیه تصرف آبادان را تغییر داد.

با توجه به ارزیابی فوق عملکرد ارتش متجاوز مؤید این نظریه است که سپاه سوم عراق محور پیشروی به سمت آبادان را تغییر داده و تصرف آن شهر را به تصرف نهایی خرمشهر موکول نکرده است. صحت این نظریه را شواهد زیر تأیید می‌کند:

۱- واگذاری مأموریت تصرف خرمشهر به قرارگاه محمّره^۱ در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ و رها کردن لشکر ۳ زرهی از مأموریت تصرف خرمشهر.

۲- احداث پل در منطقه مارد در تاریخ ۵۹/۷/۱۷ بر روی رودخانه کارون جهت عبور لشکر ۳ زرهی و محاصره آبادان از منطقه شرق کارون.

۳- واگذاری مأموریت تصرف آبادان با عبور از رودخانه کارون به لشکر ۳ زرهی.

همچنین با توجه به موارد فوق، مشخص می‌شود که دشمن در آغاز تهاجم طرحی برای عبور از رودخانه کارون در منطقه مارد نداشته، ولی پس از ناکامی در نفوذ سریع به خرمشهر طرح‌ریزی جدید را در تاریخ ۵۹/۷/۱۰ آغاز و پس از پنج روز آن را اجرا کرده است.

فرآیند آگاهی عبور دشمن از رودخانه کارون

چگونگی آگاهی لشکر ۹۲ زرهی از زمان و محل عبور نیروهای عراقی از کارون، روایت‌های متفاوتی وجود دارد. صحیح‌ترین و کامل‌ترین روایت را که می‌توان به عنوان یک سند شفاهی و معتبر پذیرفت، خاطرات سرتیپ ۲ سید تراب ذاکری رئیس گپار (گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی) وقت لشکر ۹۲ زرهی می‌باشد. مستخرجه اطلاعات نامبرده مربوط به منطقه عبور (مارد) و چگونگی آگاهی از آن به شرح زیر است:^۱

منطقه مارد در شمال سلمانیه واقع در ۲۰ کیلومتری شمال آبادان محلی است که عراق برای احداث پل انتخاب کرد. این محل کم عرض‌ترین مسیر رودخانه و نزدیک‌ترین فاصله تا جاده اهواز - آبادان می‌باشد و نیاز به جاده‌سازی ندارد. در این محل همه ساله یگان پل لشکر ۹۲ زرهی، روانه کردن پل را تمرین کرده و یک بار نیز تیپ ۳ لشکر ۹۲ درمانور از این محل عبور کرده بود. لذا، ارتش عراق از اطلاعات مربوط به زمین و سواحل رودخانه آگاهی داشته و کمترین فعالیت را برای احداث پل نیاز داشت. ضمناً عوامل اطلاعاتی عراق و جاسوسان محلی آخرین اطلاعات را در اختیار آنان قرار می‌دادند.

در تاریخ ۵۹/۷/۱۷ عناصر محلی ساکن روستای مارد در جنوب دارخوین به لشکر ۹۲ زرهی اطلاع می‌دهند که تعدادی عراقی در ساحل رودخانه مشاهده شده‌اند. گپار لشکر ۹۲ زرهی در ساعت ۱۵۰۰ همان روز، عناصر اطلاعاتی را با بالگرد به منطقه مزبور اعزام و آنان نیز گزارش فوق را تأیید کردند. عناصر اطلاعاتی مجدداً در ساعت ۱۷۰۰ همان روز با دو فروند بالگرد کبری و ۲۱۴ به منطقه اعزام و تعدادی از نیروهای عراقی را که در حال بررسی و شناسایی بودند، مشاهده و پس از بازجویی اولیه مشخص شد عناصر فوق جمعی گردان ۳ مهندس لشکر ۳ زرهی عراق بوده و مأموریت آنان شناسایی و آماده‌سازی ساحل برای نصب پل در ۴۸ ساعت آینده می‌باشد.

پس از دریافت اطلاعات فوق نتیجه‌گیری اولیه لشکر عبارت بود از اینکه، بیشترین تهدید این اقدام متوجه اهواز است. زیرا با تهدید مرکز استان، مقاومت و ایثار در خرمشهر و جزیره آبادان متزلزل خواهد شد. موضوع بلافاصله در ساعت ۲۱۰۰ همان روز با حضور فرمانده قرارگاه جنوب و عناصر عملیات و اطلاعات آن قرارگاه در ستاد لشکر ۹۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این بررسی عبارت بود از:

- ۱- دشمن تا تعیین قطعی وضعیت جاری در آبادان و خرمشهر به سمت اهواز نخواهد آمد.
 - ۲- عبور از کارون برای باز کردن جبهه دومی علیه جزیره آبادان و تضعیف روحیه رزمندگان است.
 - ۳- رکن ۲ لشکر موظف شد به منظور جلوگیری از غافلگیری، روزانه ۲ نوبت از زمین و هوا منطقه را شناسایی کند.
 - ۴- رکن ۳ لشکر موظف شد سریعاً یک گروهان مکانیزه، یک آتشبار ۱۰۵ مم از تیپ ۱ لشکر به منطقه سرپل احتمالی اعزام کند.
 - ۵- قرارگاه آبادان نیز نسبت به تأمین منطقه برای جلوگیری از عبور دشمن اقدام کند.
- یادآوری می‌شود:

در فاصله ۵۹/۷/۱۷ که لشکر از قصد عبور دشمن از کارون مطلع می‌شود تا تاریخ ۵۹/۷/۱۹ و علی‌رغم تصمیمات متخذه در جلسه فوق هیچ‌گونه اقدام اطلاعاتی برای آگاهی از حرکت دشمن به سمت رودخانه، احداث پل و عبور از آن و اقدام عملیاتی برای استقرار نیروی پوششی هم‌چنین بمباران هوایی به عمل نیامده است.

عبور دشمن، پس از احداث پل توسط یکی از اهالی مارد که موفق به فرار شده بود به لشکر اطلاع داده شد. وی اضافه می‌کند که عراقی‌ها پس از عبور، ۳۰۰ نفر از مردان اهالی را دستگیر و زنان را رها کرده‌اند. اطلاعات مربوط به استعداد یگان عبور شونده از کارون بعداً توسط یک افسر عراقی که در جریان تصرف پادگان دژ دستگیر شده بود، مورد تأیید قرار گرفت.

وضعیت جغرافیایی شرق کارون

با توجه به اهمیت منطقه شرق کارون و عبور دشمن از آن برای تصرف آبادان لازم است مجدداً به ویژگی‌های زمین منطقه عملیات اشاره شود:

منطقه عملیاتی شرق کارون محدود است از شمال به دارخوین، از شرق به شادگان و ماهشهر، از جنوب به جزیره آبادان و سواحل خلیج فارس (خور موسی) و از غرب به رودخانه کارون. وسعت تقریبی منطقه ۲۵۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. زمین منطقه فاقد عارضه طبیعی، مسطح و برای حرکت ادوات زرهی و چرخ‌دار مناسب است، ولی در مواقع بارندگی و طغیان رودخانه‌ها، باطلاقی و حرکات به جاده‌های ساخته شده محدود می‌شود.

محورهای مواصلاتی عمده منطقه عبارتند از: جاده اهواز - آبادان و جاده ماهشهر - آبادان. این دو جاده با دو پل موسوم به ایستگاه ۷ و ۱۲ بر روی رودخانه بهمنشیر وارد جزیره آبادان می‌گردند. یک جاده خاکی نیز از سه راهی ماهشهر - شادگان از جاده اصلی منشعب و به موازات جاده اصلی ماهشهر - آبادان تا آبادان امتداد دارد. یک محور مواصلات آبی نیز آبادان را به خارج از منطقه از طریق رودخانه بهمنشیر - خلیج فارس به ماهشهر متصل می‌سازد.

موانع عمده منطقه، تأسیسات صنعتی و کناره‌های باطلاقی و نخلستان‌های ساحلی رودخانه‌های کارون و بهمنشیر می‌باشد که به تدریج از شمال به جنوب از عمق نخلستان‌ها کاسته می‌شود. در شرق منطقه تالاب شادگان مانع عمده‌ای محسوب می‌شود. زمین برای عملیات آفندی به ویژه در مواقع غیر بارندگی مناسب است، ولی برای پدافند به سواحل رودخانه‌ها و حاشیه شهرها و احداث خاکریز متکی است.

زمین منطقه دارای دید و تیر مناسب، ولی فاقد پوشش و اختفاء لازم بوده و نیاز به فعالیت گسترده مهندسی به ویژه در ایام بارندگی دارد.

استعداد دشمن و خودی در شرق کارون

۱- استعداد دشمن

لشکر ۳ زرهی پس از واگذاری تصرف خرمشهر به قرارگاه محمّره ضمن ادامه فشار برای تصرف خرمشهر، نیروهای زیر را برای تصرف سریع آبادان سازماندهی کرد:

- تیپ ۶ زرهی شامل دو گردان تانک (المقداد و خالد) و یک تیپ مکانیزه که در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ که به نظر می‌رسد از همان تاریخ برای عبور از کارون و تصرف آبادان سازماندهی شده بود.

- گردان یکم تیپ ۳۲ نیروی مخصوص.

- گردان ۱۵ مکانیزه از تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ مکانیزه (تحت امر لشکر ۳ زرهی).

- گردان ۲۰ توپخانه لشکر ۵ زرهی.

- آتشبار موشکی پدافند هوایی نیروی هوایی.

- آتشبار موشکی زمین به زمین (فراگ).

- آتشبار پدافند هوایی ۵۷ م.

- گروهان پل (پی.ام.پی) گردان ۳ مهندس لشکر ۳ زرهی.

۲- استعداد نیروی خودی

همانطوری که قبلاً اشاره شد، در سواحل شرقی و غربی رودخانه کارون و همچنین در منطقه شرقی آن حد فاصل دارخوین تا آبادان هیچ‌گونه نیروی خودی استقرار نداشت.

اقدامات دشمن و خودی در شرق کارون (۵۹/۷/۱۹ تا ۵۹/۸/۶)

۱- اقدامات دشمن

عملیات احداث پل از تاریخ ۵۹/۷/۱۷ آغاز و در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ آماده عبور نیروها شد.

تیپ ۶ زرهی در ساعت ۰۲۳۰ روز ۵۹/۷/۱۹ در مرحله یکم یک گردان نیروی مخصوص را جهت برقراری تأمین ساحل شرقی از پل عبور داد. پس از تأمین منطقه یگان‌های تیپ ۶ زرهی به ترتیب از پل عبور و شروع به توسعه سرپل کردند.

تیپ ۶ زرهی در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ بدون برخورد با هرگونه مقاومتی توانست سرپلی را در شرق کارون تصرف و تأمین کند و با توسعه سرپل به سمت شرق جاده اهواز - آبادان را قطع و سپس با پیشروی به سمت جنوب، کنترل جاده ماهشهر - آبادان را در دست گرفت و عملاً کلیه راه‌های اصلی ورودی به آبادان را مسدود کرد.

دشمن چندین بار با اعزام نیرو به ایستگاه ۷ و ۱۲ قصد ورود به شهر آبادان را داشت که با واکنش نیروهایی که به تدریج خرمشهر را تخلیه می‌کردند و در نقاط ورودی آبادان مستقر می‌شدند، مجبور به عقب‌نشینی شد.

علت کندی پیشروی دشمن، باز بودن جناحین و عملیات احداث خاکریز به منظور برقراری پدافند دورادور و تهیه مواضع پدافندی بود. دشمن با احتیاط هرچه بیشتر و به کارگیری امکانات مهندسی با احداث خاکریز در جناحین خیز به خیز به آبادان نزدیک می‌شد.

یکی از امکانات ارتش عراق به کارگیری انواع وسایل سنگین مهندسی جهت پشتیبانی از یگان‌های زرهی در سطح گردان‌ها بود. در حالی که نیروهای ایرانی در آن زمان فاقد چنین امکاناتی بودند. مثلاً در خرمشهر و آبادان حتی یک دستگاه وسایل سنگین مهندسی نظامی وجود نداشت و سایر ارگان‌ها مانند جهاد سازندگی، شرکت نفت و ... در آن زمان هنوز فعال نشده بودند.

به طور کلی دشمن در ده روز اول به احداث خاکریز و مواضع پدافندی در منطقه سرپل اقدام کرد. این موضوع احساس خطر دشمن را از جناحین سرپل نشان می داد (یکی از معایب ذکر شده در ارزیابی). همچنین کندی پیشروی دشمن و تأخیر در رسیدن به هدف (آبادان) به نیروهای ایرانی فرصت داد که نسبت به سازماندهی و تهیه مقدمات لازم خود را برای مقابله با دشمن آماده کنند. این مورد نیز یکی از معایب عمده در ارزیابی تغییر طرح ذکر شده بود.

با نزدیک شدن دشمن به آبادان، حجم آتش دشمن بر روی شهر افزایش یافت. گزارش گشت هوایی نیروی دریایی استقرار یگان های پشتیبانی آتش جدیدی را در غرب رودخانه اروندرود به شرح زیر مورد تأیید قرار داد:^۱

- یک آتشبار در منطقه السفن

- ۴ قبضه خمپاره انداز ۸۱ م م روبه روی خسروآباد

- ۴ قبضه خمپاره انداز در مقابل پاسگاه الویری

- ۱۲ قبضه تیربار ضد هوایی ۲۳ م م در غرب اروندرود مقابل آبادان

- یک آتشبار توپخانه سنگین در غرب اروندرود در مقابل جزیره مینو

حضور دشمن در شرق کارون علاوه بر تکمیل محاصره خرمشهر و آبادان تهدیدی برای بندر امام خمینی (ره) نیز محسوب می شد. فعالیت و جابه جایی نیروهای عراق در غرب اروندرود شایعات ستون پنجم مبنی بر قصد عراق برای نفوذ به آبادان از اروندرود را تقویت کرده بود، ولی مردم آبادان نشان دادند این گونه شایعات موجب ترس و وحشت آنان نشده و آنان مانند اهالی خرمشهر مصمم به ماندن در شهر و دفاع از شهر و دیار خود هستند.

۲- اقدامات خودی

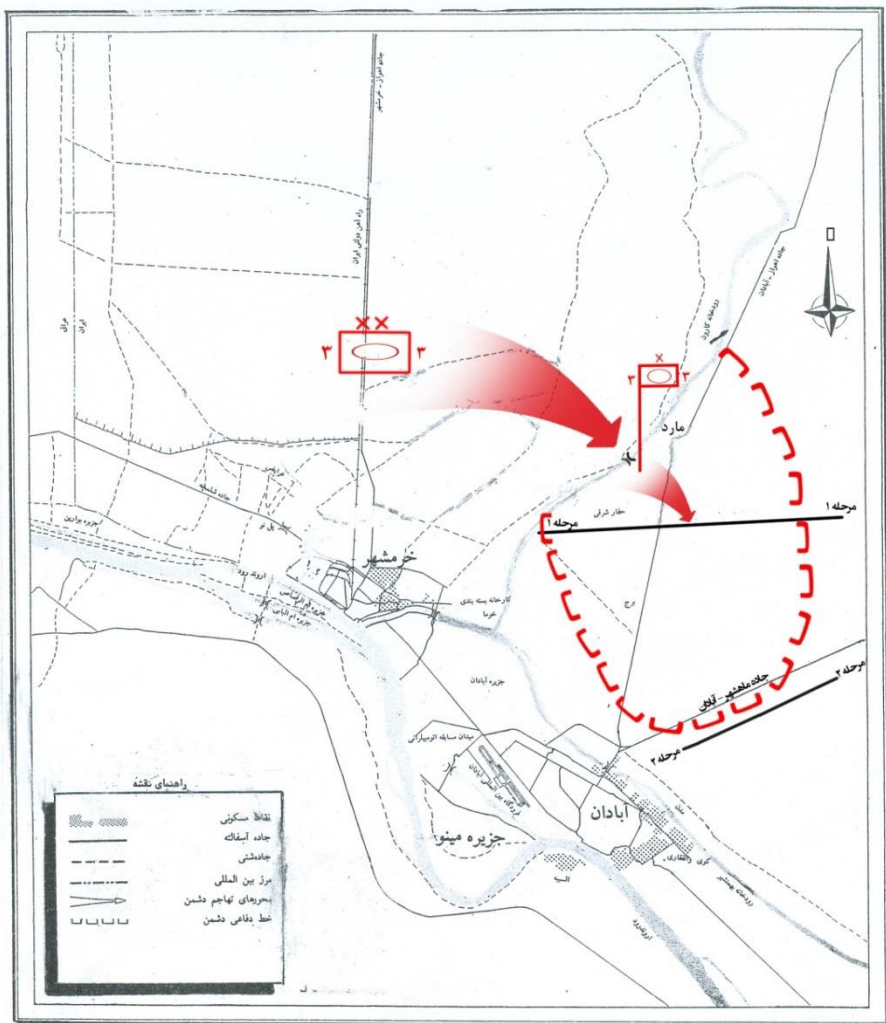
در حالی که دشمن به طور مداوم به توسعه سرپل ادامه می‌داد، نیرویی که بتواند از توسعه آن جلوگیری کند وجود نداشت. در پایان ده روز اول، طول محیط سرپل اشغالی بالغ بر ۳۰ کیلومتر شده بود، لذا برای دفاع در مقابل آن حداقل ۳ تیپ مورد نیاز بود. در شرق کارون هیچ‌گونه نیرویی وجود نداشت، فقط نیرویی به استعداد کمتر از یک تیپ در خرمشهر درگیر نبردی سخت با دشمن بود. تیم شناسایی تکاوران دریایی اعزامی از ماهشهر و شادگان از پیشروی دشمن به سمت آبادان خبر می‌داد.

فرمان تاریخی امام مبنی بر «شکست حصر آبادان» مقامات و مسئولین نظامی و غیر نظامی را متوجه نجات آبادان کرد و مردم سراسر کشور آماده عزیمت به آبادان شدند.

در پی فرمان حضرت امام (ره) ستاد مشترک ارتش بدون توجه به وضعیت جبهه‌ها و توان رزمی لشکر ۹۲ زرهی با عجله دستور بیرون راندن دشمن را از منطقه سرپل به نیروی زمینی و لشکر صادر کرد! در حالی که لشکر ۹۲ زرهی در سایر جبهه‌ها حدود ۱۰۰ کیلومتر مجبور به عقب‌نشینی شده و اعزام حتی یک دسته نیز به خارج از منطقه برایش امکان‌پذیر نبود. اما در چنین شرایطی لشکر برای تقویت آبادان عناصر زیر را از باقیمانده پادگان‌ها به آبادان اعزام کرد:

- یک دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰ مم و ۵۰ نفر خدمه آربی جی ۷
- تعدادی از دانشجویان دانشکده افسری باقی‌مانده در اهواز (۸۰ نفر)
- تعداد ۳۲۰ نفر سرباز از لشکر
- عزیمت ۶۰۰ نفر نیرو از ژاندارمری تهران و ۲۰۰ نفر از اصفهان
- یک آتشبار ۱۰۵ مم اعزامی از مشهد که در تاریخ ۵۹/۷/۲۰ با هواپیما وارد اهواز شده و از ماهشهر با بالگرد به آبادان اعزام شد.

با توجه به فشار فوق‌العاده دشمن، فرمانده لشکر ۹۲ زرهی آخرین وضعیت نیروها و کاهش تدریجی آن را گزارش و با اعلام خطر اضافه کرد، بیمارستان‌ها مملو از مجروحین و شهدا شده، فرماندهان یا زخمی شده و یا از منطقه خارج شده‌اند و کنترل یگان‌ها از دست رفته است. روزهای پر اضطراب و سرنوشت‌ساز به سرعت سپری می‌شد. تعداد شهدا فقط در تاریخ ۵۹/۷/۲۶ در بیمارستان‌ها بالغ بر ۲۰۰ نفر گزارش شده بود.



نقشه شماره ۷: طرح لشکر ۳ زرهی در شرق کارون



مرحله دوم: تشکیل قرارگاه فرماندهی اروند

علل تشکیل قرارگاه اروند

با توجه به وسعت منطقه مسئولیت لشکر ۹۲ زرهی و درگیری آن لشکر در سه محور (دزفول، سوسنگرد و غرب اهواز)، کنترل محورخرمشهر و آبادان توسط ژاندارمری خوزستان لشکر را با مشکلات فراوانی مواجه کرده بود.

به منظور ساماندهی عملیات در آبادان و خرمشهر و هدایت نیروها، ستاد مشترک ارتش دستور تشکیل یک قرارگاه مستقل به نام «قرارگاه فرماندهی اروند» به فرماندهی سرهنگ ستاد حسنعلی فروزان فرمانده وقت ژاندارمری کشور را صادر کرد.

این قرارگاه مستقیماً تابع ستاد مشترک ارتش بود. لذا، تشکیل چنین قرارگاهی مورد اعتراض فرمانده نیروی زمینی ارتش که خود را مسئول حفظ مرزهای زمینی می‌دانست قرار گرفت. ولی به نظر می‌رسد با توجه به اینکه منطقه واگذاری به قرارگاه اروند اکثراً دارای مرز آبی (خلیج فارس و اروندرود) بوده و فقط در غرب خرمشهر (شلمچه) دارای مرز زمینی بود، اقدام ستاد مشترک از نظر اصولی صحیح بوده که بابرش تاکتیکی اقدام به تشکیل یک قرارگاه زمینی و دریایی تحت فرماندهی قرارگاه ژاندارمری کل کشور کرد.

مسئولیت این قرارگاه‌ها در تقدم یکم هدایت عملیات علیه دشمن، در منطقه شرق کارون (منطقه سرپل) و شکستن محاصره آبادان و در تقدم بعدی آزادسازی خرمشهر و تأمین خط مرز در غرب خرمشهر بود.

نیروهای این قرارگاه علاوه بر گردان‌های ژاندارمری کل کشور با برش تاکتیکی از یگان‌های نیروی زمینی، دریایی و سپاه پاسداران تأمین و در تابعیت قرار گرفت.

این قرارگاه در تاریخ ۵۹/۷/۲۷ با به کارگیری ۱۳ نفر از افسران ژاندارمری، ستاد قرارگاه را در ماهشهر تشکیل داد.

اقدامات قرارگاه اروند

۱- انتصاب فرمانده ستاد عملیات آبادان

اولین اقدام قرارگاه جدید انتصاب سرهنگ ۲ حسین حسینی سعدی فرمانده تیپ دانشجویان دانشکده افسری با حفظ سمت به عنوان فرمانده ستاد عملیاتی آبادان در تاریخ ۵۹/۷/۲۷ به جای سرهنگ حسن رضوی بود.

سرهنگ ۲ حسین سعدی که در تاریخ ۵۹/۷/۲ همراه با تیپ دانشجویان وارد خوزستان شده بود در تاریخ ۵۹/۷/۲۷ با حکم قرارگاه فرماندهی اروند با بالگرد وارد آبادان شد. نامبرده ابتدا ستاد عملیاتی آبادان را با استفاده از افسران دانشکده افسری که قبلاً وارد آبادان و خرمشهر شده بودند به شرح زیر تشکیل داد.

- سرگرد پیاده علی نیکفرد افسر عملیات (اعزامی از دانشکده افسری)
- سرگرد توپخانه فضل الله خیراب افسر اطلاعات (اعزامی از دانشکده افسری)
- سرگرد پیاده رضا تصویری افسر آماد و پشتیبانی (اعزامی از دانشکده افسری)
- سرگرد پیاده علی اشرف نوری افسر پرسنلی (اعزامی از دانشکده افسری)
- سرگرد توپخانه خواجویی هم‌آهنگ کننده اتش (اعزامی از گروه ۲۲)
- سروان خلبان جمشیدی افسر ناظر مقدم هوایی (اعزامی از نیروی هوایی)
- سرگرد مهندس شاه‌حسینی اعزامی از لشکر ۷۷ پیاده
- سرگرد پیاده محمد علی شریف النسب متخصص جنگ‌های پارتیزانی (اعزامی از ستاد مشترک)
- سرگرد زرهی حسن اقارب‌پرست مشاور زرهی (اعزامی از ستاد مشترک)
- برادر پاسدار محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه خرمشهر
- برادر پاسدار کیانی فرمانده سپاه آبادان
- نماینده امام جمعه آبادان حضرت آیت‌الله جمی(ره)

۲- اختصاص نیرو به قرارگاه فرماندهی اروند

پس از تشکیل قرارگاه برابر برش تاکتیکی ستاد مشترک ارتش و به دستور نیروی زمینی یگان‌های زیر به قرارگاه واگذار شدند:

- به لشکر ۷۷ پیاده ابلاغ شد یک گردان پیاده، یک گردان تانک و یک آتشبار توپخانه از تیپ ۲ قوچان با استفاده از هواپیمای سی - ۱۳۰ و راه‌آهن به خوزستان جهت تقویت خرمشهر و آبادان اعزام و زیر امر قرارگاه فرماندهی اروند قرار دهد.

- گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ پیاده تحت امر قرارگاه قرار گرفت و در تاریخ ۵۹/۷/۲۸ در سه راه ماهشهر - شادگان مستقر شد.

- اعزام عناصر ژاندارمری، سپاه پاسداران، بسیج مردمی و یگانی از تکاوران نیروی دریایی ماهشهر.

- اعزام نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی از اهواز به فرماندهی برادر پاسدار رحیم صفوی (سردار سرلشکر فعلی). ضمناً ایشان برابر اوامر نماینده حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان «فرمانده اروندرود» معرفی تا بین نیروهای ارتش، سپاه و مردمی هم‌آهنگی به عمل آورد.

- واگذاری تعدادی خدمه تانک و ۹۰ سرباز به اهواز از لشکر ۲۱ پیاده.

- زیر امر قرار دادن کلیه نیروها و رزمندگانی که در منطقه خرمشهر و آبادان در حال نبرد با دشمن بودند.

۳- سازماندهی نیروها

حضور گروه‌های متعدد نظامی و غیرنظامی نیاز به سازماندهی ویژه‌ای داشت. در آن زمان عناصر حاضر در خرمشهر، آبادان و منطقه شرق کارون عبارت بودند از:

- نیروهای نظامی از نیروی زمینی، دریایی، ژاندارمری، شهربانی، هر کدام با استعداد متفاوت

- حضور ۱۱ عنصر غیر نظامی شامل:

- چهار عنصر از سپاه پاسداران شهرهای مختلف

- چهار عنصر از نیروهای بسیج شهرهای مختلف

- سه عنصر از فرمانداری‌های خرمشهر، آبادان و ماهشهر

نیروهای مردمی اکثراً در پی فرمان حضرت امام (ره) وارد منطقه شده و خود را تابع هیچ-گونه سلسله مراتبی نمی‌دانستند. آنها اکثراً داوطلبانه می‌آمدند و خودسرانه از منطقه خارج می‌شدند. برای استفاده بهینه از توان آنها و بهره‌گیری بهتر از روحیه و ایثارگری نیروهای مردمی، تعیین سلسله مراتب مشخصی ضروری بود. به همین منظور فرماندهی اروند سازمان زیر را تعیین و ابلاغ کرد:

الف- کلیه نیروهای نظامی و غیر نظامی مستقر در خرمشهر و آبادان تحت امر ستاد عملیاتی آبادان

ب- نیروهای نظامی و غیر نظامی مستقر در شادگان دارخوین تحت امر برادر رحیم صفوی.

ج- کلیه نیروهای نظامی و غیر نظامی مستقر در ماهشهر مستقیماً تحت امر قرارگاه فرماندهی اروند.

۴- سازماندهی خط پدافندی

قرارگاه اروند با استفاده از نیروهای در اختیار یک خط پوششی از شمال آبادان تا شرق ماهشهر و در ادامه تا شمال شرق (دارخوین) در مقابل خط سرپل دشمن تشکیل داد.

الف- جبهه آبادان

ستاد عملیاتی آبادان با به کارگیری عناصر تحت امر (ژاندارمری، شهربانی، تکاوران دریایی، دانشجویان دانشکده افسری و نیروهای سپاه و مردمی خرمشهر و آبادان و گروه مؤتلفه) خط پدافندی شمال آبادان را در مقابل سرپل دشمن در امتداد فیاضیه، ایستگاه

شماره ۷، ایستگاه شماره ۱۲ تشکیل داد و پس از عقب آمدن تدریجی نیروها از خرمشهر در تاریخ ۵۹/۸/۳ ضمن تقویت آن نسبت به تشکیل خط پدافندی در مقابل پل خرمشهر نیز اقدام کرد.

ب- جبهه ماهشهر، شادگان، دارخوین

(۱) جبهه دارخوین

سپاه پاسداران و نیروهای مردمی اعزامی از اهواز در شمال سرپل (دارخوین) مستقر و با پوشش منطقه، هرگونه تهدید دشمن به سمت اهواز را اطلاع دهند.

(۲) جبهه شادگان

سپاه پاسداران و نیروهای مردمی ماهشهر و شادگان و عناصر تکاوران دریایی در شرق سرپل مستقر و نسبت به پوشش آن اقدام کنند.

ج - جبهه ماهشهر

گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱، گردان ۲۰۱ ژاندارمری، یک گردان از دانشجویان دانشکده افسری، عناصری از تکاوران دریایی و یک آتشبار ۱۰۵ مم لشکر ۹۲ زرهی در طرفین جاده ماهشهر - آبادان در شرق سرپل مستقر و منطقه را کنترل کنند.

۵- آغاز طرح ریزی

در شرایطی که هر لحظه سقوط آبادان در پیش بود، ارتش نمی توانست به بهانه نارسایی های موجود، دست روی دست گذاشته و هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورد.

اعلامیه شماره ۲۳۲ ستاد مشترک ارتش وضعیت خطرناک آبادان را این گونه اعلام کرد:^۱

«دشمن با در دست داشتن خونین شهر، تلاش خود را برای تصرف جزیره آبادان و بندر امام خمینی (ره) و ماهشهر ادامه خواهد داد. به یقین در صورت تصرف آبادان، استفاده از منابع حیاتی موجود در بندر، مانند سوخت، از تدارک یگان های خود در منطقه اهواز، مطمئن خواهد

شد. ضروری است که در این باره از طریق شورای عالی دفاع تصمیم گرفته شود و پیش از سقوط آبادان اقدام عاجل معمول دارند.»

در چنین وضعیت خطرناکی مقامات مسئول و فرماندهان ارتش تکلیف خود می‌دانستند از هرگونه اقدام عاجلی حتی به صورت «استشهادی» کوتاهی نکنند. البته روحیه رزمندگان و آمادگی آنان اجازه چنین اقدامی را می‌داد و در نهایت نیز همین اقدامات باعث شد که دشمن در مقابل دروازه شهرها متوقف و از تحقق اهدافش باز ماند.

فرمانده عملیات اروند با احساس تکلیف شرعی و ملی و با آگاهی از استقرار یک تیپ تقویت شده دشمن در منطقه شرق کارون که برخوردار از پشتیبانی لشکر ۳ زرهی و برتری مطلق نیروی هوایی بود، تصمیم به اجرای عملیات آفندی (تک مختل کننده) در تاریخ سوم آبان‌ماه ۱۳۵۹ علیه دشمن گرفت. این عملیات در حالی طراحی شد که تهیه‌کنندگان آن و یگان‌های عمل‌کننده هیچ‌گونه شناختی از زمین و دشمن نداشته و فقط ۵ روز قبل به منطقه وارد شده بودند.

استعداد اولیه قرارگاه فرماندهی اروند

در اولین دستورالعمل ستاد قرارگاه فرماندهی اروند، یگان‌های تابعه آن قرارگاه بدین شرح ذکر شده است:^۱

- گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ پیاده

- گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری

- گردان دانشجویان دانشکده افسری [۴ گردان]

- بخشی از عناصر ژاندارمری، رزمندگان سپاه در آبادان

- عناصر باقی‌مانده گردان‌های ۱۵۱ دژ، گردان ۱۶۵ مکانیزه و گردان ۲۳۲ تانک

- گردان تکاوران نیروی دریایی [۲ گردان]

- آتشبار کاتیوشا، آتشبار ۱۳۰ مم توپخانه از گردان‌های ۳۲۲ و ۳۹۹ توپخانه

- آتشبار پدافند هوایی از گردان ۳۰۷ توپخانه

- آتشبار ۲۳ مم پدافند هوایی از گروه ۲۲ توپخانه و تعدادی توپ ۲۳ مم از لشکر ۲۱

توضیح: استعداد پرسنلی و آماد و پشتیبانی یگان‌های فوق از مجموع توان رزمی یک تیپ سازمانی منسجم کمتر بود. اکثر یگان‌های فوق از هیچ‌گونه هم‌آهنگی سازمانی برخوردار نبوده و عناصر فرماندهی آنها شناختی از منطقه نداشتند و تنها ۵ روز قبل از ورود به منطقه از شهرهای مختلف ایران به ماهشهر اعزام شده بودند.

مرحله سوم: عملیات آفندی قرارگاه اروند (۱۳۵۹/۸/۳)

اهداف و طرح آفندی قرارگاه

۱- هدف

قرارگاه فرماندهی اروند با هدف به تأخیر انداختن پیشروی دشمن به سمت آبادان اقدام به تهیه طرح تک مختل کننده علیه سرپل اشغالی در منطقه شرق کارون کرد تا فرصت لازم برای رسیدن نیروهای تقویتی که در حال ورود به منطقه بودند، فراهم شود.

۲- طرح آفند قرارگاه فرماندهی اروند (نقشه شماره ۸)

طرح عملیاتی عبارت بود از تک مختل کننده به خط سرپل دشمن، از شمال، شرق و جنوب غربی با استفاده از یگان‌های مستقر در مناطق زیر:

- منطقه جنوب غربی (آبادان) توسط یگان‌های ستاد عملیاتی آبادان.
 - منطقه شرق (ماهشهر) توسط گردان ۱۴۴ پیاده و گردان ۲۰۱ ژاندارمری.
 - منطقه شمال (دارخوین) توسط نیروهای سپاه پاسداران اهواز.
 - پشتیبانی آتش گردان ۱۳۰ مم توپخانه مستقر در ۱۷ کیلومتری آبادان و گردان ۱۰۵ مم توپخانه مستقر در ۴ کیلومتر (سه راهی شادگان)
 - احتیاط: هر یک از نیروهای عمل کننده موظف به تشکیل احتیاط مناسب بودند.
- طرح فوق روز دوم آبان ماه ۵۹ با احضار فرماندهان تابعه به طور شفاهی ابلاغ و متذکر شدند ساعت (س) متعاقباً اعلام خواهد شد.

طرح ستاد عملیات آبادان

۱- گسترش پدافندی

فرماندهی ستاد عملیات آبادان که در حال تخلیه خرمشهر از نیروهای باقی مانده بود، پس از مراجعت از قرارگاه اروند بلافاصله نیروهای موجود را بدین شرح در خط پدافندی شمال آبادان مستقر کرد:

الف- جبهه خرمشهر

عناصر باقی مانده گردان های ۱۵۱ دژ، ۱۶۵ پیاده زرهی، ۲۳۲ تانک لشکر ۹۲، گردان تکاوران نیروی دریایی، نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای مردمی خرمشهر مقابل پل خرمشهر در مواضع پدافندی در ساحل جنوبی کارون (خرمشهر جنوبی) به منظور جلوگیری از عبور دشمن از پل.

ب- جبهه شمال آبادان

عناصر ژاندارمری آبادان، نیروهای فدائیان اسلام، سپاه پاسداران و نیروهای مردمی آبادان، عناصر شهربانی آبادان، دانشجویان دانشکده افسری از فیاضیه تا جنوب جاده ماهشهر - آبادان به منظور جلوگیری از نزدیک شدن دشمن به آبادان.

۲- طرح آفندی

ستاد عملیات آبادان دستور عملیات آفندی جبهه شمال آبادان را به طور شفاهی به فرماندهان و مسئولین خطوط پدافندی به شرح زیر ابلاغ کرد:

الف- جبهه خرمشهر

پدافند در ساحل جنوبی کارون با هوشیاری و مراقبت کامل و درگیر کردن دشمن با حداکثر آتش موجود

ب- جبهه شمال آبادان

تک به خط سرپل دشمن در دو محور به منظور انهدام و عقب راندن دشمن از جاده ماهشهر - آبادان و کمک به نیروهای تک‌کننده شرق سرپل.

(۱) محور سمت راست: نیروهای عشایر خرم‌آباد به فرماندهی سرگرد سپهر و نیروهای مردمی و گروه مؤتلفه اسلامی از ایستگاه ۱۲، کنار سوله‌های نفت به سمت ایران گاز.

(۲) محور سمت چپ: یگان داوطلب شهربانی به فرماندهی ستوان عامری، نیروهای سپاه پاسداران آبادان و سایر نیروهای مردمی از ایستگاه ۷ به سمت کارخانه کشتی‌سازی.

(۳) احتیاط: عناصری از ژاندارمری، دانشجویان دانشکده افسری، عناصر باقی‌مانده از گردان دژ و نیروهای مردمی اعزامی از نقاط مختلف کشور.

(۴) پشتیبانی آتش: تعدادی تفنگ ۱۰۶ و دو قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰ مم از گردان دژ و توپخانه‌های مستقر در خارج از جزیره آبادان.

پس از ابلاغ دستور عملیاتی، دستور داده شد یگان‌ها ساعت ۲۱۰۰ روز ۵۹/۸/۲ در خطوط پدافندی مربوطه آماده دریافت ساعت تک باشند.

کلیه طرح‌ریزی‌ها، صدور دستور، آماده شدن برای انجام عملیات در مدت کوتاهی یعنی یک روز (۵۹/۸/۲) به عمل آمد. چنین سرعت عملی در کارها برای نشان دادن اراده نیروهای ایران به دشمن و به تأخیر انداختن پیشروی وی یک تکلیف بود ولی فرماندهان از ضعف این-گونه برنامه‌ریزی به خوبی آگاهی داشته و اقدامی غیر از آن امکان‌پذیر نبود.

طرح عملیات آفندی گردان ۱۴۴ پیاده (جبهه ماهشهر)

فرمانده گردان ۱۴۴ پیاده سرگرد فرض‌الله شاهین‌راد (سرتیپ فعلی) در کتاب «گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان» تدبیر عملیاتی گردان را این‌گونه شرح داده است:^۱

«گروهان یکم به فرماندهی ستوان یکم محمد حاتمی به سمت راست جاده ماهشهر - آبادان، گروهان سوم به فرماندهی سروان غلامعلی بکتوستان به چپ جاده و گروهان دوم به فرماندهی ستوان یکم ابوطالب خلیج محوریت جاده به دشمن تک می‌کنند. هر یک از یگان‌های تک کننده یک دسته نیروی احتیاط در نظر بگیرند، اما به کارگیری و استفاده از نیروهای احتیاط با اطلاع گردان باشد.

یک قبضه از موشک‌های تاو در اختیار گردان باقی مانده و سه قبضه دیگر به سه گروهان در خط مأمور شوند. گروهان‌های در خط از تفنگ‌های ۱۰۶ مم، تفنگ‌های ۵۷ مم، سلاح‌های آرپی جی ۷ و موشک‌های تاو علیه ادوات زرهی دشمن در موج اول استفاده کنند. ... به فرمانده گروهان ارکان سروان داریوش یزدان‌ستا ابلاغ گردید از نظر پشتیبانی آتش خمپاره‌اندازهای ۱۲۰ مم گردان را در پناه جاده، حدود موضع تک مستقر نماید. ...»

فرمانده گردان در تدبیر خود اضافه می‌کند، «معاون گردان سرگرد حسن محمدی همراه گروهان یکم و سروان حسن کاوه رئیس رکن سوم گردان همراه گروهان سوم و فرمانده گردان همراه با گروهان دوم در تک شرکت می‌کنند» ضمناً مسئولیت دسته خمپاره‌انداز به استواریکم غلامعباس فراهانی واگذار شده بود.

فرمانده گردان قبل از عزیمت به موضع تک هم‌آهنگی‌های لازم با فرمانده گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری که در جناح راست گردان به دشمن تک می‌کرد، به عمل آورد. (برای آگاهی بیشتر به کتاب گردان ۱۴۴ پیاده در نبرد آبادان مراجعه شود).

شرح عملیات آفندی قرارگاه اروند

۱- جبهه شمال آبادان

فرمانده عملیات (سرهنگ حسنی سعدی) چگونگی عملیات سوم آبان ماه در شمال آبادان را این گونه بیان می‌دارد:

«با توجه به کمبود وقت دستور داده شد فوراً عناصر موجود را آماده کنند و تا شروع تاریکی در مواضع تک مستقر و آماده دریافت ساعت (س) باشند.

به اتفاق سرگرد نیکفرد (افسر عملیات)، افسر ناظر هوایی (سروان جمشیدی)، بی‌سیم‌چی در سنگری در ساحل بهمنشیر نزدیک ایستگاه ۷ مستقر شده و آماده اجرای عملیات شدیم. ساعت (س) توسط قرارگاه فرماندهی اروند ساعت ۰۰۳۰ روز سوم آبان (سی دقیقه نیمه شب) تعیین و به یگان‌های عمل‌کننده ابلاغ شد.

نیروها به علت کمبود وقت نتوانسته بودند به موقع به مواضع تک بروند، لذا حمله با تأخیر آغاز شد. هیچ‌گونه ارتباطی با یگان‌هایی که از طرف ماهشهر عمل می‌کردند نداشتیم. در جبهه آبادان توپخانه پشتیبانی کننده نبود و آتش پشتیبانی توسط خمپاره‌انداز و جنگ‌افزارهای نیمه سنگین تأمین می‌شد. ولی آتشبار کاتیوشا، آتشبار ۱۷۵ مم، گردان ۱۳۰ مم از گروه ۲۳ توپخانه که در خارج از آبادان مستقر بودند، می‌توانستند عملیات را پشتیبانی کنند.»

نیروهای تک‌ور در جبهه آبادان توانستند به مواضع تأمین دشمن نفوذ کنند، ولی با روشن شدن هوا، درگیری طرفین به اوج رسید و تا ساعت ۱۱۰۰ الی ۱۲۰۰ ادامه داشت. سپس نیروهای خودی با قرار گرفتن زیر آتش تانک، توپخانه و هوایی دشمن مجبور به عقب‌نشینی شده و به مواضع اولیه مراجعت کردند. دشمن برای جلو آمدن و تعقیب نیروها تلاش نکرد و در ۵ کیلومتری شمال جاده ماهشهر - آبادان در پشت خاکریز مستقر شد.

۲- عملیات گردان ۱۴۴ پیاده و گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری

الف- یگان‌های گردان ۱۴۴ پیاده به سرعت خود را برای اجرای عملیات آماده کردند و یک ساعت قبل از آغاز تک در مواضع هجوم مستقر شدند و پس از اعلام ساعت تک در ۰۰۳۰ روز

۵۹/۸/۳ پیشروی را آغاز کردند. یگان‌های تک‌ور قبل از روشنایی روز موفق به نفوذ در مواضع عناصر تأمین دشمن شدند، تعدادی را کشته و اسیر کردند. با روشن شدن روز، دشمن ابتدا شروع به عقب‌نشینی کرده و سپس با اجرای آتش سنگین به مدت یک ساعت، شروع به پاتک کرد.

ب- گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری که در جناح راست گردان ۱۴۴ پیاده پیشروی را آغاز کرده بود، علی‌رغم هم‌آهنگی‌های انجام شده به علت عدم تجانس نیرو نتوانست پیشروی هم‌آهنگ شده‌ای را ادامه دهد.

با روشن شدن هوا، قرارگاه اروند تعداد شش دستگاه تانک بازسازی شده در مسجد سلیمان را که شبانه وارد ماهشهر شده بودند، بدون هم‌آهنگی قبلی با گردان ۱۴۴ به منظور تقویت آن گردان از روی جاده ماهشهر - آبادان به طرف خط مقدم جبهه اعزام کرد.

تانک‌ها به علت عدم توجیه نسبت به منطقه و وضعیت نبرد، در حالی که سعی داشتند خود را از روی جاده به گردان ۱۴۴ پیاده برسانند، مورد هدف آتش ضد تانک دشمن قرار گرفتند و هر شش دستگاه منهدم و کلیه خدمه آن شهید و مجروح شدند.

درگیری تا ساعت ۱۲۰۰ روز ادامه داشت، گردان ژاندارمری به علت تلفات زیاد و فشار دشمن به مواضع اولیه بازگشت، در نتیجه احتمال احاطه گردان ۱۴۴ پیاده از جناح راست متصور بود.

گردان ۱۴۴ پیاده با وجود تلفات، با استفاده از آتش پشتیبانی سازمانی، آتش توپخانه و برخورداری از پشتیبانی هوانیروز موفق شد حدود ۳ کیلومتر دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کند، ولی تلفات بیش از حد گردان و شهادت و مجروح شدن اکثر عناصر کلیدی گردان و آغاز تهاجم نیروی هوایی عراق، امکان پیشروی بیشتر برایش مقدور نشد و ناگزیر به باقیمانده یگان‌ها دستور مراجعت به مواضع اولیه داده شد.

نتیجه عملیات

در عملیات سوم آبان ماه ۱۳۵۹ در شرق کارون کلیه یگان‌های تک‌ور به ویژه گردان ۱۴۴ پیاده موفق شدند پیشروی نیروهای عراقی را قبل از رسیدن به جاده ماهشهر - آبادان و نزدیک شدن به جزیره آبادان به مدت ۴۸ ساعت به تأخیر اندازند و با درگیر کردن دشمن در همه جهات، فرصت لازم را برای حضور نیروهای تقویتی از جمله ورود گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ پیاده به آبادان فراهم کنند.

عملیات آفندی گردان ۱۴۴ پیاده و سایر نیروهای عمل‌کننده، عملیات جاودانه‌ای بود که می‌توان آن را در زمره عملیات استشهادی قرار داد. تلفات و خسارات وارده به گردان ۱۴۴ پیاده حدود ۵۰ درصد برآورد شده است.

بیشترین تلفات به عناصر تک‌ور گردان ۱۴۴ در جریان نبرد تن به تن بود، لذا با توجه به حجم تلفات و خسارات وارده در این عملیات، گردان تمامیت خود را از دست داد و فاقد توان رزمی شد. جدول ذیل وضعیت تلفات افسران گردان بلافاصله پس از عملیات را نشان می‌دهد:^۱

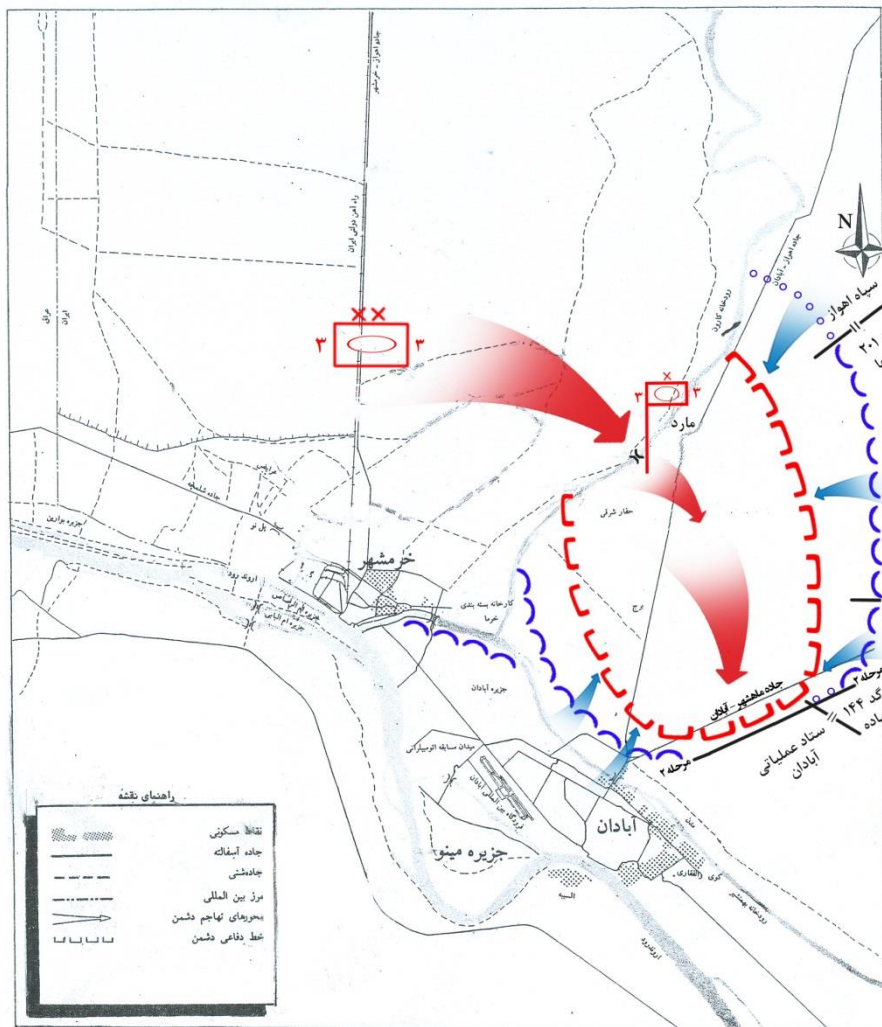
ردیف	وضعیت	تعداد	مشاغل
۱	سالم	۴	فرمانده گردان، فرمانده گروهان ارکان، فرمانده گروهان دوم، افسر مخابرات
۲	مجروح	۲	فرمانده گروهان یکم، فرمانده دسته
۳	مفقود	۱۳	معاون گردان، رئیس رکن سوم گردان، افسر گروهان سوم و ۱۰ نفر فرمانده دسته
جمع		۱۹	درصد تلفات افسران ۷۸٪

در بررسی‌های بعدی از تعداد ۱۳ نفر مفقودین یک نفر اسیر (معاون گردان)، ۲ نفر شهید (رئیس رکن سوم گردان و فرمانده گروهان سوم) و ده نفر اسیر یا جاویدالآثر اعلام شد. میزان تلفات به ویژه کادر فرماندهی و عناصر کلیدی در این نبرد نابرابر، بیان‌گر آن است که: کلیه کارکنان گردان از فرمانده گردان تا پایین‌ترین رده با درک شرایط کشور و احساس وظیفه نظامی، با برخورداری از وجدان کاری فوق‌العاده با ایمان و ایثار همراه با تعهد و شجاعت به استقبال دشمن شتافتند. به همین دلیل می‌توان چنین عملیاتی را یک **عملیات استشهادی** دانست.

دیدگاه سرلشکر شهید فلاحی

در خاتمه عملیات سرلشکر شهید ولی الله فلاحی ریاست ستاد مشترک ارتش که خود در موضع دسته خمپاره انداز ۱۲۰ م گردان حضور داشت و عملیات را نظارت می کرد، در جمع تعدادی از عناصر باقی مانده گردان از ایثار و فداکاری آنان تقدیر کرد و اظهار داشت:^۱

«امروز شما دین خود را به انقلاب و میهن اسلامی ادا کردید؛ چاره ای نبود، بایستی برای به دست آوردن زمان، این عملیات انجام می شد تا قسمتی از لشکر ۷۷ پیاده که هم اکنون در منطقه هستند بتوانند به آبادان اعزام شوند.»





مرحله چهارم: پیشروی دشمن به سمت آبادان (۵۹/۸/۶)

طرح عبور دشمن از بهمنشیر

با نا امید شدن دشمن از پیشروی به سمت آبادان و عبور از پل‌های ایستگاه ۷ و ۱۲، تصمیم به عبور از رودخانه بهمنشیر در منطقه کوی ذوالفقاری برای ورود به آبادان گرفت. منطقه انتخاب شده برای عبور از بهمنشیر از دو ویژگی مهم زیر برخوردار بود:

۱- آخرین حد منطقه شهری آبادان در جنوب مخازن نفت (تانک‌فارم‌ها)

۲- کوتاهترین فاصله از بهمنشیر تا ساحل شرقی اروندرود.

با این تصمیم، دشمن ضمن پرهیز از برخورد با مردم شهر و درگیر شدن در جنگ شهری، سریعاً آبادان را از جنوب به محاصره کامل درآورده و ارتباط خود را از طریق اروندرود با ساحل غربی آن رودخانه جهت دریافت کمک برقرار کند. بدین ترتیب صحت شایعه عبور دشمن از اروندرود به داخل آبادان تأیید می‌شد.

دشمن پس از عملیات سوم آبان‌ماه و بازسازی و تقویت توسط تیپ ۴۹ لشکر ۱۱ پیاده، مجدداً در تاریخ ۵۹/۸/۶ حرکت خود را به سمت جنوب آغاز کرد و پس از قطع جاده خاکی ماهشهر - آبادان در تاریخ ۵۹/۸/۷ خود را به ساحل بهمنشیر رساند. در این تاریخ دشمن تعدادی از عناصر خودی را که برای رسیدن به آبادان در آن محور در حرکت بودند، از جمله وزیر نفت جمهوری اسلامی آقای مهندس تندگویان را به اسارت درآوردند.

وضعیت نیروهای خودی در نبرد آبادان (۵۹/۸/۶)

۱- ورود گردان ۱۵۳ پیاده

عملیات سوم آبان‌ماه پیشروی دشمن را به سمت آبادان به تأخیر انداخت. در این فرصت گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ پیاده و یک آتشبار از آن لشکر، از جاده خاکی، راه دریایی و استفاده از هواناوهای نیروی دریایی و بالگردهای هوانیروز در دو روز پیایی تا ۵۹/۸/۶ وارد آبادان شدند.

فرمانده گردان مزبور سرهنگ ۲ پیاده منوچهر کهتری با حکم فرمانده عملیات خرمشهر عازم آبادان شده بود، ولی زمانی وارد آبادان شد که ۴۸ ساعت از سقوط خرمشهر گذشته بود. گردان بنا به دستور قرارگاه ارونند زیر امر ستاد عملیاتی آبادان قرار گرفت و طبق دستور یک گروهان برای تقویت خط پدافندی مقابل پل خرمشهر و دو گروهان را در جنوب آبادان حد فاصل آبادان و خسروآباد، نزدیک قبرستان آبادان مستقر کرد. ورود و گسترش گردان ۱۵۳ در آخرین لحظه در آبادان، نقش عمده‌ای در عملیات آینده و جلوگیری از سقوط آبادان داشت که متعاقباً شرح داده خواهد شد.

۲- تغییرات در ستاد عملیات آبادان

الف - خروج دانشجویان دانشکده افسری و تغییر فرماندهی

در تاریخ ۵۹/۸/۶ دستور مراجعت دانشجویان دانشکده افسری به تهران از طرف نیروی زمینی صادر شد. سرهنگ ۲ حسنی سعدی فرمانده تیپ دانشجویان که فرمانده ستاد عملیات آبادان بود، منتظر ورود فرمانده جدید ستاد عملیات آبادان سرهنگ توپخانه نصیر شکرریز (جانشین دانشکده افسری) بود. فرمانده جدید پس از ورود از سرهنگ ۲ حسنی سعدی خواست که جهت همکاری با وی به عنوان معاون عملیاتی در آبادان باقی بماند و به نامبرده کمک کند. سرهنگ ۲ حسنی سعدی نیز با موافقت فرمانده دانشکده افسری و تأیید قرارگاه فرماندهی ارونند در آبادان باقی ماند.

تیپ دانشجویان و کلیه عناصر دانشکده افسری با هواناوهای نیروی دریایی به ماهشهر منتقل و از آنجا عازم تهران شدند.

ب - ستاد عملیات آبادان از هنگ ژاندارمری به ساختمان بانک ملی آبادان تغییر مکان یافت.

۳- استعداد نیروها در آبادان

با خارج شدن دانشجویان دانشکده افسری و برخی از نیروهای مردمی از جمله گروه عشایری لرستان، نیروهای باقی مانده در آبادان در تاریخ ۵۹/۸/۶ عبارت بودند از:

- گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ پیاده
- آتشبار ۱۰۵ م لشکر ۷۷ پیاده
- عناصر باقی مانده از گردان تکاوران دریایی
- عناصر باقی مانده گردان‌های ۱۵۱ دژ، ۱۶۵ پیاده زرهی و ۲۳۲ تانک لشکر ۹۲ زرهی. ضمناً دستور خروج گردان ۲۳۲ جهت بازسازی صادر شده بود.
- عناصر ژاندارمری و شهربانی آبادان
- عناصر سپاه پاسداران و نیروهای مردمی خرمشهر
- عناصر سپاه پاسداران و نیروهای مردمی آبادان
- عناصر سپاه پاسداران و نیروهای مردمی اعزامی از اصفهان
- گروه فدائیان اسلام اعزامی از تهران
- نیروهای مردمی آبادان و خرمشهر

نفوذ دشمن به داخل آبادان (نقشه شماره ۹)

دشمن صبح روز ۵۹/۸/۸ در ۳ کیلومتری رودخانه بهمنشیر مقابل دهکده ثوامدر منطقه ذوالفقاریه آبادان متوقف و اقدامات لازم برای ساحل سازی و عبور از رودخانه را آغاز کرد.

قبل از مسدود شدن جاده خاکی یک آتشبار کاتیوشا وارد آبادان شد، ولی دو دستگاه کانکس مهمات آن در کناره بهمنشیر متوقف تا صبح روز بعد وارد آبادان شوند. فرمانده آتشبار با مراجعه به ستاد عملیاتی، در خطر بودن کانکس‌ها را اطلاع داد.

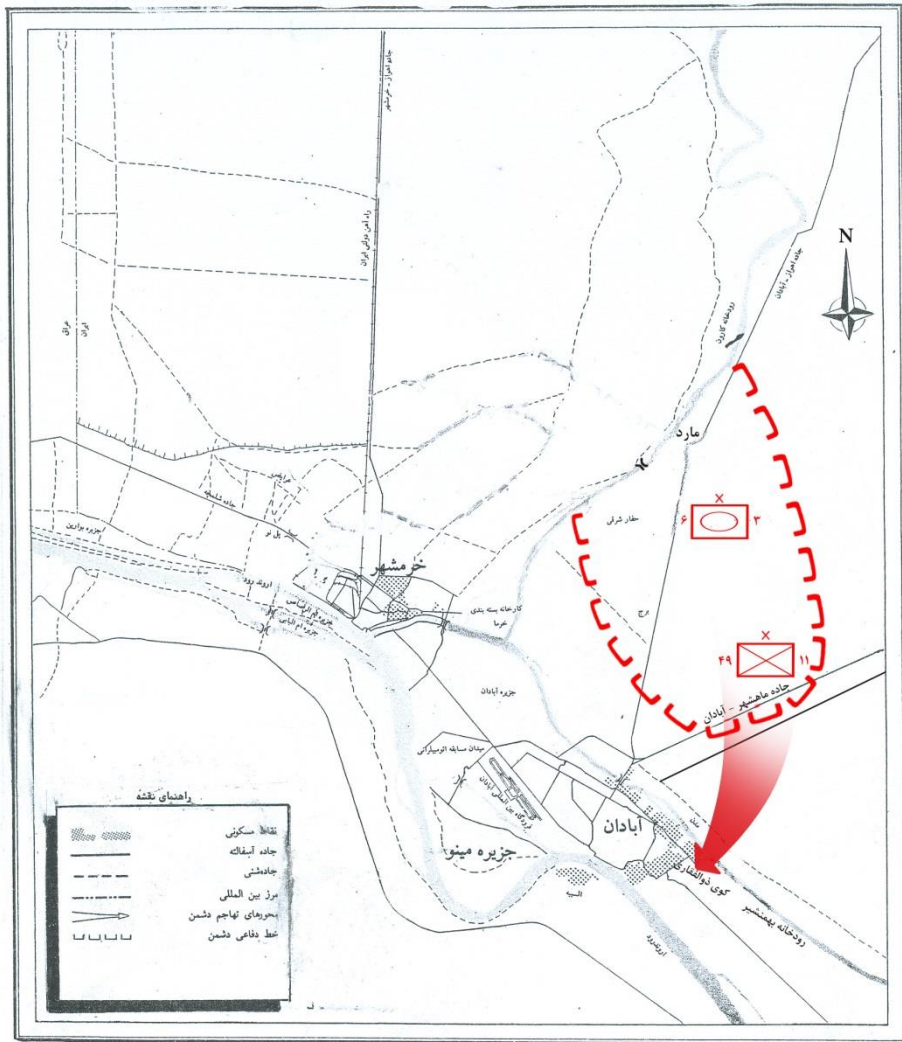
سرهنگ حسنی سعدی به اتفاق سرگرد شریف‌النسب با حضور در محل و با مشاهده نیروهای دشمن در فاصله سه کیلومتری، سریعاً کانکس‌ها را از کنار نخلستان‌های ساحل

بهمنشیر به طرف چوئبیده (بندری در بهمنشیر) اعزام و با مراجعه به پالایشگاه نفت و استفاده از جرثقیل‌های موجود نسبت به تخلیه کانکس‌ها اقدام کردند.

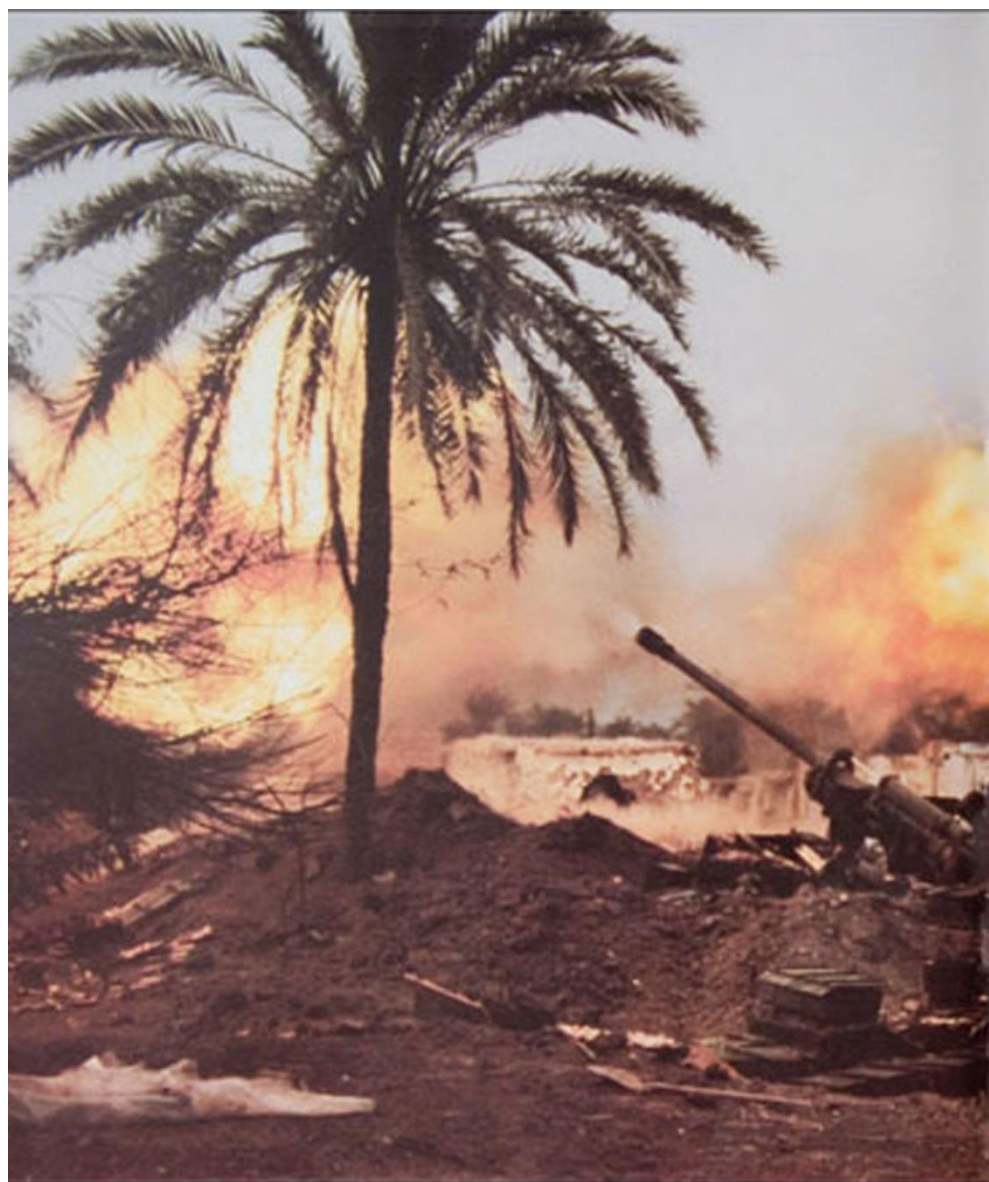
سرهنگ حسنی سعدی بعد از تخلیه کانکس‌ها در امتداد بهمنشیر به طرف ایستگاه ۱۲ آبادان حرکت و در طول مسیر از نزدیک شدن نیروهای دشمن به بهمنشیر اطلاع پیدا کرد. پس از ورود به ستاد عملیاتی بلافاصله مسئولین را احضار و پس از شور ستادی به اتفاق فرمانده جدید ستاد عملیاتی، فرمانده گردان ۱۵۳ و فرمانده سپاه پاسداران به منطقه ذوالفقاری عزیمت کردند. در حالی که هوا تاریک شده بود فعالیت از دشمن مشاهده نشد، ولی دستور آماده باش به گردان ۱۵۳ و بقیه نیروها داده شد.

دشمن در شب ۸ به ۹ آبان ماه شروع به قطع درختان نخلستان شمالی بهمنشیر در منطقه ذوالفقاریه کرد و نیروهای تأمینی به استعداد یک گردان را به داخل جزیره آبادان نفوذ داد. نیروی مزبور تا ساعت ۰۵۰۰ روز ۹ آبان ماه خود را به نزدیکی جاده خسروآباد رسانده و موشک‌های مالیوتکا را به سمت جاده خسروآباد روانه کرده بود.

سحرگاه روز ۵۹/۸/۹ یک نفر از اهالی منطقه به نام دریاقلی، عبور نیروهای دشمن را از رودخانه به ستاد عملیاتی آبادان اطلاع می‌دهد. موضوع اطلاع دادن دریاقلی به روایت‌های مختلف در خاطرات و نوشته‌ها وجود دارد. هرکس اطلاع نامبرده را به خود نسبت می‌دهد، ولی آنچه مسلم است در نهایت ستاد عملیات آبادان از موضوع مطلع می‌شود.



نقشه شماره ۹: پیشروی دشمن به داخل آبادان



عملیات کوی ذوالفقاری (نقشه شماره ۱۰)

۱- پاتک نیروهای خودی

ستاد عملیات آبادان بلافاصله گردان ۱۵۳ (-) را به منطقه نفوذ اعزام کرده و سپس با کمک امام جمعه محترم نسبت به بسیج کلیه اهالی غیر نظامی اقدام و نیروی زیادی را به منطقه اعزام می‌دارد.

در این زمان دشمن نصب پل را به پایان رسانده و دومین گردان را نیز با تعدادی نفربر به داخل جزیره آبادان نفوذ داده بود. چنانچه دشمن موفق می‌شد تا جاده آبادان - خسروآباد پیشروی و در آنجا مستقر شود، محاصره آبادان کامل می‌شد.

گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ با پشتیبانی آتش و با استفاده از نیروهای مردمی با هدایت فرمانده دلاور گردان از ساعت ۲۱۰۰ روز ۵۹/۸/۹ نبرد سختی را با نیروهای متجاوز آغاز و تا سپیده‌دم روز ۵۹/۸/۱۰ موفق شد ساحل جنوبی رودخانه بهمنشیر و کوی ذوالفقاری را از لوٹ وجود دشمن پاک کند.

در ادامه، روز ۵۹/۸/۱۰ گردان ۱۵۳ پیاده و گروه فدائیان اسلام به فرماندهی شهید مجتبی هاشمی به تعقیب دشمن پرداختند و آنان را تا ۵ کیلومتری شمال بهمنشیرمجبور به عقب‌نشینی کردند. دشمن پس از عقب‌نشینی در یک کیلومتری جنوب جاده آبادان - ماهشهر (تپه‌های مَدَن) اقدام به احداث خاکریز کرد و نیروهای خودی در مقابل آنان وضعیت پدافندی اتخاذ کردند. (نقشه شماره ۱۰)

در این روز نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران چندین بار نیروهای دشمن را در منطقه ذوالفقاری بمباران کرد و موجب تلفات و خسارات فراوانی به دشمن و عقب‌نشینی آنها شد.

در این عملیات ستاد عملیات آبادان متشکل از کارکنان دانشکده افسری هدایت و پشتیبانی یگان‌های عمل‌کننده را به عهده داشتند. هم‌چنین امام جمعه محترم آبادان و سپاه

پاسداران و مقامات اداری شهر با بسیج نیروهای مردمی و تأمین امکانات لازم یگان‌های عمل‌کننده و ستاد عملیات آبادان را پشتیبانی کردند.

بدین ترتیب با ورود گردان ۱۵۳ پیاده در آخرین لحظات و همکاری توده‌های مردم و مسئولین نظامی و غیر نظامی، آبادان از سقوط حتمی نجات یافت.

یگان‌های دشمن که در تاریخ ۵۹/۸/۹ در عملیات نفوذ به آبادان شرکت داشتند عبارتند از:

یک گردان از نیروی مخصوص، گردان ۲ تیپ ۴۹ پیاده و گردان ۱ تیپ ۲۳ پیاده لشکر ۸ با پشتیبانی توپخانه و تانک.

تلفات و خسارات وارده به دشمن تعداد ۴۹۳ کشته، ۱۳۰ اسیر و ۲۳ دستگاه وسایل سنگین مهندسی گزارش شده است.

روز ۵۹/۸/۱۰ دشمن تلاش مجددی را برای ورود به آبادان از ایستگاه ۷ و ۱۲ به عمل آورد که با مقاومت نیروهای مستقر در خط پدافندی شمال آبادان مجبور به عقب‌نشینی شد.

از تاریخ ۵۹/۸/۸ توپخانه دشمن از همه جهات آبادان را به شدت زیر آتش قرار داد. کلیه نقاط شهر در حال اشتعال و مخازن نگهداری سوخت (تانک‌فارم) و پالایشگاه شعله‌ور شده، به طوری که شب و روز شهر در میان آتش و دود ناپدید شده بود.

منازل و خیابان‌ها انباشته از مجروحین و شهدا بود، اهالی شهر، آنان که توانایی داشتند با هر وسیله ممکن به نیروهای رزمنده یاری می‌رساندند. کسانی که توان رزم نداشتند، از جمله بانوان، کودکان و سالخوردگان در جمع‌آوری و تخلیه شهدا و مجروحین به بیمارستان‌ها تلاش فوق‌العاده‌ای را به عمل می‌آوردند.

بیمارستان‌ها با کمبود دارو و امکانات پزشکی و محل نگهداری مجروحین و شهدا روبه‌رو بودند و تلاش می‌کردند مجروحین را پس از انجام کمک‌های اولیه جهت تخلیه به بندر چوئیه برای تخلیه به ماهشهر توسط هواناوهای نیروی دریایی اعزام کنند.

۲- یگان‌های ستاد عملیات آبادان در پاتک کوی ذوالفقاری

- گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ به فرماندهی سرهنگ ۲ کهتری

- گروه فدائیان اسلام به فرماندهی شهید مجتبی هاشمی

- سپاه پاسداران آبادان به فرماندهی برادر مهدی کیانی

- نیروهای مردمی و اهالی غیر نظامی منطقه

- آتشبار ۱۰۵ مم

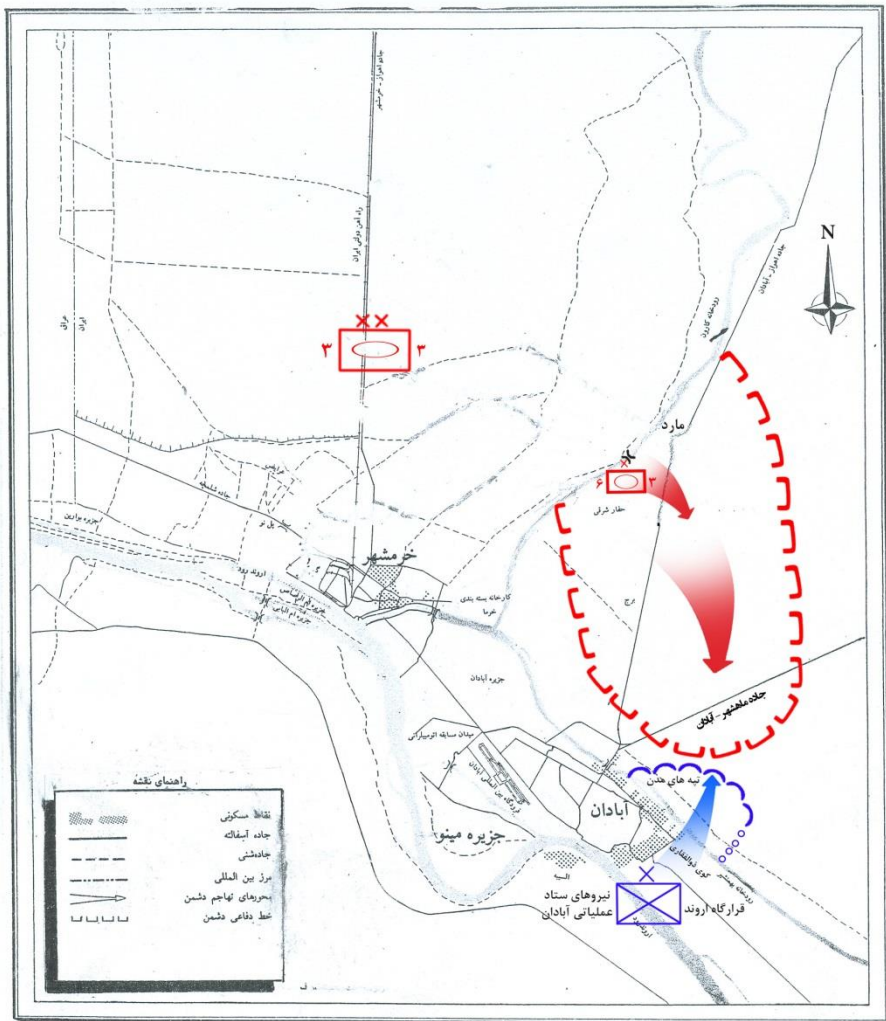
- آتشبار کاتیوشا

سخن آخر:

۴۰ روز نبرد بی‌امان از مرز شلمچه تا کوی ذوالفقاری در منطقه خرمشهر - آبادان توسط رزمندگان گردان ۱۵۱ دژ؛ گردان تکاوران دریایی؛ گردان‌های ۲۳۲ تانک و ۱۶۵ مکانیزه لشکر ۹۲ زرهی؛ هنگ ژاندارمری آبادان؛ دانشجویان دانشکده افسری که مقابله با دشمن و حضور در جبهه را به کلاس درس ترجیح داده بودند و با پشتیبانی هوانیروز و نیروی هوایی همراه با پشتیبانی نیروهای مردمی در قالب سپاه پاسداران خرمشهر و آبادان؛ بسیج داوطلب مردمی؛ گروه فدائیان اسلام و سایر نیروهای اعزامی از سراسر کشور موجب شد که یکی از اهداف مهم و استراتژیک عراق با شکست مواجه شود و اروندرود همچنان در کنترل کشور جمهوری اسلامی ایران باقی بماند.

پس از بیرون راندن دشمن از جزیره آبادان در تاریخ ۵۹/۸/۱۰ و متوقف کردند آن در شمال روزدخانه بهمنشیر، نیروهای مسلح ایران با استفاده از بزرگترین خطای تاکتیکی عراق، یعنی عدم عقب‌نشینی از منطقه سرپل (شرق کارون) و باقی ماندن بیش از ۱۰ ماه در محاصره، فرصت لازم را به ایران داد تا با سازماندهی و طراحی عملیات ثامن‌الائمه نسبت به آزادسازی منطقه شرق کارون به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع اقدام کند. در این عملیات لشکر ۷۷ پیاده خراسان در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ (سال دوم جنگ) موفق به شکست حصر آبادان شد و به لقب پیروز مفتخر گردید.

از آن تاریخ نیروهای مسلح ایران «ارتش و سپاه» به تلاش خود برای آزادسازی آن بخش از خرمشهر که به تصرف دشمن درآمده بود ادامه دادند و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۳ پس از ۱۹ ماه (۲۳ روز) خرمشهر نیز آزاد شد. در پی آزادی خرمشهر، حضرت امام (ره) فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد». این پیام اشاره‌ای بود که رزمندگان دچار غرور و منیت نشوند.



نقشه شماره ۱۰: پاتک نیروهای ستاد عملیاتی آبادان (عقب راندن دشمن)



بخش هفتم

پیوست: خاطرات رزمندگان

یکی از فوائد عمده خاطرات رزمندگان، قرار گرفتن در فضای کلی جنگ و آگاهی از شرایط محیطی رزمندگان در صحنه نبرد می‌باشد. آنان هر کدام از دیدگاه خود شرایط را بازگو کرده و بر اساس آن اقدامات خود را شرح داده‌اند. بایستی توجه داشت که هر رزمنده از محیط نزدیک خود (حداکثر ۱۰۰ متر) مطلع می‌باشد و از اوضاع و احوال کلی منطقه نبرد بی اطلاع است.

هر یک از رزمندگان در منطقه محدودی درگیر نبرد هستند، ولی فرماندهان در منطقه وسیع‌تری درگیر می‌باشند و بایستی به تمامی منطقه رسیدگی کنند. لذا در خاطرات رزمندگان به این موضوع توجه نشده و خاطرات آنان اکثراً با تحریف، غلو، قهرمان‌سازی و توجیه عملکرد فردی همراه است.

در ادامه، خاطرات تعدادی از رزمندگان سپاه پاسداران و نیروهای نظامی شرح داده می‌شود.

خاطرات رزمندگان سپاه پاسداران^۱

۱- برادر غلام عباس حیدری (عضو سپاه آغاچاری) به یکی از این موارد تیراندازی دشمن اظهار می‌دارد:

«مسئول روابط عمومی سپاه خرمشهر که بعد از اقامه نماز از پاسگاه بیرون آمد، در کنار نوار مرزی با اصابت گلوله‌ای به سرش در جا به شهادت رسید.»

اعضای سپاه خرمشهر و رزمندگان داوطلب محلی و اعزامی همراه آنان، با این که نظر مثبت و امید چندانی نسبت به امکانات و تجهیزات و پشتیبانی نیروهای مسلح رسمی کشور نداشتند، با مقاومت بی‌نظیر به دفاع و تلاش ادامه می‌دادند. این روحیه در طول روزهای ایستادگی و عقب‌نشینی وجب به وجب آنان از خرمشهر تا آخرین ساعاتی که آخرین مدافعان خرمشهر از مسجد جامع، فلکه فرمانداری و پل خرمشهر عقب‌نشینی کردند، ادامه یافت.

اظهارات این رزمندگان در مورد نیرو، امکانات و پشتیبانی، بیانگر نظرات آنها و اوضاعی است که در آن به دفاع پرداختند.

۲- برادر فریدون دشتی‌زاده عضو سپاه خرمشهر در مورد چگونگی حرکت در نوار مرزی و استعداد دشمن اظهار می‌دارد:

«در قسمتی از نوار مرزی که جاده‌ای با عرض ۵ متر بود فاصله ما با عراقی‌ها خیلی کم بود، برای جبران کمبود نیرو و فریب عراقی‌ها، هنگام تاریکی با ماشین در جاده مرزی حرکت می‌کردیم و هر ۲۰ متر که می‌رفتیم، می‌ایستادیم و در ماشین را باز کرده و محکم می‌بستیم تا نیروهای عراقی فکر کنند نگهبان گذاشته‌ایم. عراقی‌ها هر ۱۰ متر یک نفر را با تجهیزات کافی گمارده بودند.»

۳- برادر حسین خطیری عضو سپاه آغاچاری و از رزمندگان خرمشهر در رابطه با تخلیه گمرک اظهار می‌دارد:

«پس از شروع جنگ هم از اقدامات جهاد سازندگی برای تخلیه کالاها و وسایل گمرک ممانعت به عمل آمد.»

۴- برادر جواد کازرونیان عضو سپاه خرمشهر در مورد آتشافروزی‌های دشمن قبل از تهاجم اظهار می‌دارد:

«روز پنجشنبه ۱۳۵۹/۶/۲۷ از اهواز به خرمشهر بازمی‌گشتیم. نزدیک ایستگاه حسینیه (جاده اهواز-خرمشهر) شاهد بیرون ریختن تعدادی چتر از چند هواپیما بودیم. ابتدا گمان کردیم چتربازهای دشمن هستند، ولی وقتی چترها به زمین رسید، شروع کردند به منفجر شدن. پس از پایان انفجار، وقتی جلو رفتیم، دیدیم بمب‌هایی در نزدیکی پاسگاه حسینیه فرود آمده و جاده را تخریب کرده است. البته به پاسگاه آسیبی نرسیده بود. مأمورین پاسگاه گفتند: این‌ها هواپیماهای دشمن بودند که منطقه را بمباران کردند. حرکت خود را به‌سوی خرمشهر ادامه دادیم. نرسیده به خرمشهر شاهد بلند شدن سنگ و خاک زیادی از زمین بودیم، طوری که مجبور شدیم از شانه سمت چپ جاده ادامه مسیر بدهیم. دقت که کردیم، متوجه شدیم که سنگ‌ها و خاک‌ها از اثر برخورد گلوله‌های تانک دشمن به کناره‌های جاده است که از دور شلیک می‌شود و این در حالی بود که تردد در جاده به حال عادی ادامه داشت. به شهر نزدیک شدیم. مردم روستایی بسیاری را دیدیم که به‌علت اجرای آتش ارتش عراق روی روستاها و خانه‌هایشان، در اطراف کوی طالقانی چادر زده بودند.

۵- برادر عباس بحرالعلوم، عضو سپاه خرمشهر در مورد استعداد و چگونگی حفاظت از مرز آبی خنّ اظهار می‌دارد:

«در زمانی که درگیری‌ها در حال اوج گرفتن بود و عراقی‌ها با خمپاره و آرپی‌جی اجرای آتش می‌کردند، ما ۱۷ نفر پاسدار بودیم که از ۱۷ کیلومتر مرز آبی خرمشهر حفاظت می‌کردیم، در حالی که تنها سلاح سنگین ما یک قبضه آرپی‌جی ۷ بود.»

۶- برادر محمد علی نورانی، عضو سپاه خرمشهر در مورد استعداد و تجهیزات سپاه اظهار می‌دارد:

«سپاه خرمشهر که یک سپاه مرزی بود، سلاح‌های سنگینش (قبل از هجوم سراسری) عبارت بود از یک قبضه آرپی‌جی که از ضد انقلاب گرفته بود، تیربار ژ-۳ و ۲ قبضه کالیبر ۵۰»

۷- برادر فتح‌الله افشار، عضو سپاه خرمشهر در مورد وضعیت تفنگ‌های ۱۰۶ و خودروهای آن اظهار می‌دارد:

«در حالی که قبل از انقلاب پادگان دژ ۳۰ قبضه تفنگ ۱۰۶ در مرز مستقر کرده بود، پس از انقلاب (همه جمع‌آوری شده) و از کار افتاده بود، خودروهای آنها خوابیده بود، قبضه‌های ۱۰۶ کثیف شده بود و آماده کار نبود.»

۸- عبدالعظیم نساج، عضو سپاه آغاچاری در مورد استعداد نیروها در مرز شلمچه اظهار می‌دارد:

«در مرز شلمچه فقط یک واحد نیمه زرهی مستقر بود که چند نفر بر پی‌ام‌پی در اختیار داشت و به هر پاسگاه یک دستگاه فرستاده بود. این واحد از نظر تدارکات، سوخت، مهمات و مخابرات دچار مشکل بود. افزون بر آن، خدمه این نفربرها تمایل به کار نداشتند و با آن که نیروهای خودی زیر آتش عراقی‌ها بودند، لوله پی‌ام‌پی را تا حداکثر درجه بالا برده، تیر هوایی شلیک می‌کردند. وقتی به آنها اعتراض کردیم، گفتند: این خرج دوشم است که در هوا منفجر می‌شود و این گونه از کمبود اطلاعات بچه‌ها سوء استفاده کرده، کارشان را توجیه می‌کردند.»

۹- برادر جواد کازرونیان عضو سپاه خرمشهر در مورد حاضر به کاری تانک‌ها اظهار می‌دارد:

«دو سه روز از جنگ گذشته بود که من در اتاق جنگ از فرمانده پادگان پرسیدم: این تانک‌ها که آوردید، چه شد؟ جواب داد: از این تانک‌ها ۴، ۵ دستگاه سالم و بقیه همه خراب است. ما هم که تخصصی نداشتیم و دسترسی هم نبود که تانک‌ها را نگاه کنیم.»

۱۰- حجت‌الاسلام نوری امام جمعه خرمشهر در مصاحبه تاریخ ۱۳۷۲/۶/۸ با مرکز خبر در

مورد توان رزمی عراق اظهار می‌دارد:

- برخورداری از پشتیبانی آمریکا و بلوک غرب به دلیل ضدیت با انقلاب اسلامی.
- برخورداری از پشتیبانی (و حداقل سکوت حمایت‌آمیز) شوروی و بلوک شرق به دلیل وابستگی‌های سنتی عراق به این بلوک و نیز بلاتکلیفی در مقابل انقلاب اسلامی.
- برخورداری از پشتیبانی ارتجاع منطقه به دلیل احساس عدم مشروعیت در مقابل پدیده جدید انقلاب اسلامی.
- وجود روحیه ناشی از پیش‌بینی پیروزی به دلیل تصور ضعف شدید نظام جمهوری اسلامی به خصوص نیروی نظامی آن.
- برخورداری از امکانات و تجهیزات نظامی مدرن
- ایجاد انسجام و آمادگی رزمی نیروهای نظامی به همراه تزریق انگیزه‌های شدید قومی و ناسیونالیستی به آنها
- سازمان نظامی وسیع و کیفی به لحاظ فرماندهی و کادر
- در اختیار داشتن عوامل ستون پنجم و ضد انقلاب در مناطق مرزی
- حمایت تبلیغاتی اکثر رسانه‌های جهانی به دلیل ضدیت محافل امپریالیستی و صهیونیستی با انقلاب اسلامی
- دیپلماسی فعال

۱۱- برادر جواد کازرونیان عضو سپاه خرمشهر در مصاحبه با مرکز خبر در سال ۱۳۶۰ در

مورد کودتای نوژه اظهار می‌دارد:

«کودتای نوژه توسط آمریکا طرح‌ریزی شد و قرار بود توسط عوامل داخلی آمریکا با همکاری عراق به اجرا درآید. اجرای این طرح بر جنگ مقدم داشته شد تا علاوه بر این که زمان

بیشتری برای کسب آمادگی در اختیار عراق قرار می‌گیرد، در صورت موفقیت، مقصود آمریکا سریع‌تر حاصل شود و اگر شکست می‌خورد، به دلیل افزایش بی‌اعتمادی نسبت به ارتش و سرکوبی‌ها و تصفیه‌هایی که لازم می‌آمد، زمینه مناسب‌تری برای آغاز جنگ فراهم می‌شد...»

۱۲- بر اساس جمع‌بندی مذاکرات برادران سامعی، مرعشی از مسئولان غیر نظامی و برادر فریدون دشتی زاده عضو سپاه خرمشهر و خواهران عضو سپاه خرمشهر و برادر مهدی کیانی با مرکز خبر در مورخه ۱۳۵۹/۶/۲۹ در مورد تحرکات عراق گزارش زیر تهیه می‌شود.

«در پی تشدید تحرکات عراق، برادران سپاه که همراه نیروهای ژاندارمری در دو پاسگاه مؤمنی و ختین به حفاظت از مرز مشغول‌اند، در نقاط حساس اقدام به کارگذاری تله‌های انفجاری می‌کنند. این کار که با وسایل ساده توسط چند نفر از برادران سپاه آغاجاری صورت می‌گیرد، ادامه دارد تا اینکه در شامگاه روز ۵۹/۶/۲۰ هنگامی که ایرج دستیاری به همراه برادر خود (بیژن دستیاری) مشغول تعبیه تله‌ای دیگر است، انفجاری رخ داده، یکی مجروح و دیگری مفقود می‌شود. با صدای مهیب انفجار، برادران دیگر در محل حاضر می‌شوند و در صدد یافتن برادر مفقود بر می‌آیند. چند پروژکتور قوی آورده می‌شود و از برادران غواص نیروی دریایی کمک می‌طلبند تا سرانجام نزدیک صبح چند قطعه از بدن شهید ایرج دستیاری پیدا می‌شود. آنچه باعث تعجب شد، عدم واکنش نیروهای عراقی است. محل انفجار با پاسگاه مرزی عراق بیش از ۱۰۰ متر فاصله نداشت و صدای انفجار به حدی بود که تا شهر هم رسید و به دنبال آن ماشین‌ها و افراد بسیار خودی در محل تجمع می‌کنند. با این حال از سوی نیروهای عراقی حتی یک تیر هم شلیک نمی‌شود. در شرایطی که وضعیت مرز به قدری حساس است که اگر یک تیر از یک طرف شلیک شود، زد و خورد شدیدی رخ می‌دهد. سکوت عراقی‌ها مشکوک به نظر می‌رسید که می‌توان آن را نوعی ارزیابی وضعیت خودی از سوی دشمن تلقی کرد که با عدم واکنش و در حال آرامش به بررسی چگونگی واکنش و میزان نیروها و همکاری و هماهنگی ارگان‌های مسئول می‌پردازد.

۱۳- وضعیت منطقه در گزارش روزانه مورخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ این گونه اعلام می‌شود:

«قابل توجه است که تصورات مسئولین خودی (حداقل در سطح منطقه) از اوضاع، درگیری محدود و یا اینکه تمایل داشتند در این حد محدود شود و استقبالی از جنگ وسیع و آمادگی برای مقابله با آن صورت نمی‌گرفت. در این زمینه برخورد ژاندارمری خوزستان و مرزبانی آبادان و خرمشهر قابل ذکر است. به این ترتیب که در پی تیراندازی‌ها و اجرای آتش مکرر قوای عراقی به سوی نیروها و پاسگاه‌های مرزی جمهوری اسلامی، به دستور فرمانده ژاندارمری ناحیه خوزستان، مرزبانی آبادان طی نامه‌ای به مرزبانی بصره ضمن اعتراض شدید به تیراندازی و آتش مأموران عراقی در روز ۱۳۵۹/۶/۲۱ که منجر به شهادت یک نفر و جراحت عده‌ای شد، خواستار خون‌بهای سرباز شهید و مجازات مأموران عراقی شد. در پایان نامه اضافه شده که دعوت برای مذاکره درباره این گونه نقل و انتقالات نیرو در مرز را نپذیرفتید و مسلماً مسئول و پاسخ‌گوی هر گونه حادثه‌ای خواهید بود.

به دنبال آتش‌افروزی‌های روز ۱۳۵۹/۶/۲۲ مرزبانی خرمشهر نیز طی نامه‌ای به مرزبانی بصره ضمن اعتراض شدید به این گونه عملیات، خواستار خون‌بهای سرباز شهید و تأمین خسارت وارده و جلوگیری از عملیات تجاوزکارانه شد.

سرانجام در پس درخواست‌های قبلی، روز ۱۳۵۹/۶/۲۳ دیداری بین مرزبان خرمشهر و مرزبان بصره صورت گرفت که اگرچه موضوع اصلی آن تحویل یک ایرانی بود، ولی برخوردها در ظاهر مسالمت‌آمیز بود و طرف عراقی ضمن انتقاد از اجرای آتش مأموران ایرانی روی پاسگاه‌های عراق، گفت که ملت ایران و عراق هر دو با هم برادر و هم کیش هستند و ما ملت ایران را دوست داریم و عزیز ما هستند و ...

به هر حال، مرزبان عراقی یا از اهداف رژیم عراق بی اطلاع بوده است و یا با این اظهارات قصد خام کردن مأمورین جمهوری اسلامی را داشته است.»

خاطرات رزمندگان نظامی و انتظامی

خاطرات دانشجو علی ستاری خواه (سرهنگ دکتر بازنشسته) اعزامی به خرمشهر

۱- انفجار زاغه‌های مهمات لشکر ۹۲ زرهی اهواز

حدود ساعت شش بعدازظهر روز ششم مهرماه ۱۳۵۹ ناگهان صدای انفجار مهیبی پادگان لشکر ۹۲ زرهی اهواز که دانش‌آموختگان، دانشجویان و فرماندهان آنها نیز در این پادگان اسکان یافته بودند، لرزاند. با وقوع این رویداد، کلیه نیروهای مستقر در این پادگان به مناطق امن‌تری در اطراف شهر اهواز، جابه‌جا شدند. از کیلومترها دورتر، شاهد انفجارهای مهیب و پی‌درپی زیادی بودیم که تا ساعت‌ها پس از تخلیه نیروهای مستقر در پادگان ادامه داشت.

۲- مأموریت اعزام نیرو به سوسنگرد

روز هفتم مهرماه دانش‌آموختگان گروهان سوم گردان ششم دانشکده افسری امام علی (ع) که نگارنده نیز جمعی این گروهان بود، مأموریت کمک به مدافعان نیروهای نظامی و مردمی شهر سوسنگرد را به عهده گرفتند. صبح زود با دو دستگاه اتوبوس بنز ۳۰۲ به سمت شهر سوسنگرد حرکت کردیم. در مدخل ورودی به پل منتهی به شهر سوسنگرد، چندین تیر توپخانه صحرایی و خمپاره‌اندازهای سنگین دشمن به جلو، عقب، چپ و راست اتوبوس‌های در حال حرکت اصابت کرد. فرمانده گردان سروان مهدی تهمتن که بعداً در خرمشهر به درجه رفیع شهادت نائل آمد، دستور توقف و عقب‌نشینی نیروهای اعزامی به سوسنگرد را با هم‌آهنگی با رده‌های بالاتر تا پادگان حمیدیه را صادر کرد. عقب‌نشینی تا پادگان حمیدیه ادامه یافت.

۳- اعزام به خرمشهر

در تاریخ ۵۹/۷/۹ دانش‌آموختگان گروهان سوم گردان ششم دانشکده افسری امام علی (ع) مأموریت یافتند تا به شهر خرمشهر اعزام و از این شهر در مقابله با تجاوز ارتش عراق به قصد تصرف این شهر راهبردی، دفاع نمایند. فرماندهی دانش ۱ را سروان قادر شفاهی و دانش ۲ را ستوان کرم‌علی مرادی بر عهده داشتند.

اتوبوس‌های حامل هم‌رزمان در ساعت ۰۸۰۰ روز نهم مهرماه ۱۳۵۹ از طریق جاده اهواز - خرمشهر حرکت خود را آغاز کردند. پس از عبور از سهراهی شادگان و طی مسافتی در حدود ۱۰ کیلومتر، ناگهان دو فروند هواپیمای شکاری بمب‌افکن عراقی را در بالای سر خودمان مشاهده کردیم. در این لحظه بنا به دستور فرمانده گردان (سروان شهید مهدی تهمتن) اتوبوس‌ها در منتهی الیه سمت راست جاده اهواز - خرمشهر متوقف شدند و تمام سرنشینان، خودروها را ترک کرده و در اطراف جاده پراکنده شده و سنگر گرفتند. در این موقع یکی از هواپیماهای عراقی به سمت اتوبوس‌های پارک شده یگان دانشگاه گردش کرد و حالت حمله با وضعیت شیرجه علیه آنان قرار گرفت، همه دانش‌آموختگان گروهان سوم گردان ششم دانشگاه تلاش کردند فواصل خود را از اتوبوس‌های پارک شده بیشتر نمایند. در این لحظات بسیار حساس و خطرناک، هواپیمای در حال حمله به اتوبوس‌ها، خود مورد اصابت آتش توپخانه‌های ضد هوایی ۲۳ م یگان‌های پدافند هوایی نه‌جا مستقر در منطقه قرار گرفت و سرنگون شد. خلبان هواپیما با چتر نجات به بیرون از هواپیما در آسمان منطقه مشاهده شده و هواپیما چند لحظه بعد به زمین سقوط کرد و متلاشی شد. در این لحظه همه نیروهای خودی به سمت محل فرود خلبان عراقی حرکت کردند و خودشان را به محل فرود خلبان عراقی رساندند. اما با کمال ناباوری متوجه شدیم که لباس پرواز خلبان عراقی در کنار چتر باز شده او به زمین افتاده، ولی هیچ خبری از خود خلبان نیست. معلوم نشد که در یک زمان بسیار کوتاه خلبان عراقی چگونه توانسته بود لباس پرواز خود را از تن بیرون آورده و ناپدید شده بود. همه نیروهای حاضر در صحنه و محل فرود خلبان عراقی، متعجب شدیم. پس از عادی شدن شرایط و ناکامی در دستگیری خلبان عراقی به سمت اتوبوس‌های خود حرکت کردیم.

به طرف خرمشهر ادامه مسیر دادیم. در نزدیکی یکی از آبادی‌های مسیر حرکت اتوبوس‌ها، پس از طی حدود نیم ساعت (در حد ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر دورتر از محل توقف قبلی)، دو دستگاه اتوبوس را در کنار جاده که متوقف شده بودند و تمام شیشه‌های آنها شکسته شده بود، مشاهده کردیم. هیچ سرنشین، راننده و یا شاگرد شوفری در کنار آنها مشاهده نمی‌شد. وضعیت غیرعادی به نظر می‌رسید. با مشاهده چنین صحنه‌ای با دستور فرمانده یگان اعزامی به

خرمشهر در نزدیکی آن اتوبوس‌های مسافربری، هر دو اتوبوس حامل نیروهای دانشکده متوقف شده بودند. بدون اینکه کسی از اتوبوس‌ها خارج شود، یکی از نفرات اتوبوس اول که فرمانده یگان (سروان مهدی تهمتن) نیز در آن اتوبوس حضور داشت به سمت آبادی (دهکده) در حال حرکت (در حال دو) مشاهده شد. تا اطلاعاتی در مورد سرنوشت اتوبوس‌ها، سرنشینان آنها و چگونگی ماجرا به دست آورد. شخص اعزامی که از دور و از درون اتوبوس‌ها هم قابل مشاهده بود پس از صحبت چند دقیقه‌ای با یکی از زنان دهکده، بلافاصله با سرعت هرچه بیشتر خودش را به اتوبوس اول رساند. معلوم شد که آن زن گفته است: نیروهای عراقی پیاده نظام ارتش عراق که در نزدیکی آبادان و قدری جلوتر حضور دارند، اقدام به بستن جاده اهواز - خرمشهر نموده و کلیه سرنشینان اتوبوس‌های مسافربری خسارت‌دیده را با زور و اجبار دستگیر و به اسارت برده‌اند. آن زن روستایی گفته بود تعدادی خودروهای سواری و سرنشین‌های آنها با خودروهایشان را به اسارت برده‌اند. در چنین شرایطی فرمانده یگان اعزامی پس از تماس با قرارگاه دانشکده در اهواز دستور برگشت اتوبوس‌های حامل نیروهای دانشکده را به سهراهی شادگان صادر کرد تا از طریق جاده شادگان - آبادان بتوانیم به محل مأموریت خود یعنی خرمشهر اعزام شویم.

در ساعت پنج بعدازظهر بالاخره به آبادان رسیدیم. شهر آبادان کاملاً وضعیت جنگی داشت. گویا چند ساعتی بود که اکثر ساکنان شهر به علت اخبار و اطلاعات مربوط به محاصره خرمشهر و نزدیکی نیروهای عراقی به منطقه آبادان و یا به توصیه‌های نیروهای نظامی خودی حاضر در منطقه، شهر را ترک کرده بودند و تعدادی نیز در حال خروج از شهر آبادان بودند.

اتوبوس‌های حامل نیروهای دانشکده در محل نزدیکی قرارگاه ژاندارمری آبادان متوقف شدند. پس از حدود نیم ساعت توقف در آبادان هر دو اتوبوس به سمت خرمشهر که در محاصره نیروهای ارتش عراق بود، حرکت کردند. فاصله خرمشهر تا آبادان بسیار کم و در حد ۲۰ تا ۳۰ دقیقه‌ای حرکت اتوبوس‌ها قرار داشت. پس از عبور از پل راهبردی آبادان - خرمشهر که بر روی کارون بسته شده در جلوی درب ورودی یک هنرستان که در نزدیکی مسجد جامع خرمشهر قرار داشت، هر دو اتوبوس متوقف شدند و با هم‌آهنگی به عمل آمده، درب هنرستان باز شد و هر دو

اتوبوس وارد محوطه هنرستان شدند. نیروها از اتوبوس پیاده و به محل سالن ساختمان هنرستان حرکت و در آنجا جمع شدند تا دستورات و هم‌آهنگی‌های بعدی توسط فرماندهان اعلام و ابلاغ شود.

پس از تجمع کلیه نیروها یک توجیه نیم‌ساعته از وضعیت عمومی خرمشهر توسط فرمانده یگان اعزامی به منطقه انجام شد و بنا به دستور دانش‌آموختگان گروهان سوم گردان ششم دانشکده به دو دسته رزمی تقسیم و بلافاصله یکی از دسته‌ها که من هم جزء آن دسته بود توسط یکی از اتوبوس‌ها به منطقه نزدیک گمرک خرمشهر و نخلستان‌های اطراف آن اعزام گردیده و در منطقه آرایش نظامی برای مقابله با پیشروی نیروهای عراقی، بنا به گفته تعدادی از نیروهای مستقر در منطقه گمرک خرمشهر که جمعی ژاندارمری آبادان بودند، حدود یک هفته می‌شد که گمرک خرمشهر را اشغال نموده و مشغول تخلیه و غارت اقلام و اجناس موجود در گمرک بودند و بخشی از اقلام را که امکان تخلیه آنها برای نیروهای عراقی مشکل بوده و یا غیرقابل انتقال بودند به منظور ایجاد رعب و وحشت بیشتر در منطقه و تضعیف روحیه نیروهای ایرانی مستقر در اطراف گمرک خرمشهر، به آتش کشیده بودند، به طوری که دود و شعله‌های آتش از دور و نزدیک در فضای منطقه قابل مشاهده بود.

۴- خرمشهر روز ۵۹/۷/۲۳

حدود ساعت ۱۰۰۰ صبح روز ۵۹/۷/۲۳ بود، دستور عقب‌نشینی از منطقه اطراف گمرک خرمشهر به کلیه نیروهای مستقر در منطقه و از جمله به نیروهای دانشکده افسری ابلاغ شد. چرایی عقب‌نشینی را احتمال قطع کامل قریب‌الوقوع تنها گذرگاه بین خرمشهر و آبادان یعنی پل بین این دو شهر توسط نیروهای عراقی اعلام کرده بودند.

قبل از اقدام به عقب‌نشینی به منظور تحکیم مواضع نیروهای خودی در اطراف گمرک خرمشهر، طرح حمله علیه نیروهای عراقی متجاوز حاضر در داخل گمرک خرمشهر که محل سنگر اجتماعی آنها در نزدیکی درب خروجی این گمرک بود از سوی فرمانده تکاوران نیروی دریایی ارتش بنام جناب سروان الفت به تعدادی از نیروهای دانشکده مستقر در منطقه که

نگارنده خاطره نیز جزء آنها بود، پیشنهاد شد. موضوع به اطلاع فرمانده دانش‌آموختگان دانشکده جناب ستوان علی‌کرم مرادی رسید و با انجام هم‌آهنگی‌های لازم تعداد شش نفر در اجرای یک عملیات نظامی مشترک که قرار بود از چند نقطه با همکاری و مشارکت تعداد هفت نفر از نیروهای تکاوران نداجا علیه یک سنگر تجمعی نیروهای عراقی در داخل گمرک خرمشهر انجام شود، شرکت کردند.

از نیروهای دانشکده، ستوان احمد صیامی و سه نفر دیگر که آرچی‌جی‌زن‌های یگان دانشکده بودند، به همراه نیروهای تکاوران دریایی قرار شد از بالای پشت بام که مشرف به سنگر تجمعی عراقی‌ها در داخل گمرک خرمشهر بود، با یک هم‌آهنگی دقیق، انجام شود. در نقطه‌ای دیگر در نزدیکی محل سنگر تجمعی نیروهای عراقی که از طریق شکاف دیوار یک باب خانه که به قطر حدود دو متر در اثر اصابت گلوله توپ دشمن در روزهای قبل ایجاد شده بود و از آنجا دید و تیر مستقیم به بخش قابل توجهی از محوطه و گذر سنگر تجمعی عراقی‌ها به وجود آمده بود توسط نگارنده خاطره و هم‌رزم او (ستوان علیرضا حیدری) که داوطلبان همکاری با نیروهای تکاوران دریایی را برگزیده بودیم، قرار شده بود لحظاتی پس از اجرایی شدن مأموریت گروه اول، از بالای پشت بام، وارد عمل شده و هر تعداد از سربازان عراقی پس از اجرای آتشباری آرپی‌جی‌زن‌های نیروهای خودی، اقدام به فرار می‌کنند، مورد هدف قرار گیرند. لحظه شروع عملیات فرا رسید، قرار گذاشتیم پس از شلیک دو تیر موشک آرپی‌جی ۷ توسط ستوان صیامی و کمک‌های همراه او (تجمعی نیروهای دانشکده) و نیروهای تکاوران نیروی دریایی، من و ستوان حیدری با اسلحه‌های خود (ژ - ۳) از محل استقرار خود به محض رویت عراقی‌های در حال فرار علیه آنها تیراندازی نماییم.

فاصله محل استقرار ما در آن خانه مشرف به گمرک خرمشهر تا ساختمان دو طبقه‌ای که قرار بود آرپی‌جی‌زن‌ها اقدام به شلیک نمایند، حدود ۸۰ متر بود. وقتی نیروهای عمل‌کننده در محل‌های خود مستقر شدند. شماره معکوس برای اجرای عملیات شروع شد. لحظه‌ها به کندی می‌گذشت و نفس‌های خود را در سینه حبس کرده بودیم. در این لحظات و قبل از شروع

عملیات نیروهای خودی، چندین نفر از نیروهای عراقی در سنگر تجمعی مورد نظر که در دید و تیر ما قرار داشتند به طور آزادانه، در حال رفت و آمد بودند و ما می‌توانستیم علیه آنها اقدام نماییم، ولی به دلیل هم‌آهنگی‌های به عمل آمده برای اجرای یک عملیات مهم‌تر و پرتلفات‌تر از نیروهای عراقی ثانیه شماری می‌کردیم. فاصله من و ستوان حیدری از سنگر اجتماعی عراقی‌ها در داخل گمرک خرمشهر حدود ۲۰۰ متر تخمین زده می‌شد. در یک لحظه صدای شلیک‌های گلوله‌های آرپی‌جی به گوشمان رسید و به دنبال آن گرد و غبار زیادی از محل سنگر تجمعی عراقی‌ها به هوا بلند شد. من و ستوان حیدری با دقت هرچه تمام‌تر نیروهای عراقی در حال فرار از معرکه را به رگبار بستیم. عراقی‌های در حال فرار یکی پس از دیگری به زمین افتادند. در یک فاصله زمانی چند ثانیه‌ای پس از شروع تیراندازی، ستوان حیدری رو به من کرد و گفت: اسلحه‌اش گیر کرده است. بقیه فشنگ‌های باقی‌مانده در خشاب اول و خشاب دوم ستوان حیدری را گرفتم و با اسلحه خودم علیه نیروهای متجاوز عراقی، شلیک نمودم. در این لحظات، سکوت خاصی در محوطه داخل گمرک خرمشهر و در محدوده سنگر تجمعی عراقی‌ها، حاکم شده بود و گرد و غبار در حال فروکش بود و صدای تردد خودروهای آمبولانس عراقی در حال نزدیک شدن به سنگر تجمعی عراقی‌ها برای تخلیه کشته‌ها و زخمی‌ها، لحظه به لحظه افزایش می‌یافت.

مأموریت ما و گروه‌های آرپی‌جی ۷ شرکت کننده در عملیات با موفقیت کامل به اتمام رسید. من و ستوان حیدری یک لحظه در داخل اتاق آن خانه خالی از سکنه که در گوشه آن اتاق، رختخواب زیادی بر روی هم چیده شده بود، هر دو ایستادیم و یکدیگر را بغل کرده و به آن رختخواب‌ها تکیه نمودیم و به شدت احساس خوشحالی کردیم. زیرا توانسته بودیم به صورت چهره به چهره، تعداد قابل توجهی از متجاوزان عراقی به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران را در داخل محوطه گمرک خرمشهر به جزای اعمال خودشان برسانیم. خدا را سپاس گفتیم، چون تا آن لحظه حتی یک تیر فشنگ با اطمینان کامل علیه عراقی‌های متجاوز شلیک نکرده بودیم. در این حالت از خدای خود عاجزانه درخواست کردیم و دست به دعا برداشتیم و گفتیم: خدایا از این لحظه به بعد اگر به شهادت رسیدیم، آن را با آغوش باز پذیرا هستیم.

بعد از گذشت چند دقیقه از اجرای عملیات موفقیت‌آمیز علیه نیروهای بعثی عراق در گمرک خرمشهر، دستور عقب‌نشینی و جابه‌جایی نیروهای شرکت‌کننده در عملیات نیز اجرایی شد. در حال عقب‌نشینی بودیم که ارتش عراق، منطقه را زیر آتش شدید سنگین توپخانه‌ها و خمپاره‌اندازهای خود قرار داد. همزمان سه فروند بالگرد در فضای منطقه ظاهر شد و به دنبال این اقدامات دشمن، حمله هوایی نیروی هوایی عراق در منطقه نیز شروع شد. در این روز دستور عقب‌نشینی به طور کامل انجام نشد. آفتاب در حال غروب بود و نیروهای دانشکده تا هنرستان عقب نشستند. معمولاً در روزهای قبل، با شروع آفتاب، بنا به دستور، نیروها به محل هنرستان یعنی قرارگاه فرماندهی نیروهای دانشکده، مراجعت می‌کردند و صبح روز بعد حرکت به منطقه خط مقدم شروع می‌شد.

۵- خرمشهر روز ۲۴/۷/۵۹

حدود ساعت ۰۹۰۰ صبح روز ۲۴ مهرماه ۵۹ بود. امروز دستور عقب‌نشینی نیروهای مستقر در منطقه گمرک خرمشهر و سایر نیروهای مدافع در سطح شهر که در روز قبل با اجرای عملیات‌های نیروهای خودی علیه نیروهای عراقی متجاوز، تحت‌الشعاع قرار گرفته و به تعویق افتاده بود، خیلی جدی از سوی فرماندهان و نیروهای رزمنده خودی در خرمشهر پیگیری شد. دستور عقب‌نشینی به منظور دفاع از پل خرمشهر - آبادان ابلاغ شد و به طور هم‌زمان عقب‌نشینی نیروهای دانشکده نیز شروع شد. فاصله گمرک خرمشهر تا پل خرمشهر - آبادان حدود ۴ تا ۵ کیلومتر تخمین زده می‌شد. پس از راهپیمایی طولانی در محل تجمع سایر نیروها که زودتر از نیروهای دانش دو به آنجا رسیده بودند، رسیدیم. این محل تجمع در حدود ۵۰۰ متری، نرسیده به پل خرمشهر - آبادان قرار داشت. کلیه نیروها از نقاط مختلف شهر در کنار رودخانه کارون و قبل از تقاطع خیابان‌ها و کوچه‌های مشرف به رودخانه کارون، در این محل توقف شده بودند. وقتی به جمع نیروهای متوقف شده خودی رسیدیم، متوجه شدیم علت توقف و عدم حرکت این نیروها به سمت پل خرمشهر - آبادان، نفوذ نیروهای ویژه عراقی به خیابان‌ها، کوچه‌ها و سنگرهای نیروهای مدافع خرمشهر بوده که مشرف به رودخانه کارون و

محل تردد و عقب‌نشینی نیروهای خودی بودند، اعلام شده بود و گفتند نیروهای عراقی به این منطقه از شهر نفوذ کرده‌اند و سنگرهای نیروهای خودی را تصرف نمود و با استقرار سلاح‌های خود (تیربارها، خمپاره‌اندازها و ...) نیروهای مدافع خرمشهر را که در صدد خروج از شهر بودند، مورد حمله قرار داده و قصد به اسارت گرفتن آنها را داشتند. تعدادی از نیروهای خودی که اکثراً از نیروهای مردمی با لباس‌های گوناگون به همراه جمعی از نیروهای نظامی خودی، مورد اصابت مستقیم گلوله‌های نیروهای عراقی قرار گرفته و شهید و رخمی شده بودند و در وسط خیابان افتاده بودند، قابل مشاهده بود و کسی توان کمک به آنها را نداشت.

فرمانده دانش اول یعنی سروان قادر شفاهی که خود فرمانده گروهان سوم گردان ششم دانشکده هم بود، در جمع هم‌رزمان دانشکده دیده می‌شد. به او نزدیک شدیم. دیدیم هر کدام از دانش‌آموختگان که به او نزدیک می‌شود و درخواست تدبیر جدید و دریافت دستور از او مبنی بر اینکه در چنین شرایطی چه باید کرد، او با صدای بلند در جواب سؤال‌کنندگان که می‌پرسیدند: «چگونه و چه‌طور به پل خرمشهر - آبادان که از دور دیده می‌شد و تنها پل ارتباطی خرمشهر به آبادان بود، برسیم؟» در جواب گفت: «من نمی‌دانم، هرکاری که می‌توانید و می‌خواهید، انجام بدهید، از من کاری ساخته نیست.» با دیدن چنین صحنه‌ای همه نیروهای خودی پی بردند که علت عقب‌نشینی ما از سنگرها در روزهای قبل به طرف پل خرمشهر - آبادان در واقع جلوگیری از به محاصره افتادن و اسیر شدن بوده است. وضعیت کاملاً آشفته بود، همه خود را در محاصره نیروهای عراقی می‌دیدند. نیروهای متجاوز عراقی هم مرتباً منطقه منتهی به پل خرمشهر - آبادان را زیر آتش‌باری سلاح‌های سنگین دوربرد خود قرار داده بودند و نیروهای چریکی و نفوذی عراقی هم در کوچه‌ها و خیابان‌های مشرف به رودخانه کارون با تیراندازی با سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین خود که اکثراً دارای مهمات خود ترکان هوشمند بودند و در برد نهایی هر سلاحی که اقدام به تیراندازی می‌کردند، منفجر می‌شد، به طوری که نیروهای خودی چنین فکر و تصور می‌کردند که نیروهای متجاوز عراقی در چند قدمی آنها قرار دارند. چنین شرایطی به شدت روحیه نیروهای خودی را تضعیف کرده بود و هیچ‌کس نمی‌توانست به راحتی به طرف پل خرمشهر - آبادان حرکت کند.

با مشاهده شرایط موجود و عکس‌العمل فرمانده گروهان سوم گردان ششم دانشکده، هر کسی از نیروهای خودی به فکر فرو رفته بودند. یکی از آنها خود نگارنده خاطره بود.

با یک برآورد اولیه و نگاه کلی به فاصله و مسیر منتهی از محل تجمع نیروها از دور و کناره رودخانه کارون تا پل خرمشهر - آبادان، متوجه شدم که امکان عبور به صورت ستون یک و با رعایت کامل ایمنی و با استفاده از حرکات نظامی (خیز، خمیده، خزیده) و در جاهایی در مسیر، لازم است با اقدام به انجام پرش از نقطه‌ای به نقطه دیگر در طول مسیر منتهی به پل حرکت کرد.

پس از دستیابی به چنین تصمیمی، رو کردم به هم‌زمان دانش دوم گروهان سوم از نیروهای دانشکده که در طول مدت حضور در خرمشهر با هم اقدام به انجام مأموریت‌های محوله می‌کردیم و در نزدیکی آنها قرار داشتم، گفتم: «حال که رسیدن به پل خرمشهر - آبادان به عهده خودمان گذاشته شده است، هرکسی که می‌خواهد به پل برسد می‌تواند پشت سر من حرکت کند. پس از پرش به کناره داخلی رودخانه کارون و قرار گرفتن در لبه کناری رو به سمت پل حرکت کردم. پس از طی مسافت حدود ۱۰۰ متر که به طرف پل خرمشهر - آبادان پیش رفته بودم، یک لحظه وقتی پشت سر خود را مشاهده کردم، دیدم اکثر نیروهای دانشکده به ستون یک در پشت سر من قرار دارند. با تلاش فراوان خودمان را به اول پل خرمشهر - آبادان رساندیم و در آنجا متوقف شدیم تا بقیه نیز به جمع ما برسند.

پل خرمشهر - آبادان در دید و تیر مستقیم نیروهای دشمن قرار داشت و با آتش‌باری سلاح‌های سبک و سنگین از فواصل دور و نزدیک مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفت.

عبور هر عابر پیاده‌ای از روی پل به حالت عادی خیلی خطرناک بود. چون به راحتی امکان مورد هدف قرار گرفتنش وجود داشت. تنها در یک صورت آن هم با حرکت سریع زیگزاگی و با قبول ریسک زیاد، امکان عبور برای نیروهای دانشکده وجود داشت. یعنی عبور با حالت سریع توأم با حرکات مارپیچی می‌توانست تاکتیک‌های مناسبی برای عبور نیروها باشد.

وقتی همه نیروهای خودی به کنار پل خرمشهر - آبادان رسیدند، در مدت زمان کوتاهی نحوه عبور از پل را به آنها توضیح دادم و سپس، یکی یکی اقدام به عبور از پل نمودند و آخرین نفر هم خودم بودم. وقتی همگی سالم به آن طرف پل رسیدیم، در سمت راست پل سنگر گرفتم تا دستور جدیدی از فرماندهان خود در آبادان و یا فرماندهانی که در نزدیکی ما بودند، دریافت نماییم. در این هنگام، هواپیماهای عراقی بارها تلاش می‌کردند تا پل خرمشهر - آبادان را بمباران نمایند و تنها راه مواصلاتی نیروهای باقی‌مانده در داخل خرمشهر را با آبادان قطع نمایند. ولی به لطف الهی کلیه بمب‌ها و راکت‌های پرتابی از سوی هواپیماهای عراقی به خطا می‌رفت و به داخل رودخانه کارون فرو می‌ریخت. توپخانه‌های صحرایی و خمپاره‌های معروف به خمسه‌خمسه عراقی به طور مرتب پل خرمشهر - آبادان و مناطق اطراف آن را زیر آتش‌باری خود قرار داده بودند. هم‌زمان چندین گلوله توپ سنگین به وسط پل اصابت کرد و آن را به قطر حدود ۳۰ سانتی‌متر در چندین نقطه سوراخ کرد، ولی آسیب جدی برای پل به وجود نیاوردند. گویا ارتش عراق در این روز تصمیم داشت، خرمشهر را به تصرف خود درآورد. به همین دلیل با نفوذ نیروهای چریکی و کماندویی عراقی به شهر خرمشهر، جنگ تن به تن در مناطق مختلف شهر ادامه داشت.

مطلع شدیم که فرمانده دانش دوم از گروهان سوم دانش‌آموختگان گردان ششم دانشکده (ستوان کرم‌علی مرادی) در هنگام عبور از پل خرمشهر - آبادان از ناحیه پا زخمی شده و به بیمارستان آبادان منتقل شده است.

همه هم‌زمان از من خواستند تا مسئولیت و فرماندهی آنها را به عهده بگیرم. پاسخ مثبت به درخواست آنها خیلی سخت بود. اما چون شرایط بحرانی بود و هیچ‌گونه ارتباطی هم با سایر یگان‌ها و فرماندهان رده بالاتر نداشتیم تا دستورات لازم را دریافت کرده و بر اساس آن اقدام نماییم، مسئولیت هدایت همدوره‌ای‌های خود را با طرح ۲ شرط پذیرفتم: شرط اول این بود که به آنها گفته شد که همه با هم در انجام امور خود، هم‌آهنگی، همکاری و مشارکت تنگاتنگ داشته باشیم تا در این شرایط بحرانی به تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود با تمام وجود عمل

کنیم و شرط دوم این بود که تبعات بعدی پذیرش مسئولیت در آینده در مقابل سلسله مراتب فرماندهی از سوی تک تک هم‌رزمان مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد. در پاسخ به این دو شرط همه هم‌دوره‌ای‌هایم یک صدا جواب مثبت دادند و از این رو مسئولیت واگذاری آن را پذیرفتم ...

به علت ناراحتی از شهید و مجروح شدن نیروهای دانشکده و سایر نیروهای مدافع خرمشهر از یک سو و بلا تکلیفی و بی‌خبری از سرنوشت بقیه هم‌رزمان و فرماندهان خود از سوی دیگر، تصمیم گرفتیم خودمان را به قرارگاه فرماندهی ژاندارمری مستقر در شهر آبادان رسانده و معرفی کنیم.

مطلع شدیم که به کلیه خودروهایی که در جاده خرمشهر - آبادان در حال تردد بودند، دستور داده شد که نیروهای خودی را به شهر آبادان برنگردانند. همه نیروهای موجود در منطقه که وضعیت آنها مثل وضعیت یگان ما نبود، در حال سازماندهی و مراجعت به داخل شهر خرمشهر برای ادامه مقابله با نیروهای متجاوز عراقی بودند.

از هر خودرویی هم که تقاضا می‌کردیم تا ما را به قرارگاه ژاندارمری مستقر در آبادان ببرد، راننده‌های آنها اظهار می‌داشتند مجاز نیستند و یا مسیرشان نمی‌خورد. پس از عبور چندین خودرو به سمت آبادان، از دور یک دستگاه مینی‌بوس خالی در حال نزدیک شدن به خودمان را در مسیر جاده خرمشهر - آبادان مشاهده کردیم. با تکان دادن دست، همگی از او خواستیم متوقف شود. مینی‌بوس در فاصله‌ای جلوتر از ما متوقف شد. من به تنهایی وارد مینی‌بوس شدم و با راننده آن در مورد وضعیت نیروهای همراه خود با او در میان گذاشتم و قصد و نیت جمع حاضر را از رفتن به آبادان و قرارگاه مرکزی ژاندارمری مستقر در این شهر را توضیح دادم. راننده مینی‌بوس با شنیدن صحبت‌های من، پذیرفت تا این کمک را به نیروهای ما بکند. با اشاره به هم‌رزمان خود آنها را برای سوار شدن به مینی‌بوس فراخواندم. همگی سوار شدند. حدود ۲۰ دقیقه طول کشید تا به قرارگاه مرکزی ژاندارمری آبادان رسیدیم. از راننده تشکر کرده و پیاده شدیم.

ساعت ۱۰۰۰ شده بود. همگی خودمان را به فرمانده قرارگاه ژاندارمری جناب سرهنگ رضوی معرفی کردیم و وقایع را به طور کامل به ایشان تعریف کردیم. تعدادی از همدوره‌های خودمان در اطراف قرارگاه ژاندارمری ملاقات کردیم و از آنها سراغ بقیه هم‌زمان را گرفتیم. آنها پاسخ دادند. خیلی از دانش‌آموختگان و فرماندهان اعزامی از دانشگاه در جریان درگیری‌های دیروز شهید و مجروح شده‌اند و سپس اسامی جنابان سروان مهدی تهمتن و سروان اصلانی مقدم (فرمانده و جانشین یگان اعزامی)، ستوان عباس اوجانی، ستوان اسماعیل وجودی، ستوان عیوضی، ستوان نصرت‌الله شهابی و ... و وظیفه پهلوان (امربر یگان) و تعداد دیگری از شهدا و مجروحان را نام بردند.

۶- قبول مسئولیت و مراجعت به خرمشهر ۱۳۵۹/۷/۲۶

پس از یک شب حضور در شهر آبادان، بعدازظهر روز ۵۹/۷/۲۶ کلیه نیروهای دانشکده مستقر در قرارگاه ژاندارمری آبادان مجدداً به خرمشهر اعزام شدند و شب را در محل هنرستان نزدیک مسجد جامع شهر که چند روز پیش نیز در آنجا حضور پیدا کرده بودند، شب را به صبح رساندند. در ساعت ۰۶۰۰ صبح روز ۵۹/۶/۲۷ در محل هنرستان مورد اشاره در بالا، به سخنرانی فرمانده وقت دانشکده جناب سرهنگ سید موسی نامجو گوش فرا دادیم. ابتدا فرمانده محترم دانشکده از فداکاری‌های شهدای روزهای قبل تجلیل به عمل آورده و با قرائت فاتحه به حاضران در هنرستان دلداری و روحیه دادند. سپس فرماندهان جدید را به جای فرماندهان شهید معرفی کردند.

برای تعیین فرمانده دسته دوم یا دانش دوم گروهان سوم گردان ششم دانشکده یعنی جناب ستوان کرم‌علی مرادی که در روزهای قبل از ناحیه پا مجروح و از منطقه تخلیه شده بود، ابتدا توسط فرمانده محترم دانشکده سه نفر از دانش‌آموختگان به نام‌های ستوان حسن ریاحی-فر، ستوان بهمن کمانگیر و ستوان علی ستاری‌خواه (نگارنده خاطره) معرفی کردند و گفتند نیروهای دانش دوم گروهان سوم می‌توانند با انتخاب یکی از این سه نفر، فرمانده یگان خود را انتخاب نمایند. همگی مصرانه می‌خواستند این مسئولیت را بپذیریم. در این شرایط خودم را در

مقابل یک مسئولیت سنگین و در عین حال خود را مواجه با حسن نیت، اعتماد و اطمینان همه همدوره‌هایم یافتیم و با یاری خواستن از خداوند متعال و توکل بر او آن را پذیرفتم.

شایان ذکر است من به عنوان دانشجوی ممتاز دانشکده در طول مدت سال سوم، مسئولیت سرگروه‌بان تیپ دانشجویان را بر عهده داشتم.

پس از آن که فرمانده دانشکده موضوع فرماندهی مرا مورد تأیید قرار دادند، همه نفرات دانش دوم را به گوشه‌ای از سالن هنرستان هدایت کرده و در آن جا از همه همدوره‌های خود به خاطر اعتماد و اطمینانی که به من از خود نشان داده‌اند، تقدیر و تشکر کرده و در جمع آنها دعا کردم: انشاءالله بتوانیم در انجام مأموریت محوله در دفاع از خرمشهر با تمام وجود و با توکل به خدا و استعانت از او موفق باشیم. در ادامه با آنها عهد و پیمان بستیم تا بتوانیم با تمام توان در انجام مسئولیت واگذاری از هیچ فداکاری دریغ ننمائیم و در دفاع از خرمشهر تا پای جان کوشا باشیم. در ادامه گفت‌وگوی صمیمانه با هم‌زمان، اقدام به تعیین جانشین و فرمانده دانش دو کردیم تا در صورت بروز هرگونه رخدادی در حین انجام مأموریت با مسئولیت ایشان، اداره امور یگان در اجرای موفقیت‌آمیز مأموریت واگذاری همچنان تداوم داشته باشد.

پس از خاتمه جلسه هم‌آهنگی با اعضا دانش دو به حضور جناب سروان قادر شفاهی رسیدیم تا آخرین هم‌آهنگی‌ها با ایشان انجام و دستورات لازم را در زمینه انجام مأموریت جدید واگذاری به دانش دو از ایشان دریافت نمایم. ایشان مأموریت دانش دو را حرکت به لبه جلویی منطقه نبرد و استقرار در محل نخلستان‌های مشرف به گمرک خرمشهر اعلام کرد.

برای اعزام به محل مأموریت هیچ‌گونه وسیله نقلیه‌ای در اختیار نبود و مقرر شده بود با پای پیاده و با رعایت اصول راهپیمایی نظامی در ستون یک به سمت محل مأموریت حرکت کنیم. عراقی‌ها پس از عملیات سنگین روز ۵۹/۷/۲۴ مجدداً به داخل گمرک خرمشهر عقب‌نشینی کرده و در آنجا مواضع خودشان را تقویت نموده بودند. پس از خروج کلیه نیروهای دانش دو از ساختمان هنرستان، با آرایش راهپیمایی ستونی به راه افتادیم و تعدادی خیابان و کوچه‌های مشرف به آنها را در مسیر منتهی به محل مأموریت، پشت سر گذاشتیم. در حین

حرکت متوجه شدم که تعدادی از نیروها، با طی هرچند قدم به جلو، برگشته و به پشت سر خود و عقب دسته در حال حرکت، نگاه می‌کنند و دوباره ادامه مسیر می‌دهند. احساس کردم که احتمالاً نگرانی و یا دلهره‌ای ممکن است برای تعدادی از این عزیزان به وجود آمده باشد و این روند ممکن است بقیه اعضاء دانش دو را تحت تأثیر قرار دهد. آرایش حرکتی نیروهای دانش دو طبق دستور و برابر آیین‌نامه رزمی به نحوی بود که آخرین نفر، فرمانده یگان بود و در طول مسیر حرکت نیروها، حسب مورد فرمانده یگان می‌تواند به جلو و عقب ستون در حال حرکت، جابه‌جا شود.

در یک لحظه تصمیم گرفتم در یک موقعیت مناسب از کلیه هم‌رزمان بخواهم تا در یک محلی متوقف شوند تا در نحوه آرایش و حرکت گروهی دانش ۲ تغییراتی را بدهیم تا بلکه هیچ تردید و نگرانی در تک‌تک اعضاء در هنگام حرکت به سمت منطقه استقرار خود به وجود نیاید.

لذا با تکان دادن دست و با ایما و اشاره از همه هم‌رزمان خود خواستم، متوقف شوند تا مطلبی را به اطلاع آنان برسانم. واقعیت این است که به هیچ عنوان امکان خبرکردن هم‌رزمان در حال حرکت با صدای بلند نبود. زیرا همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، شهر خرمشهر شرایط بحران و خاصی را پیدا کرده بود و هر سر و صدایی، امکان بروز تهدید علیه یگان در حال حرکت ما را محتمل می‌ساخت. شنیده شدن صدای تیراندازی‌های پی‌درپی از خانه‌های اطراف (از دور و نزدیک) در مسیر حرکت یگان ما مؤید این موضوع بوده است. همه هم‌رزمان در زیر چادرهای یک فروشگاه بزرگ سه‌دهنه، متوقف شدند. به هم‌رزمان خود گفتم به لحاظ شرایط موجود شهر و مسیر انتخابی برای حرکت به سمت محل استقرار یگان و نیز به منظور کاهش نگرانی‌های احتمالی تعدادی از عزیزان، من در جلوی دسته حرکت می‌کنم و شما پشت سر من بیایید و جانشین دسته نیز در انتهای یگان، آخرین نفر خواهد بود.

خطاب به همه هم‌رزمان اعلام کردم، ادامه مسیر می‌دهیم. اگر اتفاقی برای من به وجود آمد، جانشین با تعیین یک نفر دیگر به عنوان جانشین خود، یگان را به محل مأموریت که

نسبت به موقعیت جغرافیایی آن توجیه شده‌اید، هدایت می‌کند. بعد از آخرین هم‌آهنگی‌ها، حرکت خودمان را به سوی گمرک خرمشهر ادامه دادیم.

اکثر خیابان‌های شهر خرمشهر را به نام نمی‌شناختیم، ولی مسیرهای منتهی به گمرک خرمشهر را که در حدود یک هفته بود در آن شهر و منطقه گمرک خرمشهر تردد داشتیم، یاد گرفته بودیم. بنابراین مناسب‌ترین مسیر، خیابان کنارگذر رودخانه کارون (شط) که در انتهای این خیابان و در سمت راست آن منطقه گمرک خرمشهر قرار داشت، تشخیص داده شد. پس از طی خیابان کنارگذر رودخانه، به خیابانی وارد شدیم که آخرین خیابان در مسیر مورد اشاره بود (آخرین خیابان دست راست). تعداد زیادی کوچه‌های ۶ متری از سمت چپ تا انتهای این خیابان با فواصل منظم در حدود هر ۲۰ متر فاصله، از یکدیگر قرار داشتند. احتمال می‌دادیم طرف دیگر این کوچه‌ها به نخلستان‌های اطراف گمرک خرمشهر ختم شوند. همچنان در جلو دسته در حال حرکت بودم و بقیه هم در پشت سر من می‌آمدند. به سر هر کوچه‌ای که می‌رسیدیم با یک نگاه به سر و ته آن کوچه، یکی پس از دیگری، از جلوی آن عبور می‌کردیم و وارد هیچ کوچه‌ای نمی‌شدیم. گویا چنین به نظر می‌رسید که یک نیرویی در تشخیص این کوچه‌ها و در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به ادامه مسیر در کوتاه‌ترین زمان (شاید در حد ۵ تا ۱۰ ثانیه)، ما را یاری می‌کرد. البته تا آن روز و آن ساعت، هیچ وقت این خیابان‌ها و کوچه‌ها را ندیده بودیم و در مورد آنها توسط هیچ کسی توجیه هم نشده بودیم و هیچ نقشه‌ای هم در اختیار نداشتیم تا از روی نقشه بتوانیم به محل مأموریت ابلاغی برسیم. حدود ۱۰ کوچه را پشت سر گذاشته بودیم و همچنان در پیاه‌روی خیابانی که در آن قرار داشتیم از جلوی این کوچه‌ها با یک ارزیابی مختصر عبور می‌کردیم. کسی از هم‌زمان هیچ صحبتی نمی‌کرد. هر از گاهی به عقب برمی‌گشتیم تا پیوستگی حرکت هم‌زمان خود را در پشت سرم و جانشین یگان را در انتهای ستون، مشاهده کنم و از این جهات مشکلی وجود نداشته باشد. در این موقع به سر کوچه یازدهمی رسیدیم، مثل کوچه‌های قبل، سر و ته کوچه را برانداز کردم، یک لحظه متوجه شدم، انگار این کوچه با کوچه‌های قبلی خیلی فرق دارد. این کوچه خیلی برایم آشنا به نظر می‌رسید. فکر می‌کردم، بارها از این کوچه عبور کرده‌ام. در صورتی که چنین نبود. انگار

یکی به من گفت: «برو داخل این کوچه‌ها تا دیگران هم، بیایند. این کوچه شما را به منطقه نخلستان‌های مورد نظرتان در اطراف گمرک خرمشهر می‌رساند که در روزهای قبل در آنجا بوده‌اید»

به هر صورت به باور رسیدم که یک امداد خاصی که شاید بتوان گفت امداد غیبی باشد، که به یگان ما یاری می‌رساند. این فکرها در فضای مغزم به طور مرتب در جریان بودند. تا اینکه وارد کوچه یازدهم شدم و بقیه هم آمدند. وقتی به انتهای کوچه رسیدیم متوجه شدیم درست به محلی از نخلستان‌های اطراف گمرک خرمشهر رسیده‌ایم که بایستی حضور پیدا می‌کردیم. خیلی خوشحال شدیم، به طوری که تمام خستگی راه از تنمان بیرون رفت.

در آن حال همگی از ته وجودمان، خداوند سبحان سپاس گفتیم و بلافاصله دانش دو را به سه گروه ۱۰ نفره تقسیم کردیم و با تعیین فرمانده گروه، آنها را در محل‌های تعیین شده در جهات مختلف در محوطه نخلستان‌های منتهی به گمرک خرمشهر مستقر کردیم و هرکسی در سنگر خود قرار گرفت و به این ترتیب مأموریت ما از این لحظه به بعد شروع شد.

۷- آخرین مأموریت و مجروح شدن در خرمشهر

طبق معمول هر روز صبح زود، روز ۵۹/۷/۲۷ هم‌زمان خود را در سه گروه در محل نخلستان‌های طراف گمرک خرمشهر، آرایش نظامی داده و خود به طور مداوم به گروه‌ها سرکشی می‌کردم تا اگر مشکلی وجود داشته باشد، بر طرف نمایم. یک لحظه دیدبان گروه اول را دیدم که با تکان دادن دست خود، مرا به سوی خود فراخواند. به او نزدیک شدم و در یک قدمی او قرار گرفتم. او ستوان ابوالقاسم فراهانی بود. با صدای آهسته گفت: «از کنج دیوار گمرک، سرباز عراقی را که در انتهای دیوار قرار دارد و هر از گاهی سرک می‌کشد. می‌بینیم و در مواقعی همدیگر را به طور هم‌زمان مشاهده می‌کنم» به او گفتم برو کنار تا من در جای تو بنشینم و ببینم چه خبره.

این جابه‌جایی شاید در ظرف مدت ۱۰ ثانیه انجام شد. با اولین نگاه، سرباز عراقی را در آن سوی امتداد دیوار، به فاصله تقریبی ۱۵۰ متری مشاهده کردم که داشت سرک می‌کشید. در

همین لحظه، صدای انفجاری از پشت سرم به گوش رسید. هنوز به سمت محل اصابت و شنیده شدن صدا برگشته بودم که ناگهان تمام وجودم لرزید. به خیال خود، تصور داشتم خمپاره یا گلوله توپ به حدی در نزدیکی ما به زمین اصابت کرده است که موج انفجار آن تن مرا لرزانده است. وقتی برگشتم، دیدم خون از پای چپ من مثل فواره آب به آسمان می‌رود. دست‌هایم را روی زخم گذاشتم تا جلوی خون‌ریزی را بگیرم، ولی هیچ فایده‌ای نداشت. در این لحظه یکی از هم‌دوره‌های‌هایم به نام ستوان جهانبخش قزاقی را در کنار خود دیدم. او نیز با گذاشتن دست‌هایش به محل خون‌ریزی پای من، سعی می‌کرد جلوی خون‌ریزی را بگیرد.

در طول حضور در جبهه هر کدام از رزمندگان دانشکده افسری امام علی (ع) نزاها هم مثل سایر نیروهای مدافع خرمشهر، برای خودشان دستمال گردنی به همراه داشتند که به دستمال گردن یاسر عرفاتی و یا چپی معروف بود. ولی در آن لحظه به کلی فراموش کرده بودیم که چنین وسیله‌ای را در اختیار داریم که می‌تواند با بستن بالای زخم، از خروج خون بیشتر از بدن جلوگیری نماید. خلاصه یک دفعه یاد چپی‌های دور گردن خود و دوستم افتادم. به او گفتم این دستمال را بگیر و از بالای زخم، محکم ببند تا خون‌ریزی قطع شود. ستوان قزاقی این کار را انجام داد و چپی خود را هم بر روی زخم پای من بست. سپس ستوان قزاقی بلند شد و مرا از زمین بلند کرد و به بالای سر خود قرار داد و شروع به دویدن کرد تا از محل دور نماید.

به اندازه بیست متر که از محل دور شدیم، صدای انفجار بعدی در محل به گوش رسید. در حالی که من در بالای سر ستوان قزاقی قرار داشتم، او به زمین نشست و هم‌زمان از من سؤال کرد: آیا دوباره ترکشی به تو اصابت کرد؟ به او گفتم: نه. او خیلی خسته شده بود و نفس نفس‌زنان تلاش می‌کرد دوباره بلند شود و مرا بیشتر از محل دور نماید. به او اصرار کردم، مرا به زمین بگذارد تا کسی به کمک‌مان بیاید. او این اصرار را پذیرفت و مرا پایین آورد. دوباره ستوان قزاقی مرا بلند کرد و حدود ۳۰ متر دیگر از محل اصابت ترکش اولین خمپاره، دور کرد. در این لحظه تعدادی از سربازان منقضی خدمت ۵۶ و نیروهای مردمی حاضر در منطقه به اطراف ما آمدند. موقعیت من طوری بود که باید عرض یک کوچه شش متری را عبور می‌دادند تا به یک

خودرویی که در آن نزدیکی بود، برسانند. عرض این کوچه در دید و تیر مستقیم نیروهای عراقی قرار داشت و به طور مرتب تیراندازی می‌کردند. در این حال از آن طرف کوچه یک تخته پتو به طرف من و ستوان قزاقی پرتاب شد و یکی از آن برادران با سرعت زیاد خود را از عرض کوچه مورد اشاره به طرف ما رساند. ستوان قزاقی با کمک او، مرا در وسط پتو قرار دادند و با سرعت به آن طرف کوچه رساندند. دیگران نیز به کمک این دو نفر آمدند و مرا در داخل پتو به آن خودرو که از نوع جیپ سیمرغ بود، رساندند. پس از سوار کردن من در داخل آن خودرو، به راننده گفتند ایشان را به بیمارستان طالقانی آبادان ببرید. در مسیر حرکت به سمت پل خرمشهر - آبادان و در جاده خرمشهر - آبادان، به ویژه وقتی از روی پل در حال عبور بودیم، ده‌ها گلوله به قسمت‌های مختلف و از جمله به شیشه و اتاق خودرو اصابت کرد، ولی به خواست خداوند، هیچ‌کدام از آنها به سرنشینان خودرو، اصابت نکرد و یا خودرو را از ادامه حرکت باز نداشت. تا اینکه به بیمارستان طالقانی رسیدیم.

پس از انجام معاینه، پزشک معالج دستور داد تا مرا به اتاق عمل ببرند. زمانی که مرا بیهوش می‌کردند، ساعت حدود ۱۰۰۰ صبح مورخ ۵۹/۷/۲۷ بود. در عالم به‌هوشی و بیهوشی، منظره‌های بسیار زیبایی از انواع گل‌ها، درختان، چمن‌زارها و جویبارها در یک باغ بسیار بزرگی مشاهده کردم. این مناظر، شباهت زیادی با تعاریفی داشت که در مورد بهشت شنیده بودم. شاید خواب می‌دیدم، ولی به هر حال اگر خواب و رویا هم بود، برای اولین بار می‌دیدم و تا آن موقع در طول زندگی‌ام و حتی تا کنون که حدود ۳۲ سال از آن قضیه می‌گذرد، هرگز چنین خوابی را ندیده بودم. این حادثه برای من بسیار عجیب و به یادماندنی است، به همین دلیل، هیچ‌وقت آن را فراموش نمی‌کنم.

حدود ساعت ۲ بعدازظهر بود. کم‌کم به هوش آمدم. در این هنگام صدای گریه شدیدی به گوشم می‌رسید. کنجکاو شدم و بیشتر تمرکز فکری کردم و یک لحظه چشمان خود را باز کردم تا ببینم صدای گریه از کجا به گوش می‌رسد و چه کسی و چرا گریه می‌کند؟ دوستان و تعدادی از هم‌زمان خود را در بالای سر خود دیدم که به دور من حلقه زده بودند. متوجه شدم و یادم آمد که در بیمارستان هستم و زخمی شده بودم. از دوستان پرسیدم صدای گریه از کجا می‌آید؟ در

جواب گفتند کسی گریه نمی‌کند، الحمدلله به خیر گذشته و خیلی خوشحال هستیم که شما را می‌بینیم. چند لحظه بعد دوست بسیار صمیمی خودم را دیدم که به آرامی از روی زمین بلند شد و ایستاد. او ستوان علیرضا حیدری بود. با چهره خندان، اما چشمان پر از اشک، متوجه شدم که او بود که چند دقیقه قبل از به هوش آمدنم بالای سر من گریه می‌کرده است. من و ستوان علیرضا حیدری پنج سال بود که هم‌تختی بودیم و رابطه ما از رابطه دو برادر بالاتر بود و این رابطه همچنان تا به امروز هم ادامه دارد. به هر حال در آن شرایط از دوستم حیدری خواستم تا ببیند در اثر انجام عمل جراحی به پای من آسیبی رسیده، آیا پایم قطع شده یا نه؟ او این کار را انجام داد و گفت: الحمدلله به خیر گذشته، فقط عمل جراحی انجام داده‌اند تا ترکش خمپاره را از پایت بیرون آورند. خدا را خیلی شکر کردم. در این موقع پرستار بخش از راه رسید و در دستش چیزی داشت. صدا کرد آقای ستاری خواه کدام یک از شماها است؟ جواب دادم: بفرمایید خانم من هستم. یک دستمال تنظیف سفیدی که در داخل آن ترکش خمپاره به اندازه یک بند انگشت شصت و با تراشه کنگره‌دار بود به من داد و گفت: آقای دکتر جراح از ساق پای چپ شما درآورده و گفت که به شما بدهم تا آن را به یادگار از جنگ داشته باشید. از آن خانم پرستار اسم آقای دکتر را پرسیدم. او گفت: آقای دکتر فیضی یکی از بهترین جراحان این بیمارستان است. در آن حال خدا را شکر کرده و برای سلامتی او دعا کردم. ترکش را از او گرفتم و تا به امروز آن را در کیف شخصی مدارکم نگهداری می‌کنم.

نهایتاً پس از انتقال من از خرمشهر به بیمارستان ماهشهر و سپس به بیمارستان نمازی شیراز، در بیمارستان نهاجا که خود جمعی آن نیرو هم بودم، بستری شدم. از یکی از پرستاران خواهش کردم و شماره تلفن منزل خود را به او دادم تا با همسرم صحبت کند و موضوع مجروح شدنم را به او بگوید. آن پرستار محترم این کار را انجام داد و نیم ساعت بعد همسرم به اتفاق تعدادی از بستگان به بیمارستان آمدند. بیمارستان نهاجا مملو از مجروحین جنگ بود. علی‌رغم اینکه وضعیت پای من خوب نبود و عفونتش بیش از روزهای قبل شده بود، ولی در مقایسه با سایر مجروحین جنگی، وضعیت من خیلی خوب بود. دکتر متخصص به بالای سر تخت من رسید. پس از معاینه نوشت بخیه‌های پایم کشیده شود. وقتی به بخش تزریقات و پانسمان منتقل شدم و تکنسین تزریقات وضع پای مرا دید و سپس به نوشته دکتر نگاه کرد، رو کرد به

همسرم و گفت: خانم، پای همسر شما به قدری عفونت دارد که اگر بخیه‌ها را بکشم دیگر امکان بخیه مجدد ندارد. در ادامه گفت: خانم دکترهای بیمارستان از بس مجروحین جنگی وخیم‌تر از وضع پای شما را دیده‌اند، قاطی کرده‌اند، مگر می‌شود در این شرایط بخیه‌های پای شما را بکشم؟

همسرم وقتی اوضاع را چنین دید با من صحبت کرد و تصمیم گرفتیم با مسئولیت خودمان از بیمارستان مرخص شده و ادامه درمان را از طریق پزشک متخصص با هزینه شخصی پیگیری نماییم. همین تصمیم را اجرایی کردیم. از بیمارستان ترخیص و به منزل رفتیم. البته امکان راه رفتن برای من مقدور نبود. همراهان کمک کردند با برانکارده به تاکسی سوار و سپس در منزل بستری شدم. هم‌زمان همسرم پزشک متخصص جراحی را به نام آقای دکتر فخار به منزل دعوت کرد. آقای دکتر با انجام معاینه کامل، آمپول‌های قوی ضد عفونت و داروهای لازم را تجویز کرد و توصیه‌های لازم را ارائه داد و تکنسین مطب خود را برای تعویض یک روز درمیان پانسمان پایم معرفی کرد و ... تا اینکه به مرور عفونت پایم فروکش کرد. ضایعه باقی‌مانده فلج نسبی عصب سیاتیک پای چپ، تشخیص داده شد و به میزان ۲۱٪ جانبازی تعیین گردید.

خاطرات دانشجوی سال دوم احمد حسینی (سرهنگ بازنشسته)^۱

روز ۳۱ شهریور که عراق به ایران حمله کرد، دانشجوی سال دوم دانشکده افسری بودم. آن روز هواپیماهای عراقی با صدایی مهیب فرودگاه مهرآباد را بمباران کردند.

سرهنگ نامجو فرمانده دانشکده افسری، در سالن تربیت بدنی در جمع دانشجویان طی یک سخنرانی گفت: «همچنان که امام حسین (ع) در روز عاشورا مسلمانان را به کمک طلبید و می‌فرمود آیا کسی هست مرا یاری کند، امروز کشور به یاری شما جوانان غیور و شجاع نیاز دارد.»

بعد از سخنرانی فرمانده دانشکده افسری و مشخص شدن زمان حرکت به منطقه جنگی خوزستان، تا روز بعد به ما مرخصی دادند تا به خانواده‌های خود اطلاع بدهیم و صبح روز بعد برای اعزام آماده باشیم.

صبح روز بعد به سرعت اسلحه گرفتیم و بعد در میدان صبحگاه جمع شدیم. ساعتی بعد ما را از زیر قرآن رد کردند و به بخش نظامی فرودگاه مهرآباد بردند. در مسیر فرودگاه، مردم با صلوات و تکبیر ما را بدرقه کردند. به این ترتیب بیش از ۷۰۰ دانشجو، ۴۱ افسر و ۲۴ درجه‌دار در سه گروهان مجهز به تجهیزات انفرادی، تیربار و آرپی‌جی ۷ در دوم مهرماه با ۱۲ فروند هواپیمای سی-۱۳۰ به خوزستان اعزام شدند. (البته آمار دقیق باید در سوابق دانشگاه افسری امام علی (ع) باشد، اما آنچه که از آن روز به خاطر دارم این ارقام بوده است).

همین که هواپیمای ما در فرودگاه اهواز به زمین نشست، وضعیت قرمز شد. هواپیما با سرعت کم در حال حرکت در باند بود که خلبان اعلام کرد با کیسه‌های انفرادی خود به بیرون بپریم و با رها کردن کیسه‌ها به سرعت در روی زمین، ۱۰۰ متر بر خلاف جهت هواپیما بدویم و بعد به سراغ کیسه‌های انفرادی خود بیاییم. به این ترتیب ما ابتدا کیسه‌های انفرادی خود را برداشتیم. در واقع اولین مکانی که در اهواز مشاهده کردیم که حالت جنگی دارد، فرودگاه بود. وضعیت پیاده شدن ما از هواپیما، صدای شلیک پدافندها، بوی باروت و شیشه‌های شکسته

۱. آرشیو دانشگاه امام علی (ع)

ساختمان‌های فرودگاه و برج مراقبت و سکوت اندوهگین پس از خاموشی صدای پدافند، همه نشانه فضای جنگی بود که برای ما تازگی داشت.

روز بعد دانشجویان به سه گروه اهواز، دزفول و خرمشهر تقسیم شدند. هر کدام از این گروه‌ها در دسته‌های ۳۰ تا ۴۰ نفره به نام «دانش» سازماندهی و هر دسته‌ای به نقطه‌ای از خوزستان اعزام شدند. گروهی به خرمشهر، تعدادی به آبادان یا سوسنگرد و سایر مناطق خوزستان عزیمت کردند.

دانشجویانی که به خرمشهر اعزام شدند، به همراه گردان دژ و تکاوران نیروی دریایی و تعدادی از داوطلبان بومی در خرمشهر، علیه نیروهای عراقی وارد نبرد شدند و جلوه‌های زیبایی از دلاوری، از خود گذشتگی و غیرت از خود نشان دادند.

دانشجویانی که برای منطقه اهواز در نظر گرفته شدند، به چند قسمت تقسیم شدند. از جمله دانش ۱ به فرماندهی سروان احسان اسدی مأموریت تأمین جاده حمیدیه - سوسنگرد را به عهده گرفت. در آن ایام نیروهای عراقی سوسنگرد را در محاصره داشتند و به همین علت مسیر جاده حمیدیه - سوسنگرد خطرناک بود و هر آن احتمال می‌رفت که عراق از آن محور به طرف اهواز پیشروی کند. به همین خاطر دانشجویان دانش ۱ در آن محور، مرتب زیر آتش دوربرد دشمن قرار داشتند. غیر از آتش توپخانه، گاهی با هواپیما منطقه تجمع دانشجویان مورد هدف قرار می‌گرفت.

گردان سال سوم دانشجویان به فرماندهی سروان پازوکی به خرمشهر اعزام شدند. گردان ششم (دانشجویان سال دوم) به فرماندهی یدالله فرازبان در منطقه دب حردان مستقر شد که پانزدهم مهر برای اعزام به خرمشهر دب حردان را ترک کردند. نیمی از گردان ششم به فرماندهی سروان تهمتن به خرمشهر اعزام و بقیه برای آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی به نقطه دیگری رفتند. تعدادی از همین نیروهای مردمی بعد از آموزش، به همراه گروهی از دانشجویان در سهراهی سوسنگرد به سمت خرمشهر، مستقر شدند.

خاطرات ستوان جواد علیپور از کارکنان گردان دژ

۱- تجلیل رادیوهای بیگانه از حماسه‌سازان خرمشهر

ساعت ۴ بعدازظهر روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ما در داخل پادگان دژ بودیم که ناگهان هواپیماهای عراقی در آسمان خرمشهر ظاهر شدند. آنها در ارتفاع خیلی پایین پرواز می‌کردند، ولی تیراندازی نکردند. دقایقی بعد بی‌سیم‌ها به کار افتادند و از اکثر دژها خبر رسید که عراق دژهای لب مرز را مورد هجوم قرار داده است. آن شب عراق تا صبح روز دژها آتش ریخت.

صبح روز بعد من به دژ شلمچه اعزام شدم. آن روز عراق شهر را هدف گلوله‌های خود قرار داد و به این طریق مردم را وادار کرد که شهر را ترک کنند. عده‌ای چنین کردند، ولی تعدادی از مردان شهر خانواده‌هایشان را از شهر خارج کردند و به دفاع از شهر پرداختند. از همان روز ساختن کوکتل موتولوف آغاز شد و الحق خیلی هم مورد استفاده قرار گرفت.

در تاریخ ۵۹/۷/۱ ما در دژ مرکزی شلمچه آماده دفاع بودیم. امروزه متأسفانه اثری از آن نیست، ولی محل‌اش در قبرستان جدید و جلوتر از پل نو بود. عراق ابتدا ما را با گلوله‌باران سنگین عقب زد، ولی در تاریخ ۵۹/۷/۳ ما با یک حمله جانانه توانستیم ۲۸ نفر از نیروهای عراقی را اسیر و حدود ۲۵ دستگاه خودرو را به غنیمت بگیریم. چون من عربی بلد بودم، بازجویی تعدادی از اسرا را انجام دادم و در نقشه‌هایی که از آنها گرفتیم، معلوم شد که عراق قصد دارد با ورود به فاو و آبادان، خرمشهر و آبادان را محاصره و از ایران جدا کند.

صدام در سخنرانی خود گفته بود که می‌خواهد ۳ روزه خوزستان را بگیرد، ولی عملاً تا ۱۵ روز نتوانست از طریق شلمچه به خرمشهر نزدیک شود. در انتهای آن روز پس از فشار زیاد، عراق تا سرهانیه و صد دستگاه پیش آمد. آن روز آقای خلخالی هم در خرمشهر بود. ما در معیت ایشان با ۵ قبضه ۱۰۶ به پل نو رفتیم. استوار کابلی، غلامرضا روشن، قاسم خسروی هم با ما بود، توانستیم در یورش اول بیش از ۵ دستگاه تانک و نفربر عراقی را منهدم کنیم. چند هلی‌کوپتر کبری هم از هوانیروز وارد معرکه شد و آنها هم تعدادی از ادوات و تفرات عراقی را منهدم کردند...

پس از ۵۹/۷/۳۰ ما به مسجد جامع آمدیم. اطراف مسجد و خیابان‌ها در دست عراقی‌ها بود. ما یک راه باریکه داشتیم که به طرف پل می‌رفتیم. دیگر تردد از روی پل امکان نداشت و کسانی که می‌خواستند آن سمت بروند از زیر پل می‌رفتند. من در آن روزهای سخت خرمشهر تعدادی از بچه‌های هوانیروز را دیدم. جناب شجاعی، موسی بامدی، میرزایی. گفتند ما آمدیم کمک شما. حاج آقا شجاعی گفت: فکر نکن تنها شما جزو گردان ۱۵۱ دژ هستید، تمام ایران جزو گردان دژ هستند. هوانیروز جزو گردان دژ است. نیروی دریایی جزو گردان دژ است، دانشکده افسری جزو گردان دژ است. من با شنیدن این حرف‌ها بی اختیار اشک از چشمانم سرازیر شد. حاج آقا شجاعی مرا بغل کرد و بوسید.

ما از تاریخ ۵۹/۷/۳۰ تا ۵۹/۸/۴ مرتب از زیر پل به آن سمت می‌رفتیم، استراحت می‌کردیم و برمی‌گشتیم و درگیر می‌شدیم. پس از آن به کافه قنادی پایا در کوت شیخ رفتیم. آنجا محل استقرار گردان دژ شده بود. ما هر وقت به این سمت شهر برمی‌گشتیم، با خود یک گالن ۴ لیتری آب می‌آوردیم که تشنه نماییم.

ما حتی یک لحظه هم عراقی‌ها را آرام نگذاشتیم. ما با نارنجک تله می‌گذاشتیم به درهای خانه‌های متروکه مردم و عراقی‌ها تا می‌خواستند آن را باز کنند، نارنجک عمل می‌کرد و چند نفر از عراقی‌ها کشته می‌شدند. این کار بارها انجام شد.

پس از آن فردی به نام ریچارد اوپن هایمر مفسر شرقی بی‌بی‌سی اعلام کرد که جوانان ایرانی خرمشهر، جسورانه دفاع می‌کنند و هر لحظه حماسه‌ای می‌آفرینند.

من با آنکه خیلی از دوستانم را از دست داده بودم و نیز خودم در وضعیت نامطلوبی قرار داشتم، با این حال از شنیدن این خبر نیروی تازه‌ای گرفتم و از اینکه حتی دشمنان ما از ما چنین تحلیل می‌کنند، احساس غرور کردم. آن روز با یک حساب سرانگشتی به این نتیجه رسیدم که گردان دژ که موظف بود ۴۸ ساعت در مقابل تجاوز ارتش عراق مقاومت کند، عملاً ۴۸ روز این کار را شجاعانه انجام داد. با این حال اگر ما تعداد دیگری جیب داشتیم و می‌توانستیم آنها را با ۱۰۶ مسلح کنیم، مسلماً بیشتر و بهتر مقابله می‌کردیم. ما از نظر امکانات

و حتی مهمات و آذوقه در مضيقه بوديم، ولی الحق هيچ کس کم فروشی نکرد؛ نه ارتش، نه سپاه و نه نيروهای مردمی. ما آن روزها به مسجد جامع می رفتيم و یک تکه نان با تعدادی خرما می گرفتيم و حداقل با آن آذوقه ۲۴ ساعت می جنگيديم. ديگر نه از آشپزخانه پادگان خبری بود نه از غذای گرم و ...

ديگر گردان دژ سقوط کرده بود. البته قبل از آن پلیس راه و انبارهای عمومی که جلوتر از گردان دژ بودند به دست عراقی ها افتاده بود آخرين نقطه دفاع در آن منطقه بود. نيروهای باقیمانده در پادگان دژ به بالای تعمیرگاه رفته بودند و دفاع می کردند. خیلی ها در آنجا شهيد شدند. گروهان محمد سوختانلو، سرباز عبدی و ... خیلی ها در اول مهر شهيد شدند. ما در آن روزها با هم هم قسم شده بوديم که از شهر و پادگان دفاع کنیم. من، ایاتی، روشن ما بلوزهای نظامی خود را درآورده و با خودکار قرمز در داخل آن وصیت نامه نوشته بوديم. ما نوشته بوديم که خرمشهر را به ويتنام تبدیل می کنیم. در آن ایام ستوان ایازی، ستوان علیلو و ستوان زارعیان هر کدام در نقطه ای درگیر بودند.

من نزدیک کشتارگاه با ماشین در حرکت بودم. تکاوران نیروی دریایی با موشک تاو از من حمایت می کردند، هواپیماهای عراقی محل ما را شناسایی و بمباران کردند.

من پس از جابه جایی خودرو خودم را به گروه ۱۰۶ پادگان دژ رساندم و به همراه استوار غلامرضا روشن که او هم ۱۰۶ داشت، با دو قبضه ۱۰۶ شروع به گلوله باران نيروهای عراقی کرديم. من نمی دانم چه تعداد از بچه های ما در بمباران هوایی دشمن شهيد شدند، ولی يقين دارم که همه گلوله های ۱۰۶ به هدف خورد و از عراقی ها خیلی تلفات گرفتيم. در این عملیات سرباز ابوطالبی، سرباز جان نثاری، سرباز زارع، سرباز پرویز هوشمندنيا و غلامرضا مونسى همراه ما بودند. پس از دقایقی محمد خاقانی هم با تفنگ ۱۰۶ خود به جمع ما پیوست و ما محل خود را عوض کرديم.

خواستيم خود را به پشت سيل بند برسانيم تا ستون زرهي عراقی ها را بکوبيم. من ده گلوله داشتم و دو قبضه ديگر هم همین اندازه گلوله داشتند. عراق با پی ام پی و نفربرهای ۸ چرخي رو

به سمت ما می‌آمد. ما فقط دود و گرد و خاک آنها را می‌دیدیم. وقتی اولین نفربر عراقی را زدیم، انفجار داخل نفربر بارها تکرار شد و معلوم شد که مهمات زیادی همراه داشت.

ستوان شریفی هم با گروه خود در نقطه دیگری از شهر حدود بازار ماهی‌فروش‌ها مشغول نبرد بود. آنها جنگ خانه به خانه می‌کردند. ما گلوله‌های خود را به ستون عراقی‌ها شلیک کردیم. پس از آن با خاقانی به بازار صفا آمدیم. عراقی‌ها بودند. ما چند نارنجک تفنگی به سوی عراقی‌ها شلیک کردیم. عراقی‌ها فکر کردند ما با ۱۰۶ به آنها حمله کرده‌ایم. با ترس و دلهره آن نقطه را ترک کردند.

ما با گروه شریفی حدود ۳۰ نفر می‌شدیم که بلافاصله به خانه‌ای که محل استقرار عراقی‌ها بود رفتیم و دو قبضه خمپاره ۶۰ با دو جعبه گلوله و یک تیربار عراقی را به غنیمت گرفته و به سوی عراقی‌ها شلیک کردیم. خیلی از عراقی‌ها لت و پار شدند. در این عملیات خاقانی ترکش خورد؛ او جوان رشید و بلند قدی بود و به خیال من شکل علی‌اکبر امام حسین (بلا تشبیه) بود. تا مرا دید نگاه مهرآمیزی به من کرد و گفت: سرگروه‌بان علیپور! نمی‌خواهم جنازه من مثل سرباز عبدی بشه، اگر من شهید شدم، جنازه مرا در تهران تحویل خانواده‌ام بدهید و دقایقی بعد شهید شد.

شریعتی هم در این عملیات مفقود شد. در گروه او تعدادی دانشجویان دانشکده افسری و نیروهای مردمی و ژاندارمری هم بودند. شریعتی واقعاً مثل شریعتی بود. ذهنیتش مانند چمران بود و همیشه از آزادی و مبارزه با اسرائیل سخن می‌گفت و همیشه می‌گفت راه قدس از کربلا می‌گذرد و با این اندیشه کربلایی شد.

آخرین روزی که من در خرمشهر بودم، ۳۰ مهرماه بود. بعد از پادگان دژ اکثر نقاط به دست عراقی‌ها افتاد، ولی هنوز در گوشه و کنار شهر در خانه‌های داخل شهر تعدادی از نیروهای ما بودند و از راه فاضلاب و یا با استفاده از تاریکی شب به عراقی‌ها حمله می‌کردند. من به آن سوی رودخانه یعنی کوت شیخ رفتم، ولی شبانه از زیر پل برگشتم و به نیروهایی که در شهر بودند ملحق شدم. ایرانی‌ها شب‌ها به سنگرهای عراقی حمله می‌کردند. گاهی بمب

می گذاشتند، گاهی نارنجک می انداختند. در بعضی خیابان ها تله های انفجاری گذاشتیم. یا مین ها را به زمین بستیم، پیم آنها را باز می کردیم و سیم مخابرات رد می کردیم. به این صورت تا پای عراقی ها به سیم مخابرات می خورد، پیم آزاد و مین منفجر می شد.

در بعضی از خیابان ها تردد عراقی ها زیاد بود و می دانستیم بالاخره عراقی ها از آن خیابان عبور خواهند کرد. به همین دلیل نارنجک ها را در آن مسیر جاسازی می کردیم. برای ما خیلی سخت بود که در شهر ما و در خانه ما عراقی ها به خوبی صحبت می کردند و می خواندند و می خندیدند.

خاطرات سرهنگ جانباز علی قمری از افسران گردان دژ

گردان دژ پرسنل استثنایی و حماسه ساز زیادی داشت که بعضی از آنها در دفاع ۴۵ روزه به شهادت رسیدند. استوار مرادی با آنکه نصف پنجه پایش قطع شده بود از جبهه جدا نشد تا به شهادت رسید... ستوان یار کرامت الله آزادی با آنکه ۷ تا دختر داشت و من اصرار داشتم که در خط نماند، می گفت دختر بی دختر، الان وقت جنگ است. ستوانیار امینی وقتی ترکش خورد، نصف سرش جدا شد. سرباز حجازی قطعه قطعه شد و ما توانستیم حدود یک کیلو از گوشت های بدن او را از لای سیم خاردارها جمع کنیم. سروان جواد رفتاری که بیش از ۱۰۰ کیلو وزن داشت و نمی توانست با پوتین راه برود و دمپایی را با نخ به پایش بسته بود که بتواند حرکت کند. اسماعیل زارعیان قهرمان بی رقیب دفاع خرمشهر بود. او وقتی به شهادت رسید، همسرش هفت ماهه باردار بود و پسرش پس از شهادت او به دنیا آمد.

گروه بان مرادی پایش از پاشنه به بالا توپ خورد. در نهایت همه پرسنل گردان دژ در روزهای سخت مقاومت بدون غذا و بدون استراحت جنگیدند و شتاب نیروهای عراقی را گرفتند. سروان کبریایی هم که الحق زحمت زیادی برای حفظ گردان کشید. ایشان اهل کرج بودند و خانواده اش به همراه خانواده من آخرین نفراتی بودند که خرمشهر را تخلیه کردند. وقتی کبریایی شهید شد، ما پیکر او را از دسترس عراقی ها دور کردیم. او یکی از افسران بی نظیر ارتش جمهوری اسلامی ایران بود.

وقتی نیروهای عراقی به داخل شهر رخنه کردند، ما گروه های خود را به داخل شهر اعزام کردیم. معمولاً در هر گروهی یک قبضه تفنگ ۱۰۶ هم اعزام می شد. ما برای هر چهار گروه یک افسر و برای هر چهار گروه دو نفر درجه دار کادر گذاشته بودیم و مجبور بودیم بعد از هرتیراندازی جای خود را عوض کنیم، چرا که عراقی ها محل ما را شناسایی می کردند و آنجا را می کوبیدند. ما تعدادی از نیروهای گردان دژ را به عنوان دیده بان در مسیر احتمالی عراقی ها قرار داده بودیم و آنها ورود عراقی ها را با بی سیم به ما گزارش می دادند و ما وارد عمل می شدیم.

همان گونه که ما در شهر می جنگیدیم نیروی دریایی هم در منطقه حماسه می آفرید. اگر نیروی دریایی جلوی نفوذ عراق از طرف آبادان به خرمشهر را نمی گرفت، هم خرمشهر و هم آبادان زودتر سقوط می کردند. آنها نزدیک ترین نیروهای ایرانی به عراقی ها بودند. فاصله های آنها با عراقی ها گاهی به بیست متر می رسید. نیروهای نظامی در جنگ شهری از لباس نظامی استفاده نمی کردند، یعنی در حدود ۸۰۰ نفر نیروی گردان دژ فقط ۷۰ تا ۸۰ نفر لباس نظامی داشتند، چرا که به علت ادامه روزهای نبرد لباس های نظامی ما خونی و کثیف و خاکی و مثل برزنت شده بود، به همین خاطر حتی خود من هم با زیر پیراهنی می جنگیدم. از طرفی فکر می کردیم اگر اسیر شویم، اطلاعات نظامی را فاش نکنیم و بگوییم ما فرهنگی یا مغازه دار بودیم.

دانشجویان دانشکده افسری که مرا با لباس غیر نظامی می دیدند ابتدا فکر نمی کردند که من افسر و حتی فرمانده گروهان هستم، ولی وقتی با دو نفرشان که اسم یکی از آنها کاظمی و دانشجوی سال سوم بود آشنا شدم و او مرا شناخت، بلافاصله مرا به سایر دانشجویان معرفی کرد و از آن لحظه به بعد دانشجویان با احترام خاصی با من برخورد می کردند و هر مشکلی به وجود می آمد، با من درمیان می گذاشتند و از نظر شناخت منطقه توجه می شدند، حتی یکی از آنها به شوخی به من گفت: فکر کردم که شما هم یک نیروی شخصی هستید و برای دفاع از خرمشهر آمده اید.

خاطره‌ای از آیت‌الله ری‌شهری

شجاعت سرهنگ کهتری

بچه‌های مخلص و خوبی در آن لحظات جاودانه دفاع مقدس به شهادت رسیدند و آن گونه توانستند مردانه مقابل تجاوز بعضی‌ها بایستند و حتی در بعضی محورها جلو بروند. به یاد دارم که تعداد زیادی عراقی توسط بچه‌ها به درک واصل شده بودند و جمع زیاد دیگری از آنها در آب غرق شده بودند. آنهایی هم که در باتلاق‌ها گیر افتاده بودند با گلوله بچه‌ها کشته شدند و با این تلاش و فداکاری بچه‌ها نگذاشتند تا محاصره آبادان کامل شود. در این ماجرای مهم و تعیین کننده یک گردان از ارتش نیز نقش بسیار اساسی داشت و فرمانده آن به نام سرهنگ کهتری همان روزها به خاطر مقاومت شجاعانه و فداکارانه‌اش خیلی معروف شد.

خاطرات دانشجوی سال سوم خجسته (سرهنگ فعلی)^۱

شب خون و شهادت

ما وقتی از طریق دانشگاه افسری وارد منطقه عملیاتی جنوب شدیم، ما را به چند گروه تقسیم کردند و هر گروه را به نقطه‌ای فرستادند. تعدادی هم در گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران ماندند تا همراه تکاوران ارتش و نیروهای تحت امر شهید چمران انجام وظیفه کنند. من هم برای گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران انتخاب شدم و در مأموریت‌های مختلفی شرکت کردم.

در تاریخ ۱۷ مهرماه به ما مأموریت دادند که به خرمشهر برویم. ما از طریق آبادان به خرمشهر آمدیم. از آنجا ما را به هنرستان راضی بردند و شبانه به طرف خیابان ۴۰ متری رفتیم. قرار بود ما به جای تعدادی از دانشجویان سال ۵۶ در آنجا مستقر بشویم تا آنها برای استراحت به عقب بیایند. ولی وقتی به آنجا رسیدیم، متوجه شدیم همه در داخل شهر درگیر هستند؛ یک طرف پرسنل گردان دژ، یک طرف تکاوران نیروی دریایی، در یک طرف مردم بومی و بسیجی و عراق به شدت محل تجمع ما را می‌کوبید و فرصت نفس کشیدن نداشتیم. در آنجا دانشجو صنوبری گلوله خورد، به صورتی که گلوله کلاه آهنی او را سوراخ کرده بود. شهابی در آنجا زخمی شد و در همان روز سروان جوانشیر فرمانده گروهان شهید شد.

تعداد زخمی‌ها زیاد بود و آمبولانس به مقدار کافی نداشتیم و اکثر مجروحین و شهدا را گاهی با خاور یا ماشین‌های بزرگ تخلیه می‌کردیم. ما برای حفاظت از منطقه‌ای بین آتش‌نشانی و مسجد طالقانی مأمور شده بودیم، ولی عراقی‌ها خیلی به ما نزدیک بودند.

ما پشت دیواری مستقر شده بودیم و از سوراخی که مشرف به محل اجتماع و حرکت عراقی‌ها بود، آنها را کنترل می‌کردیم. ناگهان متوجه شدم عراقی‌ها با ماشین مهمات و یک دستگاه خودرو در حال پیاده کردن سرباز و دادن مهمات به نیروهای خودشان هستند. با مشورت دانشجو جلالی و حمید اسلامی (که بعدها شهید شد) با سرنیزه دو تا آجر از دیوار درآوردیم و سر تفنگ آرپی‌جی را از آنجا بیرون آوردیم. فاصله ما با عراقی‌ها حدود ۱۰ متر بود

و ما با این فاصله شلیک کردیم. بعد از شلیک عراقی‌ها متفرق شدند، ولی در بین دوستان تعدادی می‌گفتند که گلوله به هدف خورده و تعدادی می‌گفتند نخورده است. در هر حال پس از چند لحظه خودرو مهمات آتش گرفت و عراقی‌ها به تلافی آن بارانی از گلوله‌ها را به سمت ما روانه کردند. گلوله‌های عراقی‌ها خمپاره ۶۰ بود. ولی ما سلاح سبک داشتیم و تفنگ‌های ۱۰۶ پادگان دژ هم در جای دیگر درگیر بودند. در اثر این گلوله باران دو سرباز منقضی خدمت ۵۶ به نام‌های مسلم مهری و فریدون رحیمی به شهادت رسیدند.

ما پس از این گلوله باران با کلنگی که تهیه شد، دیوار خانه‌ها را سوراخ کردیم و خانه به خانه محل خود را عوض می‌کردیم، ولی همه جا پر از آتش و گلوله بود و با این حال ما تا شب ۲۴ مهر در آن منطقه درگیر بودیم.

شب ۲۴ مهر شب خون و حماسه و شهادت بود. سنگین‌ترین نبردها در آن شب اتفاق افتاد. در خیابان ۴۰ متری ما آن شب آنقدر شهید داده بودیم که آسفالت قرمز شده بود. عراق لحظه به لحظه به پل نزدیک می‌شد و ما را با فشار قوی عقب می‌راند. نیروهای ما جانانه مقاومت می‌کردند و این مقاومت‌ها حاصلش این بود که خرمشهر را به خونین شهر تبدیل کرد.

در کنار ما تکاوران نیروی دریایی به شدت می‌جنگیدند و از نظر من آنها مظلومترین مدافعین خرمشهر بودند، چرا که پادگان دژ یگان بومی آن محل بود، ولی این تکاوران همه از منجیل به کمک مردم خرمشهر آمده بودند و مرتب شهید می‌شدند. من یکی از تکاوران نیروی دریایی را دیدم که پیش از ۲ متر قد داشت. وقتی عراقی‌ها او را با گلوله به زمین انداختند، احساس کردم درخت تنومندی به زمین افتاد و به فیض شهادت نایل آمد.

دیگر زمزمه خروج از بخش شرقی خرمشهر به یک مسئله قطعی تبدیل شده بود، ولی هر کس روی پل می‌رفت، مورد هدف گلوله‌های عراقی قرار می‌گرفت. در این اثنا به من دستور دادند سربازان منقضی ۵۶ را جمع کنم و از منطقه خطر به یک نقطه امنی منتقل کنم. من برای اجرای دستور وارد عمل شدم، ولی می‌دانستم که جای امنی در شهر خرمشهر وجود ندارد. برای لحظه‌ای آرزو کردم ای کاش پادگان دژ در محاصره عراقی‌ها نبود.

خاطرات دانشجوی سال سوم عباس باباخانی (سرتیپ ۲ فعلی)^۱

دفاع دانشجویان از خرمشهر

ما به همراه تعدادی از دانشجویان دانشگاه امام علی ارتش جمهوری اسلامی ایران و به فرماندهی سرهنگ نامجو در تاریخ ۵۹/۷/۹ وارد آبادان شدیم. شهر حالتی جنگ زده داشت و بوی باروت همه جا را گرفته بود. صدای انفجار خمپاره‌ها و گلوله حاکی از آن بود که آرامش از این شهر رخت بر بسته است.

ما از طریق آبادان وارد شهر شده بودیم. در راه زن‌ها و بچه‌های پابرنه را دیدیم که در حال خروج از شهر بودند. بعضی از پیرمردها و پیرزن‌ها به سختی راه می‌رفتند و تمام قدرتشان را در پایشان جمع کرده بودند که به هر طریقی خود را به اهواز برسانند. کمی دورتر از این مردم آواره پالایشگاه آبادان در آتش می‌سوخت و نشانی از آسمان آبی جنوب نبود. ما در داخل اتوبوس‌های شرکت واحد آبادان قرار داشتیم و ازدحام جمعیت راه را بسته بود.

بالاخره مسیری برای اتوبوس‌های ما که برای دفاع از خرمشهر آمده بودیم باز کردند و ما از کنار مردم بطرف خرمشهر حرکت کردیم و به سختی خود را به مسجد جامع رساندیم.

مدافعین شهر با دیدن ما خوشحال شدند و از ما خواستند هر کس به نوعی و هر جا که می‌خواهد از شهر دفاع کند. این مطلب برای من غیر علمی بود، چرا که ما با محل آشنایی نداشتیم و دفاع این گونه اصلاً یک کار دفاعی نظامی نبود. بالاخره ما را به هنرستان بردند و فرمانده ما ستوان قادر شفاعی برای هماهنگی به سراغ مسئولین رفت و دقایقی بعد به همراه چند تن از فرماندهان نظامی برگشت.

یکی از فرماندهان پیشنهاد کرد که تعدادی از ما به عنوان فرماندهان نیروهای مردمی وارد عمل شده و به حسینی‌ها برویم. بلافاصله من و دانشجو جوانمرد (تیمسار فعلی) و دانشجو

محمدی مخلص (سرهنگ فعلی) و چند نفر دیگر داوطلب فرماندهی شدیم و هر کدام به قسمتی اعزام شدیم.

ابتدا ما به حسینه اصفهانی‌ها اعزام شدیم. در بین نیروهای مردمی فردی بود که خوب اذان می‌داد. به زیبایی قرآن قرائت می‌کرد و معلوم بود که به مسایل شرعی آشناست. وقتی با او باب صحبت را باز کردم معلوم شد او رسول نامجو برادر سرهنگ نامجو فرمانده ماست که با شنیدن حمله عراق به ایران درس و دانشگاه خود را در هندوستان رها کرده و به کمک نیروهای ایرانی آمده است.

در یکی از جنگ و گریزها که از طرف قبرستان شهر داشتیم ما به طرف پادگان دژ کشیده شدیم. پرسنل پادگان با عشق و علاقه می‌جنگیدند. با خود گفتم که در کنار نیروهای پادگان دژ بمانیم و به آنها کمک کنیم، ولی خبر دادند که در نقطه دیگری نیاز به نیرو دارند و ما مجبور شدیم پس از خداحافظی با رزمندگان پادگان دژ به موضع جدید حرکت کنیم.

در موضع جدید متوجه شدیم عراق با ۱۲۰ دستگاه تانک به طرف شهر در حرکت است. ما با سلاح سبکی که داشتیم به مقابله پرداختیم، ولی یکی از همراهان ما در جنگ تن به تن با دشمن به شهادت رسید اسمش حاج آقا جوانمرد بود و مردانه به شهادت رسید.

دیگر یارای رویارویی با تانک‌های عراقی را نداشتیم و به طرف مسجد جامع عقب نشینی کردیم.

پس از چند روز به ما دستور دادند که از شهر خارج شده و خود را به موضع جدیدی برسانیم. بخش شمالی خرمشهر در مقابل دیدگان پر از اشک و خون ما به تصرف نیروهای عراقی درآمد.

خاطرات دانشجوی سال سوم عارف لطفی (سرتیپ ۲ فعلی)^۱

روزهای غربت و مظلومیت

ما به همراه شهید نامجو در روزهای آغازین جنگ وارد مناطق جنوب شدیم و با تقسیم شدن به گروههای ده نفری (دانش) هر کدام در نقطه‌ای درگیر شدیم. من ابتدا در جاده سوسنگرد و حمیدیه مستقر شدم. بعدها به علت فشار زیاد نیروهای عراقی به خرمشهر به آن منطقه اعزام شدم.

در شهر خرمشهر گردان ۱۵۱ دژ و تعدادی از نیروی دریایی و ژاندارمری به شدت نبرد می‌کردند و ما هم به مقتضای نیاز مناطق مختلف خرمشهر به آن مناطق اعزام می‌شدیم.

یکی از عملیاتی که ما در منطقه جنوب انجام دادیم، انجام یک تک محدود روی نیروهای عراقی بود. این عملیات با ۵۰ نفر از نیروهای ارتش و سربازان منقضى ۵۶ و تعدادی از نیروهای مردمی انجام شد. ما پس از هماهنگی‌های لازم به طرف عراقی‌ها حرکت کردیم، ولی قبل از آنکه وارد عمل بشویم، یک گاو سرگردان روی مین رفت و تکه تکه شد. عراقی‌ها هم با دیدن این وضعیت آنچنان منطقه را زیر آتش گرفتند که اقدام هر گونه عمل از ما سلب شد و ما مجبور شدیم به پادگان دژ برگردیم. در حین بازگشت ما از پهلوی مورد هدف عراقی‌ها قرار گرفتیم، ولی به لطف خدا کسی آسیبی ندید و توانستیم به نیروهای مدافع خرمشهر و پادگان دژ بپیوندیم.

آن روزها روزهای غربت و اوج مظلومیت جمهوری اسلامی ایران بود. کسانی که در آن روزهای سخت از میهن اسلامی دفاع می‌کردند، این مظلومیت و غربت را با تمام وجود حس می‌کردند.

در یکی از عملیات شناسایی در کنار کانالی نشسته بودیم که صدایی شنیدیم و بلافاصله اسلحه کشیدیم و دو نفر را متوقف کردیم. ناگهان چشمم به اتیکت یکی از آنها افتاد که نوشته بود (لطفی). گفتم شما ایرانی هستید. گفتند آری و من هم خودم را معرفی کردم و گفتم من هم لطفی هستم و هم دیگر را در آغوش کشیدیم.

خاطرات دانشجوی سال ۳ نیازعلی داوری (سرتیپ ۲ آزاده فعلی)^۱

تجاوز عراق به مردم بی دفاع

وقتی تجاوز آغاز شد، ما به همراه شهید نامجو که در آن ایام هم وزیر دفاع و هم فرمانده دانشگاه افسری بود، به جنوب اعزام شدیم و پس از چند روز بلا تکلیفی نهایتاً به خرمشهر اعزام شدیم. یکی از مسایلی که دل مرا آتش زد این بود که پالایشگاه آبادان در آتش می‌سوخت و وضعیت اسفناکی به وجود آمده بود.

در داخل خرمشهر تیراندازی شدید بود و یگان‌های مستقر در خرمشهر (گردان دژ و تکاوران نیروی دریایی) و نیروهای مردمی مشغول نبرد با دشمن بعثی بودند. آن روز میدان نبرد شهرک ولیعصر و کارخانه سنگبری و دهکده‌ای در پشت خرمشهر بود و سازمان‌دهی کل نیروها در آن ایام با سرهنگ شریف النسب و سرگرد اقارب پرست بود.

اولین مأموریت من نگهبانی در پشت بام ساختمانی بود که به اکثر نقاط احاطه داشت. من پادگان دژ را دیدم که در آتش می‌سوخت و در آن لحظات که آفتاب در حال غروب بود، خیلی غم انگیز نشان می‌داد.

در حین نگهبانی و غرق افکار مغشوش خودم بودم که دستی به شانهام خورد. برگشتم و شهید نامجو را در مقابل خود دیدم. ایشان پس از احوالپرسی و اعلام خسته نباشید به من فرمودند که ستون پنجم در این منطقه زیاد است و توصیه کرد که بیش از پیش مراقب باشم.

روز هفتم یا هشتم مهرماه بود که ما در گروه‌های ۱۰-۱۲ نفری دانش به پلیس راه رفتیم و با دشمن درگیر شدیم. به غیر از نیروهای نظامی که شامل پرسنل پادگان دژ و تکاوران نیروی دریایی بود، عده‌ای از مردم بومی هم با شجاعت و غیرت تمام می‌جنگیدند.

وقتی نیروهای عراقی را عقب زدیم، رفتند و از پشت پادگان دژ درآمدند. پشت پادگان دژ منطقه خیلی خطرناکی بود، چرا که فضای باز بود و در تیررس نیروهای عراقی قرار داشت. این منطقه دانشجوی جوانمرد به فیض شهادت نایل آمد.

بعضی وقت‌ها از عملیات که برمی‌گشتیم و لازم بود استراحتی بکنیم، چند نفر به ما مراجعه می‌کردند و اطلاعاتی در مورد عراقی‌ها می‌دادند و از ما می‌خواستند که برای مقابله با عراقی‌ها به نقطه مورد نظر آنها برویم و ما بدون آنکه استراحت کنیم، مجبور می‌شدیم مجدداً به مناطق درگیری اعزام بشویم. گاهی در این مأموریت‌ها متوجه می‌شدیم که پس از رسیدن ما به آن نقطه توپخانه عراقی‌ها شدیداً آن نقطه را گلوله باران می‌کرد و وقتی دنبال آن منبع خبر یا راهنما می‌گشتیم، می‌دیدیم از او خبری نیست و معلوم می‌شد او ستون پنجم عراقی‌ها بوده است. از طرفی در گرما گرم درگیری باید مراقب نفر بغل دستی خودمان هم بودیم که ستون پنجمی دشمن نباشد و نخواسته باشد ما را از پشت سر مورد هدف قرار بدهد.

برای انجام مأموریتی پشت پادگان دژ رفتیم. وضعیت خیلی خطرناک بود. تانک‌های عراقی به نسبت روز قبل خیلی پیشروی کردند. آنها خیلی زود متوجه حضور ما شدند و ما را به رگبار بستند. ما به دستور سروان جوانشیر از هم فاصله گرفتیم و سینه خیز تا ۵۰ متری تانک‌های عراقی پیش رفتیم و در آنجا وارد یک نهر شدیم. دانشجو شکرالله پور پیشنهاد کرد جلوتر برویم و رفتیم. عراقی‌ها در آنجا هم متوجه حضور ما شدند و بیش از یک ساعت تمام ما را به رگبار بستند که نتوانستیم سربلند کنیم. پس از ساعتی وقتی سربلند کردم دیدم عراقی‌ها مشغول تقسیم مهمات هستند. بلافاصله اولین گلوله آرپی‌جی را به طرف آن نشانه رفتیم و شلیک کردیم. گلوله اول به هدف نخورد. این بار عراقی‌ها با تانک شروع به گلوله باران محل ما کردند. ما دوباره سرمان را مخفی کردیم و با صدای موتور تانک‌ها متوجه شدیم که تانک‌های عراقی به سوی ما در حرکت هستند. وقتی تانک‌ها از سنگر بیرون آمدند ما آنها را مورد هدف قرار دادیم و سه دستگاه تانک آنها را منهدم کردیم. عراقی‌ها به خیال آنکه ما نیروی زیادی هستیم و توانستیم تانک‌های آنها را بزنیم، فرار را بر قرار ترجیح دادند و مجدداً پشت پادگان دژ برای مدتی از تانک‌های عراقی خالی شد. ما هم مهماتمان تمام شد، ولی چون در مقابل دید و تیر عراقی‌ها قرار داشتیم، سینه خیز عقب عقب می‌آمدیم. این عقب نشینی بیش از ۵ ساعت طول کشید تا ما خودمان را به پادگان دژ رساندیم و پس از آن ساعت ۰۱۳۰ نصف شب خود را به محل استراحت خود رساندیم.

صبح روز نهم برای انجام مأموریتی به پلیس راه و شهرک ولیعصر رفتیم. در آنجا پرسنل پادگان دژ و نیروی دریایی و بسیجی‌ها شدیداً درگیر بودند. جنگ تن به تن و خانه به خانه اجرا می‌شد. من صحنه‌های فجیع زیادی آنجا دیدم. پستان گاوی را با گلوله زده بودند که خون و شیر از آن می‌ریخت.

با دیدن این صحنه عنان اختیار از دستم خارج شد ولی در آن لحظه نمی‌توانستم کاری بکنم. بالاخره خود را به کارخانه سنگبری رساندم. تعدادی از بسیجی‌ها هم آنجا بودند و گلوله‌های آرپی‌جی ۷ زیادی داشتند. من به پشت کارخانه رفتم. تکاوران نیروی دریایی هم آنجا بودند. تانک‌های عراقی پشت نهر به ردیف ایستاده بودند. یکی از پرسنل نیروی دریایی (احتمالاً به نام کریمی)^۱ گفت که من برای شما حفاظ آتش درست می‌کنم تا شما راحت تیراندازی کنید و بلافاصله با تفنگ قنداق تاشو خود شروع به تیراندازی کرد. من با هشت شلیک ۶ تانک عراقی را زدم و باقی تانک‌ها به سوی محل اختفای من یورش بردند و محل اختفای مرا گلوله باران کردند.

ناگهان یک شیء محکمی به دیوار مقابل خورد و من افتادم. وقتی به هوش آمدم، متوجه شدم که مرا کشان کشان از منطقه تخلیه می‌کنند. احساس کردم ترکش به شکم من خورده و چشمانم دید ندارند. دوباره بیهوش شدم.

وقتی چشم باز کردم در دور و بر خود دست‌های بریده، پاهای قطع شده زیادی دیدم و همه افراد دور و برم خون‌آلود بودند. دقایقی بعد فهمیدم که در بیمارستان خرمشهر هستم. هنوز از شناسایی ذهنی بیمارستان خارج نشده بودم که بیمارستان مورد هدف گلوله‌های عراقی قرار گرفت. بلافاصله ما را سوار آمبولانس کردند و از آنجا خارج کردند. در مسیر جاده آبادان آمبولانس هم مورد هدف قرار گرفت و من فقط یادم می‌آید که از آمبولانس بیرون افتادم.

وقتی به هوش آمدم در هاورکرافت نیروی دریایی در حال حرکت به سوی بوشهر بودیم.

۱. این تکاور ارزشمند دریایی الان دو پا قطع در قید حیات می‌باشد.

خاطرات سرهنگ شریف‌النسب^۱

سرآغاز پربرکت پیروزی کامل

از روز نهم آبان ماه ۵۹ حماسه مقاومت شکل هجومی تری گرفت. دشمن با زدن پل بر روی رودخانه بهمنشیر در کوی ذوالفقاری نیروهای ورزیده و تکاور خود را از پل عبور داده و در صدد ایجاد سرپل برای محاصره کامل آبادان بود. در این میان نیروهای حاضر در منطقه اعم از ارتش، سپاه، نیروهای مردمی به مقابله با دشمن برخاستند.

هنگامی که نیروهای لشکر ۷۷ ارتش با آرایش نظامی به منطقه رسید، بخشی از عملیات به دست مدافعین خرمشهر و آبادان انجام شده بود و گردان ۱۵۳ لشکر ۷۷ بدون درگیری در مناطق ساختمانی که می‌توانست فرسایشی و با تلفات همراه باشد، به محاصره دشمن پرداختند و از هر طرف دشمن را مورد هجوم خود قرار دادند، به طوری که در مدت کمتر از ۱۲ ساعت پل عراقی منهدم و بیش از ۷۰ درصد نیروهای دشمن از بین رفتند.

آنچه از دشمن باقی مانده بود، نشان می‌داد که عراق تجهیزات زیادی را به منطقه گسیل داشته است و اکثر تجهیزات دشمن خلع و فتح گردید و خیلی از نفرات دشمن از ترس خود را به آب انداخته و در آن غرق شدند به طوری که دو روز پس از این عملیات هنوز اجساد عراقی‌ها در رودخانه مشخص بود. از جیب بعضی از غرق شده‌ها مقادیر زیادی طلا و جواهرات ربوده شده از خرمشهر پیدا شد. یکی از مهاجمین عراقی نامه‌ای به همسرش نوشته بود و گویا موفق به ارسال آن نشده بود. متن نامه چنین بود: «عزیزم ما به سلامتی از بهمنشیر گذشتیم. وقتی همه نفرات ما عبور کردند، مستقیماً به بصره خواهیم رفت و دو سه روز دیگر در کنارت هستم» البته جنازه این عراقی در بهمنشیر به خاک سپرده شد. در این عملیات مقادیر زیادی غنایم جنگی به دست نیروهای ما افتاد و تعدادی از عراقی‌ها در حال فرار به اسارت نیروهای ما در آمدند.

از فردای آن روز روحیه عمومی شهر دگرگون شد و مردم از این پیروزی بسیار خرسند شدند. این عملیات سرآغاز جدید و پر برکت و امیدوار کننده برای ادامه مقاومت تا پیروزی کامل بود.

خاطرات سرهنگ پیاده محمد میرپور^۱

حمایت نیروهای مردمی با چوب و چماق

اوایل جنگ من فرمانده گروهان پیاده بودم که به همراه گردان به سریندر آبادان اعزام شدیم. سپس به دستور تیمسار فلاحی ما را با هلیکوپتر شنوک به جزیره هلی‌برن کردند و ما در مدرسه ۱۷ شهرپور مستقر شدیم. وقتی بخش غربی خرمشهر سقوط کرد، گروهان یک ما را به پل خرمشهر در کوت شیخ فرستادند و گروهان ما به کوی ذوالفقاری اعزام شد. در تاریخ ۸ آبان ماه دشمن به پاسگاه نزدیک شده بود. ما وارد معرکه شدیم و آنها را به خمپاره بستیم. در گرما گرم این نبرد نیروهای مردمی هم حتی با چوب و چماق به کمک ما آمدند. درگیری شدیدی ایجاد شده بود، ولی ما توانستیم دشمن را که روی رودخانه بهمنشیر پل زده بود، عقب بزنیم. در این درگیری تعدادی از افسران، درجه‌داران و سربازان ما شهید شدند. معاون من ستوان احمدلو شهید شد و خود من هم زخمی شدم.

خاطره سردار مرتضی نیلی^۱

یادی از سرگرد اقارب پرست

در تاریخ ۵۹/۷/۱۰ دشمن از سمت ۴۰ متری و کشتارگاه و گمرک به شهر نفوذ کرده بود و فقط ۳۰-۴۰ نفر نیرو از شهر دفاع می‌کردند. فرماندهی آنها به عهده فردی بود به نام سرگرد اقارب پرست. او نیروها را به گروه‌های ۵ نفری تقسیم می‌کرد و به مناطق دیگری می‌فرستاد. فشار در هر روز و هر ساعت و هر دقیقه زیاد می‌شد و نیروهای ما با دادن تلفات تحلیل می‌رفتند. با این حال این مقاومت بیش از ۴۰ روز طول کشید و با آنکه خرمشهر به دست نیروهای عراقی افتاد، با این حال خواسته صدام را که می‌خواست سه روزه خوزستان را بگیرد ناخواسته کرد. آن شب سرگرد اقارب پرست باقیمانده نیروها را در پل خرمشهر جمع‌آوری و پس از قرائت فاتحه‌ای به روح شهیدان این نبرد نابرابر گفت: «سعی کنید هر قدمی که بر می‌دارید به یاد خدا باشید و به خدا توکل کنید. می‌دانم خسته هستید و بدن‌هایتان بی‌رمق و ناتوان شده است و چشمانتان بی‌خوابی زیادی را تحمل کرده است، اما اکنون وقت استراحت نیست. اگر دیر بجنبیم دشمن به این سوی خرمشهر رخنه می‌کند. اکنون وقت استراحت نیست. امشب باید تا صبح کار کنیم و سنگر بسازیم»

و پس از آن خودش پیش‌تاز این مسئله شد و نیروهای باقیمانده که با حرف‌های او هیجان زده شده بودند با حمل گونی‌ها و احداث سنگر آماده مقابله با عراقی‌ها در صورت عبور از پل خرمشهر شدند. این بزرگمرد از ارتش برای خودشان و سایر ارتشی‌ها لباس و مهمات تحویل می‌گرفت و آنها را در اختیار ما می‌گذاشت. آن روزها ما نه لباس داشتیم نه غذا نه مهمات؛ فقط او بود که در برهوت بی‌باوری و بی‌تفاوتی‌ها نسبت به نیروهای مردمی برای ما دل می‌سوزاند و به هر ترتیبی بود تدارکات ما را جور می‌کرد.

منابع

ردیف	نام منبع	مؤلف/مؤلفین	انتشارات	سال انتشار
۱	نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس جلد ۱	سرتیپ ۲ علی نیکفرد، سرتیپ ۲ محمد جوادی پور، سرهنک سید یعقوب حسینی	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	۱۳۷۲
۲	نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس جلد ۳	سرتیپ ۲ محمد جوادی پور، سرهنک سید یعقوب حسینی	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	۱۳۷۳
۳	جبهه جنوب در شهریور ماه ۱۳۵۹	سرهنک سید یعقوب حسینی	ایران سبز	۱۳۸۶
۴	تاریخ جنگ تحمیلی	سرهنک سید یعقوب حسینی	ایران سبز	۱۳۸۷
۵	لشکر ۹۲ زرهی در سال اول جنگ تحمیلی	سرهنک سید یعقوب حسینی	ایران سبز	۱۳۹۱
۶	تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی	سرهنک سید یعقوب حسینی	ایران سبز	۱۳۹۲
۷	خرمشهر در جنگ طولانی	مهدی درودیان، مهدی انصاری، محمد درودیان، هادی نخعی	مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ	۱۳۷۷
۸	دژ خرمشهر	علیرضا پوربزرگ وافی	خورشید باران	۱۳۸۹
۹	باغ سوخته	علیرضا پوربزرگ وافی	خورشید باران	۱۳۸۹
۱۰	دفاع از آبادان	سرتیپ ۲ علی صادقی گویا	ایران سبز	۱۳۹۱
۱۱	آنچه گذشت	کنت مایکل پولاک	معارف جنگ	۱۳۹۱
۱۲	درس‌های جنگ مدرن	آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر	مرز و بوم	۱۳۸۹
۱۳	جنگ عراق و ایران	ژنرال عبدالحلیم ابوغزاله	مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ	۱۳۸۰
۱۴	جنگ صدام	کوبین وودز	مرز و بوم	۱۳۹۰

۱۵	خاطرات امیر اسدالله علم، جلد ۵	امیر اسدالله علم	مازیار	۱۳۵۴
۱۶	تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد ۲	دریادار حبیب الله سیاری	دفتر پژوهش‌های نداجا	۱۳۸۹
۱۷	تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد ۳	دریادار حبیب الله سیاری	دفتر پژوهش‌های نداجا	۱۳۸۹
۱۸	ناگفته‌های جنگ ایران و عراق در خوزستان	سرتیپ ۲ سید تراب ذاکری	مرکز آموزش اطلاعات	۱۳۹۲
۱۹	گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان	سرتیپ فرض الله شاهین راد	ایران سبز	۱۳۸۰
۲۰	جنگ خلیج فارس و آینده خاورمیانه	محمد طلوعی	تهران	۱۳۷۰
۲۱	اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی	فرهاد دژپسند و ...	مرکز اسناد دفاع مقدس	۱۳۸۷
۲۲	فرهنگ واژه‌های نظامی	سرتیپ محمود رستمی	ایران سبز	۱۳۸۶
۲۳	استراتژی مفاهیم و کارکردها	حسین حسینی	مجله سیاست دفاعی، شماره ۹	۱۳۷۳
۲۴	استراتژی نظامی	اف. لایگر	مجله سیاست دفاعی، شماره ۹	۱۳۷۳
۲۵	یادداشت گروه اطلاعات	سرتیپ ۲ سید تراب ذاکری	گروه تحلیل و تدوین نقش ارتش در جنگ	۱۳۹۲
۲۶	اطلس نبردهای ماندگار	ایثارگران نزاجا	مجتبی جعفری	۱۳۸۹
۲۷	اطلس خرمشهر در جنگ	ابوالقاسم جلیلی	مرکز مطالعات جنگ	۱۳۸۰

راهنمای نقشه

شماره نقشه	موضوع نقشه	صفحه
۱	موقعیت جغرافیایی خرمشهر	۳۱
۲	طرح عملیاتی لشکر ۳ زرهی عراق	۱۵۵
۳	منطقه پدافندی خرمشهر	۱۶۳
۴	مرحله یکم (آغاز تهاجم عراق)	۱۸۳
۵	مرحله دوم (محاصره خرمشهر)	۲۰۱
۶/۱	مرحله سوم (نبرد در داخل شهر)	۲۰۷
۶/۲	مرحله چهارم (نبرد در داخل شهر)	۲۲۵
۶/۳	مرحله پنجم (نبرد در داخل شهر)	۲۳۷
۶/۴	مرحله ششم (نبرد در داخل شهر)	۲۴۹
۷	طرح لشکر ۳ زرهی در شرق کارون	۲۶۳
۸	عملیات آفندی ۵۹/۸/۳ قرارگاه اروند	۲۸۱
۹	پیشروی دشمن به داخل آبادان	۲۸۷
۱۰	پاتک نیروهای ستاد عملیاتی آبادان (بیرون راندن دشمن)	۲۹۳

Iran – Iraq war
Combat in Khoramshahr & Abadan
(Assult til fixing)

2d.brigadier general Ali-Nikfard

2015